

# میراث شهاب

نشریه کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)  
- کنجینه جهانی مخطوطات اسلامی -

<p>نشانی: قم، خیابان آیت الله العظمی مرعشی نجفی <small>رحمته</small> شناسه پستی: ۳۷۱۵۷۹۹۴۷۳ نمبر: ۰۲۵-۳۷۷۴۳۶۳۷ تلفن: ۸ - ۳۷۷۴۱۹۷۰، ۳۷۷۳۸۲۶۶-۰۲۵ <a href="http://WWW.Shahab-news.com">WWW.Shahab-news.com</a></p>	<p>صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر سید محمود مرعشی نجفی سردبیر: ابوالفضل حافظیان بابلی صفحه آرایی: علی اصغر کاظمی و شنوه ناظر چاپ: علی حاجی باقریان</p>
<p>میراث شهاب نشریه تخصصی کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی <small>رحمته</small> در زمینه مباحث کتاب شناسی و نسخه پژوهی است، شامل:</p> <ul style="list-style-type: none"><li>• معرفی نسخه های خطی کتابخانه</li><li>• معرفی کتاب های چاپی نفیس کتابخانه</li><li>• تصحیح رساله های خطی کتابخانه</li><li>• معرفی انتشارات کتابخانه</li><li>• گزارش سفرهای علمی محققان کتابخانه</li><li>• مقالات ویژه قم پژوهی</li><li>• مقالات ویژه کتاب پژوهی و نویسندگی</li><li>• مقالات ویژه کتابداری و کتاب شناسی</li></ul>	
<ul style="list-style-type: none"><li>• هرگونه استفاده از مطالب میراث شهاب منوط به ذکر مأخذ است.</li><li>• مسئولیت مطالب هر مقاله به عهده نویسنده آن است.</li><li>• میراث شهاب در ویرایش مقالات آزاد است.</li><li>• میراث شهاب در پایان هر فصل منتشر می شود.</li></ul>	

# میراث شهاب



سال بیست و دوم، شماره چهارم، شماره پیاپی ۸۶

زمستان ۱۳۹۵

شماره استاندارد بین المللی: ۱۰۲۹-۴۷۸۳

ISSN:1029-4783

## فهرست مطالب

سخن سردبیر	۳
عبدالرحیم بن معروف رازی بر پایه مدارک نویافته	۷
محمد علی عیوضی	۲۷
قوام الدین کربالی و محمد بن شریف جرجانی در مجموعه بلاغی رازی	۵۱
محمد علی عیوضی	۶۵
الشیخ إبراهيم ابن الحاج علي السكري الحلبي	۹۵
بقلم: أحمد علي مجيد الحلبي	۱۲۵
اجازات شیخ اعظم مرتضی انصاری	۱۴۷
امرالله شجاعی	۱۵۵
تقیه عالمی امامی در دمشق	۱۶۵
دون استوارت، ترجمه محمد کاظم رحمتی	۱۷۵
کتابشناسی تقیه	۱۸۳
محسن صادقی	۲۵۳
رساله «نیات الحج» لابن فهد الحلبي	۲۵۹
اعداد: ابوالفضل حافظیان البابلي	
کتابشناسی و مقاله شناسی نظریه «صرفه»	
مهدی صفرزاده	
فهرست ترجمه‌های فارسی آثار سید مرتضی	
مهدی صفرزاده	
شرح نسخ، یادداشت دوم: کهن ترین نسخه احتجاج طبرسی	
علی صدرايي خويي	
دستنوشته‌هایی درباره حضرت مهدی	
حسن مهرآبادی آرنی	
سندی در قرائت قرآن، مصطفی قاری	
به کوشش: محمد جواد طالبی	
فال نامه رباعیات ابوسعید ابوالخیر	
ابوالفضل مرادی (رستا)	

## سخن سردبیر

خداوندا در توفیق بگشای      نظامی راه تحقیق بنمای

اکنون که میراث شهاب به دوره جوانی خود رسیده و بیست و دو بهار از عمرش می‌گذرد، مناسب می‌نماید مروری بر محورها و اهداف نشر این فصلنامه داشته باشیم و به پرسش‌های پژوهشگران عزیز درباره چگونگی نگارش مقاله برای این دفتر پاسخ دهیم؛ گرچه نگاهی به شماره‌های گذشته تا حدودی روشن‌گر راه در پیش گرفته نشریه است.

ناگفته پیداست غرض اصلی از اینگونه نشریات حوزوی، احیاء میراث علمی دانشمندان اسلامی و شیعی است؛ چنانکه بنیانگذار فقید این کتابخانه بزرگ نبی جز خدمت خالصانه به علوم اهل بیت علیهم‌السلام و اعتلای تمدن اسلامی در جهان نداشت؛ نشریه حاضر نیز خود را موظف و ملزم می‌داند در مسیری که آن مرجع فرهنگبان - مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله - ترسیم نموده گام بردارد و در حد بضاعت مزجاة خود، پاسدار و احیاء‌گر میراث اسلامی باشد - چنین باد.

در یک تقسیم‌بندی اولیه مقالاتی در این جا مجال نشر می‌یابد که مربوط به یکی از محورهای ذیل باشد:

۱. مقالات علمی - پژوهشی
۲. تصحیح رساله‌های خطی
۳. فهرست‌های نسخه‌های خطی داخلی و خارجی
۴. کتابشناسی‌های موضوعی
۵. معرفی و گزارش از جنگ‌ها و سفینه‌های خطی نفیس

۶. تصحیح و تحقیق سفرنامه‌های خطی
۷. گزارش سفرهای علمی پژوهشگران
۸. معرفی اجمالی نسخه‌های تازه وارد شده به کتابخانه اعم از خریداری، اهدایی، وقفی
۹. تصحیح اجازات روایی علمای شیعی
۱۰. نکته‌های نویافته از لابلای نسخه‌های خطی
۱۱. معرفی و نقدِ فهرسِ نسخه‌های خطی
۱۲. نگاهی به آثار ادبی شاعران پارسی سرا
۱۳. شرح حال و آثار دانشمندان و اثر آفرینان در حوزه علوم اسلامی
۱۴. گزارشی از پایان‌نامه‌های حوزوی و دانشگاهی در زمینه میراث پژوهی
۱۵. انساب و تبارشناسی
۱۶. مقالات رشته کتابداری
۱۷. مقالات ویژه قم پژوهی
۱۸. معرفی انتشارات کتابخانه و فهرس چاپ شده و تازه‌های مطبوع از میراث مکتوب
۱۹. ارائه سندهای تاریخی
۲۰. پژوهش‌های ویژه بررسی آراء و آثار علمی مرحوم آیه الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله

البته روشن است که با توجه به امکانات محدود و فضای اندک مجله، در هر شماره نمی‌توان در تمامی موارد پیشگفته مقاله یا مقالاتی عرضه کرد، چنانکه مقالات درج شده در مجموع شماره‌های چاپ شده، به محورهای فوق خلاصه نمی‌شود و انتظار می‌رود محققین پیشکسوت و پژوهشگران جوان و پرتلاش ایده‌ها و پیشنهادهای خود را در حوزه میراث پژوهی، کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی در میان گذارند و موجبات رشد و بالندگی این نهال جوان را فراهم آورند.

از نظریات و نقدهای مشفقانه صاحب نظران استقبال کرده و در شماره‌های آتی به کار خواهیم بست.

بدیهی است مقالات ارسال شده به فصلنامه پس از بررسی و ارزیابی امکان چاپ می‌یابند و به هیچ وجه نباید پیش از این در جایی به چاپ رسیده و یا در فضای مجازی منتشر شده باشند.

خوشبختانه فایل کامل آنچه از میراث شهاب تاکنون به چاپ رسیده به مرکز تحقیقات علوم اسلامی نور ارائه شده و بزودی در نورمگز در دسترس علاقمندان قرار خواهد گرفت. مقالات باید حروفچینی شده در محیط ورد (Word) با تصحیح و اصلاحات کامل ارائه شود و ارجاعات و منابع و مأخذ آن ذکر گردد، البته مجله در ویرایش مقالات آزاد است. در رساله‌های تصحیحی ارسال تصویر نسخه لازم است. سعی شود حجم مقاله از ۳۰ صفحه و زیری ۳۰۰ کلمه‌ای بیشتر نشود.

از همراهی و همکاری همه دوستانی که تاکنون با ارسال مقالات ارزنده خود بر غنای علمی مجله افزودند، صمیمانه تشکر نموده و در ادامه راه دست پُر مهرشان را به گرمی می‌فشاریم. در اینجا درود می‌فرستیم به روان پاک مرجع عالیقدر مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله که میراث گرانباشدش - کتابخانه بزرگ و گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی - امروز همچون خورشیدی در جهان اسلام می‌درخشد. یادگار ماندگاری که با مشقت و زحمت بسیار در عین تهی دستی و حتی تحمل روزها گرسنگی فراهم آورد و به رایگان در اختیار دانش پژوهان و علاقمندان به علوم اسلامی قرار داد.

در خاتمه لازم است از مجاهدت‌ها و تلاش‌های بیدریغ میراث‌بان نستوه حجت الاسلام و المسلمین حاج سید محمود مرعشی - حفظه الله و رعاه - یاد شود که راه پدر بزرگوارش را با صلابت ادامه داده و حمایت‌ها و ارشادات ایشان چراغ راه وزینت بخش این دفتر است.

والله ولی التوفیق





دوره سالنامه میراث شهاب از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۹۴ ش را در ۱۹ جلد می‌توانید از

انتشارات کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی تهیه فرمایید.

شماره تماس: ۰۲۵-۳۷۷۳۹۰۹۷



**عبدالرحیم بن معروف رازی (زنده در ۸۶۰ ه.ق)**  
**بر پایه مدارک نویافته، به همراه بخشی از**  
**«رسالة التحقيق و دفع الإشکال عن تعريفنا لعلم المعانی»**

﴿ محمد علی عیوضی ﴾

**مقدمه**

اولین بار میرزا عبدالله اصفهانی (۱۱۳۰ ه.ق) در ریاض العلماء از شخصی به نام عبدالرحیم بن معروف یاد نموده و کتاب نیل المرام او را معرفی کرده است.<sup>۱</sup> داده‌های ریاض العلماء در تکملة أمل الآمل و طبقات أعلام الشيعة و تراجم الرجال تکرار گردیده است،<sup>۲</sup> البته کتوری (۱۲۸۶ ه.ق) در کشف الحجب والأستار وثقة الإسلام تبریزی (۱۴۲۳ ه.ق) در مرآة الكتب و آقا بزرگ (۱۳۸۹ ه.ق) در الذریعة اطلاعات بیشتری راجع به نیل المرام ارائه نموده‌اند. اطلاعات ایشان همگی برگرفته از خطبة نیل المرام فی مذهب الأئمة عليهم السلام می‌باشد، که در بعض موارد به درستی گزارش نشده است.<sup>۳</sup>

خطبه نیل المرام به ما نشان می‌دهد که عبدالرحیم بن معروف متوطن ممالک تحت سیطره ملوک پادوسبانی در نیمه اول قرن نهم هجری قمری بوده و پس از مدتی تحصیل نزد عمویش

۱. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء ج ۳، ص ۱۱۳.

۲. تکملة أمل الآمل ج ۳، ص ۲۵۳؛ طبقات أعلام الشيعة ج ۸، ص ۳۱۸؛ تراجم الرجال: ج ۲، ص ۴۲.

۳. رسول جعفریان در مقدمه چاپ کتاب متذکرین اشتباهات شده است. نگر نیل المرام فی مذهب الأئمة عليهم السلام، عبدالرحیم بن معروف رستم‌داری، به کوشش و با مقدمه رسول جعفریان، چاپ اول: قم، نشر مورخ،

«قاضی قضاة المسلمين رضى الدنيا والدين»<sup>۱</sup> که منصب قاضی القضاة داشته است به قصد قصد ادامه تحصیل و به فرمان دربار پادوسبانی به سفری ده ساله می رود. وی می خواسته پس از اتمام تحصیلات ادامه دهنده راه عمویش در دربار پادوسبانی باشد. در این سفر نزد «جمی غفیر از نحاریر علماء و مشاهیر فقهاء» به تحصیل پرداخته و به مراتب عالیه علمی نائل گردیده است. در این زمان به فرمان ملوک پادوسبانی به رستمدار دعوت می شود، وی اجابت نموده و به وطن باز می گردد. وی قصد داشته کتابی تحفه سفر خود سازد و به اهالی رستمدار بنماید، تا این که شاهزاده کاووس فرزند کیومرث بن بیستون بن گسستم بن زیار (۸۰۷ - ۸۵۷؟ ق.ه) از ملوک پادوسبانی رستمدار از او می خواهد که کتابی در فقه تدوین نماید «تا اگر قضات زمان و فقهای اوان و متصدیان فتاوی آن مکان را بعد از آن خطایی یا میلی و جفایی به سبب نادانی یا به واسطه رشوه ستانی واقع شود شاهزاده عالمیان از مطالع این کتاب بر جمله ناصواب مطلع گردد». مأخذ وی در نگارش این کتاب *شرائع الإسلام و تبصرة المتعلمین و إرشاد الأذهان* می باشد. مرحوم استاد محمد تقی دانش پژوه از آنجا که احتمال داده است محمد بن عبد الخالق بن معروف گیلانی دارنده *کنز اللغات* و معاصر کارکیا سلطان محمد کیا بن سید ناصر بن سید محمد کیا (۸۵۱ - ۸۸۳ ق.ه) برادرزاده عبد الرحیم بن معروف باشد نسبت او را گیلانی دانسته و از همین جا به منابع دیگر نیز سرایت یافته است.<sup>۲</sup> رسول جعفریان نیز به استناد حضور وی در دربار پادوسبانی او را رستمداری قلمداد کرده است.

داده های خطبه نیل المرام در عین احتوا بر فوایدی هامة راجع به حیات وی نقاط مجهول بسیاری را روشن نمی کند. خصوصاً از مراتب تحصیلی و اساتید و شهرهای محل تحصیل، تالیفات و آثار و دلبستگی های فکری دیگر او که مهم ترین نقاط محط نظر در شرح حال دانشوران است اطلاعاتی بدست نمی دهد. خوشبختانه ما به مدراک دیگری دست یافتیم که می تواند تا حدودی در شناخت این زوایا مفید باشد.

باتبعی بیشتر معلوم می گردید از عبد الرحیم بن معروف جز نیل المرام فی مذهب الأئمة علیهم

۱. نیل المرام فی مذهب الأئمة علیهم السلام: ص ۷۹.

۲. نگر فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. محمد تقی دانش پژوه. چاپ اول: تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸؛ ص ۷۱۶؛ فهرستواره فقه هزار و چهارصد ساله اسلامی در زبان فارسی به انضمام رساله اصول فقه فارسی. محمد تقی دانش پژوه. چاپ اول: تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷؛ ص ۳۸



السلام یک کتاب و یک رساله به نام نظم البیان و رساله التحقيق و دفع الإشکال عن تعریفنا العلم المعانی - که از تصنیفات اوست - و سه نسخه ی خطی بجا مانده که وی به قلم خود نگاشته است، و بر اساس آن ها می توان نقاط مجهول حیات او را تا حدی روشن نمود.

از این سه نسخه خطی یکی از آنها را در مقاله آتی معرفی می کنم و اکنون خواننده را بدانجا ارجاع می دهم.<sup>۱</sup> آن نسخه به شماره ۱۴۰۳۴ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. اکنون تنها به معرفی آن دو نسخه دیگر می پردازم. این دو نسخه یکی در مجموعه شماره ۳۰۲۱ کتابخانه مسجد اعظم قم و دیگری به شماره ۱۸۳۸ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی یافت می شوند.

مجموعه شماره ۳۰۲۱ کتابخانه مسجد اعظم قم مشتمل بر سه کتاب نصاب الصبیان ابونصر فراهی (۶۴۰ ه.ق) و حدائق الحقائق شرف الدین حسن بن محمد رامی تبریزی (۷۹۵ ه.ق) و جمع مختصر و حید تبریزی (۹۴۲ ه.ق) می باشد. این سه کتاب که از نظر کاتب و تاریخ کتابت متفاوت می باشند بعدها در یک مجلد صحافی شده اند. رساله اول به سال ۹۰۳ ه.ق توسط عبدالحی بن مولانا عبدالاول بن مولانا عبدالمجید کتابت گردیده است. رساله دوم به سال ۸۴۷ ه.ق توسط عبد الرحیم رازی<sup>۲</sup> کتابت گردیده است. رساله سوم نیز به سال ۸۵۳ توسط طالب خان نگاشته شده است.

نسخه شماره ۱۸۳۸ کتابخانه مجلس شورای اسلامی مشتمل بر کتاب رسائل الشجرة الالهية فی علوم الحقائق الربانية اثر شمس الدین محمد شهرزوری (زنده در ۶۷۸ ه.ق) می باشد. مرحوم استاد عبدالحسین حائری در معرفی این نسخه نوشته است: «نسخه ای است به خط نسخ تحریری از آغاز قرن ۱۲ که تاریخ و نام کاتب ندارد. در ذیل نسخه رقم کاتب نسخه ای که این نسخه از روی آن - با واسطه یا بدون واسطه - رونویس [شده] به چشم می خورد... به نظر نگارنده کاتب خواسته این نسبت را جعل کند».<sup>۳</sup> لکن این احتمال قطعاً مقرون به صواب

۱. قوام الدین کربالی (زنده در ۸۳۹ ه.ق) و سید شمس الدین محمد بن شریف حسینی جرجانی (۸۳۸ ه.ق) در مجموعه بلاغی رازی (زنده در ۸۶۰ ه.ق). محمد علی عیوضی. میراث شهاب. شماره ۸۶، زمستان ۱۳۹۵.

۲. در فهرست مسجد اعظم نسب کاتب به غلط الوادی خوانده شده است، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم: ج ۳، ص ۵۳۵.

۳. فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای ملی. جلد پنجم. عبدالحسین حائری. صص ۲۸۹-۲۹۵.

نیست؛ زیرا دو نمونه دیگر از خط عبدالرحیم رازی موجود است که با این نمونه کاملاً مطابقت دارد. نیز وجود اشعار و تملکی که در برگ‌های آغازین نسخه به همین خط نوشته شده این احتمال را نفی می‌کند. خوشبختانه در چاپ این کتاب با مشخصات «رسائل الشجرة الإلهية فی علوم الحقائق الزبانیة. شمس‌الدین محمد الشهرزوری (زنده در ۶۸۷ ه.ق). تحقیق، تصحیح و مقدمه نجفقلی حبیبی. چاپ اول: تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۳» از این نسخه استفاده شده، لکن انجامه‌های کتاب به درستی نقل نشده است. کتابت این نسخه در سالهای ۸۵۹ و ۸۶۰ یعنی پس از نگارش *نیل المرام* صورت گرفته است و نشانگر علایق فلسفی رازی می‌باشد. «کاتب فهرست رساله‌ها و ابواب و فصول کتاب را روی دو صفحه‌ی اضافی آغاز نسخه نوشته و فصل ۱۶ از فن ۲ از رساله ۵ را از قلم انداخته است و در متن کتاب نیز از فصل نهم تا هفدهم فن مذکور یکجا از نسخه ساقط گشته. رساله دوم که در منطق است در این نسخه نیست و پس از رساله اول رساله دوم آغاز می‌گردد. در فهرست مزبور که از کاتب نسخه است پس از ذکر رساله دوم آمده: و اما ترکناها فی النسخه... لطول مباحثه» و در انجام رسال یکم نوشته «و اما أقسام آله الحکمة أعنی المنطق فهی تسعة أقسام ترکناها لما ذکرنا، فالآن نشرع فی الرسالة الثالثة فی الأخلاق والتدابیر والسلام علی خیر الخلائق محمد وآله واصحابه أجمعین أکتعین» در ص ۱۰ عنوان رساله سوم «فی الاخلاق و...» نگاشته شده ولی صفحه سفید مانده و در ص ۱۱ رساله سوم از نو آغاز شده است. روی ص ۶۶ عنوان رساله چهارم نوشته شده و خود آن از ص ۶۷ آغاز گردیده و در ص ۳۰۷ پایان یافته است. روی برگ‌های اضافی یادداشت‌هایی از رازی دیده می‌شود که در آتیه به نقل آنها می‌پردازیم. بر پشت نخستین برگ کتاب این تملیک دیده می‌شود: «من مواهب الله تعالی علی العبد الأذل الاحقر محمد حسن بن احمد النطنزی فی أواخر ۱۲۵۷» زیرا این یادداشت دو مهر است که بر یکی نام «محمد حسن بن احمد» نقش بسته است و نقش دیگری خوانا نیست. در پشت نخستین برگ نسخه یادداشتی راجع به سبعة منحوسه نوشته‌اند که به خط کاتب نیست و بر روی برگ بدرقه به نقل از *عیون المسائل توضیحاتی* راجع به ملل و نحل آمده است. در ذیل فرق اهل الاسلام از «الأمر - علیه السلام -» و «معاویة - علیه اللعنة -» نام

۱. نگارنده در این توضیحات از فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای ملی. جلد پنجم. عبدالحسین حائری. صص ۲۸۹-۲۹۵ استفاده بسیار نموده است.

برده است.

هرکس نمونه خط این سه نسخه را با یکدیگر مقایسه نماید قطع پیدا می کند که کاتب آنها شخص واحدی بوده است، اما هنوز این سؤال باقی می ماند که آیا این کاتب همان نگارنده *نیل المرام* است؟ در این مورد هر چند نمی توان به قطع قضاوت نمود لکن اتحاد نام، معاصرت زمانی، مشاهده گرایش های شیعی در تمامی این آثار، دلبستگی و ورود در علوم بلاغی و فنون شعری، کیفیت ذکر نام با مقدم نمودن عبارت «الفقیرالیه الله الرؤوف»، و سائر قرائن مشابه که در صورت تماس مستقیم با این متون برای خواننده معلوم می گردد او را به اتحاد این دو شخصیت رهنمون می گردد.

عبدالرحیم سال ۸۳۹ ه. ق در شیراز سعی می نمود که *مفتاح العلوم* را به نظم عربی درآورد و موفق گردیده نام آن را *نظم البیان* گذاشت، عبدالرحیم سال های ۸۴۷ تا ۸۵۷ ه. ق سعی داشت تا برخی ابواب فقهی را به نظم فارسی درآورد و آنها را در *نیل المرام* گنجانید.

عبدالرحیم ساکن شیراز و هرات از آنجا که در محیط های سنتی مذهب می زیست و نمی خواست شیعه تلقی شود تا با مزاحمت مواجه گردد و در خطبه آثارش و انجامة مرقومات همچون ستیان عبارات تصلیه را ادا می کرد و ابایی نداشت که «علی بن ابیطالب» را به «رضی الله عنه و کرم وجهه» دعا کند و در عین حال اشعار منسوب به آن جناب راجع به عقیده مهدویت را ذکر کند، اما زمانی که در سال های ۸۵۹ - ۸۶۰ در مناطق شیعه نشین و احتمالاً همچنان در رستمدر می زیست تمامی انجامة ها را به تصلیات خاصّ به شیعیان می نگاشت و اشعاری در دفاع «امیرالمؤمنین و امام المتقین - علیه سلام رب العالمین» می سرود و خطبه های آن حضرت در *نهج البلاغه* را نقل می نمود.

سؤالی که ممکن است به ذهن برسد آن است که رازی در کجا فقه شیعی را آموخته است؟ زیرا بسیار بعید است که فقه شیعی در شیراز و هرات تیموری تدریس می شده باشد.<sup>۱</sup> به نظر بنده می بایست فراگیری فقه شیعی توسط رازی را مربوط به سال های اولیه سکونتش در رستمدر دانست و استاد او را عمومیش قاضی قضاة المسلمین رضی الدنیا والدین قلمداد نمود. این احتمال برای خواننده امروزی که گمان می کند فقه بعد از گذراندن سطح عالیه منطق و علوم زبانی آموخته می شده جای سؤال دارد اما نباید فراموش کرد که این روال خاصّ به

۱. نهاده بر این پایه رسول جعفریان احتمال داده است که تحصیلات رازی در نجف صورت گرفته باشد.

اعصار ماست و در عصر عبدالرحیم بن معروف چنان مراتبی این چنین ملحوظ نبوده است. نمونه دیگری که سیرزندگانی او بی شباهت به عبدالرحیم بن معروف نیست، کمال‌الدین حسین الهی اردبیلی (۹۵۰ ه. ق) است که علوم شرعیّه را در زادگاهش اردبیل نزد «العالم الزاهد علی الآملی» آموخته و سپس در شیراز و هرات سطوح عالیّه منطقی و علوم زبانی و تفسیر و کلام و ریاضی و... را گذرانده است.<sup>۱</sup>

نهاده برای پایه به سراغ این مدارک می‌رویم و داده‌های تازه آن‌ها را راجع به عبدالرحیم بن معروف گزارش می‌کنیم:

در مجموعه ۱۴۰۳۴ مجلس و مجموعه شماره ۳۰۲۱ مسجد اعظم علاوه بر نام وی و پدرش به نام جدّ او و نسبتش نیز اشاره رفته است. وی در *انجامه المصباح* چنین نگاشته است: «و بعد فقد فرغ عن کتابة الشرحین یوم الخمیس من رجب سنة ثمان و ثلاثین و ثماناً عبدالرحیم بن معروف بن علی الرازی - غفر الله له و لوالدیه و أحسن الیهما و الیه - فی بلدة شیراز حمیت عن الأعواز». همچنین در *انجامه حدائق الحقائق* چنین نوشته است: «فرغ عن کتابته الفقیر الی الله الغنی عبدالرحیم بن معروف بن علی الرازی فی بلدة هراة حمیت عن الآفات سنة سبع و اربعین و ثماناً، الحمد لله علی انعامه علیّ و الشکر علی اكرامه ثمّ صلّاته علی النبی الهاشمی العرب الأمّی و آله و صحبه الأخیار». در اجازه کربالی لقب او و پدرش ذکر شده است، کربالی پسر را نورالملّۀ والدین و پدر را جمال الملّۀ والدین معرفی کرده است. همچنین معلوم می‌شود که پدر وی نیز همچون عمویش دارای مناصب علمی در دربار بوده است.

این اجازه و یادداشت او در آخر رساله دفاعیه‌اش نشان می‌دهد که وی پس از تحصیلات ابتدائی نزد عمویش بخشی از ادامه تحصیلات خود را نزد اساتید حوزه شیراز پی گرفته است که از میان ایشان *قوم‌الدین کربالی* و *شمس‌الدین محمد حسینی جرجانی* معین می‌باشند. این که وی نزد جرجانی چه دروسی را آموخته معلوم نیست، لکن جزئیات تحصیلات وی نزد کربالی در متن اجازه ذکر گردیده است و نشان می‌دهد که وی نزد کربالی بلاغت و منطق و کلام و تفسیر آموخته است. این تحصیلات در اوایل ذی‌القعدة سال ۸۳۹ ه. ق پایان یافته بوده است، و احتمالاً دو تا سه سال به طول انجامیده است و بنا بر این - و از آنجا که می‌دانیم سفر تحصیلی او ده سال به طول انجامیده - می‌بایست کتابت *حدائق الحقائق* به سال ۸۴۷ ه. ق در هرات

۱. نگر شرح حال و آثار الهی اردبیلی. محمد رضا بزرگ خالقی. میراث جاویدان. سال سوّم، شماره اوّل.

مقارن با آخرین سال سفر او باشد، پس می توان گفت که به تقریب از سال ۸۳۷ تا ۸۴۷ ه. ق. در شیراز و هرات به تحصیل پرداخته است.<sup>۱</sup> بر این اساس نگارش *نیل المرام* می بایست در بین سالهای ۸۴۷ تا ۸۵۷ صورت گرفته باشد. آخرین ردّ پایی که از *عبد الرحیم رازی* در تاریخ بجامانده است مربوط به سال ۸۵۹ و ۸۶۰ ه. ق. است. وی در این سالها *رسائل الشجرة الإلهية شهزوی* (زنده در ۶۸۷ ه. ق.) را کتابت کرده است که اکنون به شماره ۱۸۳۸ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود می باشد.<sup>۲</sup> متأسفانه در انجامه این کتاب به محل کتابت اشاره نشده است. روی یکی از برگ های اضافی آغاز نسخه یادداشتی از رازی به شرح ذیل موجود است:

... [افتاده] والجواب ما أنشاه الفقير إلى الله الرؤوف عبد الرحيم بن معروف - عفا الله عنهما -

عليك سلام يا من العلم فضله	و من أهل بيت المصطفى عند أهله
وما قيل إنّ الشرع بالوحي مثبت	فذلك ممّاليس يدفع مثله
فإنّ إمام المتقين مرجّح	لهذا على ما قد تبين نقله
ومستبعد أمر المكشوف ونهيه	وذا عجب ممن نسلم عقله
وما خالفت قول الإمام من الكلم	حرام لدينا ليس ينقل حله
وقسطاس أهل الكشف ممّا به كشف	لأصحابه للحقّ والغير شكله
ولكنّما العينين ما كان مدرکاً	من الأمر ما قد كان يدرك فحله

۱. استاد علی صدرائی خوبی احتمال داده اند که نگارنده نامه های از مصر به رویان در سفینه ی عطاء الله بمی (زنده در ۸۴۱ ه. ق.) - که نسخه ی خطی آن در مدرسه امام صادق علیه السلام اردکان موجود است *عبد الرحیم بن معروف* می باشد و بنابراین وی مدتی را بین سال های اقامت در شیراز و اقامت در هرات در مصر به تحصیل پرداخته است. طرفه آن که در این نامه ها شعاری از شاعر یگانه شیرازی *حافظ* نیز نقل گردیده است. لکن از آنجا که تاریخ نگارش این سفینه سال ۸۴۱ ه. ق. است و تعداد آن نامه ها سی و هفت عدد می باشد و ما می دانیم که رازی به سال ۸۳۹ در شیراز بوده است بعید به نظر می رسد که وی در طول دو سال و اندی اقامت در مصر سی و هفت نامه به رویان نگاشته باشد. لذا به نظر می رسد که نگارنده آن نامه شخصی غیر از *عبد الرحیم بن معروف* باشد. مضاف به این که مصر در آن روزگاران حوزه علوم نقلی اهل سنت بود و دلیلی نداشت که رازی به آنجا سفر کند. سفر او به هرات و شیراز نیز جهت فراگیری علوم معقول و ریاضیات و ادبیات بوده است که ظاهراً آسائید معتناهی در رویان نداشتته است.

۲. نگر فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای ملی. جلد پنجم. *عبدالحسین حائری*. صص ۲۸۹-۲۹۵.

وَأَمَّا كَلَامُ خَصِّ بِهِ الْأَمِيرِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - فَهُوَ مَا يَنْقَلُ هُنَا مِنْ غَيْرِ تَغْيِيرٍ وَتَبْدِيلٍ؛ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَإِمَامُ الْمُتَّقِينَ - عَلَيْهِ سَلَامُ رَبِّ الْعَالَمِينَ - فِي نَهْجِ الْبَلَاغَةِ عِنْدَ تَلَاوَتِهِ «رِجَالٌ لَا تُلْهِمُهُمْ تِجَارَةً وَلَا بَيْعًا عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ»: إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى جَعَلَ الذِّكْرَ جِلَاءً لِلْقُلُوبِ تَسْمَعُ بِهِ بَعْدَ الْوَقْفَةِ وَتُبْصِرُ بِهِ بَعْدَ الْعَشْوَةِ وَتَنْقَادُ بِهِ بَعْدَ الْمُحَانَدَةِ وَمَا بَرِحَ لِلَّهِ عَزَّتْ أَلَاؤُهُ فِي الْبُرْهَةِ بَعْدَ الْبُرْهَةِ وَفِي أَرْزَامِ الْفَتَرَاتِ عِبَادًا تَأْجَاهُمُ ... [افتاده]

و در حاشیه این ابیات نوشته شده: «کتاب شجرة الإلهية من تصانيف محرر هذا الكتاب المحتاج إلى الله الرؤوف عبد الرحيم بن معروف كاتب هذه الحروف»  
از همین بخش این نوشته که باقی مانده است معلوم می شود که دفاعیه ای از امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد.

وی در برگ های آغازین نسخه فهرستی از رسائل الشجرة الإلهية ارائه داده است و در بعضی مواضع مانند برگ ۲۷۰ و ۲۶۹ حاشیه هایی با امضای عبدالرحیم الرازی نگاشته است، در آخر الرسالة الرابعة نوشته: «تم الكتاب في العشر الأول من شعبان - من الله علينا بالمغفرة والرضوان - والصلاة والسلام على أفضل الإنس والجآن محمد المصطفى من بنى عدنان وعلى آله و عترته ولى الكرم والإحسان. سنة تسع وخمسين وثمانائة» و در آخر نسخه چنین نگاشته است: «تمت كتابة الشجرة الإلهية في العلوم الثلاثة على يد العبد الفقير إلى ربه الرؤوف عبد الرحيم بن معروف في أواخر ربيع الآخر سنة ستين وثمانائة - وفقنا الله بعمل بما فيه من العلوم -»

آنچه که ما از عبدالرحیم بن معروف در سال ۸۶۰ ه. ق می بینیم کاملاً با تشیع او سازگار است، هم دفاعیه اش از امیرالمؤمنین، نگاشته با القاب و عناوین شیعی و هم تسلیه ای که در انجامه آورده است به صورت «على آله و عترته». اما تسلیه ای او در انجامه کتابی که در هرات کتابت کرده بود مشتمل بر صلوات بر صحابه نیز بود و همچنین است تسلیه ای که در شیراز کتابت کرده است. وی حتی در شیراز زمانی که اشعاری از امیرالمؤمنین علیه السلام را کتابت نموده آن جناب را با «رضی الله عنه و کرم الله وجهه» دعا نموده، اما گرایش های شیعی در آن مجموعه نیز کاملاً هویدا است، مثلاً وی شعری منسوب به امیرالمؤمنین علیه السلام را جمع به مهدویت را کتابت نموده و در انتهای آن نوشته «صدق ولي الله والسلام»<sup>۱</sup> همچنین یادداشتی که نشانگر اعتقادات مذهب

۱. در اینجا تمامی آن ابیات را نقل می کنیم:

قال علي بن ابي طالب. رضي الله عنه .:

بُنِي إِذَا مَا جَاسَتْ التُّرُكُ فَاتَنْظُرُ  
وَذَلَّ مُلُوكُ الْأَرْضِ مِنْ آلِ هَاشِمٍ  
صَبِي مِنَ الصَّبِيَّانِ لَا رَأَى عِنْدَهُ  
فَتَمَّ يَقُومُ الْقَائِمُ الْحَقُّ مِنْكُمْ  
سَمَى نَبِي اللَّهِ نَفْسِي فِدَاؤُهُ  
وَلَايَةَ مَهْدِي يَقُومُ وَيَعْدِلُ  
وَبُوعِ مِنْهُمْ مَنْ بِلَدٍّ وَيَهْرِلُ  
وَلَا عِنْدَهُ جِدٌّ وَلَا هُوَ يَعْقِلُ  
وَبِالْحَقِّ بِأَيْتِكُمْ وَبِالْحَقِّ يَعْمَلُ  
فَلَا تَخْذُلُوهُ يَا نَبِيَّ وَعَجَلُوا

صدق ولي الله والسلام

ومن كلامه أيضاً. رضى الله عنه .:

إِذَا شِئْتَ أَنْ تُفْلَى فَرُزْمَتَوَانِرًا  
مُنَادِمَةٌ الْإِنْسَانَ بِحُسْنِ مَرَّةٍ  
وَإِنْ شِئْتَ أَنْ تَزْدَادَ حُبًّا فَرُزْمَتَوَانِرًا  
وَإِنْ أَكْثَرُوا إِذْمَامَهَا أَفْسَدُوا الْحَبَابَ

وله أيضاً:

تَفَنَّى اللَّذَاذَةَ يَمَنْ نَالَ شَهْوَتَهَا  
تَبَقَى عَوَاقِبُ سُوءٍ فِي مَعْبَتِهَا  
مِنَ الْحَرَامِ وَيَبْقَى الْإِثْمُ وَالْعَارُ  
لَا خَيْرَ فِي لَذَّةٍ مِنْ بَعْدِهَا نَارَ

وله أيضاً:

وَفِي الْجَهْلِ قَبْلَ الْمَوْتِ مَوْتُ لِأَهْلِهِ  
وَإِنَّ أَمْرًا لَمْ يَخَى بِالْعِلْمِ مَيْتٌ  
وَأَجْسَادُهُمْ قَبْلَ الْقُبُورِ قُبُورٌ  
وَلَيْسَ لَهُ حَتَّى الثُّشُورِ نُشُورٌ

وله أيضاً. كرم الله وجهه. فى مذمة النساء:

لَيْنٌ حَلَفْتَ لَا تَنْقُضِ التَّأَى عَهْدَهَا  
وَإِنْ هِيَ أَعْطَتْكَ اللَّيَانَ فَأَيْتَهَا  
فَلَيْسَ لِحُضُوبِ الْبَنَانِ عِمِينَ  
عَلَيْكَ سَجَى فِي الصَّدْرِ جِينٌ تَبِينُ

وله أيضاً:

لَا يَأْمَنَنَّ عَلَى التِّسَاءِ أَحُّ أَحًا  
كُلُّ الرِّجَالِ وَإِنْ تَعَفَّفَ جُهْدُهُ  
مَا فِي الرِّجَالِ عَلَى التِّسَاءِ أَمِينٌ  
وَاللِّتْسَاءِ سِوَى الْقُبُورِ حُصُونُ  
لَا بَدَّ أَنْ يَنْظُرَةَ سَيَحُونُ  
وَالْقَبْرُ أَوْفَى مِنْ وَتَقَّتْ بَعْدَهُ

وله أيضاً جواباً لأبيه حينما أمره بالصبر فى نصرأبيه:

اهل بیت بود در آن مجموعه یافت شده که به علت احاء آن دقیقاً نمی توان دانست به خط رازی می باشد یا غیروی. توجه به این تفاوت در نگارش ها به خوبی نشان می دهد که هر چند ممکن است در محیط های آن عصر برای حفظ جان و مال و موارد ضروری نیاز به تقیه نبوده است، اما برای زندگی فارغ از هیاهو و جنجال و مزاحمت های در دسرساز بسیاری از دانشوران با آن محیط ها سازگاری می کردند و این امری است که تشخیص مذاهب ایشان را برای ما تا قدری دشوار می نماید، و عبدالرحیم بن معروف یکی از بهترین نمونه ها است که می توان در فهم صحیح عقائد دیگر دانشمندان عصر تیموری در شیراز و هرات از آن استفاده شایان نمود. دانشورانی که بعضی از ایشان در کشاکش سقوط حکام سنی مذهب و ایجاد زمینه هایی برای آزادی مذهبی مذهب خود را آشکار نمودند.

عنایت رازی به شعر و ادبیات امری است کاملاً آشکار که در نیل المرام و سایر آثاری که کتابت کرده است دیده می شود. وی غیر از نظم البیان و منظومات فقهی که در نیل المرام آورده است آثار منظوم دیگری به شعر دارد، مثلاً در انتهای مجموعه بلاغی خود این اشعار را نگاشته است:

«هوالموفق»

لکاتبه - عفا الله عنه بفضله -

هر آنچه مشکل او بود ایزد آسان کرد	کسی که کار به گفتار اهل عرفان کرد
عجب مدار که این فضل با تو یزدان کرد	صدای بخت به گوش تو می رسد بشنو
که او خرابی خود را به نقض پیمان کرد	بیاد آنچه مراد است بیاب و ایمن باش
همیشه لطف نمود و مدام احسان کرد»	بگیر دامن شاهی که با موافق خویش

و یا در ابتدای رسائل الشجرة الإلهية منظومه ای در مدح امیر المؤمنین علیه السلام ساخته است. احتمال می رود با جستجوی بیشتر به ابیات دیگری از وی دست یابیم.

فَوَاللَّهِ مَا قُلْتُ الَّذِي قُلْتُ جَزَاعاً	أَتَأْمُرُنِي بِالصَّبْرِ فِي نَصْرِ أَحْمَدَ
لِيَتَعَلَّمَ أَيُّ لَمْ أَرُلْ لَكَ طَائِعاً	وَلَكِنِّي أَحْبَبْتُ أَنْ تَرُنْصِرْتَنِي
نَبِيَّ الْهُدَى الْمُحْمُودِ طِفْلاً وَيَافِعاً	وَسَعْيِي لَوْجَهَ اللَّهِ فِي نَصْرِ أَحْمَدَ





### «رسالة التحقيق و دفع الإشكال عن تعريفنا لعلم المعاني»

از آنجا که این رساله در بردارنده نمونه نشر عربی عبد الرحيم بن معروف رازی می باشد، و در بردارنده فوایدی در منطق می باشد آن را به این مقالت پیوست نمودیم. این رساله را عبد الرحيم بن معروف پس از نگارش *نظم البيان* به سال ۸۳۹ ه. ق در دفاع از اشکالاتی که او را به ارائه تعریفی نادرست از علم معانی متهم کرده بودند نگاشته است. وی قبل از ورود در موضوع اصلی کتاب تعریف دیگر صاحب نظران را نقل نموده و سپس سعی نموده تا قواعد منطقی تعریف را تصویر کند و آنگاه بر این اساس به شرح و نقد تعاریف دیگر صاحب نظران و دفاع از تعریف خود پرداخته است. این رساله پس از نگارش اولین صفحه آن توسط مؤلف مورد تجدید نظر قرار گرفته و دوباره از ابتدا آن را نگاشته و به انجام برده است. مؤلف راجع به اتهامات مطالب بر اساس نگاهی که در عرصوی بوده به تفصیل پرداخته است و نکاتی را که شاید در دیگر متون عرصوی بیان نشده شرح داده است. همچنین سعی کرده است که شواهد این روش تعریف را در قرآن و حدیث نشان دهد.<sup>۱</sup> من در اینجا به جهت ارائه نمونه ای از نشر عربی رازی و فواید منطقی ای که در این رساله دیده می شود بخش های آغازین آن را ارائه داده ام.

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم أرني الأشياء كما هي

نحمد الرحمن على ما علم القرآن، خلق الإنسان علمه البيان، ووضع الميزان فلا تظغوا في الميزان، ونصلي على خير من أوتي الفرقان، محمد المصطفى من بني عدنان، وعلى آله المشيدين لأركان الإيمان، واصحابه المؤسسين لمباني الإكرام والإحسان.

و بعد، فلما كان بعض من الإنس والجان، يخوضون في كتابنا نظم البيان، قاصرين عن كشف الأستار عن وجوه ما فيه من خيرات حسن، غير قابلين لمطالعة جمال مخدرات كائنات الباقوت والمرجان، قلنا: سنفرغ لكم أيها الثقلان، حور مقصورات في الحيام، فيأى الآء ربهما تكذبان؛ فنقول - وبالله التوفيق وعليه التكلان -:

۱. نمونه کاری که غزالی و ملاصدرا انجام داده اند.

أيها الطالب لكمال العرفان، الفائق على الأقران، الفائز بالقدح المعلق في ميدان الزهّان، الحريص على اقتناص أوابد الأوابد، المستكشف عن رموز كنوز فرائد الفوائد، الجدير بأن يسموا إليه الهمم العوالى، الحرى بأن يصرف فى خدمته الأيام والليالى، الخليق بأن ينظم فى مدحتة الجواهر والنثالى،

علاء لدين الله لا زال ثاقباً رفيع مبانى العرّما دام فى العلى

إنّ الباعث على تأليف هذه الرسالة، والداعى إلى ترصيف هذه المقالة، ما قد مرّ على أذنى أنّ بعض القاصرين يقولون تعريفنا لعلم المعانى باطل، وإته مما لا يحتوى على كثير طائل، والله يشهد إنّ المناقشين كاذبون<sup>١</sup>، فأحييت أن تبين فوائد القيود، ويكشف القناع عن حدود فوائد الحدود، فالمناسب أن ينقل تعريف المفتاح أولاً من حيث الإفادة والزيادة، ثمّ تعريف صاحب التلخيص و جهة عدوله عن ذلك، ثمّ جهة أوضحية تعريف الشارح - رحمه الله -، ثمّ دقائق حقائق ما اخترعناه وعلى تلك التعاريف رجحناه فأثرناه حتى ينكشف جلية الحال ويستحفظ الكتاب عن أكاذيب الحساد والجهال ويستضىء به آراء أرباب الكمال.

#### شعر

لا ينفع الحساد إلا موتهم شىء به خلصوا عن النيرانا

ولقد أحسن من قال:

وكم من عائب قولاً صحيحاً وأفته من الفهم السقيم

فلينظر إلى ما فى البين، وليبصر على أى الفريقين شين، لنجلى ما هو الحقّ اليقين، ويمتاز من على الهدى عمّن هوفى ضلال مبين.

فعلينا أن ينقل التعاريف الأربعة بأسرها، فتتكلم على قانون التوجيه فى أمرها؛ فنقول:

قال صاحب المفتاح:

اعلم أن علم المعانى هو تتبع خواص تراكيب الكلام فى الإفادة، وما يتصل بها من الاستحسان وغيره، ليحترز بالوقوف عليها عن الخطأ فى تطبيق الكلام على ما يقتضى الحال



ذكره<sup>١</sup>.

وقال صاحب التلخيص:

علم المعانى هو علم يعرف به أحوال اللفظ العربى التى بها يطابق مقتضى الحال.<sup>٢</sup>  
وقال مولانا - رحمه الله - فى شرحه المطول:

ثم الأوضح فى تعريف علم المعانى أنه علم يعرف به كيفية تطبيق الكلام العربى لمقتضى  
الحال.<sup>٣</sup>

وقلنا فى نظم المفتاح:

لعلم خواص للكلام إفادةً على وفق ما كان المقام محاولاً  
يقال له علم المعانى فإن تكن أردت له شرحاً فذا حدّه اجعلاً

هذا، ولا يخفى أنّ المستحسن فى هذا المقام توضيحاً لما هو المرام هو تذكير أنّ التعريف من أى  
مطلب من أصول مطالب الأربعة على وجهٍ وجيه، فنقول:  
قد تقرّر فى مصنفات القوم أنّ المطالب وإن كانت متكررة فأصولها أربعة،<sup>٤</sup> اثنان منها للتصوّر و  
اثنان للتصديق؛

وأما ما للتصوّر فذلك مطلب ما ومطلب أى.

أما مطلب ما فذلك على أقسام ثلاثة:

أحدها ما يطلب به حقيقة الشىء، كما يقال: ما هو؟ أى: ما حقيقته وماهيته وهذا الحد  
يسمى حداً حقيقياً.

وثانيها ما يطلب به شرح الاسم، كما يقال: ما الاسم وما الفعل وما الحرف؟<sup>٥</sup> والمطلوب منه

١. مفتاح العلوم. السكاكى، سراج الدين محمد بن محمد بن على (٥٦٢٦ هـ. ق). ضبطه وكتبه هوامشه وعلّق عليه نعيم

زرزور. الطبعة الثانية: بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٠٧: ص ١٦١.

٢. تلخيص المفتاح. جلال الدين محمد بن عبد الرحمن الشافعى المعروف بخطيب دمشق (٧٣٩ هـ. ق). كلكته،

١٨١٨: ص ٧.

٣. الإصباح فى شرح تلخيص المفتاح المعروف بـ«المطول». سعد الدين مسعود بن عمر التفتازانى (٧٩٢ هـ. ق).

صنعه محمد زكى الجعفرى الأديب الدرة الصوفى. الطبعة الأولى: قم، دارالحجّة، ١٤٣٥ هـ. ق: ص ٢٥٦.

٤. تريبع المطالب الأصلية مما جوزه الرئيس ابن سينا فى مؤلفاته؛ راجع مثلاً الشفاء ج ٩، ص ٦٨.

٥. قد يقال تعاريف الأمور المصطلحة من الحدود الاسمية. منه

الدلالة على تفصيل ما دل عليه الإسم إجمالاً وإفادته تصوّر لم يكن حاصلًا، ويقال هذا هو الحدّ الإسمي؛ ولا يخفى أنّ التغاير بينهما والحدّ الحقيقي [أنّ الحدّ الحقيقي] يخصّ الموجودات وأما الحدّ الإسمي فيعمّ الموجودات والمعدومات.

وكذلك الرسوم إمّا بحسب الحقيقة فيختصّ الموجودات وأو بحسب الإسم فيعمّ الموجودات والمعدومات.<sup>١</sup>

وثالثها ما يطلب به تصوّر المعنى من اللفظ المخصوص، أى يدرك أنّه معنى هذا الإسم أو ذاك، إذ كثيراً ما يعلم الشىء بحقيقته ولا يدرك أنّه معنى ذاك الإسم أو ذلك وهذا هو الحدّ اللفظى والغرض منه حصول التصديق بأنّ اللفظ موضوع لكذا.<sup>٢</sup>

والفرق بين الأخيرين ظاهر لأنّ هذا تعريف الشىء بما يرادفه، مقصوداً منه التصديق والحدّ الإسمي ليس كذلك، وقد اشترنا إلى ما فى هذا المقام فى نظم المفتاح بقولنا:

فما لسؤال الجنس أو عن صفاته وفى الجنس شرح الإسم والغير أدخلا

ولكون ما للسؤال عن الجنس ولل سؤال عن الوصف وقع بين موسى - عليه السلام - وبين فرعون ما وقع ولما كان شرح هذا الكلام لطوله لا يناسب المقام ترانا معرضين عن التعرّض.<sup>٣</sup>

وأما مطلب أىّ فهو قسم واحد وهو ما يطلب به تمييز الشىء عن غيره فى الذاتيات أو العرضيات كما اشترنا إليه بعد:

١. توجيهه أنك إذا قلت ما الإنسان؟ فكأنك قلت: أىّ جنس من أجناس الموجودات أو الحقائق؛ وكذلك ما التى تطلب بشرح الإسم، فإتك إذا قلت ما الغضنفر؟ فكأنك قلت: ما معنى هذا اللفظ؟ يعنى: أىّ جنس من أجناس المعانى... لا تشبهه قسماً على حدّه؛ وأما التى يطلب الوصف فقد أثبتنا أئمة اللّغة وكثرة استعمالها فى الكلام. قال النّبى ﷺ: سيروا فقد سبق المفردون! قال: وما المفردون يا رسول الله؟ قال: الذّاكرون الله كثيراً والذّاكرات. منه

٢. والحاصل أنّ المراد من الحدّ اللفظى إمّا هو تعيين المفهوم من اللفظ المخصوص، فيجاب بما يرادف ذلك اللفظ إن وجد وإلا جرىء بمركب يعين مفهوم اللفظ ولا يكون التفصيل الموجود فى ذلك المركّب مقصوداً، بل يقصد به مجرّد مفهوم خصوصيّة اللفظ؛ مثلاً إذا قيل ما الغضنفر؟ فيجاب: بالأسد، وإذا قيل ما معنى حوقل، فيقال: قال لاحول ولا قوة إلا بالله، ويسمى تعيين مدلول اللفظ حدّاً لفظياً، وأما الحدّ الاسميّ نحو قولك ما الكلمة؟ طالباً لحدّها الاسميّ والمراد منه تفصيل مدلوله الاصطلاحى بعد تعيين خصوصيّة إجمالاً. والحدّ الاسميّ بعد العلم بالمدلول الوصفى كلّه يصير حدّاً حقيقياً؛ فتأمل. منه

٣. راجع الشعراء (٢٦): ٢٣، ٢٨.



ولكن أياً للسؤال عن الذي يكون لتعريف الاشتراك من قبلا

والنزاع في الحدود الحقيقية بأن يقال: هذا الحد ليس مطابقاً للمحدود أو ما ذكر فيه ليس جنساً ولا فصلاً والتفصي عنه مشكل دونه خرط القتاد إذ الفرق بين الذاتيات والعرضيات في غاية الإشكال.

وخلاصة ما في هذا الباب يقال، هي أن المفهومات الصادقة على الشيء بهو هو تصيير باعتبار التحصيل على قسمين، وذلك أن محصل تلك المفهومات المحمولة إما المعاني الحاصلة للشيء المستتعبة للخواص أو الخواص المستتعبة للمعاني الحاصلة للشيء، فالمفهومات المتبوعات هي الذاتيات والتابعات مخصوصة كانت أو عامة هي العرضيات، يقال المفهومات الصادقة على الشيء بهو هو على قسمين:

أحدهما ما يكون محصلها المعاني المتبوعات، وثانيهما ما يكون محصلها الخواص التابعات، كالإنسان مثلاً فإن له عدة معان كل منها محصل مفهوم محمولاً عليه بهو هو كالاتغناء عن الموضوع فإنه بواسطة الاستغناء يقال له جوهر؛ والأبعاد الثلاثة فإنه بواسطة الأبعاد يقال له جسم؛ وكالتموفاته بواسطة نام؛ والحس فإنه بواسطة حساس؛ والحركة الإرادية فإنه بواسطة متحرك بالإرادة؛ والنطق فإنه بواسطة ناطق؛ فهذه المفهومات الصادقة عليه وإثبات للإنسان، لأن محصلها هي المعاني الحاصلة له، ثم هذه المفهومات المحمولة والخواص المحصلة محصلة معانٍ أخرى العرضيات، لما أن محصلها هو المفهومات والخواص التابعة للمعاني الأولى التي سميت بالذاتيات. فيقال إن الإنسان بواسطة أنه جسم متحيز، وبواسطة أنه نام متحرك في الأقطار، وبواسطة أنه حيوان نائم، وبواسطة أنه ناطق متعجب؛ فهذه المفهومات أعنى المتحيز والمتحرك في الأقطار والنائم والمتعجب عرضيات لأن محصلها هي الخواص التابعة؛ والمتبوعات هي الذاتيات إذ بها صارت تلك الماهية تلك الماهية والتابعات هي العرضيات إذ ليس لها مدخل في نفس الماهية بل إنما فصلت بالعرض، فإن التعجب مثلاً إنما يحصل له بواسطة التعجب والتعجب تابع للناطق الذي محصلة النطق الحاصل للإنسان.

وقد يناقش في الحد الحقيقي بما يناقش به في الحدود الغير الحقيقية.

وأما النزاع في الحدود الغير الحقيقية فبعدم المانع أو بعدم الجامعية أو بالاشتغال على مبهم

لم يفسر أو نحو ذلك، واصطلاح صاحب المفتاح على أن الحدّ عبارة عن القول الشّارح المانع عن دخول الغير الجامع لأفراد المحدود سواء كان بالذّاتيات أو بالعرضيات أو بالمركبّ منهما. وأما ما للتصديق فمطلب هل و مطلب لم، وكلّ منهما على قسمين: أمّا مطلب هل فباعتبار البساطة والتركب، فالبسيطة نحو «هل الحركة موجودة» والمركبة نحو «هل الحركة سريعة».

ثمّ اعلم! أنّ البسيطة متقدّمة مطلبها على مطلب ما إذا كان لطلب الحقيقة، لأنّ الشىء ما لم يعلم أنّه موجود لا يطلب حقيقته ومتأخّرة عن مطلب ما إذا كان لشرح الاسم، إذ من المحال أن يطلب وجود الشىء على ما هو مقتضى هل البسيطة من غير أن يتصوّر ذلك الشىء. وأمّا مطلب لم فباعتبار لميّة الحكم الذهني كما يقال: «لم قلت كذلك» وباعتبار لميّة الأمر في نفس الأمر، كما يقال: «لم كان كذلك»؛ ولا يخرج المجيب عن عهدة الجواب في هذا الباب إلّا أن يذكر المؤثر فيه في نفس الأمر. وأمّا المطالب الباقيّة كآين ومتى وكيف وكم فإنّها راجعة إلى اهل المركبة؛ تعرّف بالتأمّل!



ان دوست که دل ز بندها بر داشته؛ نیکوست که دل ز بندها بر داشته؛  
 دشمن جویشیدتی نیکبختی ز نشاط در پیکوست که دل ز بندها بر داشته؛

بش آب که عشاقی ز روان جان بازند در یاب که عشاقی ز روان جان بازند  
 که فیض خیال تو به بینند شبنمی در خواب که عشاقی ز روان جان بازند  
 نفع دوم است که شاعر توطئه گوید که اکثر الفاظ مصراع ثانی را در مصراع اول

سزای تاج و تخت از کار در سر معز العیثی او بیس این حسن با و

معبیته تا بود افلاک و اینم  
 معز العیثی او بیس این حسن با و  
 تا مجرده الی و وضع علی  
 التوفیق للکمال  
 وضع و کتابت

العقده الی الله العالی محمد الرحیم بن معروف بن علی الدارانی بن مهران بن سواد بن جریج بن عیسی بن الامان  
 سند سید و ارمین و عثمانی به محمد علی افغانه علی توانش علی کرامه  
 ثم صلوة علی النبی و آله و صحبه الاخیار

در امام باقر علیہ السلام و کل صلوات علیہ السلام علی من اتبع الهدی  
 فی الیوم لا یوفی فیہ شیء الا بعد نعال **شہاد** الی اللہ و یفین بانسان  
 و انما یتقوا اللہ علی کل صراط و انما یوفی فیہ شیء الا بعد نعال  
 او ساجد تو را بخیر علی اللہ علیہ وسلم بجز المعولین ملائکة فی موضع بمشیت علیہم فیما یستسأل  
 بجز علی ما فی الجہنم فیما فی اللہ الی الای الای اراجع منہ فلیتکلم لکشی و لا یسمع ما  
 و الارواح منهم من رایتہ فی کل صراط و انما یوفی فیہ شیء الا بعد نعال  
 سمانہ و فیما فی کل صراط منہ انما یوفی فیہ شیء الا بعد نعال  
 الامیر القادر من الملوک السلام بحکم الامارات و انما یوفی فیہ شیء الا بعد نعال  
 فیما فی کل صراط منہ انما یوفی فیہ شیء الا بعد نعال  
 الی اللہ من صف السالم العظیم الکفر الامام و المعصی و الای الی اللہ العظیم الکریم و الای الی اللہ  
 استغنی عن النعم الا بما یستغنی و لا یغنی و لا یغنی و لا یغنی و لا یغنی و لا یغنی و لا یغنی و لا یغنی  
 انما یوفی فیہ شیء الا بعد نعال و انما یوفی فیہ شیء الا بعد نعال  
 الی اللہ من صف السالم العظیم الکفر الامام و المعصی و الای الی اللہ العظیم الکریم و الای الی اللہ  
 الی اللہ من صف السالم العظیم الکفر الامام و المعصی و الای الی اللہ العظیم الکریم و الای الی اللہ  
 الی اللہ من صف السالم العظیم الکفر الامام و المعصی و الای الی اللہ العظیم الکریم و الای الی اللہ

انجامه نسخه شماره ۱۸۳۸ مجلس شورای اسلامی به خط عبدالرحیم رازی



### کتابنامه

الإصباح فی شرح تلخیص المفتاح المعروف بـ«المطول». سعدالدين مسعود بن عمر التفتازانى (۷۹۲ هـ.ق). صنعه محمد زكى الجعفرى الأديب الدرّة الصّوفى. الطبعة الأولى: قم، دارالحجّة، ۱۴۳۵ هـ.ق.

تراجم الرجال. سيد احمد حسینی، چاپ اول: قم، دليل ما، ۱۴۲۲ هـ.ق.  
تکلمة أمل الآمل. السيد حسن الصدر (۱۳۵۴ هـ.ق). تحقيق حسين على محفوظ، عبدالكريم الدبّاغ، عدنان الدبّاغ. چاپ اول: بيروت، دارالمؤرخ العربي، ۱۴۲۹ هـ.ق.  
تلخیص المفتاح. جلال الدين محمد بن عبد الرحمن الشافعي المعروف بخطيب دمشق (۷۳۹ هـ.ق). کلکته، ۱۸۱۸ م.

الذريعة إلى تصانيف الشيعة. آقا بزگ تهرانى. چاپ اول: ايران، اسماعيليان قم و کتابخانه اسلاميه تهران، ۱۳۶۵.

رسائل الشجرة الإلهية فى علوم الحقائق الربانية. شمس الدين محمد الشهرزورى (زنده در ۶۸۷ هـ.ق). تحقيق، تصحيح و مقدمه نجفقلی حبيبي. چاپ اول: تهران، مؤسسه پژوهشى حکمت و فلسفه ايران، ۱۳۸۳.

رياض العلماء و حياض الفضلاء، عبدالله أفندى الإصهاني، تحقيق السيد أحمد الحسينى، الطبعة الأولى: قم، مطبعة الحيتام، ۱۴۰۱ هـ.ق.

طبقات أعلام الشيعة. آقابزرگ تهرانى، الطبعة الاولى، بيروت، داراحياء التراث العربى، ۱۴۳۰ هـ.ق.

فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، على صدرایى خویى با نظارت عبدالحسين حائرى، چاپ اول: قم، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامى حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ هـ.ش.

فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای ملی. جلد پنجم. عبدالحسين حائرى. فهرست میکروفيلم های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. محمد تقى دانش پژوه. چاپ اول: تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.

فهرستواره فقه هزار و چهارصد ساله اسلامى در زبان فارسى به انضمام رساله اصول فقه

فارسی. محمد تقی دانش پڑوہ. چاپ اول: تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۶۷.  
کشف المحجب والأستار عن أسماء الكتب والأسفار، سید اعجاز حسین کتوری، قم،  
مکتبہ آیة اللہ المرعشی، ۱۴۰۹ هـ. ق.

مرآة الكتب. ثقة الاسلام تبریزی، الطبقة الاولى، قم، مکتبہ آیة اللہ المرعشی، ۱۴۱۴ هـ. ق.  
مفتاح العلوم. السکاکی، سراج الدین محمد بن علی (۵۶۲۶ هـ. ق). ضبطه وکتب هوامشه و  
علق عليه نعيم زرزور. الطبعة الثانية: بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۷.

نیل المرام فی مذهب الأئمة عليهم السلام، عبد الرحيم بن معروف رستمدری [!]. به  
کوشش و با مقدمه رسول جعفریان، چاپ اول: قم، نشر مورخ، ۱۳۹۵ هـ. ش.



**قوام الدین کربالی (زنده در ۸۳۹ هـ ق) و  
سید شمس الدین محمد بن شریف جرجانی (۸۳۸ هـ ق)  
در مجموعه بلاغی عبدالرحیم بن معروف رازی  
(نوشته در ۸۳۹ هـ ق)**

﴿ محمد علی عیوضی ﴾

مقدمه

هسته مرکزی حوزه علمی - کلامی شیراز در سده نهم را می توان در شش طبقه گنجانید، در طبقه اول شریف جرجانی (۸۱۶ هـ ق) قرار دارد که میراث حوزه های آذربایجان و ماوراءالنهر را به شیراز منتقل ساخته است و در حقیقت پایه گذار این حوزه می باشد. طبقه دوم را شاگردان وی تشکیل می دهند، کسانی همچون شمس الدین محمد بن شریف حسینی جرجانی (۸۳۸ هـ ق) و قوام الدین کربالی (زنده در ۸۳۹ هـ ق) و محی الدین کوشکماری (پدر قطب محیی دارنده المکاتیب) و خواجه حسن شاه بقال در این طبقه قرار می گیرند. طبقه سوم را شاگردان شاگردان او می سازند که شاخص ترین چهره های آنان سید صدرالدین محمد حسینی دشتکی (۹۰۳ هـ ق) و جلال الدین محمد دوانی (۹۰۸ هـ ق) هستند. طبقه چهارم شاگردان سید سند و محقق دوانی هستند کسانی همچون سید غیاث الدین منصور حسینی حسینی دشتکی (۹۴۸ هـ ق) و محقق خفری (۹۴۲ هـ ق) و نجم الدین محمود نیریزی (زنده در ۹۲۱) و کمال الدین حسین الهی اردبیلی (۹۵۰ هـ ق) در این طبقه قرار می گیرند. طبقه پنجم شاگردان طبقه چهارم هستند و چهره هایی همچون سید صدرالدین محمد ثانی حسینی حسینی دشتکی (زنده در ۹۶۱ هـ ق) و جمال الدین

محمود شیرازی (زنده در ۹۶۵ ه. ق) و فخرالدین سماکی (۹۸۴؟ ه. ق) و مصلح‌الدین محمد لاری (۹۷۹ ه. ق) و میرفتح‌الله شیرازی (۹۹۷ ه. ق) در آن می‌درخشند. طبقه ششم شاگردان طبقه پنجم هستند کسانی همچون میرزا حبیب‌الله باغنوی شیرازی شهیر به ملا میرزا جان (۹۹۴ ه. ق)، ملا عبدالله یزدی بهابادی (۹۸۱ ه. ق)، محمود بن محمد دهدار (۱۰۱۶ ه. ق) در این طبقه قرار دارند. بسیاری از مشاهیر این حوزه به تدریج به بلاد دیگر هجرت نمودند و جریان علوم اسلامی را در هرات و هند و عثمانی و ماوراءالنهر و اصفهان رواج دادند که تفصیل آن فرصتی وسیع می‌طلبد.

از میان این شش طبقه، طبقه دوم بسیار ناشناخته مانده و اطلاعات ما راجع به آن بسیار اندک است.<sup>۱</sup> خوشبختانه مجموعه‌ای به شماره ۱۴۰۳۴ در کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود که حاوی اطلاعاتی ارزشمند پیرامون این طبقه می‌باشد.<sup>۲</sup> این مجموعه از یک سو برگگی از حیات مبهم «أعلم تلامذه»<sup>۳</sup> شریف جرجانی (م ۸۱۶ ه. ق) قوام‌الدین کربالی (زنده در ۸۳۹ ه. ق) را دربردارد و از دیگر سو آفاق تازه‌ای از حیات شمس‌الدین محمد بن شریف حسینی جرجانی (م ۸۳۸ ه. ق) را نمایان می‌کند. همچنین روزنه‌ای بر شخصیت ناشناخته عبدالرحیم بن معروف رازی (زنده در ۸۶۰ ه. ق) دارنده نیل المرام فی مذهب الأئمة علیهم

۱. از آثار این طبقه تنها رساله‌ای در آداب‌البحث به فارسی که به خواجه حسنهاه بقال منسوب است دوبار و با مشخصات ذیل به طبع رسیده است: رساله آداب‌البحث، به کوشش محمد الحسینی المشکوة، سالنامه پارس، دوره نوزدهم، ۱۳۳۲، صص ۲۵-۳۱؛ آداب‌البحث و المناظرة، حسین [!] شاه بقال، سید محمد رضا رضایپور، مجموعه رسائل فارسی، دفتر هشتم، ۱۳۸۷، صص ۱۷۳-۱۸۳. البته درة المنطق و غرة المنطق به جهت آن که تعریب صغری و کبری هستند مکرر به طبع رسیده‌اند.

۲. این مجموعه نفیس در جلد سی و هشتم فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی به اختصار معرفی گردیده است. نگر فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، علی صدرایی خویی با نظارت عبدالحسین حائری، چاپ اول: قم، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷: ج ۳۸، صص ۵۲-۵۵.

۳. تعبیری است که غیاث‌الدین منصور دشتکی (م ۹۴۸ ه. ق) در آخرین فصل کشف الحقائق المحدثیه برای وی به کار می‌برد. نگر مجموعه مصنفات غیاث‌الدین منصور حسینی دشتکی شیرازی، به کوشش عبدالله نورانی، چاپ اول: تهران، دانشگاه تهران و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۵.

السلام<sup>۱</sup>. که از شاگردان طبقه دوم است. می‌گشاید و اطلاعاتی تازه از وی به دست می‌دهد.<sup>۲</sup> از دیگر فوایدی که در این مجموعه یافت می‌شود تاریخ دقیق وفات شریف جرجانی (۸۱۶ ه.ق) به خط سید صدرالدین محمد ثانی حسینی حسینی دشتکی (زنده در ۹۶۱ ه.ق) می‌باشد که نشان می‌دهد این نسخه زمانی در تملک وی بوده است.



### مجموعه بلاغی عبدالرحیم بن معروف رازی (زنده در ۸۶۰ ه.ق)

مجموعه ۱۴۰۳۴ کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی تماماً به خط عبدالرحیم رازی می‌باشد. وی با سلیقه‌ای در خور تحسین برگ‌های کتاب را با سه ستون عمودی (دو ستون هفت سانتی در دو طرف و یک ستون دوسانتی در وسط) تقسیم کرده است. در ستون میانی متن قسم ثالث مفتاح العلوم را کتابت کرده است (برگهای ۳ تا ۲۹۴ ر). قسم ثالث مفتاح العلوم در دو بخش نگارش یافته است، بخش اول آن در علم معانی (تا برگ ۱۹۴ ر) و بخش دوم در علم بیان است (تا برگ ۲۹۴ ر). در ستون سمت راست شرح مفتاح العلوم تفتنازانی (برگهای ۳ تا ۲۹۴ ر) و در ستون سمت چپ المصباح فی شرح المفتاح (برگهای ۳ تا ۲۹۴ ر) را نگاه داشته است. این دو شرح نیز به مانند متن در دو بخش کتابت شده‌اند.

وی با شش صفحه بین بخش معانی و بخش بیان فاصله ایجاد کرده است. از این شش سه صفحه سفید مانده و یک صفحه (برگ ۱۹۴ پ) مشتمل بر یادداشتی است که سعی شده تا محو شود، ولی هنوز می‌توان با زحمت بخشهایی از آن را خواند، آغاز این یادداشت چنین است: «اگر گویند بناء مذهب اهل البیت بر چیست، جواب گوئیم: که بر ایمان و اسلام... و روزه... و حج و جهاد. انجام آن چنین است: اگر گویند... عالم! [!] چیست، جواب گوئیم: «...» در اواسط این یادداشت اسامی دوازده‌گانه حجّت‌های خدا. صلوات الله علیهم. ذکر گردیده

۱. این کتاب با مشخصات ذیل به چاپ رسیده است: نیل المرام فی مذهب الأئمة علیهم السلام، عبدالرحیم بن معروف رستم‌داری [!]. به کوشش و با مقدمه رسول جعفریان، چاپ اول: قم، نشر مورخ، ۱۳۹۵.

۲. در مقالاتی دیگر بر پایه‌ی این مجموعه و مدارکی دیگر آفاق تازه‌تری از حیات عبدالرحیم بن معروف را بازگو می‌کنیم. ان شاء الله تعالی.

است. صفحه ۱۹۶ پ نیز مشتمل بر اجازه قوام‌الدین کربالی به عبدالرحیم بن معروف است که مابین بخش معانی و بیان مفتاح نگاشته شده است. در صفحه بعد (۱۹۷ ر) ترنج و سرترنج مُدَّهَب و الوانی را می‌بینیم که داخل آن بازر نوشته شده است: «إِنَّ الْكِتَابَ وَ شَرْحِيه لِكَاتِبِهِ عَبْدِ الرَّحِيمِ بْنِ مَعْرُوفٍ وَ صَاحِبِهِ».

در ادامه (از صفحه ۱۹۷) بخش دو قسم ثالث مفتاح همراه آن دو شرح به همان شکل کتابت گردیده است. در انتهای المصباح (۲۹۴ ر) یادداشتی از سید صدرالدین محمد ثانی حسنی حسینی دشتکی (زنده در ۹۶۱ ه. ق) آمده که در آن مطالبی راجع به مؤلف المصباح ذکر شده است.

ادامه این مجموعه در بردارنده یک رساله و یک کتاب از عبدالرحیم رازی می‌باشد. کتاب وی نظم‌البیان نام دارد و در آن کوشیده است تا قسم ثالث مفتاح العلوم را به نظم درآورد «۲۹۵ پ ۳۵۳ ر». و رساله او که پس از نظم‌البیان تألیف گردیده در صدد پاسخ به اشکالاتی است که «بعض القاصرین» به تعریف وی از علم معانی در آن کتاب بیان کرده‌اند. این رساله متضمن فوایدی در منطق تعریفات نیز می‌باشد. مؤلف ابتدا این رساله را «۲۹۴ پ» کتابت کرده و پس از نگارش یک صفحه تصمیم گرفته تغییراتی در محتوای آن ایجاد کند و با علائم سرخ رنگ مسجعات آن را از یکدیگر جدا نماید و عنوانین را به آن رنگ بنگارد، لذا یک صفحه «۲۹۵ ر» را خالی گذاشته و از صفحه بعد از آن دوباره از ابتدا به نگارش این رساله پرداخته است «۲۹۵ پ تا ۲۹۷ پ». در پایان این رساله عبدالرحیم رازی یادداشتی نگاشته و به ارتباط خود با شمس‌الدین محمد حسینی جرجانی (۸۳۸ ه. ق) اشاره کرده است «۲۷۹ پ». <sup>۱</sup> نظم‌البیان که از برگ بعد از این یادداشت شروع می‌شود در اغلب صفحات با حواشی بسیاری از مؤلف همراه

۱. در فهرست کتابخانه مجلس شمس‌الدین جرجانی به اشتباه شریف جرجانی قلمداد شده و این اشتباه از آنجا به کتابشناسی میرسید شریف جرجانی (گرگانی) و سپس شرح احوال، آثار و اندیشه علامه میرسید شریف جرجانی راه پیدا کرده است. نگر فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی ج ۳۸، صص ۵۲-۵۵؛ کتابشناسی میرسید شریف جرجانی (گرگانی). مهدی شکیبایان و رضا پورجودای. معارف، دوره نوزدهم، شماره ۳، آذر، اسفند ۱۳۸۱؛ شرح احوال، آثار و اندیشه علامه میرسید شریف جرجانی. علی بایزیدی. چاپ اول: گرگان، پیک رحمان، ۱۳۹۴: ص ۶۰.

گردیده است. پس از نظم‌البیان در دو صفحه بعضی آیات منسوب به امیرالمؤمنین - صلوات الله علیه - ذکر گردیده است. در آخرین صفحه نیز ایاتی با عنوان «معجون فلاسفه من منظومات مولانا حکیم» و «لکاتبه عفا الله عنه بفضله» آمده است.

در برگ‌های آغاز نسخه این یادداشت آمده است: «مفتاح العلوم و شرحه من المحققین المدققین السید الشریف و سعدالدین التفتازانی» «هذه النسخة النفیسة و الدرع اللطیفة کان للإمام الهمام أستاذ البشر العقل الحادی عشر سید المحققین و سند المدققین السید صدرالدین الشیرازی. أنار الله برهانه و رفع فی الخلد أعلامه. فی القرن التاسع من الهجرة و هانحن فی القرن الرابع عشر من هجرة خیر البشر، الأقلّ الفانی علی اصغر المازندرانی ۱۳۳۵» این تملیک نشان می‌دهد که مازندرانی صدرالدین محمد ثانی را با صدرالدین محمد اول خلط نموده و گمان کرده است که تملیک برگ ۲۹۴ از سید سند است. در آخر نسخه نیز این یادداشت دیده می‌شود «بمّنه و جوده. تعالی و تقدّس. من عواری الدهر لدی الأقلّ الفانی الحاج... قلی اصغر اهزار الجریبی المازندرانی کتبه بیده الخاسرة القاسیة فی ذی الحجّة الحرام سنه ۱۳۳۴» و بعد آن مهری با نقش «علی اصغر» آمده است.



### قوام‌الدین کربالی / قوام‌الدین کلباری (زنده در ۸۳۹ ه. ق.)

#### و نمونه خط وی در مجموعه بلاغی رازی

هیچ یک از منابع تاریخی بخش جداگانه‌ای را به ترجمه قوام‌الدین کربالی اختصاص نداده‌اند،<sup>۱</sup> بلکه نام وی همواره در ترجمه شاگردان وی یاد می‌شود. در اسم وی اختلافی دیده

۱. البته از این میان می‌بایست مرحوم آیت الله سید حسن صدر (۱۳۵۴ ه. ق.) را استثناء نمود. وی در تکملة أمل الأمل بخشی جداگانه به وی اختصاص داده و اطلاعاتی را که در ریاض العلماء و مجالس المؤمنین یافته ذکر نموده لذا مشتمل بر نکته جدیدی نمی‌باشد. همچنین مشتمل بر دو خطا می‌باشد اولاً آنکه راجع به شرح المحرّر شیفتکی شیرازی (م ۹۰۷ ه. ق.) آن را به قطع المحرّر ابن فهد حلی (م ۸۴۱ ه. ق.) شمرده و این قطع را به ریاض العلماء نسبت داده، حال آنکه در ریاض باتشکیک آمده است: «ولعله لابن فهد أول للشافعی». ثانیاً گمان برده است که شریف جرجانی و علامه شیرازی (۸۱۶ ه. ق.) که قاضی نورالله شوشتری (۱۰۱۹ ه. ق.) ذکر نموده دو کس می‌باشند.

نی شود، و مابقی که به ذکر نام او پرداخته اند همگی او را محمد دانسته اند. اما لقب وی باری همادالدین و باری قوام الدین ذکر گردیده است. همچنین نسبت وی گاهی کربالی و گاهی کلباری (/گلباری!) ضبط شده است.<sup>۱</sup> کاریست ریخت کلبار به جای کربال به جهت قرابت آوایی آنهاست که در عربی کربالی و در فارسی کلباری خوانده می شود. (کرنام رودخانه ای است و چون از دو جانب این رودخانه دهات و مزارع افتاده است هر جانبی را بال گویند [و] در آخر سردسیرات فارس در جانب مشرقی شیراز است)<sup>۲</sup>. در این مورد بال صورت دیگری است از بار به معنی ساحل و کنار، کناره، ناحیه، منطقه، جای، حوالی، مملکت و مطلق زمین مانند ارونند بار به معنی ساحل ارونند یا دجله و چنین است ترکیبات دریا بار، رود بار، زنده بار، بنابراین کربال به معنی سرزمینهای ساحل رود کر می باشد.

قدیمترین منبعی که نام وی در آن دیده می شود موسوعه گرانقدر الضوء اللامع لأهل القرن التاسع می باشد. حافظ سخاوی (م ۹۰۲ ه. ق) در دو جا از وی نام برده است. وی اولین بار در ذیل ترجمه حمیدالدین عبدالمحسن شروانی (م ۸۸۹ ه. ق) که از شاگردان کربالی است و سخاوی خود او را در مکه دیده بوده از کربالی نام برده است. بنا به گفته سخاوی شروانی نزد کربالی منطق، اصول فقه، اصول دین، تفسیر و حدیث و بلاغت آموخته است. او متون درسی آنها را نیز نامبرده و نوشته که کربالی در تفسیر الکشاف و در حدیث جامع بخاری و الخلاصة فی اصول الحدیث و در کلام شرح المواقف و در بلاغت شرح المفتاح تفتازانی و المصباح را تدریس می کرده است.<sup>۳</sup> دیگر باری که حافظ سخاوی از کربالی یاد نموده در ذیل ترجمه قطب الدین محمد اصفهانی

۱. در کشف الظنون هماد الدین الکلناری آمده است که قطعاً سهویاً غلط مطبعی است، نگر: کشف الظنون ج ۲، ص ۱۱۱۶. این اشتباه از کشف به جامع الشروح و الحواشی نیز راه یافته است، نگر: جامع الشروح و الحواشی ج ۲، ص ۱۳۴۹. مرحوم استاد عبدالله نورانی در ویراست کشف الحقائق المحمدیة الکرالی را الکرمانی خوانده است که با مراجعه به نسخه اساس (شماره ۵۴۰۹ کتابخانه مجلس شورای اسلامی) تصحیح معلوم گردید این خوانش قطعاً به صواب نیست.

۲. فارسنامه ناصری، میرزا حسن حسینی فسائی (۱۳۱۶ ه. ق)، تصحیح و تحشیه از منصور رستگار فسائی، چاپ سوم: تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲ ه. ش.

۳. الضوء اللامع لأهل القرن التاسع، شمس الدین محمد بن عبدالرحمن السخاوی (م ۹۰۲ ه. ق)، بیروت، دارالحیئل: ج ۵، ص ۷۸.





شیرازی سناء (زنده در ۸۹۷ ه. ق) می‌باشد که او نیز از شاگردان کربالی در کلام است. سخاوی در اینجاست که کربالی را «أحد تلامذة الجرجانی» دانسته است. لازم به ذکر است که سناء و فرزندش عقیف‌الدین محمد از شاگردان حافظ سخاوی نیز می‌باشند و در سالهای ۸۸۶ ه. ق و ۸۹۷ ه. ق در مکه از او استفاده برده‌اند و پدر از او اجازه روایت گرفته است.<sup>۱</sup> بنابراین اطلاعاتی که سخاوی از کربالی به دست می‌دهد با یک واسطه به توسط دو شاگرد کربالی نقل گردیده و می‌تواند یکی از موثق‌ترین منابع دربارهٔ کربالی باشد. سخاوی تنها نشان داده که کربالی از شاگردان شریف جرجانی بوده است و متونی که وی تدریس می‌کرده و نیز دوتن از شاگردان او را نام برده است. لازم به ذکر است که حافظ سخاوی کربال را می‌شناخته و در ذیل ترجمه قطب‌الدین احمد کربالی آن را یکی از نواحی شیراز دانسته است.<sup>۲</sup>

منبع موثق دیگری که از کربالی یاد نموده است کشف الحقائق المحمدیة اثر غیاث‌الدین منصور حسینی دشتکی شیرازی (م ۹۴۸ ه. ق) می‌باشد. ظاهراً غیاث‌الحکماء پس از نگارش اولیه این کتاب هنگامی که خواست آن را برای فرزندش میرصدرالدین محمد ثانی (زنده در ۹۶۱ ه. ق) تدریس نماید تغییرات اندکی در آن ایجاد نمود، لذا ما امروزه دو تحریر از این کتاب در دست داریم.<sup>۳</sup> در هر دو تحریر نام کربالی ذکر گردیده اما با تفاوت‌هایی. وی در تحریر اول می‌نویسد: «وَأَخَذَ (سید سند) الْعُلُومَ الْحَكْمِيَّةَ مِنْ عُلَمَاءَ عَقْلَاءَ مِنْهُمْ مِنَ الْمُؤَلِّفِ الْمُؤَالِي، قِوَامِ الدِّينِ

۱. الضوء اللامع لأهل القرن التاسع: ج ۸، ص ۲۱۸ و ج ۹، ص ۱۶۴.

۲. الضوء اللامع لأهل القرن التاسع: ج ۲، ص ۹۸.

۳. البته اثبات این مسئله نیازمند تتبع و تدقیق بیشتری است. در ویراست مرحوم استاد عبدالله نورانی دو نسخه از تحریر اول و یک نسخه که اساس تصحیح است از تحریر دوم استفاده گردیده است. ایشان به مسئله تحریرهای متفاوت توجه نفرموده‌اند و اختلافات تحریر اول را داخل [ ] آورده‌اند. نسخه شماره ۵۴۰۹ کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی مطابق با تحریر دوم و نسخه شماره ۱۹۴۵ همانجا مطابق با تحریر اول است. ظاهراً این تجدید نظرها هنگامی صورت گرفته است که غیاث‌الحکماء این کتاب را برای میرصدرالدین محمد ثانی تدریس می‌نموده است. در یادداشت‌هایی که صدرالدین محمد ثانی در پایان نسخه‌ای که آن را در محضر مؤلف فراگرفته است این عبارت آمده که می‌تواند حدس ما را - راجع به تحریرهای دوگانه - تقویت نماید «تم تألیف هذا الشرح الکریم علی ما هو علیه الآن ...» - این عبارت سه بار در یادداشت‌های پایان نسخه تکرار گردیده است - نیز می‌توان از بخش‌هایی که صدرالدین ثانی تاریخ تألیف و تدریس را یکی دانسته برای رد احتمال ماسود جست، زیرا می‌تواند تمامی آن‌ها راجع به تحریر ثانی باشد.

الکربالی و هو الفرید الوحید فی زمانه، و هو أعلم تلامذة السید الشریف الجرجانی المنتهی إلى قطب الفضلاء و من سبقه من العلماء». اما در تحریر دوم این عبارت را حذف نموده و جای آن را عوض نموده و چنین نوشته است: «وله (سید سند) مباحثات و مناظرات مع المولی الوالی قوام الدین محمد الکربالی، و لقد صرف عنانه عما جرى و مضى علیه من آراء قرّ استاده السید الشریف الجرجانی الذی أبرز كثيراً من القرمطة فی الفلسفة». از آنجا که در هر دو این تحریرها در ادامه نوشته است «وله طریقه خاصّة أُخری...» معلوم می‌گردد که هر چند در تحریر دوم از واژه تلمذ استفاده نکرده است، لکن مراد وی از مباحثه همان تلمذ است، لذا در مقابل آن طریقه، طریقه دیگر را نیز معرفی نموده است.

در جنگ میرابوالفخر بن فضل الله حسینی شیرازی (متولد ۹۸۸ ه. ق) در ذیل عنوان «میر صدرالدین محمد ولد استاد البشر میر غیاث الدین منصور احوال پدر بلند اختر خود اینچنین به تحریر در آورده» یادداشتی از سید صدرالدین ثانی - که می‌دانیم کشف الحقائق المحمدیة رانزد پدر آموخته - آورده است که می‌تواند شارح نوشته غیاث الحکما باشد؛ ما در اینجا عین عبارات وی را نقل می‌کنیم: «علامه شیرازی امیر صدرالدین محمد - رضی الله عنه - در اوائل طلب تلمذ مولانا قوام الدین کلباری نموده که خلیفه معتبر و افضل تلامذه امیر سید شریف علامه بوده؛ و به اندک وقتی علامه قوامی گوید که توجهت خود تدبیری کن و فکر استادی دیگر نما که من از درس گفتن شما عاجزم و تاب مباحثه شما ندارم و شما از من برتر و بهتر شده‌اید. میر خود مدتی بود که این حال معلوم دانست و در این فکر بود، اما ملاحظه خاطر استاد می‌کرد؛ و چون او در نصرت استادش میر سید شریف علامه قدری بی اختیار بود و در اول حال که میر بر سید اعتراضات می‌کرده بدو گوش نمی‌کرده و اعراض می‌نموده لیکن در آخر اعتراف نموده که من از روی تعصب چنان می‌کردم و شما محقید و اعتراضات وارد و ورقی چند

۱. این جنگ از نفیس‌ترین منابع موجود جهت اطلاع از زوایای ناشناخته و اسناد بازمانده قرون نهم و دهم است و نگارنده مدتی است که پیرامون آن به تدقیق می‌پردازد. نمونه را در ادامه همینجا از السید الفاضل مسلم الفارسی - که در کشف الحقائق المحمدیة، ص ۹۸۳ ذکر او اینگونه آمده است - با عنوان «حضرت علامه أعلم امیر جلال الدین مسلم کاه کش» نام برده است، که می‌تواند راهگشای تتبعات آتی باشد.

بیرون آورده که در این مدّت آنها را ثبت می‌کرده بوده»<sup>۱</sup>.

قاضی نورالله مرعشی شوشتری (۱۰۱۹ ه.ق) در مجالس المؤمنین کربالی را به مانند برخی دیگر از «تلامذه سیّد المحققین میر سیّد شریف علامه شیرازی» از اساتید سید ضیاء الدین نورالله مرعشی شوشتری در شیراز دانسته است.<sup>۲</sup> همچنین در ترجمه «سیّد الحکماء و المدققین امیر صدرالدین محمد شیرازی» حاصل ترجمه عبارات غیاث الحکماء در کشف الحقائق المحمدیه را نقل نموده است.<sup>۳</sup>

منبع کهن دیگری که از کربالی / کلباری یاد کرده است حبیب السیر می‌باشد. خواندمیر (م ۹۴۲ ه.ق) در ذیل عنوان «ذکر طایفه‌ای از سادات و علما و اشراف که بعضی از ایشان با سلاطین آق قوینلو و زمره‌ای در ایام دولت ابد پیوند شاهی اکتساب فضل و کمال نموده‌اند» به ذکر ترجمه دانشمندان اواخر حکومت آق قوینلو (۷۸۰ - ۹۰۸ ه.ق) و اوایل حکومت صفوی (۹۰۷ - ۱۱۳۵ ه.ق) پرداخته است. وی در صدر این فصل به ترتیب از سیّد صدرالدین محمد حسینی دشتکی شیرازی، سید سند (م ۹۰۳ ه.ق) و جلال الدین دوانی (م ۹۰۸ ه.ق) و شرف الدین شیخی شیرازی (م ۹۰۷ ه.ق) نام برده و هر سه را شاگرد کربالی قلمداد نموده است. البته وی همه جا از نسبت گلباری / کلباری استفاده نموده است. وی در ترجمه سیّد صدرالدین محمد حسینی دشتکی شیرازی، سید سند (م ۹۰۳ ه.ق) و شرف الدین شیخی شیرازی (م ۹۰۷ ه.ق) کلباری / گلباری را با لقب قوام الدین نام برده اما در ترجمه جلال الدین دوانی (م ۹۰۸ ه.ق) از

۱. جنگ میر ابوالمفاخرین فضل الله حسینی شیرازی، (مخطوط) ص ۳۷۱.

۲. مجالس المؤمنین. قاضی نورالله شوشتری (۱۰۱۹ ه.ق). مقدّمه، تصحیح و تعلیقات: ابراهیم عرب پور، منصور ستایش، محمد رضا محمدیان، محمد حسن خزاعی، محمد علی علی دوست. چاپ اول: مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۲؛ ج ۴، ص ۴۵۵. عین عبارت مجالس المؤمنین را علاء الملک مرعشی در فردوس آورده است. نگر: فردوس، علاء الملک مرعشی، با مقدّمه و تصحیح و تعلیق میر جلال الدین حسینی

ارموی (محدث)، چاپ اول: تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۵۲ ه.ش، ص ۱۸.

راجع به کربالی در منابع متأخر بنگرید به روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات، ج ۷، ص ۱۹۴؛ ریاض الجنة ج ۳ ص ۴۱۹؛ که مطالب قبلی را تکرار نموده اند.

۳. مجالس المؤمنین: ج ۴، ص ۵۵۹.

وی بالقب همام الدین یاد نموده است.<sup>۱</sup>

حسن بیگ روملو (زنده در ۸۹۹ ه.ق) نیز در احسن التواریخ دو جا از کربالی یاد می‌کند. ذیل ترجمه دوانی و ذیل ترجمه شیفکی. و مطالب حبیب السیر را تکرار می‌کند.<sup>۲</sup>

در اینجا ممکن است تصور شود که همام الدین و قوام الدین دو شخصیت متفاوت هستند، همانگونه که دارنده فارسنامه ناصری گمان نموده و در ذیل «بلوک کربال» از دو شخصیت نام برده است. عجیب آنکه وی قوام الدین را استاد «حضرت افادت و افاضت منزلت، سید المدققین میر صدر الدین محمد دشتکی شیرازی ... و علامه دوانی» هر دو می‌داند و همام الدین را شخص دیگری که وی نیز از قضا «معاصر سلاطین قره قوینلو و آق قوینلو ترکمان» بوده است. حال آنکه خواندمیر (م ۹۴۲ ه.ق). که مأخذ فارسنامه است. قوام الدین را استاد سید سند و همام الدین را استاد محقق دوانی دانسته بود. میرزا عبدالله اصفهانی (م ۱۱۳۰ ه.ق) نیز در ریاض العلماء احتمال داده که قوام الدین پدر همام الدین باشد.<sup>۳</sup> اما این احتمال بعید می‌نماید زیرا مراتب تحصیلی محقق دوانی و سید سند این چنین فاصله‌ای ندارد که یکی شاگرد پدر و دیگری شاگرد پسر باشد. به هر حال به نظر می‌رسد این همام الدین و قوام الدین یک نفر باشند که همان قوام الدین کربالی است و برای خواندمیر (م ۹۴۲ ه.ق) در نام بردن از همام الدین سهوی روی داده باشد، گو اینکه عبارت وی به جهت ذکر شرحی نیکو بر طوابع در عداد آثار همام الدین مؤید

۱. عین عبارت وی در ذیل ترجمه سید صدر الدین محمد حسینی دشتکی شیرازی - سید سند - (م ۹۰۳ ه.ق) چنین است: «امیر صدر الدین محمد در ایام شباب نزد جناب افادت شعاری مولانا قوام الدین گلباری تحصیل علوم نمود» و در ذیل ترجمه جلال الدین دوانی (م ۹۰۸ ه.ق) چنین: «و ایضا مولانا جلال الدین در درس مولانا همام الدین گلباری که بر طوابع شرحی مفید دارد مطالعه بعضی از متداولات کرده» و در ذیل ترجمه شرف الدین شیفکی شیرازی (م ۹۰۷ ه.ق) این چنین: «در درس مولانا محی الدین [کوشکناری] و مولانا قوام الدین گلباری تحصیل نموده».

۲. احسن التواریخ، حسن بیگ روملو، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوائی، چاپ اول، تهران، انتشارات بابک، ۱۳۵۷ ه.ش: ص ۸۷ و ص ۹۸.

۳. وی در ذیل ترجمه شرف الدین شیفکی می‌نویسد: «أقول: المولى قوام الدين المشار اليه هوالذى قرأعليه الامير صدر الدين محمد الشيرازى فى علم الكلام وغيره، ولعله والد المولى همام الدين الذى قرأالعلامة الدوانى عليه. فلاحظ.» رياض العلماء و حياض الفضلاء، عبدالله أفندى الإصهائى، تحقيق السيد أحمد الحسينى، الطبعة الأولى: قم، مطبعة الحيات، ۱۳۰۱ ه.ق: ج ۴، ص ۱۰۹.



تمایز آنها باشد؛ زیرا منابع خواندمیر (م ۹۴۲ ه. ق) لاجرم شفاهی می باشد و با وسائلی که در مقابل وسائط حافظ سخاوی نمی توان چندان به ایشان اعتماد کرد و آنها را ضابط دانست، اما در منابع موثق و معتبری مانند الضوء الآلآم و کشف الحقائق المحمدیه با یک واسطه موثق که خود از شاگردان کربالی می باشند لقب و نسبت وی به دقت ضبط گردیده است.<sup>۱</sup>

این منابع قوام‌الدین محمد کربالی را در حالی به ما معرفی می کنند که از تاریخ تولد و وفات او اطلاعی در دست نیست. حتی تاریخ تقریبی حیات او را روشن نمی کنند. از نام پدر و خاندان وی اطلاعی به دست نمی هند و تنها شریف جرجانی (۸۱۶ ه. ق) را به عنوان استاد برای وی نام می برند. این منابع از شاگردان او پنج تن را به ما می شناسانند: سید صدرالدین محمد حسنی حسینی دشتکی (۹۰۳ ه. ق)، جلال‌الدین محمد دوانی (۹۰۸ ه. ق)، شرف‌الدین شیفکی شیرازی (م ۹۰۷ ه. ق)، حمیدالدین عبدالمحسن شروانی (م ۸۸۹ ه. ق)، قطب‌الدین محمد اصفهانی شیرازی سناء (زنده در ۸۹۷ ه. ق). از تألیفات وی نیز تنها به شرح طوابع الأنوار من مطالع الأنظار اشاره می نمایند. البته حافظ سخاوی اطلاعات مفیدی از متونی که وی تدریس می نموده به دست می دهد و بر این اساس معلوم می گردد که وی در بلاغت، منطق، اصول دین (کلام) و اصول فقه، حدیث و تفسیر کرسی تدریس داشته و امتهات کتب این علوم همچون الکشاف، المصباح، شرح المفتاح تفتازانی، شرح المواقف، جامع بخاری و ... را تدریس می نموده است.<sup>۲</sup>

در مجموعه عبدالرحیم رازی (زنده در ۸۳۹ ه. ق) اطلاعات تازه‌ای راجع به کربالی می یابیم. این مجموعه در بردارنده یک صفحه از دستخط کربالی است که در نوع خود منحصر به فرد می باشد. نام وی به صورت کاملتری در انتهای دستخط آمده است و می توان آن را به صورت

۱. خواندمیر در ضبط لقب شمس‌الدین جرجانی (۸۳۸ ه. ق) نیز خطا نموده و لقب وی را نورالدین دانسته است. نگر حبیب السیر: ج ۴، ص ۱۴. مرحوم علی دوانی نیز یگانگی همام‌الدین و قوام‌الدین را محتمل دانسته است، نگر: شرح زندگانی جلال‌الدین دوانی. علی دوانی. قم: چاپخانه حکمت: ص ۱۰۵.

۲. در طرائق الحقائق اطلاعاتی راجع به کربالی آمده که مأخوذ از حبیب السیر و مجالس المومنین می باشد. نگر طرائق الحقائق. محمد معصوم شیرازی. به کوشش محمد جعفر محبوب. تهران: انتشارات کتابخانه سنائی: ج ۳،

قوام بن آدم بن علی الکربالی خواند.<sup>۱</sup> تاریخ کتابت این اجازه اوائل ذی القعدة سال ۸۳۹ ه. ق در شیراز<sup>۲</sup> می باشد و نشان می دهند که کربالی در آن سال هنوز در قید حیات بوده است. وی علاوه بر درود به خاندان پیامبر بر اصحاب وی که آنها را «أهل الحلال والعقد والاقبباس» دانسته است نیز درود می فرستند، البته توجه به تعابیر و تقدیم تفصیلی آل بر اصحاب گرایش وی به خاندان پیامبر را نمایان می سازد. محتوای این دستخط اجازه ای است که کربالی برای عبدالرحیم رازی (زنده در ۸۳۹ ه. ق) نگاشته است و در آن نشان داده که رازی شش کتاب المصباح و شرح التجريد و شرح مطالع الأنوار و الکشاف و حاشیه الکشاف تفتنازانی (۷۹۳ ه. ق) و کشف الکشاف بهمانی (۷۴۵ ه. ق) را نزد کربالی درس گرفته است، و پس از این قسم ثالث مفتاح العلوم را با استادی به نظم در آورده است. بنا بر این بر تعداد شاگردان کربالی نفر ششمی اضافه می گردد. همچنین از این اجازه استفاده می شود که کربالی سه کتاب اول را نزد شریف جرجانی آموخته بوده است. وی راجع به این تدریس می نویسد: «علی قدر ما استفدت بمزجاة بضاعتی و قلّة عدّتی و صناعتی عن حضرة مؤلفها». این تعبیر موجب می شود که ما احتمال بدهیم منظور او از شرح مطالع و شرح تجريد حواشی شریقیه بر این دو کتاب باشد، و می دانیم که حواشی شریقیه علی حده تدریس می شده اند. نثر پخته این اجازه و پنج بیت شعری که کربالی در مدح نظم البیان عبدالرحیم رازی سروده است<sup>۳</sup> نشانگر رتبه وی در نظم و نثر عربی می باشد. متن این اجازه در ادامه ذکر می شود و تصویر آن پیوست می گردد.

### شمس الدین محمد بن شریف جرجانی (۸۳۸ ه. ق) در مجموعه بلاغی رازی

شمس الدین محمد بن شریف حسینی جرجانی (۸۳۸ ه. ق) فرزند و شاگرد شریف جرجانی

۱. این خوانشی است که با نظر خواهی از بعض دانشوران انجام گرفت، تصویر نسخه در انتهای این مقالت پیوست گردیده است که می تواند مورد مراجعه قرار گیرد.
۲. نگارنده با توجه به سبک نگارش کربالی این کلمه را شیراز خوانده است.
۳. این ابیات به شهادت عبدالرحیم رازی در حاشیه از کربالی می باشد.

(۸۱۶ ه.ق) می‌باشد. همانطور که قبلاً نشان داده‌ام.<sup>۱</sup> وی در حوالی سال ۸۰۰ ه.ق در سمرقند زاده شده است و در ۸۳۸ ه.ق در شیراز درگذشته و در جوار مزار پدر به خاک سپرده شده است. وی در تدوین و نگارش متون مدرسی و شروح و حواشی توضیحی پیرامون آن‌ها اقدامات مفیدی نموده که می‌تواند در آموزش علوم قدیمه مورد استفاده قرار گیرد. اطلاعات عائی که راجع به وی یافت می‌شود را قبلاً در همانجا ارائه کرده‌ام و اطلاعات تازه یاب را در آتیه ارائه خواهم نمود.

من در آنجا همانند شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۳۸۹ ه.ق) و سید محسن‌آمین (۱۳۷۱ ه.ق) و مدرس خیابانی تبریزی (۱۳۷۳ ه.ق)<sup>۲</sup> به اشتباه حسین بن محمد بن علی القاریء البهستی را شاگرد شمس‌الدین جرجانی قلمداد کردم. منشاء این اشتباه بدخوانی عبارت ریاض العلماء می‌باشد. میرزا عبدالله اصفهانی (۱۱۳۰ ه.ق) در ترجمه بهستی نوشته است «هو الشیخ حسین بن محمد بن علی القاریء. فاضل عالم متکلم امامی متقدم علی الشیخ خضر الحبلرودی أو معاصر له. تلمیذ ولد السید الشریف المعاصر للسلطان شاه إسماعیل الصفوی، فإنه نقل عنه بعض الفوائد علی ما وجدناه فی شرح نهج المسترشدين للعلامة تألیف الحبلرودی المذكور». مراد او از «تلمیذ ولد السید...» و تمام توضیحاتی که بعد آن بیان می‌کند حبله‌رودی (زنده در ۸۵۲ ه.ق) می‌باشد نه بهستی.<sup>۳</sup> شرح نهج المسترشدين حبله‌رودی، التحقیق المبین نام دارد و نسخه‌هایی از آن در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی و کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی<sup>۴</sup> و کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار<sup>۵</sup> یافت می‌شود. مواردی که حبله‌رودی در التحقیق

۱. شرح خطبة الوافية في شرح الكافية، محمد بن علی بن محمد حسینی جرجانی، به کوشش محمد علی عیوضی، میراث شهاب، سال ۱۳۹۵، شماره ۸۳، صص ۴۹-۶۴.

۲. الذریعة إلى تصانیف الشیعة: ج ۳، ص ۳۶۶ و ج ۷، ص ۶؛ أعیان الشیعة: ج ۶، ص ۱۵۹. سید حسن الأمین پافراتر گذاشته و حتی مواد تدریس بهستی نزد جرجانی را ذکر کرده است، مستدرکات أعیان الشیعة ج ۳، ص ۶۶.

۳. در معجم طبقات المتکلمین به این که نباید بهستی را شاگرد حبله‌رودی بدانیم اشاره شده است، اما اشتباه دیگر که نهج المسترشدين را حاوی منقولاتی از بهستی دانسته است تکرار گردیده است. معجم طبقات المتکلمین: ج ۳، ص ۲۵۶.

۴. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی: ج ۱۶، ص ۱۱۴.

۵. فهرست کتابخانه سپهسالار، جلد دوم، محمد تقی دانش‌پژوه و علینقی منزوی. تصحیح و تجدید نظریه وسیله

المبین از شمس‌الدین جرجانی یاد نموده بر اساس نسخه شماره ۶۱۱۱ کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمیٰ مرعشی نجفی به شرح ذیل می‌باشد. در خطبه کتاب می‌نویسد: «إتی لنا فارغت عالی مجلس حضرة الأستاذية بشيراز-أدام الله ظلاله ولاأحرمننا..» (ب ۱)، سپس در (ب ۴) از الرّشاد فی شرح الارشاد یاد می‌کند. در (ب ۴۲) به مناسبت بحث از تصدیق دیدگاه وی را نقل می‌نماید. همچنین در (ب ۱۱۱) از او یاد نموده است. لازم به ذکر است که وی در (ب ۶۷) از حواشی شریف جرجانی بر تسدید القواعد فوائدی نقل کرده است. همچنین در (ب ۱۳۲) از حسن بن محمد بن علی بن مهدی حلی با عنوان «بعض اخواننا المؤمنین» یاد می‌کند.

من در فهرست آثار شمس‌الدین جرجانی شش اثر وی را شمرده بودم و الحاشیه علی طوابع الأنوار من مطالع الأنظار را ذکر نکرده بودم. حال آنکه قاضی نورالله شوشتری (۱۰۱۹ ه. ق) از این اثر نامبرده<sup>۱</sup> و در فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک نسخه‌ای از آن با نام شرح طوابع الأنوار گزارش شده است.<sup>۲</sup> این نسخه با استناد به صفحه عنوان به میر محمد بن میر سید شریف جرجانی نسبت داده شده است، لکن برای تصدیق صحت این انتساب می‌بایست نسخه را از نزدیک مشاهده کرد، زیرا آغاز و انجام آن با آغاز و انجام مطالع الأنظار فی شرح طوابع الأنوار هماهنگی دارد.

در بعض مواضع محمد بن علی بن محمد حسینی جرجانی قاری دارنده تجوید القرآن به فارسی (سده نهم) با شمس‌الدین جرجانی یکی انگاشته شده و کتاب تجوید القرآن به او نسبت داده می‌شود. این یکی انگاری و انتساب قطعاً درست نیست. از این جرجانی قاری مجموعه رسائلی در کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمیٰ مرعشی نجفی موجود است که برگ‌هایی از تاریخ حیات او را روشن می‌کند، و در فرصتی دیگر به آن خواهیم پرداخت.

علینقی منزوی. چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۴۰: ص ۳۸۲.

۱. مجالس المؤمنین: ج ۴، ص ۵۴۲.

۲. فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک. جلد اول. زیر نظر ایرج افشار و محمد تقی دانش‌پژوه با همکاری

محمد باقر حجّتی و احمد منزوی. تهران، ۱۳۵۲: ص ۴۱۴.





در مجموعه عبدالرحیم رازی اطلاعات تازه‌ای از شمس‌الدین جرجانی بدست می‌آید. همانطور که قاضی نورالله شوشتری (۱۰۱۹ ه.ق) نوشته است یکی از آثار جرجانی شرح الفوائد الغیاتیة است که خوشبختانه نسخه‌ای از آن در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.<sup>۱</sup> الفوائد الغیاتیة یکی از دو تلخیصی است که از قسم ثالث مفتاح‌العلوم صورت گرفته و به عنوان متن مدرسی رواج داشته است. تلخیص دیگر از خطیب قزوینی (۷۳۹ ه.ق) است که البته از اقبال بیشتری برخوردار بوده است. این کتاب را قاضی عضدالدین ایچی (۷۵۶ ه.ق) به نام خواجه غیاث‌الدین محمد بن خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی نگاشته است. به واسطه یادداشتی که عبدالرحیم رازی در این مجموعه نگاشته است معلوم می‌شود که شمس‌الدین جرجانی قصد داشته است این شرح را به یکی از ملوک بهمنی دکن پیشکش نماید، و به همین جهت کلمات مسجعی را که می‌خواستند در مدح پادشاه در خطبه کتاب بگنجانند برای عبدالرحیم رازی فرستاده است و از او خواسته تا آنها را به شعر درآورد. نام پادشاه در یادداشت رازی نیامده است، اما با توجه به این که در سالهای ۸۰۰-۸۳۸ ه.ق (سالهای زندگانی جرجانی) فیروزشاه بن داود شاه (۸۰۰-۸۲۵ ه.ق) و احمد شاه بن داود شاه (۸۲۵-۸۳۸ ه.ق) از بهمنیان بردکن حکومت می‌کرده‌اند می‌بایست یکی از ایشان باشد. از آنجاکه سال دقیق انتقال پایتخت بهمنیان از گلبرگه به بیدرتوسط احمدشاه معلوم نمی‌باشد، و به احتمال بسیار این مسئله از ابتدای سلطنت احمدشاه انجام نگرفته است، لذا نمی‌توان تعبیر «والی گلبرگه» که در متن آمده است را منصرف به فیروزشاه دانست. نسخه‌ای که ما از شرح الفوائد الغیاتیة در دست داریم فاقد این اشعار و حتی کلمات مسجع است. احتمال می‌رود که جرجانی این شرح را به درخواست پادشاه نوشته باشد ولی قبل از آنکه به اتمام برسد پادشاه وفات کرده باشد. عبدالرحیم رازی در این یادداشت شمس‌الدین جرجانی را استاد خود دانسته است و از او با احترام بسیار یاد کرده است. و بر این اساس به شمار شاگردان جرجانی، او نیز اضافه می‌شود.

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم: ج ۱، ص ۳۲۴. در کتابشناسی میرسید شریف جرجانی (گرگانی) به اشتباه این اثر را به شریف جرجانی نسبت داده‌اند. نگر: کتابشناسی میرسید شریف جرجانی (گرگانی): ص ۱۶۱.

احتمالاً بین شمس‌الدین جرجانی و حبله‌رودی و عبدالرحیم رازی به جهت مذهب مشترک در حوزه شیراز که اکثریت آن سنی مذهب بودند الفت و علاقه خاصی برقرار بوده است.

### تاریخ وفات شریف جرجانی و تملیک سید صدرالدین محمد ثانی در مجموعه رازی

در برگ ۲۹۴ مجموعه بلاغی رازی یادداشتی از سید صدرالدین محمد ثانی حسنی حسینی شیرازی فرزند غیاث‌الحکما ثبت شده است که بیانگر تاریخ دقیق وفات شریف جرجانی است: «هذا هو شرح مولانا و شیخنا و سیدنا، امام المحققین، سلطان المدققین، قطب أهل الحق و الیقین، الإمام السید الشریف العلامة. رضوان الله علیه و کرم وجهه؛ أجاب. علیه الرحمة. داعی الحق فی يوم الأربعاء سادس ربیع الآخر سنة ست عشر و ثمانمأة بدارالملک شیراز. رضی الله عنه و أرضاه و بواه أسنی ریاض رضاه. و أنا العبد العبد الفقیر صدر بن ناصر الشریعة منصور بن محمد بن منصور الحسنى الحسینى الشیرازى صاحب هذا الكتاب. رحمهم الله تعالى». ناصر الشریعة نقش مهر غیاث‌الحکما بوده است<sup>۱</sup> و صدرالدین محمد ثانی در بسیاری از مواضع از او اینگونه یاد می‌کند، تملیک دیگری نیز از صدرالدین محمد ثانی در آغاز کتاب اشراق‌اللاهوت فی شرح الیاقوت اثر رکن‌الدین جرجانی (۷۲۸ ه. ق) موجود است که به شماره ۱۰۱۸۷ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ثبت شده و به همین خط نگاشته شده است.



۱. روضات الجنات فی أحوال العلماء والسادات. محمد باقرین زین العابدین خوانساری. به تحقیق اسدالله اسماعیلیان. چاپ اول: قم، انتشارات اسماعیلیان ۱۳۹۰ ه. ق، ج ۷: ص ۱۷۷.

## ﴿إجازة قوام الدين الكربالى لنورالدين عبدالرحيم بن جمال الدين معروف الرازى﴾

بسم الله الرحمن الرحيم

نحمدك اللهم يا من فَتَحَ خزائن الحكْم والحقائق بمفتاح العلوم والمعارف، وأجرى سفائن الفكر والدقائق فى محور البحور المَهْرَة المعارف، أطلع بحكمته أنوار الهداية من مطالع البصائر الوَقَّادة، وأطلع بقدرته أنوار الدراية من مشارع الطبائع النقادَة، انعم على نوع الإنسان بديع البيان الموضح عن لطائف المعانى وأكرم من بينهم أهل الذكر بالتهدى إلى إعجاز نظم المثانى؛ كشف بكلامه القديم عن أسرار أزلتيه لأولى العقول والألباب، ووصف فى كتابه الكريم نعوت سرمديته لمن يثق بيوم الحساب؛ فسبحان من لم يتطرق غيره فى صمائم قلوب أرباب التوحيد، ولم يخطر شىءٌ سواه على حواشى خواطر أهل التجريد.

ونصلى على سيد سادات العالمين وسند إسناد العالمين النبى المدنى الذى لم يفصح عن كمال فصاحته لسان الفصحاء ولم يبلغ كنه بلاغته إدراك البلغاء، ترقى بيان حقيقة جلاله عن مجاز التمثيل والتشبيه والاستعارة وتعالى شأن كماله عن الإشارة بالتلميح والتصريح والكناية، وعلى عترته الطاهرة الذين شيدوا بيت النبوة بالتصريح والتشريع وأعانوا عساكر الدين بالاستتباع والتفريع، وعلى صحابته الباهرة أهل الحَل والعقد والاقْتباس صلاةً خارجةً عن العدد والقياس.

وبعد فن فواضل الله الرحيم بعبده وعواطف الملك الكريم من وعده أن أسعدنى بمجاورة من تفرّد بين الأشراف والأفاضل بتقوى الله .تعالى .والإتسام بسمة الأماجد والأمائل، المتحلّى نفسه النفيس بفنون العلوم العقلية، المرّين ذاته الشريف بصنوف المعارف النقلية، صاحب الرأى الصائب والذهن المصنّى الثاقب، المشار إليه من بين الفضلاء بالبنان لاسيما فى علم المعانى والبيان، المولى العالم الفاضل والهامم المتقى الكامل نورالملة والدين عبدالرحيم .أعلى الله تعالى معالم شأنه .ابن المولى الأفخم الأعظم قاضى قضاة المسلمين، مقرب الملوك والسلاطين، المستغنى بشهرة فضائله عن الإطناب والألقاب جمال الدين معروف .أيده الله تعالى استظهاراً للأنام وأعلى مراتب شأنه لإعلاء الأحكام .وقد جرى بيننا مباحثة كتاب

المصباح فى شرح المفتاح فى علم المعانى والبيان، وشرح تجريد الكلام فى أصول الدين وشرح مطالع الأنوار فى علم الميزان على قدر ما استفدت بمزجاة بضاعتى وقلّة عدّتى وصناعتى عن حضرة مؤلفها. روح الله تعالى روحه الشريف وأعلى فى حظائر القدس شأنه المنيف. مع طرف من الكشاف مع شرحه الكشف وشرح العلامة التفتازانى بطريق العدل والانصاف،<sup>١</sup> ولعمري إن مثله فى الفضائل السنّية ونحوه فى المفاخر العلية غير محتاج إلى مدح بالفوز بتحقيق تلك العلوم والحقائق والظفر بنبك أساليبها والدقائق، فما احتاج النهار إلى دليل.

ثم إنّه كما نقد نفائس معانى كتاب المفتاح بعيار فهمه الثاقب ووزن عيون نُكيتها بميزان فكره الصائب جمع جواهر ألفاظه الماثورة فى سلك الألف واللام ونظّم فوائده كلماته المشورة فى نظام الضبط والنظم، ليقبى مدنى الدهر عقداً نفيساً لمعاقد العلوم والآداب ويشهد على شأنه صاحبه فى تحقيق الكتاب، ولقد أحسن من قال:

حقيق بأن يُجزى عطاءً مؤصلاً	كريم كساه الله مجداً مؤثلاً
لقد بذل الجهد البليغ لنظمه	فجاء بحمد الله جزلاً مرتلاً
ولو علم الشيخ المؤلف سعيه	لأثنى على الرحمن شكراً وحمداً
ولكنّ علام السرائر لم يضع	على أحد أجراً بالإحسان أعملاً
وكم فاضل ألقى إليه بسمعه	ورحبّه جدّاً والله هللاً <sup>٢</sup>

وأرجو من صدق جنابه وخالص وفائه أن لا ينسانى فى صالح دعائه فإنّ هجران أمثاله علينا عسير ثقيل، والله سبحانه على ما نقول وكيل.

والحمد لله أولاً وآخراً والصلاة على رسوله وخير خلقه محمد المصطفى وآله أجمعين.  
كتبه الفقير إلى رحمة ربّه الغنى المتعالى قوام بن آدم بن على الكربالى فى بلدة شيراز أوائل  
ذى القعدة الحرام سنة تسع وثلاثين وثمانمئة.

١. جميع ذلك سنّة كتب. [عبدالرحيم]

٢. هذه الأبيات لمولانا. أبدت إشعافه. فى مدح ما اخترعته من نظم المفتاح. [عبدالرحيم]



[يادداشت عبدالرحيم بن معروف راجع به ارتباطش با شمس الدين جرجانى (٨٣٨ هـ.ق.)]  
 قد اتفق للفقير الى الله الرؤوف، عبدالرحيم بن معروف أن تشرف فى بلدة شيراز - حيث عن  
 الأعواز - مدتاً مديدة وبرهة عديدة بخدمة كثير من فحول الأفاضل وجم غفير من عيون  
 الأهالى والأمثال اكتساباً للكمال واقتناءً للإفضال، حتى انتهى أمرى إلى أن نظمت القسم  
 الثالث من مفتاح العلوم على ما ترى؛

فَلَمَّا جَلَّتْ حَسَنَاءُ بَكْرَةٍ لِفِكْرَتِي جلياً عليها من بلاغتي الخلى

حكيت لأرباب الكمال بعض ما لها من الجمال وألقيت إليهم شيئاً من ذلك المقال، فارتابوا  
 فيما لهم يقال، ثم اتفقوا على أن يلقى إلى كلمات شتى لأنظمتها فى سلك النظم إزالةً للارتباب و  
 قد أتوا بما اتفقوا عليه موارد كثيرة واستنادوا فى جميع ذلك معانى كثيرة فى قوالب سليمة  
 بأحسن عبارات وأطف استعارات وأجمل اعتبارات؛ إلى أن ألقى إلى كتاب كريم من الحضرة  
 الأستاذية أعنى الدوحة الشريفة قدوة أرباب اللسان وعمدة أصحاب البيان لازال مفيضاً  
 بحاسن التقرير ومنعماً بلطائف التحرير والتصوير

ما إن مدحت محمداً بمقالتي لكن مدحت مقالتي بمحمد

مولانا ومولى الأفاضل محمد بن استاد البشر وكاشف الحقائق مبدع الدقائق السيد  
 الشريف - شرفهما الله فى الدارين - وهو يأمرنى بنظم هذه المسجعات فى البيتين ليكتب فى  
 خطبة شرحه للفوائد الغيائية مدحاً بها لوالى گلبرگه وهو من عظام بلاد الهند وكان السلطان - نور  
 مرقدہ - ممن يقال فيه:

رُبَّ قَتِيٍّ دُنْيَاهُ مَوْفُورَةٌ تَتَّبِعُهَا آخِرَةٌ فَآخِرَةٌ

من كان جامعاً بين الكمالات الدنيّة والدينيّة؛ والمسجّعات هي هذه:  
شعاره التوجّه والمراقبة وحكمه العظيمة والموهبة وشأنه مجالسة الأفاضل وأمره مدافعة  
الأباطل.  
نظمت

### بيت

سلوك طريق الأولياء شعاره وأحكامه في الخلق بسط المواهب  
وصحة أرباب الفضائل شأنه وعادته تلخيصهم من غياهب

وزدت على المأمور به هذه الأبيات:

له رتبة في الأولياء يرى بها من الحال ما مرّت وما في العواقب  
به الهدى من شارات ترى لها مشارق في الأيام دون المغارب  
أيرتاب يا مولاي فيما اخترعته وأنى به أعجوبة من عجائب  
فلا زلت فينا بالإفاضة منعماً واعطيت بين الناس أعلى المراتب  
ولو أدركتني قطرة من غمامكم لكنك إذن بالنظم فوق السحائب  
وكيف إذا ما كان بحر عطائكم تفيض علينا من جميع الجوانب



وأيضا أنك العوض انه ملكك من الجهنم الا انك لم يبق انك و ستعقب ما حيت  
والا تموتوا ما فضل الله بانفسكم على بعض الدجال فحببت ما اكتسبوا  
ولنت شريف ما اكتسبوا و اسالوا الله من

نفسك ان الله كان

بالحق شئ  
علما

هذا كتاب في شرح الوهاب  
زكريا ابن القاسم بن محمد بن الحسين بن جرجان

قد اذعن بعض الاعراب من عباد الرحمن معروف الذي اشرق في بلد بخر از حبه عن الاعراب من مائة مدانا و برصه خلاصة  
فقد كثر في قول الافاضل و بعضه تعرف من غير الاصل والاميل اليه الاكل و اوتيت للافتقار من التي مستحق للامانة  
من شرح العلوم على ما ترون في هذا الكتاب حسنة فحلا حذرت حسنة بكرة لغرفنا حيا عليها من بلغة التي احييت بهما الارباب  
افضل بعضهما من الجمال و ابعث اليهم شيئا من ذلك المعاني فارتالوا فيها ثم تعاقبوا في بليغ التي كانت  
شئ في انفسهم في سكن النظم انما للارباب وقد انوا انما انفقوا عليه مكررا و كثر بها و استفادوا في حق انفسهم  
كثيرا في حق الارباب من بعض عبارات و العطف عبارات و اصل عبارات التي ان التي التي احييت كرم من الحرف  
الارباب و التي اعني الارباب الشريفة قدوم الارباب العساة و عند الجواب البياني في قوله لحيثما في حق القوس  
و منها لكيف يظهر الفرق بين الفرق من ان مذهبنا في القائلين كمن وجدت معاني الخلق في قوله مولانا في قوله  
الافاضل محمد بن اسحاق الفقيه كما شف الحكما في جميع الارباب في السد الشريف شرفها الله في العارفين و هو  
يا صدي في علم هذه المباحث في السد الشريف في خطبة تدبر للفرق بين العيانة في علمها و في بيانها في قوله  
و هو من علم بلاد الهند و كان الحكام انون سردها في مال غيرت في قوله من قوله بغيرها في قوله

ممن كان في بعض الاعراب الارباب الارباب و الارباب من سدة

شأنه التوجه و الحكمة العظيمة و الموهبة و شأنه خالصة الا فضل و اسره مدافعة الاضلال

فكانت يربت سلوكه في الارباب شهاب و احكام في الفقه في علم الارباب

و هي من الارباب في شهاب و علمه في علم الارباب

و قد تولى العلم به في الارباب له رتبة في الارباب و في العلم ما تروى و ما من الارباب

و في قوله في شهاب في العلم في الارباب اوتيت باي الارباب في الارباب

و اوتيت في قوله في الارباب في العلم في الارباب و اعيد في الارباب في الارباب

ياداداشت عبدالرحيم بن معروف راجع به ارتباطش با شمس الدين محمد بن شريف  
حسيني جرجاني (٥٨٣٨ ق)



### کتابنامه

- جامع الشروح والحواشی. عبدالله محمد الحبشی. ابوظبی، المجمع الثقافی، ۱۴۲۵ ه.ق.
- حبیب السیر. غیاث الدین بن همام الدین خواند میر (م ۹۴۲ ه.ق).
- روضات الجنات فی أحوال العلماء والسادات. محمد باقرین زین العابدین خوانساری. به تحقیق اسدالله اسماعیلیان. چاپ اول: قم، انتشارات اسماعیلیان ۱۳۹۰ ه.ق.
- ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، عبدالله أفندی الإصبهانی، تحقیق السید أحمد الحسینی، الطبعة الأولى: قم، مطبعة الحیّام، ۱۳۰۱ ه.ق.
- شرح احوال، آثار و اندیشه علامه میرسید شریف جرجانی. علی بایزیدی. چاپ اول: گرگان، پیک ریحان، ۱۳۹۴.
- شرح زندگانی جلال الدین دوانی. علی دوانی. قم: چاپخانه حکمت.
- الضوء اللامع لأهل القرن التاسع، الضوء اللامع لأهل القرن التاسع، شمس الدین محمد بن عبدالرحمن السخاوی (م ۹۰۲ ه.ق)، بیروت، دارالجلیل.
- طرائق الحقائق. محمد معصوم شیرازی. به کوشش محمد جعفر محبوب. تهران: انتشارات کتابخانه سنائی.
- فارسانامه ناصری، میرزا حسن حسینی فسائی (۱۳۱۶ ه.ق)، تصحیح و تحشیه از منصور رستگار فسائی، چاپ سوم: تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲ ه.ش.
- فردوس، علاء الملک مرعشی (م ۱۰۰۰ ه.ق)، با مقدمه و تصحیح و تعلیق میر جلال الدین حسینی ارموی (محدث)، چاپ اول: تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۵۲ ه.ش.
- فهرست نسخ خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، علی صدراپی خویی با نظارت عبدالحسین حائری، چاپ اول: قم، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ ه.ش.
- فهرست کتابخانه سپهسالار. جلد دوم. محمد تقی دانش‌پژوه و علینقی منزوی. تصحیح و

- تجدید نظر به وسیله علینقی منزوی. چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.
- فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک. جلد اول. زیر نظر ایرج افشار و محمد تقی دانش پژوه با همکاری محمد باقر حجّتی و احمد منزوی. تهران، ۱۳۵۲.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم. صادق حسن زاده، محمود طیار مراغی، رضا استادی. چاپ اول: قم، دفتر نشر برگزیده، ۱۳۸۹.
- کتابشناسی میرسید شریف جرجانی (گرگانی). مهدی شکیبانیا و رضا پورجودای. معارف، دوره نوزدهم، شماره ۳، آذر-اسفند ۱۳۸۱.
- كشف الظنون عن أسامی الكتب والفنون. کاتب جلیبى القسطنطینی المشهور باسم حاجی خلیفة أو الحاج خلیفة، مصطفی بن عبد الله (۱۰۶۷هـ). تصحیح محمد شرف الدین یالتقایا و رفعت بیلگه کیسی. بیروت. دار احیاء التراث العربی. بی تا.
- مجالس المؤمنین. قاضی نورالله شوشتری (۱۰۱۹هـ.ق). مقدمه، تصحیح و تعلیقات: ابراهیم عرب پور، منصور ستایش، محمد رضا محمدیان، محمد حسن خزاعی، محمد علی علی دوست. چاپ اول: مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۲.
- مجموعه مَصنفات غیاث الدین منصور حسینی دشتکی شیرازی، به کوشش عبدالله نورانی، چاپ اول: تهران، دانشگاه تهران و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۵ه.ش.
- معجم طبقات المتکلمین، لجنة العلمیه فی مؤسسه الامام الصادق ع. الطبقة الاولى: قم، مؤسسه الامام الصادق، ۱۴۲۴ هـ.ق.
- نیل المرام فی مذهب الأئمة علیهم السلام، عبدالرحیم بن معروف رستمدراری [!]. به کوشش و با مقدمه رسول جعفریان، چاپ اول: قم، نشر مورخ، ۱۳۹۵ه.ش.



الشيخ إبراهيم ابن الحاج علي السكري الحلبي  
(كان حيًا سنة ١٠٧١هـ)  
(إجازاته - جلاله قدره)

بـقلم: أحمد علي مجيد الحلبي

المقدمة

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين، أبي القاسم محمد المصطفى وعلى آله الطيبين الطاهرين، واللعنُ الدائم على أعدائهم أجمعين.  
وبعد: فلا يخفى على ذوي العلم والفضيلة ما للنسخ الخطيَّة التي سَطَرها الكمثل من أهل العلم والتحقيق والتدقيق من دورٍ مهمِّ في تثبيت التراث لمن أراد أن يسبر غور جمعها ولملمة شملها. والخير لا يستطيع أن يسبر هذا الغور ولكنه إلا بمتابعة كلِّ ما دَوَّن في النسخ الخطيَّة، والمطبوعات الحجرية منها والحرفية، وأنى له بذلك مع قلة الهمم وشح الأيدي وقلة الكادر المتخصص الذي يلقي على عاتقه تنفيذ هذه المهمة العظيمة، وهذا ما يستدعي أيضًا توفّر عدّة مواصفات ومميزات، كالعشق والغيرة والدقة والذكاء والتواضع والصبر والأمانة والذوق الرشيق والالتزام الديني والاستعانة بأهل الخبرة، وغير ذلك.

ونجد لزامًا أن نقول: إننا بالقدر الذي ندعو فيه إلى إحياء التراث، ندعو إلى السعي الحثيث لتدعيم جانب التصنيف والتأليف في التراث من هذا الباب لا غيره.

والترجمة الماثلة بين يديك تجربةٌ تغنيك عن الكلام عمّا يُستفاد في التراجم من النسخ الخطيَّة الموجودة في المكتبات العامة والخاصة فقد استخلصت الترجمة هذه من مخطوطتين نفيستين موجودتين في المكتبة المرعشية، ولا سبيل للحصول على معلوماتٍ زيادة على ما ذكرت فيها؛ لقلة المصادر، وقلة ما كُتب عنه في (طبقات أعلام الشيعة، وتراجم الرجال، وموسوعة طبقات الفقهاء، ومستدرك أعيان الشيعة) فقط، وأكثر ما كُتب عنه متكررًا لا يتعدى



والسُّكْرِيُّ. صاحب العنوان -: بضم السين المهملة وفتح الكاف المشددة وفي آخرها الراء، نسبة إلى بيع السُّكْر وعمله، وعُرف به جماعة. وبكسر السين وسكون الكاف وفي آخرها الراء - نسبة إلى سِكْر وهو جد أبي الحسن علي بن الحسن بن طاووس بن سِكْر بن عبد الله الواعظ السِّكْرِي الديرعاقولي<sup>١</sup>، والظاهر أن المترجم نسبة إلى الأول.

والشيخ إبراهيم السُّكْرِي الحليّ: عالمٌ فاضلٌ مغمورٌ من علماء الحلة الفيحاء، له جلالَةٌ وقدر، اتسم بالفقاهة والتباهة، لم نعرف عنه شيئاً سوى أنه قرأ على السيد حسين بن كمال الدين الأبيز الحسيني الحليّ (كان حياً سنة ١٠٤٩هـ) كتاب (الاستبصار فيما اختلف فيه من الأخبار) لشيخ الطائفة الطوسي (ت ٤٦٠هـ)، وأجازه أستاذه بحظه على النسخة بأربع إجازات تضمنت جمل المدح وحلل الثناء، وعبارات تدل على علوّ شأنه ورفعة مقامه.

وكان الابتداء بقراءة كتاب (الاستبصار فيما اختلف فيه من الأخبار) عليه - بحسب ما كتبه أستاذه ابن الأبيز بحظه على وجه النسخة - يوم الأربعاء الرابع عشر من المحرم سنة ١٠٤١هـ ونص ما كتبه: «ابتدأ شيخنا العالم العامل، الفاضل الكامل، التقيّ النقيّ، الزكيّ الوفيّ، الشيخ إبراهيم بن الحاجي عليّ السُّكْرِي الحليّ، في قراءة كتاب الاستبصار، من أوله في يوم الأربعاء الرابع عشر من شهر عاشور الحرام من سنة الحادي [ة] والأربعين بعد الألف من الهجرة النبويّة، على مهاجرها أفضل الصلّاة والتحيّة. وفقه الله تعالى لإتمامه، وفقهه للعمل بمضمونه، بمنه وإكرامه - والحمد لله رب العالمين».

### الإجازات الأربع:

والإجازات الأربع. المذكورة آنفاً. رأيتها بتاريخ ١٩ شهر ربيع الأول سنة ١٤٣٨هـ في مكتبة آية الله العظمى السيد المرعشي النجفي على نسخة من كتاب (الاستبصار)، والمرقمة بالرقم (٤٦٢٧)، والتي كتبها عبد عليّ (عبد العليّ) ابن الشيخ محمد عليّ ابن الشيخ حماد الحليّ، وهي منحصرة في هذه النسخة النفيسة.

وأما تاريخ كتابة النسخة: فقد تمّ نسخُ كتاب الصلّاة منها في عصر يوم الثلاثاء ١٢ ذي الحجة الحرام سنة ١٠٢٢هـ وقام الكتاب نُسخ في أوقاتٍ متعدّدة، آخرها نهار يوم الأحد سادس

المحرّم سنة ١٠٢٢هـ (كذا، ولعلّ الصحيح سنة ١٠٢٣هـ)، والنسخة عليها كلمات نسخ البديل، وبلاغات القراءة، وهي كثيرة بحيث لا تخلو كلّ صفحة منها من اثنين أو ثلاثة، وأكثرها بخط أستاذه ابن الأبرز الحسيني، وعليها تملّك حيدر بن بشارة الجزائري، وتملّك يحيى بن أسد الله - إمام جمعة خوي - بتاريخ جمادى الأولى سنة ١٣٠٦هـ.

وتملّك آية الله العظمى السيّد المرعشي النجفي رحمته والذي كتب بخطه على أولها تعريفًا بالنسخة. ونصّه: «بسمه تعالى، كتاب الاستبصار، وقد قرأ على العلامة السيّد حسين بن كمال الدين الأبرز الحسيني الحلبي، وإجازته موجودة بخطه في هذه الصفحة، وفي وسط الكتاب. شهاب الدين الحسيني المرعشي النجفي»، وتحت ختمه البيضوي.

ولأهميّة الإجازات هذه والتي أصبحت لنا سبيلًا وحيدًا لمعرفة ترجمة الشكري هذا؛ أحببت أن أذكرها جميعًا بحسب تسلسلها في النسخة مع ذكر موضعها وتاريخها، علمًا أنه عند تعريف النسخة في فهرس مخطوطات المكتبة (١٨٩/١٢) لم يُذكر منها إلا اثنتين.

وقد ورد ذكرهما بالإشارة فقط، وجاءت صورة واحدة منها في آخر الجزء الثاني عشر من الفهرس. وكذا ذكرت في كتاب تراجم الرجال (٢٦/١ ر ٢٩) مع إيراد بعض الكلمات من الإجازة الرابعة فقط، وفي (٢٩٨/١ ر ٥٧٨) عند ترجمة أستاذه ابن الأبرز، وإليك نصّ الإجازات:

### الإجازة الأولى:

كتبها السيّد ابن الأبرز الحسيني لتلميذه الشكري بعد قراءته عليه (كتاب الظهارة) من كتاب (الاستبصار)، وتاريخها عسريوم الخميس ٤ شهر ربيع الآخر سنة ١٠٤١هـ، ونصّ الإجازة: «أنهى كتاب الظهارة، من أوله إلى آخره الشيخ الأجل، التقي النقي، الشيخ إبراهيم بن المرحوم الحاجي علي الشكري، قراءة مهذّبة، تدلّ على فضله وتبحره، غير مقتصر على تصحيح المباني، بل جامعًا بينه وبين تحقيق المعاني.

وقد أجزت له روايته عتي بطرفي المنتهية إلى مصتفه. رضوان الله تعالى عليه،. مشترطًا عليه ما اشترط علي من الأخذ بالاحتياط التام، والتّمسُّ منه أن لا ينساني من الدّعاء الصّالح في الحضرات المقدّسات وأعقاب الصّلوات، كما هو شأنى له. إن شاء الله تعالى..

وكتب بيده الفانيّة الجانيّة، الفقيّر إلى الله الغني: حسين بن كمال الدين الأبرز الحسيني الحلبي، في عسريوم الخميس الرابع من شهر ربيع الثاني سنة إحدى وأربعين بعد الألف، حامدًا لله، ومُصليًا على نبيّه وآله».

## الإجازة الثانية:

كتبها السيد ابن الأبرز الحسيني لتلميذه السُّكْرِيَّ بعد قراءته عليه (كتاب الصَّلَاة) من كتاب (الاستبصار) - الجزء الأول من الكتاب. وتاريخها ضحوة يوم الخميس السابع من شهر رجب المرجب سنة ١٠٤١هـ وبجوار هذه الإجازة: إجازة الشيخ أبو الحسن الشريف الفتووي العاملي للشيخ محمد علي بن بشارة آل موحى الخاقاني، ونص الإجازة:

«أنهى كتاب الصَّلَاة والطَّهارة، من أوْهُمَا إلى آخَرهما، الشيخُ العالمُ العاملُ، الفاضلُ الكاملُ، التقِيُّ النقيُّ، الشيخُ إبراهيمُ بن الحاجي علي السُّكْرِيَّ الحليُّ، قراءةً تدلُّ على فضله، وتشهدُ بتبحره، غيرَ مقتصرٍ على تصحيحِ المباني، بل جَامِعٌ بينهما وبينَ تحقيقِ المعاني.

وقد أجزتُ له .أدام الله إقباله، وكثرفي العلماء الأبرار أمثاله .روايتهما عني بطريقي المنتهية إلى أصحابِ العصمة - صلواتُ اللهِ عليهم .لِمَا شَاءَ وَأَحَبَّ، أَخِذًا عَلَيْهِ مَا أَخَذَ عَلَيَّ مِنَ التَّمَسُّكِ بِتَقْوَى اللهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى، وَالْأَخِذَ بِالِاحْتِيَاظِ التَّامِّ، وَأَنْ لَا يَنْسَانِي فِي الْخَلَوَاتِ وَأَعْقَابِ الصَّلَوَاتِ مِنَ الدُّعَاءِ لِصَلَاحِ الدَّارَيْنِ، كَمَا هُوَ شَأْنِي [لَهُ] إِنْ شَاءَ اللهُ تَعَالَى .

وذلك في مجالس عديدة، آخرها ضحوة الخميس السابع من شهر الله الأصب رجب المرجب من شهور سنة إحدى وأربعين بعد الألف من الهجرة النبوية، على مهاجرها أفضل الصَّلَاة وأكمل التحية.

وكتب الفقير إلى الله الغني: حسين بن كمال الدين الأبرز الحسيني الحلي حامدًا مصليًا».

## إجازة الشيخ أبو الحسن الشريف الفتووي العاملي

### للشيخ محمد علي بن بشارة آل موحى الخاقاني:

كما وكتب الشيخ أبو الحسن الشريف الفتووي العاملي (ت ١١٣٨هـ) بعد كتاب الصَّلَاة إجازةً لأبي الرضا الشيخ محمد علي بن بشارة آل موحى الخاقاني النجفي (توفي حدود سنة ١١٦٠هـ) مختصرة، كتبها له بتاريخ آخر شهر محرم الحرام سنة ١١٢٦هـ، ونصها:

«بسم الله الرحمن الرحيم، أنها قراءةً وتدقيقًا وتحقيقًا، الولدُ الأعزُّ الأعلَمُ، الأسعدُ الأرشدُ، الفاضلُ الفالحُ، الذكيُّ الزكيُّ الأملعيُّ، الشيخُ محمد علي ولد الشيخ العلامة الفهامة الشيخ بشارة آل موحى، في مجالس عديدة، آخرها آخر شهر محرم الحرام من سنة ست وعشرين ومائة بعد الألف الهجرية. وأجزتُ له أن يروي عني مراعيًا للاحتياط. وكتبه الحقيز: أبو الحسن الشريف . عفا الله عنه .».

### الإجازة الثالثة:

كتبها السيد ابن الأبرار الحسيني لتلميذه السكري بعد قراءته عليه (كتاب الصوم) من كتاب (الاستبصار)، وهي غير مؤرخة، وهي قطعاً في سنة ١٠٤١هـ؛ لأنها محصورة بين تاريخ الإجازة الثانية المؤرخة في ٧ شهر رجب من سنة ١٠٤١هـ، وتاريخ الإجازة الرابعة المؤرخة في ١٨ ذي القعدة من سنة ١٠٤١هـ ونص الإجازة:

«ثم أنها قراءة من أوله إلى هنا قراءة معتبرة تشهد بفضله، وتدل على تبحره، قراءة تحقيق وتدقيق، غير مقتصر على تصحيح المباني، بل جامع بينه وبين تحقيق المعاني. وقد أجزت له أن يرويه عني بطريقي المنتهية إلى أصحاب العصمة - سلام الله تعالى عليهم - لمن شاء وأحب، أخذاً عليه ما أخذ علي من الأخذ بالاختياط التام، وأن لا ينساني من صالح دعائه في خلواته، وأعقاب صلواته، كما هو شأني [له]. إن شاء الله تعالى - وكتب الفقير إلى الله الغني: حسين الأبرار الحسيني الحلبي».

### الإجازة الرابعة:

كتبها السيد ابن الأبرار الحسيني لتلميذه السكري بعد قراءته عليه (كتاب الحج) من كتاب (الاستبصار). الجزء الثاني من الكتاب. وفيها أنه قرأ عليه (كتاب الحج والجهاد)، وتاريخها يوم الاثنين ١٨ ذي القعدة الحرام سنة ١٠٤١هـ ونص الإجازة:

«بسم الله الرحمن الرحيم، أنهى كتاب العبادات من الاستبصار من أولها إلى آخر كتاب الجهاد الشيخ الأجل، التقى النقي، الزكي الوفي، العالم العامل، الفاضل الكامل، ذي القلب السليم، والطبع المستقيم، الذكي الأملعي، الشيخ إبراهيم بن الحاج علي السكري [ي] الحلبي، قراءة تحقيق وتدقيق، تدل على فهمه، وتشهد له بتبحره، غير مقتصر على تصحيح المباني، بل جامع بينها وبين تحقيق المعاني.

وقد أجزت له روايتها عني بطريقي المنتهية إلى مضافه شيخ الطائفة - قدس الله تربته الزكية، وأفاض عليها المراحم الربانية لمن شاء وأحب، بل أجزت له رواية بقية الكتب الأربعة [ة] التي عليها المدار في هذه الأعصار أعني: (الكافي، والفقية، والتهديب، وبقية الاستبصار)، أخذاً عليه ما أخذ علي من الأخذ بالاختياط التام، وأن لا ينساني من صالح الدعوات في الخلوات، وأعقاب الصلوات في الحضرات المقدسات، كما هو شأني له. إن شاء الله تعالى -

وذلك في عدة مجالس آخرها يوم الاثنين اليوم الثامن عشر من شهر ذي القعدة الحرام سنة إحدى وأربعين بعد الألف.

وَكَتَبَ يَدَهُ الْجَانِيَةُ الْفَانِيَةُ، الْفَقِيرُ إِلَى اللَّهِ الْغَنِيِّ: حَسِينُ بْنُ كَمَالِ الدِّينِ الْأَبْزُرِ الْحُسَيْنِيِّ الْحَلِيِّ، حَامِدًا مُصَلِّيًّا عَلَى رَسُولِهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

### جلالة قدره:

ظهرت لنا جلالته قدره من مدح أستاذه ابن الأبرار الحسيني عند قراءة عليه الكتاب. آنف الذكر،. ويضاف لذلك شهادته مع جمع من أعيان عصره في سنة ١٠٧١ هـ أثناء مجاورته في الغري في حق عماد الدين، أبو الخير محمد حكيم بن عبد الله الباقي بالاجتهاد والتقوى، وشهادتهم تلك تدل على عظيم إكبارهم له، وجيل مكانته في نفوسهم، فهم شهدوا باجتهاده في استنباط الأحكام الفقهيّة وتقدمه في العلوم والمعارف الإسلاميّة، وقطعه لأشواط بعيدة في تهذيب النفس والسير والسلوك، والزهد والتقوى، وجامعيته في الفنون، وجمال خطه وتبحره في أنواع الخطوط.

والباقية هذا كما ذكر ترجمه السيد أحمد الحسيني الأشكوري في تراجم الرجال (٢١٨/٣) (٢٢٥١): «عالم كبير، جامع للفنون العلميّة والكمالات الصوريّة والمعنويّة، مرموق المكانة بين العلماء والأفاضل، معروف بالورع والزهد والإعراض عن زخارف الدنيا، أقام خمس سنوات بالنجف الأشرف مدرّسا، وكان يُدرّس كلّ يوم في تلك المدّة خمسة عشر درسا في المعقول والمنقول، وتلمذ عليه بالإضافة إلى علماء وطلاب الشيعة بعض أفاضل أهل السنّة القاطنين آنذاك بالنجف الأشرف».

وشهادته تلك موجودة في مكتبة آية الله السيّد المرعشي في مجموعة تيممة نفيسة جدّا، والمرقّة بالرقم (٨٤٥١)، وقد تشرّف في رؤيتها بسعي الأخ الفاضل الشيخ أبو الفضل حافظيان. دام توفيقه،. وهي في عشرة أوراق، وعدد العلماء والأعيان الذين كتبوا شهادتهم فيها (٣٢) علما، ودوّنت ما كتبه في تلك الشهادة وقد كُتبت بالمداد الأحمر، وإليك صورتها: (موضع صورة خطّ الشيخ الجليل، الفقيه الصالح المتقي، [الشيخ إبراهيم السكّري - دام ظلّه: (الزبور اسمه السامي أعلاه كما وصف، وأجلّ من أن يوصف، وقد انتفع منه جم غفير من المخلصين في أمور الدولة والدين، بما يوافق شريعة سيّد المرسلين. وكتب إبراهيم بن عليّ السكّري».

وقد ترجم للسكّري الشيخ آقا بزرك الطهراني (ت ١٣٨٩ هـ) في طبقات أعلام الشيعة (٧/٨) على ضوء شهادته هذه دون ذكر اسم والده وإجازته. آنفة الذكر. مما يدل على

١ - كما وتوجد منها نسخة أخرى في المكتبة المركزيّة بتبريز ضمن مجموعة كتبت في سنة ١٠٨١ هـ، زوّدني بمصوّرتها مشكوراً الفاضل الحجّة الشيخ حسين الوثاقي. دام سعيه وفضله في إحياء التراث الشيعي فلله درّه وعلى الله أجره.



عدم اطلاعه عليه على نسخة كتاب (الاستبصار) المرعشية، واستظهر الطهراني عليه في ترجمته أنه بعينه (إبراهيم اليشكري)، والذي ترجم له بعد عدة صفحات في كتابه طبقات أعلام الشيعة (١٤/٨)، وجاء في ترجمته ما نصه: «إبراهيم اليشكري: ابن أحمد بن شهاب، الذي كتب في جرفادقان في رمضان ١٠٥٢هـ لنفسه مجموعة رجالية فيها: القسم الأول من (نهاية الآمال في ترتيب خلاصة الأقوال)، و(رجال ابن داود)، والنسخة عند جلال الدين المحدث (١)».

فيكون الاستظهار هذا في غير محله؛ لما ذكرته من اختلاف في أسماء الأب والجد واللقب والبلد بين المترجم له (إبراهيم بن علي السكري الحلبي) وبين (إبراهيم بن أحمد بن شهاب اليشكري الجرفادقاني)، وما استظهار الشيخ الطهراني عليه هذا الألقاب المصادر عن السكري، والحمد لله رب العالمين.

### المصادر

تراجم الرجال: السيد أحمد الحسيني الأشكوري، نشر: دليل ما، ط: ١، سنة: ١٤٢٢هـ  
طبقات أعلام الشيعة، الشيخ آقا بزرك الطهراني (ت ١٣٨٩هـ)، نشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت، ط ١، أوفست، سنة ١٤٣٠هـ  
فهرس مخطوطات مركز إحياء التراث الإسلامي: السيد أحمد الحسيني الأشكوري، نشر: مركز إحياء التراث الإسلامي، ط ١، سنة ١٤٢٨هـ  
فهرس مخطوطات مكتبة آية الله السيد المرعشي: السيد أحمد الحسيني الأشكوري، نشر: مكتبة آية الله السيد المرعشي النجفي - قم المقدسة، سنة: ١٣٧٣ش.  
اللباب في تهذيب الأنساب: ابن الأثير (ت ٦٣٠هـ)، نشر: دار صادر، بيروت، د.ت.

بصحة

این کتاب از طرف حضرت ابی‌انصاری  
عزیر العزیر بن ابی‌انصاری  
در روز پنجشنبه ۱۲۰۰  
در شهر کربلا  
در روز ۱۰  
در ماه ۱۰  
در سال ۱۰  
در شهر کربلا  
در روز ۱۰  
در ماه ۱۰  
در سال ۱۰

ابتداء سیمای العالم الفاضل الكاسر السبق النبی الزکی الوقیع السخی ابرهیم بن  
عبد الكوی علی فی زیارة كتاب الاستبصار من ذم قیوم الاربعین الرابع  
عشر من شهر رجب الحرام من سنة تكلیفی والاربعین من ذم الاربع  
من العوالم النبویة علی جماعتها افضل الصلوة والتقیة ونفعه الله فی انیامه ووفقه  
للخیر المسموع منه والارزاق والحمد لله رب العالمین

تقدیر و تصحیح  
ابن ابی‌انصاری

اصح نسخه  
اصح نسخه

اصح نسخه

مؤلفه  
تقدیر و تصحیح

بسم تعالی  
کتاب الاستبصار و قد فرغ علی العلامه شیخ محمد بن ابی‌انصاری  
الابرز الحقیقی الخلی و اجازتیه محرره بخطه فی هذه الصنعة  
در فوسط کتابتیه فی شهر رجب الحرام

(١) وجه نسخه الاستبصار و علیه تاریخ ابتداء القراءة بخط ابن الأبزر الحسینی











علمائنا الديين وفاقا ايضا فتميز فضل فضلاء البقر وقتا نعمانيا بزخمه اورد  
 عن عبد الرحمن بن ابي بكر بن ابي عمير بن ابي اسحق بن ابي عمير  
 المعروف بسند عمراة كاد يفتك وابل في كنفه لو لم يفتك منه السبع  
 ثم غفره الخالصين في امور الدولة والدين بما وافق فيهم من  
 وكتب ابراهيم بن محمد السكري **حضور** حجة السيد الفاضل  
**حضور** حجة السيد الفاضل في مجازة الله  
 اذام ارفضه وكاله وفي استغاله بالتدريس المذكور وما في تحقيق  
 الاسحق والتدقيق لائق وقد شاع واشتهر في القهر والخيل  
 والعلم والصلاح وانه اورد والتقى والانفراد بما يستغله  
 بالامور الدينية وكتب العمدة على طر بنها الديين في التبيين  
 حضور حجة السيد الفاضل في كنفه لو لم يفتك منه السبع  
 قد اتفق عند فضلاء رابيه ومبي ورتة في الحيف الاشرف ومنه  
 اكة الطلية مر جبا به ادم ارتق فيضه بغير وآله وبار ذلك  
 العبد الاصل محمد بن محمد بن محمد **حضور** حجة السيد الفاضل  
 الذك شخ محمد الكاظم دام الله عليه فير العلم ماقل وداره حريمه  
 وفي صدورهم ووقفنا الله وآياه انشا ما ياشا في روتبها الفكر

(٧) صورة شهادة الشيخ السكري لمحمد حكيم الباقفي





## اجازات شیخ اعظم مرتضیٰ انصاری

﴿ امرالله شجاعی ﴾<sup>۱</sup>

### مقدمه

صدور اجازات اجتهادیه و روایه و حسبیه و ذکریه جزء شؤونات علمای سلف محسوب می‌گردیده است و بخش مهمی از امورات مردم از طریق همین اجازات به انجام می‌رسیده است و علمانیز به اغراض گوناگون خود را مقتید به کسب اجازه و اعطاء اجازه می‌دیدند.

یکی از بزرگترین علمای شیعه در قرن سیزدهم هجری که صاحب و مؤسس مکتب اصولی و فقهی بوده است، حضرت آیت الله العظمی شیخ اعظم مرتضیٰ انصاری دزفولی (۱۲۱۴ - ۱۲۸۱ ق) می‌باشد وی پایه گذار مکتبی گردید که هنوز مورد توجه علمای بزرگ قرار دارد و بیشترین تاثیر فقهی و اصولی را در بعد از خود به جای گذاشته است.<sup>۲</sup>

این نکته که شیخ اعظم چون سایر علمای بزرگ شیعه خود دارای اجازات بسیاری بوده باشد و اجازات بسیاری را برای دیگران صادر کرده باشد، مطلب خاص و جدیدی نیست اما از آنجا معروف گردیده که شیخ اجازه اجتهادیه به کسی نداده است، بر آن شدیم با بررسی اجازات وی، به این مهم هم بپردازیم.

دو تن از شاگردان شیخ اعظم اذعا کرده‌اند که شیخ به کسی اجازه اجتهاد نداده است:

۱- مرحوم میرزا محمد تنکابنی در کتاب «قصص العلماء» درباره استادش شیخ مرتضیٰ

۱. محقق مجمع الفکر الاسلامی.

۲. رجوع شود به زندگانی و شخصیت شیخ انصاری که مفصل‌ترین نوشتار درباره شیخ اعظم می‌باشد.

انصاری می نویسد: «... هرگز متصدی مرافعات نمی شد و به کسی اجازه اجتهاد نداد».<sup>۱</sup>

۲- شاگرد دیگرش مرحوم سید اسماعیل تنکابنی در کتاب «نصرة الناظرین ونزهة الباصرین» در ذیل ترجمه استادش می نویسد: «قلما ارتكب الاجازة، لم یجزأ أحدا، قيل أنه قال: انی علی ظن أو شک من نفسی فکيف منکم».<sup>۲</sup>

و یکی از نوادگان شیخ نقل می کند که: شخصی رفته بود خدمت شیخ انصاری تا تصدیق اجتهاد از ایشان بگیرد. شیخ تصدیق نداده بود. آن فرد گفته بود: آقای تصدیق نمی دهی نده، اما علت اینکه تصدیق اجتهاد به کسی نمی دهی چیست؟ شیخ فرموده بود: «هنوز من بعد از شهید اول، قطع به اجتهاد کسی پیدا نکردم».<sup>۳</sup>

اما در بررسی های آینده مشخص خواهد شد که شیخ همچون سایر علمای بزرگ شیعه هم خود دارای اجازات بوده و هم اجازات مختلف اجتهادیه و روایتیه و حسیبیه از وی صادر گردیده است. ممکن است شیخ اعظم در دوره ای به دلیلی از دادن اجازات اجتهادیه خودداری می کرده است، به نظر می رسد شیخ از روی احتیاط، از دادن اجازه به افرادی که توانایی فقهی آنان را احراز نکرده، خودداری می کرده است.<sup>۴</sup>



۱. قصص العلماء، ص ۱۰۶.

۲. نصرة الناظرین ونزهة الباصرین، چاپ شده در میراث اسلامی ایران، ج ۷، ص ۷۰۶.

۳. گفتگو با دوتن از نوادگان شیخ، ص ۲۲.

۴. مرحوم آیت الله همدانی داستان عبرت انگیزی از یکی از شاگردان شیخ اعظم را که اصرار بر گرفتن اجتهاد از ایشان داشته، نقل می کند (مراجعه شود به کتاب عالم ربانی، ص ۳۵۵-۳۶۰).



## مشایخ اجازه شیخ انصاری<sup>۱</sup>

- ۱- ملا احمد نراقی (۱۱۸۵-۱۲۴۵ ق)
- ۲- شیخ علی کاشف الغطاء (۱۱۹۷-۱۲۵۳ ق)
- ۳- ملا محمد جعفر استرآبادی (۱۱۹۵-۱۲۶۳ ق)
- ۴- آقا سید حسین امام شوشتری (۱۱۸۹-۱۲۷۵ ق)
- ۵- سید صدرالدین عاملی (۱۱۹۳-۱۲۶۴ ق)
- ۶- شیخ محمد سعید دینوری «صد تومانی» (متوفای حدود ۱۲۵۰ ق)
- ۱- ملا احمد نراقی (۱۱۸۵-۱۲۴۵ ق)

فقیه و مجتهد بزرگ فرزند علامه ملا مهدی نراقی در نراق کاشان بدنیا آمد و از محضر پدر خویش بهره وافر برد، سپس به عراق مهاجرت نمود و از علمای اعلام آنجا چون سید مهدی بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء و سید محمد مهدی شهرستانی بهره برد. سپس به کاشان بازگشت و در سال ۱۲۰۹ ق بعد از وفات پدرش ریاست دینی آن سامان به وی منتقل گردید و حوزه درسی بزرگی را تشکیل داد و بسیاری از محضرش بهره‌مند گردیدند یکی از آن افراد شیخ اعظم مرتضیٰ انصاری بود که چهار سال در خدمتش بود و از وی موفق به اخذ اجازه گردید. وی کتب و رسائل بسیاری را تالیف نمود که از جمله آنها می‌توان به «مستند الشیعه»، «عوائد الایام»، «عین الاصول»، «مناهیج الاصول»، «معراج السعادة»، «خزائن» و «طاقدیس» اشاره نمود.<sup>۲</sup>

۱. در مقاله «مستجیزین و مجازین از شیخ احمد احسائی» چاپ شده در «جشن نامه آیت الله رضا استادی»، ص ۲۳۱ به نقل از «عقیده الشیعه» ص ۹۷، شیخ مرتضیٰ انصاری از مجازین از شیخ احمد احسائی بر شمرده شده است و همچنین شیخ حرزالدین در معارف الرجال، ج ۲، ص ۳۶۳ در ذیل ترجمه شیخ شعبان گیلانی یکی از مشایخ روایی شیخ را صاحب جواهر معرفی می‌کند و می‌نویسد: کان یروی عن اساتذته جمیعاً - وهم از شیخ حبیب الله المرتضیٰ و الملا محمد الایروانی و از الشیخ زین العابدین المازندرانی عن الشیخ مرتضیٰ الانصاری عن صاحب الجواهر و همچنین شیخ حرزالدین در معارف الرجال، ج ۲، ص ۴۰۲ نقل می‌کند که شیخ از سید محمد باقر شفتی درخواست اجازه می‌کند که سید بخاطر عدم احاطه شیخ به علم رجال در آن زمان از دادن اجازه امتناع می‌کند و در بازگشت دوباره شیخ به خدمت سید می‌رسد.

روضات الجنات، ج ۱، ص ۹۵؛ اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۱۸۳؛ تراجم الرجال، ج ۱، ص ۹۰؛ الفوائد الرضویة، ص ۴۱؛ موسوعة مؤلفی الامامیة، ج ۳، ص ۳۲۹-۳۳۹.

شيخ انصارى اجازة خویش رابه سال ١٢٤٤ ق از ملا احمد نراقى اخذ کرده است.  
اجازة ملا احمد نراقى به شيخ مرتضى انصارى (رحمهما الله) :  
بسم الله الرحمن الرحيم وبه وثقتى

الحمد لله الذى نورّ قلوبنا بانوار المعرفة والدراية واوضح لنا سبيل الرشد والهداية والصلوة و السلام على سيدنا ونبينا محمد منقذ الامة من الضلالة والغواية صلوة لا غاية لها ولا نهاية و على اله المعصومين الذين كملت بهم دائرة الولاية وبقائهم قامت القيامة وبعده فيقول المحتاج الى عفوره الباقى احمد ابن محمد مهدي ابن ابى ذر النراقى بصّره الله بعيوب نفسه وجعل غده خيراً من يومه ويومه خيراً من امسه، انّ من منن الله سبحانه على العباد ان سهل لهم سبيل الرشاد و ابان لهم طريق السداد فجعل لحفظ دينه و احكامه علماء مستحفظين لشرايعه و احكامه صار يتلقف الخلف عن السلف ما استودعوا من علوم اهل بيت العصمة و الشرف حفظاً لها عن الضياع و التلف فكم من متعزّب عن وطنه لطلب العلى و نازح عن سكنه و مسكنه لنيل المنى و رحلة قدح ابلا و تلقى من افواه الشيوخ ما بلغهم من مشائخهم عن سادات العباد فلله درهم اذ عرفوا من قدر العلم ما عرفوا و صرفوا اليه من وجوه همهم ما صرفوا و كان ممن جدّ فى الطلب و بذل الجهد فى هذا المطلب و فاز بالخط الأوفر الأسنى و حظى بالنصيب المتكاثر الاهنى مع ذهن ثاقب و فهم صائب و تدقيق و تحقيق و دركٍ غائرٍ شيق و الورع و التقوى و التمسك بتلك العروة الوثقى العالم النبيل و المهذب الاصيل الفاضل الكامل و العالم العامل حاوى المكارم و المناقب و الفائز باسنى المواهب الالعى المؤيد و السالك من طرق الكمال للأسد ذوالفضل و التهى و العلم و الحجى الشيخ مرتضى ابن الشيخ محمد امين الانصارى التستري ايدة الله بتأييده و جعله من كمل عبيده و زاد الله فى علمه و تقاه و حباه بما يرضيه و يرضاه و استجازنى بعد ما ترددت اليّ و قرأ علىّ و تبينّت فضيلته لدى و لما كان ايده الله جده و ضاعف كده و جده أن يروى عنى كتاب نهج البلاغه فى خطب امير المؤمنين و الصحيفة السجادية فى ادعية سيد الساجدين عليهما افضل صلوة المصلين و الكتب الأربعة التى عليها المدار فى تلك الاعصار الكافى و الفقيه و التهذيب و الاستبصار و الكتب الثلاثة الجامعة لمتفرقات الاخبار الوافى و الوسائل و بحار الأنوار و سائر كتب الحديث و التفسير و الفقه و الاستدلال و اللغة و النحو و الاصولين و الرجال من مصنفات الفرقه و مؤلفات علماء العترة اعلى الله مراتبهم فى فراديس الجنة و كذا مصنفات و لدى القمقام رفع الله درجاته فى دار السلام و ما يرمنى و جرى به قلمى

فى التصنيف وافرغ عنى فى قالب التآليف فليرو عتّى جميع ذلك كيف شاء واحب ولمن اراد و  
طلب بطرقى المتصلة الى اهل بيت العصمة و علماء الفرقه  
فمنها: ما اخبرنى به قرائة و سماعاً و اجازة الشيخ الأعظم و الاستاذ الأفخم الامام الهمام و  
البحر القمقام مكمل المعارف و العلوم و من اذعنت بفضله الخصوم، اليمّ المتلاطم الأمواج الذى  
ملاء ذكر مفاخره جميع الفجاج العالم، العابد و العارف الزاهد عمدة المجتهدين و افضل المتأخرين  
بل المتقدمين و الدى و استادى مولانا محمد مهدى ابن ابى ذر النراقى مولداً الكاشانى رياسةً و  
مسكناً و النجفى التجاءً و مدفنأً صاحب المؤلفات الوافرة و المصنّفات الفاخرة عن مشايخه الكرام و  
اساتيده العظام السبعة، الذين هم فى البلاد بمنزلة الكواكب السبعة فى السبع الشداد و هم:

الشيخ المحدث الفاضل و الحبر العالم العامل الشيخ يوسف البحرانى  
و الشيخ المجتهد المحقق و الاستاد المعتمد المدقق جمّ الفضائل و المفاخر اقا محمد باقر البهبهانى  
و الشيخ الفقيه الكامل و المحدث النبيه الفاضل الشيخ محمد مهدى الفتونى العاملى النجفى  
و المولى الدين التقى مولانا محمد جعفر الكاشانى البيدكلى  
و العالم الفاضل الزبائى مولانا محمد اسمعيل المازندرانى الأصفهانى  
و الفقيه الجامع المدقق علامة الزمان الحاج شيخ محمد ابن الحاج محمد زمان الكاشانى  
النوشابادى الأصفهانى - افاض الله عليهم شأيب الرحمة و الغفران و اسكنهم فراديس الجنان -  
بطرقهم المتصلة الى رئيس المحدثين و شيخ الاسلام و المسلمين مولانا محمد باقر ابن محمد تقى  
المجلسى

او الى ممدّ قواعد الدين و مقدم المجتهدين الشيخ زين الدين الشهير بالشهيد الثانى  
او الى الشيخ الامام الهمام و العلامة الشيخ على ابن عبد العال الكركى الشهير بالمحقق الثانى  
او الى الامام الأعظم و التحرير المعظم الأجل الأكمل الشيخ شمس الدين محمد ابن مكى  
العاملى الشهير بالشهيد الاول - طاب الله ثراهم و جعل الجنة مثواهم.

منها: ما اخبرنى به قرائةً و سماعاً و اجازةً استادى الأعظم و شيخى المعظم البحر المتلاطم  
الامواج الذى ملاء ذكر مفاخره جميع الفجاج، ذواتور الزاهر و الفضل الباهر و النسب الطاهر و  
الحسب الظاهر و المقام الرفيع و الشأن المنيع العالم العابد الزاهد الاوحدى شيخنا و استادنا السيد  
محمد مهدى ابن سيد مرتضى الطباطبائى النجفى - قدس الله نفسه الزكية - عن مشايخه العظام  
الفضلاء الاجلاء: الاقا محمد باقر البهبهانى

و الشيخ يوسف البحرينى

و الشيخ مهدى الفتونى المتقدم ذكرهم

والفاضلين الكاملين السيد حسين القزويني والمولى عبد النبي البيدي عن المحدث المجلسي ومنها: ما اخبرني به اجازة شيخى العالم العلم العلامة والمجتهد الكامل الفهامة قدوه المجتهدين وشمس فلک المعالى والفقہ والدين الامعى اللوزعى السيد السند السيد على ابن محمد على الطباطبائى الحائرى - قدس الله ترتيبه ورفع فى جنان الخلد رتبته - عن خاله العلامة اقا محمد باقر المتقدم القابه الشريفه

ومنها: ما اخبرني به اجازة الشيخ الفقيه والعالم النبيه السيد الجليل والمهذب النبيل ذوالأخلاق الرضيّه والوصاف المرضيه كهف الانام وملجا الخاص والعام الميرزا محمد مهدي ابن ابى القاسم الشهرستانى الحائرى - نورالله مرقدہ - عن مشائخه الكرام: الاقا محمد باقر والشيخ يوسف والشيخ محمد مهدي الفتوى المتقدم ذكرهم

ومنها: ما اخبرني به اجازة شيخ مشايخ عصره وافقه فقهاء دهره الشيخ الاعظم والبحر المعظم الاجل الاكمل، الشيخ محمد جعفر النجفى - روح الله روحه وكشرفى عالم القدس فتوحه - عن شيخه الكاملين: الاقا محمد باقر والسيد محمد مهدي الطباطبائى المتقدم ذكرهما، بطرقهم المشار اليها المتصلة الى المحدث المجلسى ره والشهيد الثانى والشيخ على الكركى والشهيد الاول المتصلة طرق اؤهم الى احد الفضلاء الثلاثة المتعقب ذكرهم له

والى الشيخ الاجل الاكمل الأعظم جمال الملة والحق والدين واية الله فى العالمين ابى منصور الحسن ابن يوسف ابن مطهر الحلى الشهير بالعلامة - نورالله مرقدہ - المتصلة طرق ثانيهم الى احد الشيخين الكاملين المتعقب له والمتصلة طرق ثالثهم الى الرابع والى العلامة العلامة الحلى المتعقب ذكره له والمتصلة طرق الرابع الى العلامة ايضا

والى احد المشايخ العظام: الشيخ الاجل الأعظم شيخ الطائفة ورئيسهم الشيخ ابى جعفر الطوسى رحمته الله والشيخ المفخم المعظم الامام الهمام المكرم رئيس الشيعة واستادهم ومرجعهم وسنادهم محمد ابن محمد ابن التعمان الشيخ المفيد والشيخ العالم العامل الكامل الصدوق الشيخ ابى جعفر محمد ابن على ابن حسين ابن بابويه القمى والمتصلة طرق العلامة الى احد المشايخ العظام المتأخر ذكرهم المتصلة طرقهم بالائمة الاخيار والمعصومين الأطهار - عليهم صلوات الله الملك الغفار -

واعلى طرقى ما اروه عن الوالد العلم العلامة عن الشيخ يوسف المتقدم عن المولى الفاضل مولانا محمد ابن فرج الشهير بملاً رفيعا الجيلانى عن المولى المحدث المجلسى عن والده النقى التقى عن الشيخ المعمّر البهى الشيخ ابى البركات الواعظ الاصفهانى عن المحقق الكركى عن محمد ابن داود عن الشيخ ضياء الدين عن والده الشهيد الاول عن الشيخ جلال الدين



حسن عن الشيخ نجم الدین ابی القاسم الشهير بالمحقق عن السيد فخار عن الشيخ ابی الفضل شاذان ابن جبرئیل القمی عن الشيخ ابی عبد الله الدوریستی عن شیخنا المفید عن الصدوق و اعلى طرق الصدوق الى الامام الهمام جعفر ابن محمد الصادق عليه السلام ما رواه عن ابیه عن عبد الله جعفر الحمیری عن هارون ابن مسلم عن مسعدة ابن زياد عن الامام بالحق ابی عبد الله عليه السلام. وقد اجزت له - جعله الله من المقربين الابرار وحشره مع الائمة الأطهار- رواية جميع ما ذكر عن مشايخي الكرام العظام الذين هم ابائي الروحانيون - جزاهم الله عنى وعن العلم واهله احسن الجزاء - واشترط عليه - ايده الله بتاييده - ما اشترط على مشايخي العظام من التثبت فى القول والعمل ليطمئن من الوقوع فى مهاوى العثرة والزلل وسلوك سبيل الاحتياط المنجى عند المرور على الصراط وان لا ينساني من الدعاء عند الخلوات وشرائف الاوقات و يتفقدى فى مظان الاستجابات.

وحرر ذلك بيمنه الدائرة اوتى بها كتابه فى الاخره، احمد ابن محمد مهدي ابن ابی ذر القمی النراقى اصلاً الكاشانى مسكناً فى شهر شوال المكرم من شهور سنة اربع و اربعين بعد المائتين و الألف من الهجرة على هاجرها السلام و التحية

سجع مهر شريف : عبده احمد بن محمد مهدي<sup>1</sup>

۲- شيخ على كاشف الغطاء نجفى (۱۱۹۷-۱۲۵۳ ق)

فقيه و اصولی بزرگ شيعه و فرزند علامه شيخ جعفر كاشف الغطاء. در نجف اشرف به دنيا آمد و از محضر پير خويش فقه و اصول را اخذ نمود و حوزه درسى بزرگى را در دو شهر نجف اشرف و كربلا دائر نمود.

وى بعد از وفات برادر فقيه اش شيخ موسى به سال ۱۲۴۱ ق به مرجعيت دينى رسيد و به شهرت بسيارى نائل آمد و بسيارى از فقهاء و بزرگان از محضرش استفادة نمودند كه از جمله آنان مى توان به شيخ اعظم مرتضى انصارى و صاحب ضوابط سيد ابراهيم قزوينى و سيد عبد الفتاح مراعى كه تقريرات درسش را با نام «العناوين» به رشته تحرير درآورد، اشاره كرد.

از آثار وى مى توان «شرح اللمعة الدمشقيه» و «حاشيه بر بغيعة الطالب» برادرش شيخ موسى و «الرسالة الصومية» را نام برد. وى در كربلاء وفات نمود و در نجف در مقبره خانوادگى

۱. شخصيت و زندگانی شيخ انصارى، ص ۱۴۹-۱۵۹. متن عكسى نسخه اين اجازه نامه، كه از روى نسخه اصل نوشته شده است آمده است. همچنين اين اجازه نامه را محمد باقر الفت در مجمع الاجازات و منبع الافادات، ص ۳۳۷-۳۴۲ ذكر کرده است.

شان دفن گردید.<sup>۱</sup>

شیخ انصاری در اجازه ای که به فرزند ملا جعفر استرآبادی داده است، وی را از مشایخ روایی خود برشمرده و او را اینگونه می ستاید:

و منهم: البحر الزاخر و البدر الباهر، فخر الاوائل و الأواخر، الجامع للمحاسن و المفایر، الصفیّ الهیّ، المولی الشیخ علی النجفی قدس الله نفسه الزکیه و أفاض علی مضجعه المرحم الربانیة.<sup>۲</sup>

۳- ملا محمد جعفر استرآبادی «شریعتمدار» (۱۱۹۸-۱۲۶۳ ق)

فقیه و مجتهد بزرگ امامیه. وی در قریه نوکده از توابع استرآباد بدنیا آمد. و سپس به بارفروش (بابل کنونی) و بعد از آن به عراق مهاجرت نمود و در کربلا از محضر صاحب ریاض سید علی طباطبائی استفاده کرده و تقریرات فقه و اصول او را به نگارش درآورده و از وی موفق به اخذ اجازه گردید.

در سال ۱۲۳۱ ق به ایران بازگشت و از طرف فتحعلی شاه قاجار به تهران دعوت گردید و در آن سامان به تدریس و تالیف و رسیدگی به امورات شرعی مردم مشغول گردید. وی در سال ۱۲۴۱ ق در جنگ ایران و روسیه همراه سید محمد مجاهد شرکت کرد و در بازگشت به حج خانه خدارفته و سپس مدتی را در کربلا ساکن گردید در سال ۱۲۴۸ ق به مشهد مقدس رفت و محمد شاه قاجار از وی برای بازگشت به تهران دعوت کرد و مورد احترام خواص و عوام گردید و به مرجعیت وسیع دینی نائل آمد، علمای بسیاری از محضرش بهره مند گردیدند.

وی موفق به تالیف حدود شصت کتاب و رساله گردید مانند: «شوارع الأنام»، «موالید الاحکام»، «دلایل المرام»، «مشکاة الوری» و «موازین الاحکام».

وی در تهران از دنیا رفت و جنازه اش در نجف اشرف در صحن شریف علوی دفن گردید. از شاگردان بارز او می توان به دو فرزند دانشمندش شیخ علی و شیخ محمد حسن اشاره کرد.<sup>۳</sup>

شیخ انصاری در اجازه ای که به فرزند ملا محمد جعفر استرآبادی داده است، وی را از

۱. اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۱۷۷، العقبات العنبریه، ص ۲۳۸، الکرّام البرّره، ج ۳، ص ۴۶-۴۷، تکمله نجوم

السماء، ج ۱، ص ۴۱۴، معارف الرجال، ج ۲، ص ۹۳، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۳۹۲.

۲. شرح احوال علمای خاندان شریعتمداری، ص ۱۹۵ و ص ۱۹-۱۰۲، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۵۵۴-۵۵۶.

۳. روضات الجنات، ج ۲، ص ۲۰۷، اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۸۴، الکرّام البرّره، ج ۱، ص ۲۵۳، الفوائد الرضویه،

ص ۶۱، فهرستواره دنا، ج ۱۱ ص ۱۴۸-۱۵۰.





مشایخ روایی خود برشمرده و او را اینگونه می ستایند:

منهم: وهو اجلهم والده العلامة ازهد اهل عصره واتقاهم واورعهم وازكاهم ملاذ المجتهدین و عمدة المحققین، محی شریعة سید المرسلین، ناشر آثار خاتم النبیین، حجة الحجة علیه السلام علی الخلیقة، مروج مبانی الشریعة، المهذب الانور، مولینا الحاج مولی محمد جعفر الاسترآبادی المتقدم ذكره، روح الله روحه الطیبة.<sup>۱</sup>

۴- آقا سید حسین بن عبدالکریم امام (۱۱۸۹-۱۲۵۷ هـ)

فقیه و مجتهد و امام جمعه شوشتر، متولد شوشتر. ادبیات و فقه و اصول را از پدرش اخذ نمود و سپس به عتبات مهاجرت نمود و از درس آسید علی طباطبائی صاحب ریاض و سایر علماء بهره برد و از صاحب ریاض موفق به اخذ اجازه گردید. وی در علم و عمل از اقران سبقت گرفت و چون به شوشتر برگشت، مرجعیت خوزستان در ایشان استقرار یافت. وی امام جمعه شوشتر بود که در نمازش تا چهار هزار نفر در مسجد شوشتر حاضر می شدند.

آقا سید حسین امام نزد خواص و عوام و امراء موجه بود و کراماتی را به وی نسبت می دهند. وی دارای طبع شعر بوده و اشعاری از او بجا مانده است. سرانجام در کاظمین از دنیا رفت و در حرم کاظمیه در رواق شیخ مفید دفن گردید. آثار وی:

۱- رساله عملیه که ملا عبدالرضا شوشتری آن را جمع آوری کرده و آن را «واجبات الصلاة»

نامید.

۲- تحفة الاخوان که در کاظمین تالیف کرده است.<sup>۲</sup>

شیخ مرتضیٰ انصاری به قصد تیمن و تبرک از او اجازه روایتی دریافت نمود. همچنین وی، شیخ اجازه عارف بزرگ شیعی سید علی شوشتری می باشد. از آنجا که این اجازه نامه در ذکر مشایخ می بایست همانند اجازه شیخ انصاری از آقا سید حسین امام باشد ما متن این اجازه را ذکر خواهیم نمود.

متن اجازه روایی سید علی شوشتری به میرزا محمد همدانی که در آغاز سلسله آن سید حسین امام شوشتری قرار دارد، اینچنین است:

.... وانا اروی ذلک عن ثقات الاعلام و صلحاء کرام و فضلاء متقین و فقهاء مقننین و

علماء متقین،

۱. شرح احوال علمای خاندان شریعتمداری، ص ۱۹۵

۲. شجره مبارکه، ص ۱۲۸-۱۳۶، نابغه فقه و حدیث، ص ۳۲۹، الکرام البررة، ج ۱، ص ۳۹۸.

منهم: العالم البارع والفاضل الذی له فی الفضل مجال واسع، من تجلبب بالتقی و اتزر بالقدس والورع، فأخذ بركابه افواج ممن بالزهد ادرع حضرة القدس و حظيرة الأئس و حياة النفس امام الجمعة و الجماعة فی تستر، و من انتشرت أشعة شمس الشرع بوجوده و أبت أن تستر، سيدنا الأجل السيد حسین، ساق اللہ الیه سحائب رضوانه مدى الجدیدین، عن ابيه القمر الكوثری و بریق العلم الجوهری السيد عبد الكریم الموسوی التستری، عن العالم البر الذی شاع علمه و برّه مجراً و بزراً، و كشف الأستار عن اسرار العلوم فلم یترك فی الحساب سرّاً، السيد السند السيد عبد الله شارع النخبة، أمطر الله علیه من غفرانه سجاله، عن أبيه الحبر النحریر و البحر العذب الحظیر الصادق القول الامین، مروج الشرع المبین السيد الجلیل نورالذین، عن جماعة من مشایخ الفحول.

حیلولة: وعن مشكاة مصباح النور سيدنا الأجل السيد حسین المذكور عن منبع حياض الفضائل و منبت رياض المسائل و منقح الاحكام بالذلائل العالم الفائق علی القاصی و الدانی الامیر سيد علی الطباطبائی عن خاله الوحيد البهبهانی<sup>۱</sup>.

۵- سيد صدرالذین محمد بن صالح عاملی (۱۱۹۳-۱۲۶۴ ق)

فقیه و اصولی بزرگ شیعه، متولد شد غیث از توابع صور جبل عامل در لبنان وی از پدرش و شیخ سلیمان بن معتوق عاملی و سید محسن اعرجی و شیخ اسدالله شوشتری و سید علی طباطبائی صاحب ریاض، و شیخ جعفر کاشف الغطاء بهره برد و به افتخار دامادی استادش شیخ جعفر کاشف الغطاء نائل آمد.

نشانه های نبوغ علمی در وی آشکار بود و استادش صاحب ریاض به سال ۱۲۱۰ ق در اجازه اجتهادی که در سن ۱۷ سالگی به وی داده اشاره می کند که وی قبل از این تاریخ به درجه اجتهاد رسیده است. وی همچنین در قم از میرزای قمی بهره مند گردید و سپس به اصفهان رفته و ساکن آنجا گردید و عهده دار تدریس و اقامه حدود و احکام گردید.

علمای بسیاری از محضرش بهره مند گردیدند و بسیاری موفق به اخذ اجازه از وی گردیدند که یکی از آنها شیخ مرتضی انصاری می باشد  
از آثار علمی وی: «أثر العترة»، «عترة العترة»، «المستطرفات»، «قوت لایموت» و «القسطاس المستقیم» می باشد.

وی در نجف اشرف از دنیا رفت و در صحن علوی به خاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

۶- محمد سعید دینوری «صد تومانی» (وفات حدود ۱۲۵۰ ق)

محمد سعید بن یوسف دینوری قراچه داغی معروف به «صد تومانی»

فقیه صالح از بیوتات قدیمی نجف اشرف معروف به «بیت صد تومانی».

این فقیه برجسته که از بزرگان زمان خود بود از افاضل شاگردان سید مهدی بحرالعلوم محسوب می‌گردید و از ناحیه وی صاحب اجازه بود. وی رساله‌ای در مناظره استادش سید مهدی بحرالعلوم با علمای یهود تألیف کرده است. و همچنین از شیخ جعفر کاشف الغطاء و مرحوم وحید بهبهانی و سید محمد جواد عاملی صاحب مفتاح الکرام اجازه داشته است. از جمله کسانی که موفق به اخذ اجازه از وی شدند، سید رضا فرزند سید مهدی بحرالعلوم و میرزا احمد بن لطف علی تبریزی می‌باشند.

شیخ مرتضیٰ انصاری نیز از وی اجازه داشته است و بر روی منبر به علوسند این اجازه نامه افتخار می‌کرده است.<sup>۲</sup>

کسانی که از شیخ انصاری اجازه روائی داشته‌اند:

۱- میرزای شیرازی<sup>۳</sup>

۲- ملا حسینی همدانی<sup>۴</sup>

۳- میرزا محمد حسن آشتیانی<sup>۵</sup>

۴- سید حسن کشمیری<sup>۶</sup>

۵- محدث نوری<sup>۷</sup>

۶- فاضل شرایبانی<sup>۸</sup>

۱. روضات الجنات، ج ۴، ص ۱۲۶، تکملة امل الآمل، ص ۲۳۵، معارف الرجال، ج ۲، ص ۳۳۸ اعیان الشیعة، ج ۹، ص ۳۷۲، بغیة الراغبین، ج ۱، ص ۱۴۷، موسوعة طبقات الفقهاء ج ۱۳، ص ۴۶۵-۴۶۷، فهرستواره دنا، ج ۱۱، ص ۷۱۶.

۲. الکرام البررة، ج ۲، ص ۶۰۱-۶۰۲، زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۱۴۷-۱۴۸

۳. الاجازة الكبيرة، ص ۳۶

۴. همان، ص ۳۷، ۱۲۲

۵. همان، ص ۴۴، ۱۵۴

۶. همان، ص ۱۳۷

۷. همان، ص ۳۱۵، میراث حدیث شیعه، ج ۵، ص ۴۳۶

۸. همان، ص ۴۲۳، الذریعة، ج ۱، ص ۲۲۹

- ۷- لطف الله لاریجانی<sup>۱</sup>
- ۸- عبدالرحیم تستری<sup>۲</sup>
- ۹- سید علی شوشتری<sup>۳</sup>
- ۱۰- ملاعلی نهاوندی<sup>۴</sup>
- ۱۱- السید محمد علی شاه عبدالعظیمی<sup>۵</sup>
- ۱۲- شیخ جعفر شوشتری<sup>۶</sup>
- ۱۳- شیخ محمد حسین بن هاشم کاظمی<sup>۷</sup>
- ۱۴- ملا علی بن الخلیل الطهرانی<sup>۸</sup>
- ۱۵- محمد علی بن جعفر شوشتری<sup>۹</sup>
- ۱۶- میرزا محمد بن عبدالوهاب همدانی<sup>۱۰</sup>
- ۱۷- سید جمال الدین اسدآبادی<sup>۱۱</sup>
- ۱۸- میرزا محمد هاشم چهارسوقی<sup>۱۲</sup>
- ۱۹- المولی ابوتراب القزوینی<sup>۱۳</sup>
- ۲۰- سید محمد بن هاشم لکنویبی<sup>۱۴</sup>

۱. همان، ص ۴۴۴
۲. همان، ص ۴۴۸، الذریعة ج ۱۱، ص ۲۰
۳. الکرام البررة، ج ۳، ص ۹۴
۴. میراث حدیث شیعه، ج ۵، ص ۴۳۰
۵. همان، ج ۵، ص ۴۳۲
۶. الذریعة، ج ۱۱، ص ۱۶، میراث حدیث شیعه، ج ۳، ص ۴۳۹، ذیل اجازه الشیخ جعفر التستری
۷. الذریعة، ج ۱۱، ص ۱۹
۸. همان، ج ۱۱، ص ۲۲، میراث حدیث شیعه، ج ۳، ص ۴۷۱
۹. همان، ج ۱۱، ص ۲۵-۲۶
۱۰. همان، ج ۱۳، ص ۳۷
۱۱. مجله حوزه، شماره ۵۹-۶۰، ص ۳۱ و سیاستگران دوره قاجار، ص ۱۸۶، در این مصدر آمده است اگر سید جمال چنین اجازه ای داشت سند به این مهمی را اقلاً چندین جا عکس می انداختند و منتشر می کردند.
۱۲. جشن نامه استاد سید علی خراسانی، اجازه میرزا محمد هاشم چهارسوقی به میرزا محمد حسین همدانی، ص ۸۵۷، میراث حدیث شیعه، ج ۳، ص ۴۴۰-۴۶۷
۱۳. میراث حدیث شیعه، ج ۳، ص ۴۳۷
۱۴. تکملة نجوم السماء، ج ۲، ص ۲۵۴ و نقباء البشر، ج ۵، ص ۲۹۴.

- ۲۱- سید عباس موسوی معروف به آقا سید عباس<sup>۱</sup>.  
 ۲۲- میرزا نصرالله نائینی<sup>۲</sup>  
 ۲۳- میرزا ابراهیم خراسانی<sup>۳</sup>  
 ۲۴- ملا محمد دیروانی<sup>۴</sup>
- افرادی که به گرفتن اجازه اجتهاد آنها از شیخ انصاری تصریح شده اما از اصل اجازه نامه مدرکی در دست نیست:

- ۱- میرزا ابوالقاسم کلانتر (۱۲۳۶-۱۲۹۲ق)<sup>۵</sup>  
 ۲- ملا احمد خوئینی (۱۲۴۷-۱۳۰۷ق)<sup>۶</sup>  
 ۳- شیخ حسن دزفولی کاظمی (و ۱۲۹۸ق)<sup>۷</sup>  
 ۴- فخرالدین محمد اسماعیل کجوری (۱۲۲۳-۱۲۷۸ق)<sup>۸</sup>  
 ۵- شیخ محمد تقی همدانی (۱۲۶۳-۱۳۱۴ق)<sup>۹</sup>  
 ۶- میرزا محمد حسن قمی (۱۲۴۱-۱۳۰۴ق)<sup>۱۰</sup>  
 ۷- میرزا محمد هاشم چهارسوقی (۱۲۳۵-۱۳۱۸ق)<sup>۱۱</sup>  
 ۸- سید ابوالقاسم جعفر بن مهدی موسوی<sup>۱۲</sup>  
 ۹- سید اسحاق قمی (و ۱۲۹۰ق)<sup>۱۳</sup>  
 ۱۰- سید حسین بهبهانی (۱۲۱۵-۱۳۰۰ق)<sup>۱</sup>

۱. نام آوران علم و اجتهاد کرمان، ص ۱۷۵.  
 ۲. مطلع الشمس، ج ۲، ص ۳۹۷ - ۳۹۸؛ تاریخ علمای خراسان، ص ۲۵۴.  
 ۳. تاریخ علمای خراسان، ص ۲۸۸.  
 ۴. معارف الرجال، ج ۲، ص ۳۶۲.  
 ۵. نقباء البشر، ج ۱، ص ۶۰.  
 ۶. همان، ج ۱، ص ۱۷۰، تراجم الرجال، ج ۱، ص ۹۲.  
 ۷. الکرام البررة، ج ۱، ص ۳۰۶.  
 ۸. همان، ج ۱، ص ۱۴۰.  
 ۹. نقباء البشر، ج ۱، ص ۲۴۱.  
 ۱۰. همان، ج ۱، ص ۳۸۶.  
 ۱۱. ضیاء الابصار، ج ۲، ص ۵۸۵، الذریعة، ج ۱، ص ۲۶۱.  
 ۱۲. الکرام البررة، ج ۱، ص ۶۷.  
 ۱۳. نقباء البشر، ج ۱، ص ۱۲۹.

- ۱۱- مولی ابوطالب سلطان آبادی<sup>۲</sup>  
 ۱۲- شیخ محمد حسین محمد عاملی<sup>۳</sup>  
 ۱۳- شیخ محمد طاهر خاقانی<sup>۴</sup>  
 ۱۴- سید محمد علی مشهدی<sup>۵</sup>  
 ۱۵- سید اسماعیل بهبهانی (۱۲۲۹-۱۲۹۵ ق)<sup>۶</sup>  
 اجازات موجود اجتهادی و روایی از شیخ انصاری:  
 ۱- اجازه اجتهادی و روایی به محمد باقر نجفی اصفهانی (۱۲۳۵-۱۳۰۰ ق) به سال ۱۲۶۲ ق  
 ۲- اجازه اجتهادی و روایی به شیخ علی شریعتمدار استرآبادی (۱۲۴۲-۱۳۱۵) به سال ۱۲۷۲ ق  
 ۳- اجازه اجتهادی و روایی به شیخ محمد حسن شریعتمدار استرآبادی (۱۲۴۹-۱۳۱۸ ق) به سال ۱۲۷۶ ق  
 ۴- اجازه اجتهادی و روایی به میرزا داود بروجردی (زنده به سال ۱۲۶۰ ه)  
 ۵- اجازه حسیبه به ملا شکرالله لواسانی (و ۱۳۱۹ ق)  
 ۶- اجازه به ملا احمد بسطامی.  
 ۷- اجازه اجتهادی به سید صبغه الله کشفی دارابی بروجردی (۱۲۱۸-۱۲۷۷ ق)  
 ۸- اجازه به شیخ ابوالقاسم دامغانی (حدود ۱۲۱۹-۱۲۹۷ ق)  
 ۹- اجازه به شیخ احمد فیضی کاشانی (و ۱۲۸۶ ق) به سال ۱۲۶۲ ق  
 ۱۰- اجازه به میرزا محمد تقی بن محمد باقر مهریجردی یزدی (۱۲۲۷-۱۳۰۷ ق) به سال ۱۲۵۹ ق

### مجازین:

- ۱- شیخ محمد باقر بن محمد تقی اصفهانی نجفی (۱۲۳۵-۱۳۰۱ ق)

۱. الکرام البررة، ج ۱، ص ۴۱۵، نقباء البشر، ج ۱، ص ۳۹۴  
 ۲. تراجم الرجال، ج ۱، ص ۶۰  
 ۳. نقباء البشر، ج ۲، ص ۵۷۰  
 ۴. همان، ج ۳، ص ۸۷۰  
 ۵. همان، ج ۴، ص ۱۰۷۸  
 ۶. الکرام البررة، ج ۱، ص ۱۶۴



فقیه و اصولی و مرجع تقلید، فرزند علامه شیخ محمدتقی اصفهانی صاحب هدایه المسترشدين در اصفهان متولد گردید و به نجف اشرف کوچ کرد و از محضر دائی بزرگش شیخ حسن کاشف الغطاء و شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر و شیخ مرتضیٰ انصاری بهره مند گردید و در ۲۷ سالگی از شیخ اعظم انصاری موفق به اخذ اجازة گردید. وی به اصفهان بازگشت و به مرجعیت دینی و علمی آن سامان رسید بگونه ای که حدود شرعی را اجرامی کرد. فقها و مجتهدین بزرگی از محضرش بهره مند گردیدند؛ مانند سید اسماعیل صدر و سید ابوالقاسم دهکردی اصفهانی و فرزندش شیخ محمدتقی آقا نجفی.

از جمله آثار وی: «لب الفقه»، «لب الاصول»، «رسالة فی الاستصحاب» و «رسالة فی حجة الظن الطریقی».

وی در نجف اشرف از دنیا رفت و در صحن علوی دفن گردید.<sup>۱</sup>

اجازة شیخ انصاری به شیخ محمدباقر اصفهانی نجفی:

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم أجمعين إلى يوم الدين. فقد أجزت للأعز الأجد والأثقى الأوحد، العالم العامل والفاضل الكامل، صاحب التدقيقات الرائقة بالذهن [القويم]، والتحقيقات الفائقة بالفهم المستقيم، سلالة الفحول و متقن الفروع والأصول، الأعمى المؤيد واللودعى المسدد، جناب الشيخ محمدباقر، وفقه الله لرضاه وبلغه أقصى مناه، أن يروى عني جميع ما يصح لي روايته من جميع الأخبار الماثورة في فنون علم الدين المودعة في كتب أصحابنا رضوان الله عليهم أجمعين، المنتهية إلى أصحاب العصمة، صلوات الله عليهم أجمعين، بواسطة مشايخي الأفاضل الأوحدين؛ منهم: شياخي العلامة، جامع المعقول والمنقول، ومقتن الفروع والأصول، الحاج ملا أحمد النراقي طاب ثراه، عن شياخي العلامة، السيد الأجل الأجد، العلامة الأوحد، مجر العلوم ومحبي الرسوم، السيد محمد مهدي طباطبائي طاب ثراه، ووالده العلامة، وحيد عصره ونادرة دهره، الزاهد التقى، الحاج ملا مهدي النراقي، عن شياخهما الزاهد الأورع، خاتمة المحدثين، الشيخ يوسف البحراني طاب ثراه، عن شيخ المحدث الشيخ محمد بن فرج الشهير بملارفيعا، عن شياخه العلامة أكمل المحدثين، آية الله في العالمين، غواص بحار الأنوار، ومحبي آثار

۱. اعيان الشيعة، ج ۹، ص ۱۸۶، نقباء البشر، ج ۱، ص ۱۹۸، مكارم الآثار، ج ۳، ص ۱۰۰۷، تكملة نجوم السماء، ج ۲، ص ۲، زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۲۳۳، حکم نافذ آقا نجفی، ص ۲۸۷، قبيله عالمان دین، ص ۴۵، احوال و آثار شیخ محمدتقی رازی، ص ۱۷۸.

الائمة الأطهار صلوات الله عليهم المولى محمد باقر المجلسي، عن مشايخه المعروفين المذكورين في الاجازات المعروفة.

فأجزت له (أيده الله) أن يروى عني جميع ما أودع في كتب أصحابنا من الآثار المنسوبة إلى الائمة الأطهار (صلوات الله وسلامه عليهم أجمعين) بطرقى المذكورة في أوراق إجازتى التى أعلاها ما ذكرته في هذه الأسطر على سبيل الاختصار. وأخذت عليه (وقفه الله) ما أخذه عليّ أسلافى من الاحتياط فى القول والعمل، والتوقف فى مظان الزلل، وأن لا ينسانى عن الاستغفار، وأرجو من الله جلّ ذكره أن يوفقه لبلوغ أقصى مدارج الكمال، بحق محمد وآله وصى الله على محمد وآله. كتبه يمينه الجانية، أحقر المشتغلين، ابن محمد أمين الأنصارى، مرتضى الأنصارى، فى شهر صفر من شهر سنة ۱۲۶۲ من الهجرة النبوية، (على مهاجرها آلاف الثناء و التحية) حامداً مصلياً على رسوله وآله الطيبين الطاهرين.

۲- شيخ محمد حسن شريعتمدار استرآبادى (۱۲۴۹-۱۳۱۸ ق)

فقيه و اصولى فرزند علامه شيخ محمد جعفر استرآبادى معروف به شريعتمدار. در كربلا بدنيا آمد و از محضر پدرش بهره مند گردید و سپس به ايران آمده و در تهران مستقر گردید. بعد از وفات پدر بزرگوارش به عراق کوچ کرد و از محضر شيخ مرتضى انصارى و شيخ مشكور حولوى و شيخ محسن خنفر باهلى و شيخ راضى مالكى استفاده کرد و سپس به تهران بازگشت و به مرجعيت اجتماعى و دينى و علمى رسيد.

ازوى تاليفات بسيارى بجا مانده است، مانند: «اساس الاحكام»، «نصرة المستبصرين»، «معراج المؤمنين»، «ينابيع العقول» و «مظاهر الآثار».

این فقيه برجسته در تهران از دنیا رفت.<sup>۱</sup>

وى در باب اجازه اجتهادش چنین مى نگارد:

در حالى كه من بيست و سه سال داشتم، بعضى از مشايخ به من اجازه اجتهاد دادند كه در اينجا (كتاب مظاهر الآثار) صورت اجازه شيخ مرتضى انصارى و شيخ راضى و شيخ مشكور رحمهم الله آورده شده است.<sup>۲</sup>

۱. معارف الرجال، ج ۲، ص ۲۳۹، ریحانة الادب، ج ۳، ص ۲۱۰، نقباء البشر، ج ۱، ص ۳۹۱، مكارم الآثار، ج ۴، ص ۱۳۴۹، شرح احوال علمای خاندان شريعتمدارى، ص ۱۹۴، زندگانی و شخصیت شيخ انصارى، ص ۲۷۰، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۴، ص ۶۶۴-۶۶۵، فهرستواره دنا، ج ۱۱، ص ۶۱۳.

۲. شرح احوال علمای خاندان شريعتمدارى، ص ۱۹۴-۱۹۵، به نقل از نسخه خطى كتاب «مظاهر الآثار» ایشان.



اجازه شيخ اعظم انصارى به شيخ محمد حسن بن محمد جعفر استرآبادى  
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله الطيبين الطاهرين ولعنة  
الله على اعدائهم اجمعين، الى يوم الدين.

وبعد فإن المولى الاجل المجد والفاضل الكامل الاوحد والعارف الفقيه الارشد، البالغ فى  
العلوم العقلية والنقلية، مرتبة الكمال والراقى الى درجة الاجتهاد والاستنباط بالاستدلال  
الفقهية البيئية، المؤتمن الشيخ محمد حسن بلغه الله فى الدنيا والاخرة اماله وختم بالخير و  
السعادة اعماله، نجل الامام العلامة الراحل للدين أقوى دعامة المنتهى اليه الرئاسة العامة، المولى  
الانور الازهر الهادى، ثقة الاسلام وظهره، مولينا الحاج ملا محمد جعفر الأسترآبادى تغمده الله  
برحمته فى الروائح والعوادى، بعد أن صرف مدة مديدة فى الاماكن المتبركة والعتبات المعظمة،  
على مشرقها آلاف السلام والثناء والتحية، فى تحصيل العلوم الدينية وكسب الكمالات  
المعنوية، ساعياً للتخلى بالصفات الحسنة، راغباً للتخلى عن الخصال الرذيلة فحصل بتوفيق الله  
سبحانه وتأييده عزشانه، حظاً وافرأ من العلوم الشرعية قسطاً كاملاً من المناهج الدينية، حتى  
رزقه الله القوة القدسية والملكة الاجتهادية الالهية التى يقتدر بها على استنباط الاحكام الشرعية  
والفروع الخفية عن أدلتها التفصيلية واصولها الكلية، استجازنى زاد الله توفيقه لاتصال اسانيد  
الاجازات الى مخازن الاسرار، من النبى والأئمة الاطهار، فأجزته زيد فضله وعزه وتقويه، أن يروى  
عنى ما سمعته منى وما هدانى الله تعالى لابراره، من دقائق الافكار التى خلت عنها كتب  
الاجازات وما وفقنى لظهار فى قالب التأليف والتركيب وكلما جازلى روايته من الاجازات المروية  
عن مخازن العلوم الالهية والادعية والمناجاة الماثورة سيما الصحيفة السجادية والمصنفات فى  
الفقه والاجازات من اصحابنا الامامية وغيرها من المصنفات فى العلوم الدينية ككتب التفاسير و  
الزيارات والرجال وغيرها، خصوصاً الاصول الاربعة المشتهرة فى الامصار اشتهار الشمس فى  
رابعة النهار، التى عليها المدار فى هذه الاعصار، الكافى والفقيه والتهديب والاستبصار وما تولد  
منها ومن غيرها كالوسائل والوافى والبحار؛ فله زاد الله تعالى شانته ونصر اعوانه وانصاره، أن  
يروىها عنى وعن جماعة مشايخ،

منهم: وهو اجلهم والده العلامة ازهد اهل عصره واتقاهم واورعهم وازكاهم ملاذ المجتهدين  
وعمدة المحققين، محيى شريعة سيد المرسلين، ناشر آثار خاتم النبيين، حجة الحجة (ع) على  
الخليقة، مروج مبانى الشريعة، المهذب الانور، مولينا الحاج مولى محمد جعفر الاسترآبادى المتقدم  
ذكره، روح الله وروحه الطيبة.

منهم: البحر الذخر والبدر الباهر، فخر الاوائل والاواخر، الجامع للمحاسن والمفاخر، الصفى

الهي، المولى الشيخ على التجفي قدس الله نفسه الزكية وافاض على مضجعه المرحم الربانية. ومنهم: العلامة الفهامة، قدوة الفضلاء المحققين وعمدة العلماء الراشدين والفقهاء المجتهدين، المولى الاجل، الامجد الاوحد، الحاج ملا احمد النراقي قدس الله ضريحه، فكل هؤلاء الاعلام يروون عن مشايخهم العظام الى أن ينتهي الى الامام (ع) وطرقهم معروفة معهودة وبالمتانة والوثاقة موصوفة.

كتبه العبد العاصي مرتضى ابن محمد امين الانصارى  
فى شعبان ١٢٧٦<sup>١</sup>.

٣- شيخ على شريعتمدار استرآبادى (١٢٤٢-١٣١٦ ق)

فقيه واصولى و متكلم، فرزند علامه شيخ محمد جعفر استرآبادى معروف به شريعتمدار وى از پدرش و از علمای بزرگ نجف اشرف همانند شيخ محمد حسن نجفى صاحب جواهر و شيخ مرتضى انصارى بهره فراوان برد و در علوم عقلی و نقلی سرآمد همگان گردید. و بالغ بر هفتاد كتاب و رساله تالیف كرد. مانند: «الصرة الحفیه» در شرح الدرّة النجفیه سيد مهدى بحر العلوم، «الغرائب الربویة»، «رموز الكنوز»، «منهاج الدراية»، «در الاحكام»، «الجامع الناصرى»، «كنز التفاسیر» و «غاية الآمال»<sup>٢</sup>.

اجازه شيخ اعظم انصارى به شيخ على بن محمد جعفر استرآبادى

شيخ على شريعتمدار استرآبادى در زندگى نامه خود نوشت خود اينچنين مى نگارد:  
ونذكر ثالثاً: صورة بعض أجازتنا من بعض المشايخ - رفع الله أقدارهم وألبس بمفاخر التوفيق أعمارهم - تبركاً بيمين يميناهم، وتحفظاً لما يؤدي به وصاياهم من الاحتياط فى القول و العمل، والتوسل والتوكل والاستغفار عن الزلل.

فمنها: ما كتبه لى بعد الاستجازه شيخى الأعلّم الأزهّد الأروع الأفخّم، البحر القمقام، أفضل مشايخ الأيام، المتبحر فى المعارف والعلوم، العريف بالمسالك والرسوم، التحرير العلامة، الذى مدّت إلى استماع معارفه أعناق الخاصّة والعامة، المسدّد المؤيّد من الله البارى، شيخنا الشيخ «المرتضى الأنصارى»، وهو هذا:

١. شرح احوال علمای خاندان شريعتمدارى، ص ١٩٤-١٩٥

٢. نقباء البشر، ج ٤، ص ١٣١١، تراجم الرجال، ج ١، ص ٣٨٤، شرح احوال علمای خاندان شريعتمدارى، ص ١٢٦، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ١٤، ص ٤٤٣-٤٤٤، فهرستواره دنا، ج ١١، ص ١٤٦-١٤٧، ميراث حديث شيعه، ج ٣، ص ٣٧٤.

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على خير خلقه محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على اعدائهم أجمعين من الأولين والآخرين إلى يوم الدين.

الحمد لله رافع درجات العلماء العاملين إلى أعلى عليين وخافض دركات الجاهلين إلى أسفل السافلين، وجاعل أقدام العلماء العاملين واطئة على أجنحة الملائكة المقربين، ومفضل مدادهم على دماء الشهداء والصدّيقين، وجاعلهم ورثة الأنبياء المرسلين، وخلفاء الأئمة المرضيين، إذ بهم قوام شريعة سيّد المرسلين وخاتم النبيين، وهم المتكفلون بأيام الأئمة الطاهرين، والذاتون عن أحكام الله تعالى زيع المبطلين وشبه الملحدّين. والصلاة على أشرف الأنبياء والمرسلين محمد وآله الطيبين الطاهرين.

أثابعد، فإنّ جناب المولى الأجدد، والعالم العلامة الأرشد، والفاضل الفهامة الأسعد، ولدنا العالم الروحاني، وعزيزنا العارف الفقيه السبحاني، والكامل الصمداني، ذي المقامات العلية، والفضائل الجليلة، والفواضل السنّية، والمراتب الجامعية، والشؤون الربانية، والموهبة الإلهية، والملكة الملكوتية، والقدرة على استنباط الأحكام الشرعية الأصلية والفرعية، عن الأدلة القطعية والظنية التفصيلية؛ صاحب الهمة العلية والأخلاق المرضية، والتدقيقات التحقيقية الربانية الإلهية، والنفس القدسية، والقوة الملكوتية، ذي المناقب الفاخرة والمفاخرة الوافرة، صاحب الفهم الصائب الوقاد والذهن الثاقب النقاد، العالم العلامة والفاضل الفهامة، الورع التقى والمهذب الصفي، الزكيّ اللوزعيّ الأملعيّ جناب الآقا «الشيخ علي» نجل العلامة الفاضل المحقق المدقّق المعتمد «الحاج محمد جعفر الأسترآبادي»، تغمده الله برضوانه في الروايح والفوداي.

قد اشتغل - سلّمه الله تعالى - عندنا مدّة من الزمان وبرهة من الأوان، وحضرفي درسنا مع جملة من العلماء الأعلام والفضلاء الأعلام والأجلاء الأعيان، فحصل له بحمد الله تعالى من الترقى في العلوم مافاق به على الأقران وأبناء الزمان، وصار من العلماء الأعلام والفضلاء الأعلام، والمحقّقين الكرام والمدقّقين الفخام، وحيث كان - سلّمه الله - بتلك المثابة، واستجاز منّا ولم نجد بداً من الإجابة، فأجزت له - أدام الله تأييده - أن يروى عنّي جميع ما يجوز لي روايته إجازة عن مشايخي وأسلافي، رضوان الله عليهم أجمعين.

١. في غاية الآمال، ص ٣٨٣: إلى هنا كانت بخط بعض مشايخ النجف ياملأه - دام ظلّه - مراعاتاً لما في بصره الشريف من الضعف، فكتب بخطّه تبركاً وتيمناً بتابعة السيّد المبرور صاحب الرياض في إجازة والدي هكذا...

مشترطاً عليه - دام تأييده - الاحتياط في القول والعمل، ملتصقاً منه الاستغفار عن الزلل، سائلاً من الله وليّ التوفيق أن يوفقه لما يرضيه.  
 حرّره أحقر العباد مرتضى بن محمد أمين الأنصاري حامداً لله مصلياً على نبيّه محمد وآله، صلوات الله عليهم اجمعين.<sup>١</sup>  
 ومنها: ما أجازني باستجازة غيري وصورته [هذا]:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على خير خلقه محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على اعدائهم من الأولين والآخرين.

أما بعد، فإن جناب ولدنا العالم العلامة والفاضل الفهامة، زبدة المحققين ونخبة المدققين، و سنام الفضلاء العارفين، وعمدة الأجلاء الكاملين، ذي التقى القدسيّة، والموهبة السنّية، والقوة الملكوتية التي تقتدر بها على استنباط الأحكام الشرعية الفرعية عن أدلتها التفصيلية، الورع التقى، والمهذب الصفّى الزكيّ، جناب «الشيخ على» دام فضله، نجل الإمام العلامة المعتمد «الحاج محمد جعفر» قدس سرّه الأزهر.

لما اشتغل، عندنا، وحضرفي درسنا مدّة من الزمان، ووجدناه من العلماء الأعلام و الفضلاء الأعلام، فحصل له بحمد الله من الترقّي في العلوم ما فاق به على الأقران، فأردنا أن نحيزه تيمناً وتبركاً بالسلسلة الشريفة، فأجزت له - دام فضله - أن يروى عنّي كلّ ما جاز لي روايته عن مشايخي العظام.

وأسأله أن لا ينساني من الدعوات في اوقات الخلوات ومطآن الإجابات كما أتى لا أنساه كذلك، أنا الراجي عفوريّه خادم الشريعة مرتضى انصاري.<sup>٢</sup>

٤- ميرزا داود بن اسدالله بروجردي (زنده به سال ١٢٦٠ ق)

فقيه وفرزند علامه ملا اسدالله بروجردي (و ١٢٧١ ق) وبعيد نمي نمايد كه از پدرش استفاده کرده باشد وی از تلامذه شيخ اعظم مرتضى انصاري رحمته الله بوده واز آن جناب اجازة اجتهاد دارد.

از اين اجازة نامه برمی آيد كه وی مدت زيادى با استادش محشور بوده و در سفر و حضرو

١. في غاية الآمال، ص ٣٨٣: ثمّ ختم بخاتمه الشريف واقفاً على باب بيته وأنا قائم بخدمته مودعاً له حين مسافرتي إلى طهران في ثامن الشهر الثامن من سنة (١٢٧٢) اثنتين وسبعين بعد المائتين والألف.

٢. ميراث حديث شيعه، ج ٣، ص ٣٧٤-٣٧٧، شرح احوال علمای خاندان شريعتمداري، ص ١٢٦-

شب و روز و در سفرهای متعدد به مشاهده مشرفه، در خدمت شیخ اعظم حضور داشته و در مباحثات مشکل علمی با استادش شرکت می کرده و شیخ اجتهاد او را در این مباحثات آزموده است. این اجازه نامه در زمان حیات پدرش از ناحیه شیخ اعظم صادر شده است. یعنی قبل از سال ۱۲۷۱ ق و احتمالاً سال ۱۲۶۰ ق یا کمی قبل از آن بوده است. پدرش از اساتید شیخ انصاری بوده و آقا بزرگ تهرانی درباره اش می نویسد: شیخ انصاری در اجتماعات به گفته وی اعتماد می کرده و بسیار اقوال و فتاوی او را نقل و به او اعتماد می کرده و در جلالتش همین بس که شیخ انصاری اقرار به رأی او می کرده و احکامش مستندش بوده است.<sup>۱</sup>

میرزا داود کتابی دارد بنام «القضاء» که شرح استدلالی است بر کتاب القضاء شرائع الاسلام محقق حلی، که به سال ۱۲۶۰ ق نگاشته است و نسخه ای از آن در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی نگهداری می شود.<sup>۲</sup>

وی همچنین دارای اجازه اجتهادی از صاحب جواهر و شیخ محمد کاشف الغطاء و بعید نیست در نزد آن دو نیز شاگردی کرده باشد. وی داماد سید رضا فرزند سید بحر العلوم بوده است.<sup>۳</sup>

اجازه شیخ اعظم مرتضیٰ انصاری رحمته الله علیه به میرزا داود بن اسد الله بروجردی

بسم الله تبارک و تعالی

الحمد لله الذی اشفق نور الوجود من ظلمة العدم و فضل نبینا صلی الله علیه و آله علی سائر الانبیاء و الامم و صلی الله علی محمد و آله سادات العرب و العجم و بعد فینّ جناب العالم العامل و الفاضل الکامل فقیه عصره و زمانه و نادره و اوانه العالم الربانی و الفاضل الذی لیس له ثانی قره عیوننا و ولدنا المحروس بالله الودود المیرزا داود اطاب الله بقاءه، نجل الفهّام العلامه و الفاضل الفهامة ینایع المعقول و المنقول و حاوی الفروع و الاصول قدوة المجتهدین و عماد الاسلام و المسلمین حجة الاسلام قبله الانام الحاج ملا اسد الله البروجردی آدم الله علاه و زاد فی سودده و ارتقاءه، قد حضر عندنا مع جماعة من الفضلاء المحصلین و قرء لدينا مع جملة من العلماء المحققین

۱. الکرام البررة، ج ۱، ص ۱۲۸

۲. فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ج ۴، ص ۲۷۰

۳. اعلام الشیعة، ج ۲، ص ۶۱۷، الکرام البررة، ج ۲، ص ۵۱۲، المآثور الآثار، ص ۱۷۳، مستدرک الاعیان، ج ۵، ص ۱۵۰، مکارم الآثار ج ۶، ص ۱۹۵۳، موسوعة مولفی الامامية، ج ۱۴، ص ۱۷۰، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۲۵۹-۲۶۰، تاریخ بروجرد، ج ۲، ص ۳۲۵، فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی،

ج ۴، ص ۲۶۹-۲۷۰

و بقی عندنا برهه من الزمان و خالطنافی خلواتنا و مجالسنا و استأنس معنا فی ایامنا و لیالینا و سافر معنا من المشهد الغری الی سائر المشاهد المشرفة و باحث معنا فی اکثر المسائل المفصلة بحت تدقیق و تحقیق و اخترناه فی جملة من مسائل الفروع و الاصول فوجدناه بحمد الله من أهل الاستنباط و الاجتهاد و من ذوی الملکات القدسیة و القوی اللاهوتیة.

و قد استجازنی دام علاه فأجزت له أن روی عنی جمیع ما سمعه منی و ما ألقته و صنفته و جمیع کتب الاخبار التي علیها المدار فی جمیع الأعصار الکافی و الفقیه و التهذیب و الاستبصار و کذا کتب المحدثین الاخرین من المتقدمین و جمیع ما عثر علیه مروياً عن الأئمة الاطهار و من الوسائل و الوافی و البحار عن المشایخ العظام و شرطوا علیه أن يأخذ طریق الاحتیاط و أن لا تعول إلا علی نسخة صحیحة و أن لا یترك الكتابة و التصنیف و البحث و التدریس و ان یخالط العلماء الاعلام و یباحث معهم فی المسائل الفقهیة و الفروع الحفیة و یجدد النظر فی المسائل یواظب علی النوافل و لا سیما صلوة اللیل و أن لا ینسانی من الدعاء کما أتى لأنشاء الله حرّره العبد الضعیف المحتاج الی رحمة الله مرتضی انصاری

بیده و یناه «محل مهر»

۵. ملا شکرالله بن لطف الله لواسانی (و ۱۳۱۹ ق)

فقیه و اصولی بزرگ که مقدمات و سطوح را در اصفهان در نزد سید حسن مدرس و میرزا علی قاتنی فرا گرفت و سپس راهی نجف اشرف گردید و از علمای آن بویژه شیخ مرتضی انصاری بهره برد. وی به تهران بازگشت و یکی از مراجع آن سامان گردید و به تالیف و تدریس و رسیدگی به مراجعات شرعی مردم پرداخت.

وی به قولی در سال ۱۳۱۴ ق و به قولی دیگر در ۱۳۱۹ ق از دنیا رفت و در نزدیکی امامزاده حمزه در شاه عبدالعظیم حسنی در شهرری به خاک سپرده شد.

از آثار وی: ۱- فضائل السادات ۲- منتخب الختم در ادعیه ۳- جنگ

شیخ انصاری به سال ۱۲۷۵ ق برای او اجازه در امور حسبیه صادر کرده و او را اینگونه ستوده است که: «جناب مستغنی عن الالقاب و الصفات آخوند ملا شکرالله ائیده الله تعالی فی الدارین»<sup>۱</sup> و اجازه ای است به زبان فارسی در امور حسبیه.

اجازه شیخ مرتضی بن محمد امین انصاری (۱۲۱۴-۱۲۸۱ ه.ق.) به آخوند ملا شکرالله

۱. نقباء البشر، ج ۲، ص ۸۴۴، اختران فروزان ری و طهران، ص ۲۰۶، فهرستواره دنا، ج ۲، ص ۴۲۷ و ج ۳، ص ۷۵۹ و ج ۱۰، ص ۱۰۳ و ج ۱۱، ص ۹۹۳، فهرست نسخه های خطی آستان قدس رضوی، ج ۲۷، ص ۴۲

لواسانی (و ۱۳۱۹ ق):

« بسمله، جناب مستغنی عن الالقاب والصفات آخوند ملا شکرالله ائیده الله تعالیٰ فی الدارین مأذون و مرخص می باشد در تصرف در جمیع امور حسیه منوط بنظر حاکم شرع انور یا وکیل ایشان به شرط سلوک طریق احتیاط و عدم استعمال حیل شرعیه در حقوق و اسئله الدعاء و الاستغفار. محرر هذه الكلمات احقر العباد مرتضیٰ الانصاری فی یوم الاربعین سنة ۱۲۷۵ حامدًا لله مصلیا علی محمد وآله صلی الله علیهم اجمعین » پس از آن مهر مربع ایشان با نقش « لا اله الا الله الملك الحق المبین عبده مرتضیٰ الانصاری »<sup>۱</sup>

۶- میرزا احمد بسطامی:

وی از تلامذہ شیخ انصاری و شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر می باشد و از هر دو دارای اجازه است. اما نامی از وی و احوالاتش در کتب تراجم و منابعی که تلامذہ شیخ را رصد کرده اند، دیده نمی شود. بنظر می رسد این یک اجازه نامه روائی بوده باشد.

وی را کتابی است در اصول فقه که نسخه ای از آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است به شماره ۴۸۱۵/۱، غیر مرتب و مشتمل است بر مباحث اصول فقه و ناقص و ناقص است و شاید بخط خود مولف ملا احمد بسطامی بوده باشد.<sup>۲</sup> اجازه صاحب جواهر به او موجود است به سال ۱۲۲۷ ق.<sup>۳</sup>

بنظر می رسد این اجازه شیخ، یک اجازه نامه روائی بوده باشد.<sup>۴</sup>

اجازه نامه شیخ مرتضیٰ انصاری به ملا احمد بسطامی:

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين.... وبعد فقد استجازني الأغر الارشد و الاجل الامجد و العالم العامل المعتمد و الفاضل الكامل المسدد السالك من طرق العلوم... جناب الميرزا احمد و فقه الله...

انجام: فی مظان الاجابة، اسئل الله أن يوفقه لذلك وان يصلی علی محمد وآله الطاهرين حرره الاقل الاحقر مرتضیٰ الانصاری فی جمادی الاولى من سنة ۱۲۶۲، حامدًا لله مصلیًا لرسوله [وآله] صلوات الله علیهم اجمعین.<sup>۵</sup>

۱. فهرست نسخه های خطی آستان قدس رضوی، ج ۲۷، ص ۴۲، شماره ض ۷۹۰۶

۲. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۱۳، ص ۲۲۳

۳. این تاریخ در فهرست کتابخانه مجلس آمده است اما بنظر می رسد اشتباه باشد

۴. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۱۳، ص ۲۲۴

۵. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۱۳، ص ۲۲۵، شماره ۴۸۱۵/۳، ورق

۷- سید صبغة الله بن جعفر کشفی دارابی بروجردی (۱۲۱۸-۱۲۷۷ ق)

فقیه و مفسر. متولد شهر نجف اشرف. وی مقدمات علوم را از پدر علامه اش فرا گرفت سپس در علم فقه و اصول از شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر و شیخ مرتضی انصاری بهره برد و از ناحیه هردو موفق به اخذ اجازه اجتهاد گردید. وی به تدریس و تالیف مشغول گردید

کتاب فقهی و اعتقادی بسیاری از او صادر گردیده است: از جمله:

- ۱- مشكاة العباد فی سفينة النجاة لیوم المعاد و عقائد
  - ۲- مفاتیح الکلام فی شرح درر النظام، که شرحی است بر منظومه فقیه سید مهدی بحر العلوم و شامل کتاب طهارت و صلوات می باشد
  - ۳- عقائد الاصول فی اوامر الله و الرسول، شرحی است بر منظومه پدرش به نام «البلد الامین» در علم کلام که به سال ۱۲۵۰ ق نگاشته است
  - ۴- بصائر الایمان فی تفسیر القرآن که به سال ۱۲۶۰ ق در مشهد نگاشته شده است.
- وی در زمان حیات استادش شیخ انصاری در کربلا از دنیا رفت و در همانجا دفن گردید.<sup>۱</sup> اجازه شیخ انصاری به سید صبغة الله بن جعفر کشفی دارابی بروجردی:
- سید صبغة الله کشفی اجازه اجتهادی از استادش صاحب جواهر اخذ کرده است. مرحوم شیخ انصاری در ذیل این اجازه اجتهاد مطلق چنین نوشته است:
- «جناب المستغنی عن الوصف واللقاب سیدنا المعظم فی المتن حیث انه قد حوی الفضائل والفواضل... فهو مجتهد مطلق».<sup>۲</sup>

۸- شیخ ابوالقاسم عالمی دامغانی (ح ۱۲۱۹-۱۲۹۷ ق)

فقیه و اصولی، فرزند عباس. وی تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش گذراند، آنگاه به مشهد رفت و از محضر فضلالی آنجا بهره برد. سپس به حوزه علمیه نجف اشرف رفت و از محضر شیخ مرتضی انصاری و شیخ راضی نجفی و مهدی آل کاشف الغطاء بهره برد و از شیخ انصاری

۱. موسوعة مؤلفی الامامیة، ج ۱۹، ص ۲۴۹-۲۵۰، اعیان الشیعة، ج ۷، ص ۲۸۳، تاریخ بروجرد، ص ۳۱۵-۳۱۷، تراجم الرجال، ج ۱، ص ۴۱۴-۴۱۵، الذریعة، ج ۳، ص ۱۴۴ و ج ۸، ص ۱۱۰ و ج ۱۳، ص ۲۳۸ و ج ۲۱، ص ۵۹، ۳۰۶، ۳۵۰، فهرستواره دنا، ج ۲، ص ۵۰۶ و ج ۴، ص ۱۱۲۷ و ج ۹، ص ۵۹۹، الکرام البررة، ج ۲، ص ۶۶۶، مستدرکات اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۱۸۱-۱۸۲، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۳۱۱-۳۱۲، معجم رجال الفکر والادب فی کربلاء، ص ۹۸، معجم رجال الفکر والادب فی النجف، ج ۳، ص ۱۰۷۹

۲. تراجم الرجال، ج ۱، ص ۴۱۵



اجازه اجتهاد گرفت و دو استاد دیگر او به فضل او شهادت دادند. وی در سال ۱۲۴۳ ق به تهران بازگشت و به دستور ناصرالدین شاه و با سمت مدرس رسمی به تدریس در مدرسه سپهسالار مشغول گردید. او بعد از مدتی به دامغان مراجعت کرده و به تدریس و اقامه جماعت و رسیدگی به امور شرعی مردم پرداخت.

از آثار او است: «ضیاء الانوار»، «رساله‌ای در اصول دین»، «حاشیه بر معالم» و «تقریرات»

وی پس از درگذشت در بکیرین اعین به خاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

اجازه شیخ انصاری به شیخ ابوالقاسم دامغانی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي تفضّل على الأنام بایضاح الاحكام على لسان النبي (ص) وآله البررة الكرام وجعل مبین الحلال والحرام بعد الغيبة، العلماء الأعلام،

اما بعد مخفی نماند آنکه جناب شریعت مدار علامه العلاء و عدة الفضلاء حاوی الفروع و الاصول و لدنا الاعزّ شیخ ابوالقاسم دامغانی، وفقه الله تعالی مدت متمادی در اشرف اماکن و الطف مساکن مباحثه و تدریس و تصنیف و تالیف اشتغال داشته و بتوفیق الله تعالی از علماء اعلام و فضلاء ذوی العزّ و الاحترام گردیده و بزیور تقوی و صلاح آراسته و در این صورت توقیر و احترام ایشان واجب و حمایت و اعتقاد در ترویج دین مبین و اجرای اوامر و نواهی شرعیّه لازم و بجمیع انواع اکرام و تایید و انحاء ترویج و اهتمام در باب توجیه اسباب بثّ مسائل شرعیّه و احکام دینیّه اهلیت و استحقاق دارند ذلك من فضل الله و الفضل بیدالله و کفی بالله شهیداً.

مهر شریف شیخ مرتضیٰ انصاری<sup>۲</sup>

۹- شیخ احمد بن محسن فیضی کاشانی (۱۲۸۶ ق)

فقیه و مجتهد بزرگ و از نوادگان ملا محسن فیض کاشانی. در کاشان متولد گردید و مقدمات علوم را در آن شهر گذرانید سپس راهی نجف اشرف گردید و از شیخ محمد حسن نجفی صاحب

۱. موسوعة مولفی الامامیة، ج ۱، ص ۵۷۳، اثر آفرینان ۹/۳، معجم الفکر و الأدب فی النجف، ج ۲، ص ۵۱۱، گنجینه دانشمندان، ج ۵، ص ۱۱۳، زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۱۷۸، معجم المؤلفین، ج ۸، ص ۹۹، نباء البشر، ج ۱، ص ۵۶، الذریعة، ج ۶، ص ۲۰۴ و ج ۱۵، ص ۱۲۲، دانشمندان و مشاهیر و مفاخر دامغان ج ۲، ص ۵۹۸-۵۹۹

۲. متن اجازه در سایت دامغان نامه آمده است. آقا بزرگ تهرانی در نباء البشر، ج ۱، ص ۵۶، فقط دو سطر از آن را ذکر کرده است.

جواهر و شیخ مرتضی انصاری استفاده کرد و از هر دو موفق به اخذ اجازه گردید. وی از اجلاء تلامذۀ شیخ انصاری است. همچنین از شیخ محمد بن قاسم نجفی و شیخ زین العابدین مازندرانی و سید محمد حسین کاشانی کله‌ری موفق به اخذ اجازه اجتهاد گردید. وی در نجف اشرف از دنیا رفت.

از آثار وی: تقریرات دروس فقه و اصول دو استادش صاحب جواهر و شیخ مرتضی انصاری، و همچنین حاشیه تحفة الزائر علامه مجلسی و الفوائد می باشد.<sup>۱</sup>

اجازه شیخ انصاری به شیخ احمد فیضی کاشانی:  
متن اجازه نامه شیخ انصاری به وی در پشت یکی از تقریرات دروس استادش به خط شیخ موجود بوده است

شیخ آقا بزرگ تهرانی درباره این اجازه نامه می نویسد:

«رسالة فی اجازة الشيخ الانصاری المرتضی بن محمد امین دزفولی التستری المتوفی (۱۲۸۱) لتلميذه الميرزا احمد بن الميرزا محسن الفيضی الكاشانی المتوفی بالنجف (۱۲۸۶) كما يظهر التاريخ من خط صهرالمجاز علی بنته، وهو المولى محمد علی الخوانساری، فانه أدى ديون المجاز فی هذا التاريخ. ذكر فيها روايته عن المولى احمد عن والده المولى مهدى والسيد بحر العلوم كلاهما عن الشيخ يوسف عن آقارفيح الجيلاني عن العلامة المجلسی. توجد بخط الشيخ الانصاری فی ظهر تقریرات المجاز لدرس شيخه عند (التقوى)<sup>۲</sup> تاريخها (ج ۱-۱۲۶۲)»<sup>۳</sup>

۱- میرزا محمد تقی بن محمد باقر بن علی الشریف مهریجردی یزدی (۱۲۲۷-۱۳۰۷ ق)

فقیه و اصولی برجسته وی متولد یزد بوده و در همنانجا رشد یافته است و سپس به نجف اشرف و کربلا مهاجرت کرده و در نزد سید علی طباطبائی صاحب ریاض و شیخ مرتضی انصاری و میرزا محمد علی بن صالح یزدی کسب فیض نمود. وی از شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر به سال ۱۲۵۹ ق و شیخ علی اصغر حائری یزدی به سال ۱۲۵۹ ق و ملا علی اکبر یزدی به سال ۱۲۶۲ ق و شیخ محسن خنفر و شیخ نوح نجفی و ملا حسین علی توپسرکانی در اصفهان به سال ۱۲۶۸ ق و ملا محمد صالح برغانی قزوینی به سال ۱۲۶۸ ق و

۱. اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۷۲، ۶۷ و الذریعة ج ۴، ص ۳۶۹ و ج ۱۱، ص ۲۶ و ج ۱۶، ص ۳۱۹، ۵۶ و ج ۲۶، ص ۲۲۹، الکرام البرة، ج ۱، ص ۱۰۴-۱۰۶، مقدمه معادن الحکمة، ج ۱، ص ۶۵، زندگانی شیخ انصاری، ص ۲۲۱-۲۲۲، موسوعة مولفی الامامية، ج ۴، ص ۳۰۵-۳۰۶، فهرستواره دنا، ص ۸۷۶.

۲. شیخ نصرالله تقوی در تهران

۳. الذریعة، ج ۱۱، ص ۲۶

محمد جعفر اردویادی به سال ۱۲۶۸ ق در اصفهان و سید صدرالدین صدر عاملی به سال ۱۲۹۳ ق و سید جعفر بن صدرالدین عاملی به سال ۱۲۹۳ ق و میرزا محمد باقر چهارسوقی اصفهانی به سال ۱۲۹۳ ق و میرزا محمد هاشم چهارسوقی به سال ۱۲۹۳ ق اجازه دریافت کرده و به تعدادی از علماء اجازه روایت مدبجه داده است، از جمله میرزا محمد هاشم چهارسوقی و فرزندانش و فرزندان برادرش و سید جعفر بن صدرالدین عاملی.

از آثار وی: حجة الخبر الواحد، الفوائد الرجالية، التقریرات الاصولية الفقه که شاید تقریر بعضی از اساتیدش باشد و کتاب «مجموعه الهدایة» که در سه بخش اصول دین و فروع دین که منطبق بر فتاویٰ شیخ انصاری است و معاصی صغیره و کبیره می باشد این کتاب به سال ۱۲۷۷ ق در یزد به چاپ رسید.

وی در یزد از دنیا رفت و در مقبره غربی مسجد امیرچخماق دفن گردید.<sup>۱</sup>

وی مصاحبت زیادی با استادش شیخ انصاری داشته است. اجازه نامه استادش به وی در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است و در آن می نویسد: «به من شیخ مرتضیٰ انصاری دزفولی شوشتری در نیمه روز یکشنبه ۵ ج ۱/۱۲۵۹ در خانه خود در نجف اجازه روایت از استادان خود داده است».<sup>۲</sup>

این اجازه را می توان قدیمی ترین اجازه نامه موجود از شیخ انصاری دانست.



۱. تراجم الرجال، ج ۲، ص ۶۳۲-۶۳۴: الکرام البررة، ج ۱، ص ۲۱۰؛ مرزداران فقاہت، ص ۲۱۷-۲۱۸؛ مفاخر یزد، ج ۲، ص ۸۸۵-۸۸۶؛ الذریعة ج ۲، ص ۱۸۵ و ج ۱۷، ص ۲۵۸ و ج ۲۰، ص ۱۰۹؛ زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۲۰۷؛ النجوم المسرد، ص ۴۸؛ معجم التراث الکلامی، ج ۱، ص ۳۴۲-۳۴۳.

۲. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۶ ص ۳۷۵.

سبلت الکریم الرحمن

والمؤمنين  
والذين آمنوا  
بالحق

الحمد لله الذي خلقنا من غير عدد ولا نطق ولا حيلة  
فقد نزلت بنا من عند ربه وحيا مبينا  
السلام ان نزلنا كتابا على صاحب الذنوب ان كانت الذنوب  
والافتقار انما القاديا اليه الذكر المنتم منا لا الخلق المنتم  
الغرض اننا ورسولنا لا نزيد ولا ننقص احد من خلقنا  
الشيء مما خلقنا به انما وجدناه في كتابنا الذي اودعنا  
في صحفنا التي جمعنا في كتابنا الذي اودعنا في كتابنا الذي  
في كتابنا الذي علم الالوه بالقرآن الكريم انما هو الذي  
التي هي السبلت الحسنة التي لا تفسد ولا تتغير ولا تتبدل  
ولا تتغير ولا تتبدل الا في رضى الله تعالى عنده ولا تتغير  
ولا تتبدل الا في رضى الله تعالى عنده ولا تتغير ولا تتبدل  
ما في القرآن من قول الله تعالى انما نزلنا الكتاب  
شأننا به وما اودعنا في كتابنا الذي اودعنا في كتابنا الذي  
وعلى الرسول انما نزلنا الكتاب على انما نزلنا الكتاب  
على الرسل والالوه وحده وما اودعنا في كتابنا الذي

الملك كذا هو في القرآن  
الذي روي عن النبي صلى الله عليه واله  
الذين آمنوا ولا رونا على الله الا كما جعلنا من انما نزلنا  
في كتابنا الذي علم الالوه بالقرآن الكريم انما هو الذي  
الوالمؤمنين والذين آمنوا بالحق  
المراد من كتابنا الذي علم الالوه بالقرآن الكريم انما هو الذي  
من كتابنا الذي علم الالوه بالقرآن الكريم انما هو الذي  
سبلت الحسنة التي لا تفسد ولا تتغير ولا تتبدل  
ولا تتغير ولا تتبدل الا في رضى الله تعالى عنده  
ولا تتغير ولا تتبدل الا في رضى الله تعالى عنده  
وما في القرآن من قول الله تعالى انما نزلنا الكتاب  
شأننا به وما اودعنا في كتابنا الذي اودعنا في كتابنا الذي  
وعلى الرسول انما نزلنا الكتاب على انما نزلنا الكتاب  
على الرسل والالوه وحده وما اودعنا في كتابنا الذي

الشيخ محمد باقر انصاري



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جناب سعید علی ایما و صفای

اخوانی ملا شکر الله ابدی الله بک الدار

مادون و مرخص می باشد در عصر

در هیچ امور و حسد منوط نظر حاکم

شیخ ابو زبیر او کمال ایشان شرط ندارد

طریق احتیاط و عدم اسماء حسنیه

در حقوق و اسئلة الدعاء و الاستغفار

الحمد لله الکمال احقر سعید علی ایما و صفای

لا اله الا الله محمد رسول الله



۹۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَشْكُرَهُ لَوْلَا رَحْمَتُ اللَّهِ عَلَيْنَا لَكُنَّا مِنَ الْخَاسِرِينَ  
 وَالْأَرْضِ أَمَا أُبْعِدُ فَنَاجِبٌ وَلَدَنَا الْعَالَمُ الْعَلَامَةُ فِي الْفَاضِلِ  
 الْفَضِيلَةِ وَبَيْنَ الْمُحْسِنِينَ وَبَيْنَهُمُ الْمَدِينَةُ سَيِّدُ الْفَضْلَاءِ وَالْمَارِ  
 وَبَيْنَهُمُ الْأَهْلَاءُ الْكَامِلِينَ فِي النَّصْرِ الْقَدِيمَةِ وَالْمَدِينَةِ  
 وَالْفَقْرَةَ الْمَكْرُمَةَ الَّتِي تَقْتَدِرُ بِهَا عَلَى سِنَاطِ الْأَحْكَامِ الرَّعِيَّةِ  
 الْفَرِيحَةِ حَيْثُ وَلَعْنَا التَّصَلُّةَ الرَّحِيمَةَ وَالْمَهْدِيَّةَ الصَّخْرَةَ  
 جِنَابِ الشَّيْخِ عَلِيِّ دَامَ فَضْلُهُ بِحَسْبِ الْأَمَامِ الْعَلَمَةِ الْمُفْتَاحِ  
 كَرِيمِ حَيْثُ قَدَّرَ الْأَرْضَ لِلْمَشْرِقِ عِنْدَنَا وَصَفَرُ فَرِيدِ سَائِدَةِ  
 تَمَّ الزَّيَّانُ وَجَلَّ نَاهُ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَالْأَعْلَامِ وَالْمُفَضَّلِينَ الْأَعْلَامِ  
 فَضْلُ الْعَمَلِ فِيهِ الرَّحْمَنُ فِي الْعِلْمِ مَا فَاقَ بِهِ عَلَى الْأَقْرَانِ قَارُونَ  
 أَوْ جَنَرِ نَحْوِهَا وَتَرَكَا بِالسَّلْمَةِ الشَّرِيفَةِ فَاجْتَمَعَتْ لِدَوَامِ فَضْلِهِ  
 أَوْ بِرَفِي عَيْنِ كُلِّ مَجَازٍ فِي رِطَابِهِ مِنْ تَلْقَى الْمَقَامِ وَالْمَسْأَلَةِ الْأَنْبَاءِ  
 عَنْ الدُّعْوَى عَلَى أَوْثَانِ الْوَيْلِ وَمَطَانِ الْأَجَابِ إِلَى كَلِمَةِ  
 الرَّاهِمِ عَمَلِ رَبِّهِ الْأَنْصَارِيِّ  
 خَادِمِ الرَّسُولِ مُحَمَّدٍ

اجازة نقل حديث از شيخ انصارى به آيت الله شيخ على شريعتمدار



## نمونه ای موردی از: تقیه عالمی امامی در دمشق قرن دهم با ادعای پیروی از مذهب فقهی شافعی

دون استوارت، ترجمه محمد کاظم رحمتی

### مقدمه

در سراسر تاریخ اسلام شیعیان عمل به کاری که در سنت فقهی تقیه نامیده می شود، به هنگام حضور در محافل علمی یا برای کاستن از پیامد های تبعیض های در میان جوامع با اکثریت سنی می کرده اند.<sup>۲</sup> بررسی موارد تاریخی تقیه در خصوص عالمان امامیه نشانگر وجود

۱. از همکارم محمد کاظم رحمتی برای همکاری ارزشمندش برای یافتن منابع این مطالعه سپاسگزارم. این مقاله ترجمه ای است از:

“A Case of Twelver Shiite Taqiyyah in 16th-Century Damascus: Claimed Adherence to the Shāfi ̄ Legal School”

از نویسنده محترم و دوست گرامی دون استوارت که مقاله در دست انتشار خود را برابرم ارسال کرد، سپاس فراوان دارم. مترجم

۲. در باب تقیه به نحو عام بنگرید به: محمد فوزی، مفهوم التقیه فی الاسلام (بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۹۸۵)؛ نزیه محیی الدین، التقیه (بیروت: دار القلم، بی تا)؛ علی شمالوی، التقیه فی إطارها الفقهی (بیروت: شمس المشرق، ۱۹۹۲)؛ فتحیه مصطفی عطوی، التقیه فی الفكر الاسلامی (بیروت: الدار الاسلامیة، ۱۹۹۳)؛ سامی مکارم، التقیه فی الاسلام (لندن: مؤسسه تراث الدروزیة، ۲۰۰۴)؛

Ignaz Goldziher, “Das Prinzip der takijja im Islam,” Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft 59 (1906): 213–26; Rudolf Strothmann, “Takiyya,” Encyclopaedia of Islam, 1st ed., 9 vols. (Leiden: E.J. Brill, 1913–36), 8:628–29; Egbert Meyer, “Anlass und Anwendungsbereich der taqiyya,” Der Islam 57 (1980): 246–80; Etan Kohlberg, “Some Imāmī–Shī ̄ Views on Taqiyya,”

خصلت های مشترکی در عمل به تقیه چون تغییر دادن نسبت (شهرت دال بر اصل و نسب، مکان اقامت یا اجداد)؛ پنهان کردن نام مکانی که فرد اهل آنجاست، تغییر در نسب یا حتی تغییر در شیوه لباس پوشیدن است (استوارت، ۱۹۹۶؛ ب؛ ۲۰۰۳). اسناد نشانگر درگیر بودن عالمان و فقیهان به تقیه، اجازات و کتابهای تقدیم شده به حکام یا حامیان سنی است (استوارت، ۲۰۰۳). از اوایل قرن چهارم تا روزگار کنونی، عالمان امامی به هنگام تقیه خود را پیرو یکی از مذاهب فقهی مشهور اهل سنت معرفی می کنند. کتابهای تراجم نگاری مواردی از عالمان امامی را ذکر کرده اند که ادعای حنفی، شافعی، حنبلی و ظاهری مذهب بودن، داشته اند هر چند مذهب عموماً ذکر شده در هنگام تقیه توسط عالمان امامیه، مذهب شافعی است (استوارت، ۱۹۹۷؛ همو، ۱۹۹۸، ص ۶۱-۱۰۹). هر چند مدارک مدلل بر عمل به تقیه بسیار اندک است و در غیاب مدرک صریح دال بر آن، مورخان مستعد مورد تردید قرار دادن اخبار آمده در منابع دست دوم و سوم به عنوان مطالبی محتملاً اغراق آمیز، گزافه گویی، شایعه یا اتهام هستند. مطالعه کوتاه حاضر به بررسی یکی از موارد عمل به تقیه توسط شخصی به نام محمد بن احمد بن سید ناصرالدین حسینی، عالم و کاتبی از قرن دهم هجری / شانزده میلادی که در دمشق و جبل عامل - مکانی که اکنون در جنوب لبنان است - و شاگرد فقیه برجسته امامی زین الدین عاملی مشهور به شهید ثانی به دلیل شهادتش توسط مقامات عثمانی در ۱۵۵۸/۹۶۵ می پردازد.<sup>۱</sup> مدرک یاد شده شاهدی صریح بر ادعای شافعی بودن از

Journal of the American Oriental Society 95 (1975): 395-402; idem, "Taqiyya in Shī Ṭ Theology and Religion," pp. 345-80 in *Secrecy and Concealment: Studies in the History of Mediterranean and Near Eastern Religions*, ed. Hans G. Kippenberg and Guy G. Stroumsa (Leiden: Brill, 1995); Devin J. Stewart, "Taqiyyah as Performance: The Travels of Bahā - al-Dīn al- Āmilī in the Ottoman Empire (991-93/1583-85)," *Princeton Papers in Near Eastern Studies* 4 (1996): 1-70; idem, "Dissimulation in Sunni Islam and Morisco Taqiyya," *al-Qanṭara* 34.2 (2013): 439-90; Maria Dakake, "Hiding in Plain Sight: The Practical and Doctrinal Significance of Secrecy in Shi ite Islam," *Journal of the American Academy of Religion* 74 (2006): 324-55.

۱. درباره زین الدین عاملی به نحو عام بنگرید به: مقدمه رضامختاری بر زین الدین عاملی، منیه المرید فی ادب المفید والمستفید (قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۹۸۹)، ص ۸۸-۹.

Devin J. Stewart, "The Ottoman Execution of Zayn al-Dīn al- Āmilī," *Die Welt des Islams* 48 (2008): 289-347; idem, "Investigating the Second Martyr," pp. 10-16 in *Muḥammad KĀzim*



سوی فقیهی امامی است و شواهد دیگر که دلالت بر این دارد عالمان امامیه ناحیه شام عموماً خود را شافعی مذهب به منظور تسهیل حضور خود در جوامع علمی اهل سنت شام داشته اند را تأیید می کند. شاهد اخیر به دانسته های مادر خصوص نقشی که تقیه در شام تحت سیطره عثمانی ها در قرن دهم هجری به عنوان حفاظی برای مقابله بانزاع در جریان عثمانی با شیعیان امپراتوری صفویه داشته، مطلب تازه ای اضافه می کند.



ارزیابی و بررسی وضعیت شیعیان در شام قرن دهم هجری / شانزده میلادی موضوع ساده ای نیست. از یک سو شیعیان از شام تحت سیطره عثمانی اخراج یا قلع و قمع نشده اند و جوامع آنها تا روزگار کنونی باقی مانده است. دانسته است که عثمانی ها با اشراف محلی شیعه در شام و دیگر مناطق تعامل داشته و آنها را به عنوان جمع کنندگان خراج بدون انگ مذهبی زدن به آنها گمارده اند و از سوی موقوفاتی برای عتبات و مراقد مقدسه شیعه در نجف و کربلا در جنوب عراق معین کرده اند. از سوی دیگر تردیدی در این نیست که عثمانیها از نظر ایدئولوژیکی و مذهبی باتشیع و شیعیان مخالف بوده اند و درصد حضور شیعیان در طی حاکمیت عثمانی ها بر شام کاهش یافته است. در ایام حکومت فاطمیان و همدانیان شمار شیعیان در بسیاری از شهرهای شام چون صور، طرابلس و حلب بسیار بوده است. حلب حتی شاید شهری نیمه شیعه نشین بوده است. این وضعیت با قدرت گیری حکام سنی زنگی، ایوبیان و ممالیک دگرگون شد و همگی آنها برای حذف شیعیان از فضای عمومی و تقلیل دادن شیعیان کوشیدند، کاری که عثمانی ها نیز به عنوان سیاست اسلاف خود در خصوص رعایای شیعه شام در پیش گرفتند و ادامه دادند تا شمار جمعیت شیعیان در اکثر شهرهای ذکر شده کاهش یافت و تنها حضور شیعیان محدود به نواحی حاشیه ای چون نواحی جبل عامل و دره بقاع شد.<sup>۱</sup>

Rafīatī (ed.), *Law in Transmission: The Āmilī Role in the Development of Shi'ī Law* (Qum: Academy of Islamic Sciences and Culture, 2009).

۱. در خصوص وضعیت شیعیان در شام تحت سلطه عثمانی بنگرید به:

Marco Salati, "I villaggi imamiti della provincia di Aleppo in epoca ottomana," *Rivista degli Studi Orientali* 63 (1989): 231–55; idem, "Ricerche sullo Sciismo nell'impero ottomano: il viaggio di Zayn al-Dīn al-Šahīd al-Tānī a Istanbul al tempo di Solimano il Magnifico (952/1545)," *Oriente*

عثمانی ها در بیشتر اوقات قرن دهم هجری / شانزده میلادی مشغول نبرد و جنگ با صفویان، تشیع و قزلباش ها بودند که قزلباش ها نه تنها ستون فقرات قدرت صفویه که تهدید بالقوه برای حاکمیت عثمانی ها در شرق آناتولی محسوب می شدند و به مناقشات چهره‌ای فرقه‌ای می داد هر چند ممکن است که ادعا شود منازعات در اصل بازتابی از تلاش های مداوم برای کنترل راه تجارت ابرایشم به عنوان منبعی برای درآمد و اخذ مالیات بوده است. نیروهای عثمانی صفویان را در چالدران به سال ۱۵۱۴/۹۲۰ شکست دادند و گسترش نفوذ و قلمرو شاه اسماعیل (حکومت ۱۵۰۱-۱۵۲۴) را متوقف کردند. در دوران شاه طهماسب (حکومت ۱۵۲۴-۱۵۷۶) سلطان سلیمان لشکر کشی بزرگ علیه ایران انجام داد. نخستین لشکر کشی در ۱۵۳۴-۱۵۳۶ بود که منجر به فتح عراق عرب و تبریز شد. نیروهای عثمانی از طریق حلب به استانبول بازگشتند. دومین لشکر کشی در ۱۵۴۸-۱۵۴۹ رخ داد و با همراهی برادر شورش شاه طهماسب، القاص میرزا همراه بود که عثمانی ها از وی به عنوان آلت دستی برای حمله به ایران استفاده کرده بودند. سومین لشکر کشی عملیاتی گسترده در ۱۵۵۳-۱۵۵۵ بود. نیروهای عثمانی زمستان ۱۵۵۳-۱۵۵۴ را در حلب بسر بردند و متعاقب آن ارزروم و اکثر آذربایجان را اشغال کردند. این لشکر کشی به امضاء معاهده صلح آماسیه در ۱۵۵۵/۹۶۲

Moderno 70 (1990): 81-92; idem, *Ascesa e caduta di una famiglia di Ašraf sciiti di Aleppo: I Zuhrawi o Zuhra-zada (1600-1700)* (Rome: Istituto per l'Oriente C.A. Nallino, 1992); idem "Toleration, Persecution and Local Realities: Observations on the Shiism in the Holy Places and the Bilad al-Sham (Sixteenth-Seventeenth Centuries)," pp. 123-32 in *La Shi'a nell'Impero ottoman* (Rome: Accademia Nazionale dei Lincei, 1993); idem, "Presence and Role of the Sādāt in and from Éabal Āmil (Fourteenth-Eighteenth Centuries)," *Oriente Moderno* 79 (1999): 597-627; idem, "Shiism in Ottoman Syria: A Document from the Qāḍī Court of Aleppo (963/1555)," *Eurasian Studies* 1 (2002): 77-84; Andrew Newman, "The Myth of Clerical Migration to Safawid Iran: Arab Shiite Opposition to Ālal-Karakā and Safawid Shiism," *Die Welt des Islams* 33 (1993): 66-112; Devin J. Stewart, "Notes on the Migration of Āmilī Scholars to Safavid Iran," *Journal of Near Eastern Studies* 55 (1996): 81-103; idem, "An Episode in the Āmili Migration to Safavid Iran: Husayn b. Abd aṣSamad al- Āmili's Travel Account," *Iranian Studies* 39.4 (2006): 481-508; Stefan Winter, *The Shiites of Lebanon under Ottoman Rule, 1516-1788* (Cambridge: Cambridge University Press, 2010).



منتهی شد که در پی آن صفویان اکثر بخش های آذربایجان را به عثمانی واگذار کردند. معاهدهٔ اخیر تا هنگام مرگ شاه طهماسب در ۱۵۷۶/۹۸۴ پابرجا بود هر چند روابط میان دو کشور زمانی که شاه طهماسب به شاهزاده بایزید عثمانی که بر پدرش سلطان سلیمان شوریده بود و به ایران آمده بود، پناه داده بود، متشنج شده بود (علوش، ۱۹۸۳).

در حالی که عثمانی ها به حفظ و برقراری امنیت در آناتولی شرقی خاصه میان قبایل و آنچه که می توانست به عنوان نشانی از تشیع حرکت آفرینی کند، توجه داشتند، شام نیز مورد توجه بود چرا که حلب شاهراه مهم تجارت و عبور کاروان های تجاری بود. عثمانی ها به کسانی که از ایران به قلمرو عثمانی سفر می کردند، که شامل کاروان های هر ساله حج مکه نیز می شد، حساس بودند چرا که در کاروان ها جاسوسان و آشوب گران صفوی حضور داشته اند (ابرهارد، ۱۹۷۰؛ کوتوغلو، ۱۹۶۲). چنین حساسیت های بالایی از سوی مقامات عثمانی باید شیعیان شام را به درپیش گرفتن حزم و احتیاط در عرصه های عمومی هویت و اعمال شیعی واداشته باشد که ممکن بوده به عنوان اتهام ارتباطی میان آنها با صفویان یا شیعیان ایرانی تلقی شود.

\*\*\*

### نسخه ای از کتاب الروضة البهية اثری فقهی در مذهب امامیه

نسخهٔ خطی از کتاب فقهی در مذهب امامیه دلیلی است که محمد بن احمد بن سید ناصر الدین عالمی امامی و شاگرد بلافضل فقیه و عالم برجستهٔ امامی زین الدین عاملی بوده است. نسخهٔ خطی شمارهٔ ۲۰۱۷۲ کتابخانهٔ ملی تهران، کتابتی از کتاب دو جلدی زین الدین در فقه یعنی الروضة البهية فی شرح اللمعة دمشقية، شرحی بر کتاب اللمعة دمشقية محمد بن مکی جزینی که توسط حاکم مملوکی دمشق در ۱۳۸۴/۷۸۶ به شهادت رسید و به شهید اول در سنت امامیه شهرت دارد، می باشد. از قرن دهم هجری تا کنون شرح اخیر متن متداول در سنت مدرسی فقه امامیه بوده است.

نسخهٔ مورد بحث به تفصیل توسط جلال الدین همایی در مطالعه ای منتشر شده پس از مرگش اخیراً به همراه مقدمه ای توسط رسول جعفریان منتشر شده است (همایی، ۲۰۱۵). کتاب این نسخه در انجنامه ای که در ادامه آمده در پایان جلد اول نوشته است:

«وافق الفراغ من تعليقه صبح الثلاثاء يوم الثالث عشر من شهر شعبان المعظم قدره من شهر

سنة سبعة و خمسين و تسعمائة بقلم العبد الفقير الى الله تعالى الخاطى الراجى عفوريه و شفاعه نبيه و أمته محمد بن احمد بن السيد ناصر الدين العلوى الحسينى العالمى عامله الله بلطفه و عفى عنه بمنه و كرمه».

پایان کتابت این مجلد مصادف است با صبح سه شنبه سیزدهمین روز از ماه شعبان المعظم، مقدر در سال ۹۵۷ بقلم بنده فقیر گناه کار آرزومند عفو خداوند بلند مرتبه و شفاعت پیامبر و امامانش محمد بن احمد بن سید ناصر الدین علوی حسینی عاملی که خداوند بالطفش با او رفتار کند و از وی درگذرد به بزرگواری و کرمش (الروضة البهیة، برگ ۱۵۸ پشت؛ همایی، ۲۰۱۵/۱۳۹۴، ص ۹۷۰-۹۷۳).

تاریخ کتابت مجلد نخست سیزدهم شعبان ۹۵۷ / ۲۶ آگوست ۱۵۵۰ است. کاتب نام خود را محمد بن احمد بن سید ناصر الدین علوی حسینی عاملی ذکر کرده است. به محل کتابت نسخه اشاره ای نشده است. مشخص است که وی نسخه خود را از روی نسخه اصل زین الدین عاملی کتابت کرده چرا که زین الدین برای وی مطالبی دال بر سماع نسخه توسط شاگرد به هنگام خواندن متن در نزدش و مقابله با اصل برای او نوشته است (همایی، ۲۰۱۵/۱۳۹۴، ص ۹۶۹-۹۷۰). همایی مدعی است که نسخه حاضر نخستین کتابت از نسخه اصل مؤلف بوده است (همایی، ۲۰۱۵/۱۳۹۴، ص ۹۶۹).

به علاوه گواهی سماعات، زین الدین اجازه کوتاهی دال بر قرائت متن در آخر جلد اول نوشته که نشان می دهد کاتب نه تنها نسخه را با اصل مقابله کرده بلکه کتاب الروضة البهیة را نزد مؤلف نیز خوانده است.

«انها احسن الله تعالى توفيقه و تسديده و اجزل من كل عارض<sup>۱</sup> مزیده و تأییده قراءه و سماعاً و فهماً و (متناً بحثاً)<sup>۲</sup> و استشراحاً فى مجالس متعددة آخرها يوم الأحد لثلاثة<sup>۳</sup> خلت

۱. همایی این کلمه را عارفه خوانده است. [همین خوانش صحیح است (ویراستار)].

۲. این کلمه در متنی که همایی آورده، از قلم افتاده است.

۳. همایی این کلمه را ثلثه خوانده است. (دشواری هایی در خواندن خط شهید وجود دارد. صورت درست آنها شهید ثانی چنین است: «انها احسن الله تعالى توفيقه و تسديده و اجزل من كل عارفه مزیده و تأییده قراءه و سماعاً و فهماً و بحثاً و استشراحاً فى مجالس متعددة آخرها يوم الاحد، ليلاً خلت من شهر جمادى الاولى سنة ثمان و خمسين و تسعمائة من الهجرة الطاهرة النبوية و كتب مؤلفه الفقير الى الله تعالى زین الدین بن علی بن احمد حامداً مصلياً مسلماً» مترجم).

من شهر جمادی الاولی سنة ثمان و خمسين و تسعمائة من الهجرة الطاهرة النبوية و مؤلفه الفقير الى الله تعالى زين الدين بن علی بن احمد حامداً مصلياً مسلماً»

خداوند بلند مرتبه او را توفیق دهد و استوارش نگه دارد، و از هر خیر او را بهره مند کند و فزونتر عطا کند و او را مورد تایید خود قرار دهد، خواندن متن را به قرائت و سماع و فهم و بحث و شرح دادن آن برایش توسط من به پایان رساند در مجالس متعددی که آخرین آنها روز یکشنبه سه شب گذشته از ماه جمادی الاولی سال ۹۵۸ از هجرت نبوی پیامبر طاهرش و نگاشت مؤلف نیازمند درگاه خداوند بلند مرتبه زین بن علی بن احمد در حالی که ستایش گوی پروردگارش و درود فرستاننده بروی و ایمان آوردنده به اوست.

سخن از اینکه کاتب نسخه رانزد مؤلف در مجالس مختلفی (المجالس المتعددة) سماع کرده دلالت دارد که کاتب محمد بن احمد بن ناصرالدین دست کم جلد اول رانزد زین الدین خوانده است. به علاوه دو تاریخ، یکی تاریخ کتابت نسخه یعنی ۱۳ شعبان ۹۵۷ / ۲۶ آگوست ۱۵۵۰ و تاریخ اجازة زین الدین به شاگردش سوم جمادی الاولی ۹۵۸ / ۱۰ می ۱۵۵۱ متضمن این است که شهید ثانی کتاب را دست کم به مدت فزونتر از هشت ماه به کاتب تدریس می کرده است. برهه ای که در طی آن این دو مشغول خواندن کتاب بوده اند، احتمالاً دست کم یک سال و نیم بوده چرا که خواندن مجلد اول بیش از هشت ماه به طول کشیده بود و کتاب مشتمل بر دو جلد است. متأسفانه نسخه حاضر آسیب دیده و انجامه اصل مجلد دوم افتاده که به احتمال بسیار باید مشتمل بر انجامه دیگر کاتب و شاید اجازة زین الدین عاملی به کاتب بوده است.

به واسطه دیگر منابع می دانیم که زین الدین از ۱۵۴۹/۹۵۶ تا هنگام شهادتش در نه سال بعد، در خفا بوده است. این دوره از زندگی و فعالیتهايش در پرده ابهام قرار دارد و اساساً به این دلیل که شرح حال زندگی او که شاگردش ابن العودی به نام بغية المرید نوشته، تقریباً دوسوم از اصل متنش که مشتمل بر احوال زین الدین در سالهای مذکور بوده، اکنون در دست نیست (استوارت، ۲۰۰۸، ص ۲۹۴-۲۹۶، ۳۲۱، ۳۲۵-۳۲۶؛ استوارت، ۲۰۰۹). در اکثر نه سال اخیر زین الدین مشغول به تدریس فقه به شاگردان امامیش در جزین و دیگر روستاهای

۱. همایی عبارت متن را «و انا مؤلفه» خوانده است. (همانگونه که اشاره شد شهید ثانی عبارت کتب را به صورت ل کوچکی کتابت کرده است. مترجم).

جبل عامل به صورت پنهانی بوده است. او ممکن است که از اقامت در زادگاهش جبع یا جباع به منظور گریختن از چنگ مقامات اجتناب کرده باشد. او در سال ۹۶۳-۹۶۴ / ۱۵۵۶-۱۵۵۷ در دمشق دستگیر شد اما رهایی یافت. او به کاروان های حج که از دمشق در شوال ۹۶۴ / اگوست ۱۵۵۷ به حجاز می رفتند، پیوست و حج را در همان سال در ذوالحجّة ۹۶۴ / اکتبر ۱۵۵۷ به جا آورد و در مکه اقامت گزید و تصمیم گرفته بود با کاروانی که به شام بازمی گشت، بازنگردد. او در اوایل ۹۶۵ / ۱۵۵۸ در مکه دستگیر شد و به مدت چهل و دو روز در زندان بود سپس به استانبول از طریق قاهره فرستاده شد و در هشتم شعبان ۹۶۵ / ۲۶ مه ۱۵۵۸ به شهادت رسید (استوارت، ۲۰۰۸).

زین الدین تمام هم و غم خود را در این برهه از زندگی به تألیف و تدریس دو کتاب اصلی فقهی اش الروضة البهية و مسالک الافهام اختصاص داده بود. وی به نگارش و تدریس الروضة البهية از ۹۵۶ / ۱۵۴۹ تا ۹۶۰ / ۱۵۵۲-۱۵۵۳ اگر بیشتر نباشد، مشغول بوده است. او نگارش مجلد اول الروضة البهية را در اول ربیع الاول ۹۵۶ / ۳۰ مارس ۱۵۴۹ آغاز کرده بود و نگارش آن را در ششم جمادی الثانی ۹۵۶ / ۲ جولای ۱۵۴۹ به پایان رسانده بود. زین الدین نگارش جلد دوم را در ۲۱ جمادی الاولى ۹۵۷ / هفتم ژوئن ۱۵۵۰ به پایان رساند. سید علی صائغ، شاگرد زین الدین و پدرزن یکی از همسران زین الدین، کتابت نسخه ای از الروضة البهية را در پانزدهم صفر ۹۵۸ / ۲۲ فوریه ۱۵۵۱ به پایان رسانده بود و از خواندن آن نزد استادش درس سوم جمادی الاولى ۹۵۸ / پنجم ژوئن ۱۵۵۱ فراغت یافته بود. زین الدین اجازه ای برای او به تاریخ ۳۰ جمادی الاولى ۹۵۸ / ۵ ژوئن ۱۵۵۱ نوشته بود. علی بن احمد بن ابی جامع کتابت نسخه ای از الروضة البهية را در ۹۶۰ / ۱۵۵۲-۱۵۵۳ به پایان برده بود و اجازه ای برای خواندن کتاب از زین الدین احتمالاً در همان سال دریافت کرده بود (استوارت، ۲۰۰۸، ص ۳۲۳-۳۲۴). نسخه خطی مورد بحث ماتصویر ارایه شده را کامل می کند و نشان می دهد که زین الدین الروضة البهية را به شاگرد دیگر در همان دوران، مشخصاً بیش از هشت ماه میان ۱۳ شعبان ۹۵۷ / ۲۶ آگوست ۱۵۵۰ و سوم جمادی الاولى ۹۵۸ / ۱۰ مه ۱۵۵۱ خاصه تدریس کرده و به احتمال بسیار دستکم برای هشت ماه پس از آن به تدریس خود ادامه داده تا خواندن جلد دوم در ۹۵۹ / ۱۵۵۲ به پایان رسیده است.

زین الدین گرچه در خفا بود، اما این امکان را داشت که به نحو فشرده به شماری از

شاگردانش تدریس کند. بر اساس وجود چندین نسخه سالم از کتاب الروضة البهية و اثر دیگر نسخه هایی از کتاب فقهي زين الدين يعني مسالك الافهام بايد به احتمال بسيار شمار اندكي از فعاليت هاي گسترده زين الدين در مجال تدریس باشند. مشخص است که زين الدين مدرسه ای را به شخصه اداره می کرده که به تدریس به فقیهان امامی سطوح بالا اختصاص داشته هر چند او چنین کاری را پنهانی و در خفا انجام می داده است. مدرسه مورد بحث در اکثر ایام دوران اخیر در جزین بوده، جایی که دانسته است زين الدين در ۱۵۴۹/۹۵۶ در آنجا پنهان شده بوده است (استوارت، ۲۰۰۸، ص ۳۲۱-۳۲۳). سفر شماری از شاگردان برجسته دیگر نواحی برای تحصیل علم به نزد زين الدين ممکن است که یکی از عواملی بوده که باعث توجه مقامات عثمانی به زين الدين شده است که وی را خطری به حساب آورند.

نسخه الروضة البهية در سنت شیعی باقی مانده است. در قرن یازدهم هجری در تملک نواده زين الدين، شیخ علی بن محمد بن حسن بن زين الدين (متوفی ۱۱۰۳/۱۶۹۱-۱۶۹۲) مؤلف کتاب الدر المشور من المأثور و غیر المأثور و دیگر آثار بوده است. شیخ علی جبل عامل را ترک نموده و در میانه قرن یازدهم در اصفهان سکنی گزید.<sup>۱</sup> او برای فرزندش حسین، اجازه روایت کتاب را به تاریخ ۱۷ محرم ۱۰۷۴/۲۲ آگوست ۱۶۶۳ در آخر جلد اول و اجازه ای دیگر

۱. درباره سرانجام کتابخانه و کتابهای زين الدين بنگرید به:

Stewart, "Ottoman Execution," 295-96.

(شهید ثانی در سفر خود به حجاز در سال ۹۶۴ برخی کتابهای خود را همراه داشته است. شاگرد وی ملا محمود لاهیجانی در سفر اخیر همراه شهید ثانی بود. او در مکه تلاش کرد تا شاید بتواند شهید را نجات دهد. تلاش های او ناکام ماند اما او توانست همه یا شاید برخی از نسخه های شهید ثانی را بدست آورد و دقیقاً دانسته نیست که او آیا نسخه را به وراثت شهید بازگرداند یا خیر اما هر چه هست از آن مجموعه کتابها چند نسخه باقی مانده است. از جمله کتاب شرح تهذیب الوصول سید جمال الدین بن عبدالله حسینی جرجانی موجود در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۲۶۷۰ که داود بن شمس بن داود بن احمد بن حسن فقیه شیبانی بغدادی بحرانی از کتابت آن در روز پنجشنبه هشتم جمادی الثانی ۹۵۲ فراغت حاصل کرده است (مطلب اخیر تذکر دوست گرامی حجت الاسلام والمسلمین ابوالفضل حافظیان است). همین گونه دانسته است که شهید ثانی به همراه خود مجموعه ای نفیس که بخشی از آن به خط حسین بن عبدالصمد حارثی است و در کتابخانه ملی فارس به شماره ۳۷۰ موجود است، همراه داشته است. بر نسخه شرح تهذیب الوصول همین گونه بر مجموعه ۳۷۰ فارس یادداشتی از ملا محمود بن محمد لاهیجانی است که متذکر شده کتاب از جمله ممتلكات شهید ثانی بوده است. مترجم).

در روز بعد برای روایت عام آنچه که در روایت خود داشته، در نخستین برگ از جلد دوم نوشته است (همایی، ۲۰۱۵/۱۳۹۴، ص ۹۷۳-۹۷۴).<sup>۱</sup> با فرض اینکه شیخ علی متولی کتابخانه خانوادگی خودشان که مشتمل بر کتاب های متعلق به کتابخانه خود شهید ثانی بوده، نسخه اخیر اثری عالی و ارزشمند تلقی می شده است.

\*\*\*

### شاگرد زین الدین عاملی

درباره سید محمد بن احمد بن ناصر الدین حسینی در کتابهای تراجم یاد دیگر منابع اطلاعات چندانی نیامده است. محمد حر عاملی (متوفی ۱۱۰۴/۱۶۹۳) از وی به گونه ای بسیار مختصر در کتاب تراجم نگارش امل الآمل یاد کرده و نام او را السید محمد بن ناصر الدین عاملی کرکی ذکر کرده و در توصیف او گفته: «کان فاضلاً، صالحاً، حسن الخط من تلامید الشهد الثانی» «او فردی فاضل و پارسا و دارای خطی زیبا و از شاگردان شهید ثانی بود (حر عاملی، ۱۹۶۵، ج ۱، ص ۱۸۴؛ سالاتی، ۱۹۹۹، ص ۶۲۵). توصیف فرد اخیر به سید و اینکه او شاگرد زین الدین بوده و خطی زیبا داشته، دلالت دارد که او همان فرد کاتب نسخه ذکر شده در قبل است هر چند کمی تفاوت در ذکر نام او توسط حر عاملی وجود دارد. در متن چاپ شده امل الآمل نام او محمد بن ناصر الدین آمده اما در انجنامه نسخه خطی الروضة البهیة نام وی محمد بن احمد بن السید ناصر الدین آمده است. ظاهراً حر عاملی نام پدر وی یعنی احمد را از قلم انداخته شاید به این دلیل که نام پدر بزرگ شهرت خانواده بود که شاید ابن ناصر الدین بوده است مانند ابن خلدون، ابن جماعه و دیگر نام های مشابه خانوادگی. در شرح حال شیخ حر، اشاره ای به تاریخ تولد یا وفات نیامده است. منابع بعدی تراجم نگاری اطلاعات مستقل دیگری ارائه نکرده اند.

امل الآمل مشتمل بر مدخلی بسیار کوتاه و مشابه درباره شخصی به نام بدر الدین است که به احتمال بسیار پسر سید محمد است. نام وی سید بدر الدین بن محمد بن ناصر الدین عاملی کرکی ذکر شده و در دو نسخه دیگر امل الآمل نام وی سید بدر الدین بن محمد بن محمد بن ناصر الدین آمده است (حر عاملی، ۱۹۶۵، ج ۱، ص ۴۳، پانویس دوم). مطالب آمده در

۱. الروضة البهیة، برگ های ۱۵۸ رو، ۱۵۹ پشت. همایی نام فرزند را به خطا حسن ذکر کرده است.



شرح حال او چنین است: «فاضل، فقیه، صالح، من تلامیذ الشیخ ابن الشہید الثانی» (مردی عالم، فقیه، پرهیزگار و از جمله شاگردان فرزند شہید ثانی یعنی شیخ حسن صاحب معالم بوده است) (حرعاملی، ۱۹۶۵، ج ۱، ص ۴۳).<sup>۱</sup> هیچ تاریخ تولد یا وفاتی ذکر نشده اما این مطلب که وی از جمله شاگردان شیخ حسن، فرزند زین الدین (متولد در ۱۵۵۲/۹۵۹، متوفی ۱۶۰۲/۱۱۰۱) بوده نشانگر این است که او به نسلی بعد از شہید ثانی تعلق داشته است. اسامی یکسان هستند هر دو سید، و جدّ هر دو ناصرالدین است که نامی نادر است و شهرت هر دو فرد کرکی عاملی آمده است. بسیار محتمل است که بدرالدین فرزند سید محمد ذکر شده در قبل باشد.

اطلاعات آمده در نسخه الروضة البهية این امر را میسر می کند که متن آمده در امل الآمل را تکمیل کنیم: صورت صحیح نام ها ظاهراً باید چنین باشد: محمد بن احمد بن ناصرالدین و بدرالدین بن محمد بن احمد بن ناصرالدین. نام محمد آمده در برخی از نسخه های امل الآمل به صورت محمد بن محمد، به احتمال بسیار باید خطای کاتب در کتابت احمد باشد که به راحتی در کتابت اشتباه می شود.

اختلافاتی در باب شهرت یا انتساب جغرافیایی در نام های هر دو فقیه وجود دارد. امل الآمل آنها را یعنی پدر و پسر را کرکی عاملی معرفی کرده که دلالت دارد هر دو عاملی از جبل عامل و کرکی هستند یعنی اهل روستای کرک نوح نزدیک بعلبک در دره بقاع. از نظر جغرافیایی کرک نوح که اکنون در شمال لبنان است بخشی از جبل عامل نیست جز آنکه حر عاملی تعبیر عاملی را به شکل موسعی برای معرفی عالمان شیعه نواحی شام به کار برده است (سالاتی، ۱۹۸۵). در انجامة الروضة البهية محمد بن احمد بن ناصرالدین شهرت خود را الحلی آورده که اشاره ای به شهر حله در جنوب عراق است و خود را کرکی یا عاملی معرفی نکرده است. این اختلاف را شاید با در نظر گرفتن این مطلب که خانواده در کرک نوح برای شاید چند نسل سکنی داشته اما اجدادشان در حله جنوب عراق ساکن بوده اند، برطرف نمود.

۱. این اطلاعات را میرزا عبدالله افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، شش جلد، تحقیق سید احمد حسینی (قم: مطبعة الخيام، ۱۹۸۰)، ج ۱، ص ۹۶ و محسن امین، اعیان الشیعة (بیروت: دار التعارف، ۱۹۸۴)، ج ۳، ص ۵۴۹؛ آقابرگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعة: القرن الحادی عشر، تحقیق علینقی منزوی (قم: اسماعیلیان، بی تا)، ص ۷۹ و 618، "Sādāt," Salati تکرار کرده اند.

نکته مهم دیگر آمده در شرح حال شیخ حر عاملی، این مطلب که سید محمد بن احمد بن ناصر الدین خطی زیبا داشته است. حر عاملی شاید به واقع نسخه الروضة البهية که در اینجا مورد بحث قرار گرفته را دیده باشد چرا که او در اواخر قرن یازدهم هجری در ایران بوده و با شیخ علی کبیر، نواده زین الدین عاملی دوست نیز بوده است. نسخه حاضر یا نسخه های دیگر که حر عاملی در نزد شیخ علی کبیر دیده، باعث شده تا وی تذکر مربوط به خط زیبای سید محمد را متذکر شود.

\*\*\*

### نسخه های دیگر کتابت شده توسط ابن ناصر الدین

شمار دیگری از نسخه هایی که این عالم کتابت کرده در کتابخانه های ایران موجود است که اطلاعات بیشتری درباره فعالیت های او در اختیار ما قرار می دهد. آقابزرگ نوشته که نسخه ای دیگر اثر مهم زین الدین در فقه یعنی کتاب مسالک الافهام را همین شخص کتابت کرده و تاریخ کتابت آن ۱۵۴۴-۱۵۴۵ بوده است (آقابزرگ طهرانی، ۱۹۸۷، ص ۲۲۷). اگر تاریخ درست باشد، باید نسخه مذکور تنها جلد اول از مجموعه هفت جلدی کامل کتاب باشد. دانسته است که زین الدین مجلد اول کتاب مسالک الافهام را در سوم رمضان ۹۵۱/۱۸ نوامبر ۱۵۴۴؛ جلد دوم را در اول ربیع الاول ۹۵۶/۳۰ مارس ۱۵۴۹؛ جلد سوم را در ربیع الاول ۹۶۳/ژانویه - فوریه ۱۵۵۶؛ جلد چهارم را در اواخر جمادی الثانی ۹۶۳/اوایل می ۱۵۵۶ و فصل در باب قسم را در رمضان ۹۶۳/جولای - آگوست ۱۵۵۶؛ جلد ششم را در ذو الحجه ۹۶۳/اکتبر- نوامبر ۱۵۵۶ و مجلد هفتم را در ربیع الثانی ۹۶۴/فوریه ۱۵۵۷ تألیف کرده است (آقابزرگ طهرانی، ۱۹۸۳، ج ۲۰، ص ۳۷۸؛ رضا مختاری، ۱۹۸۹، ص ۳۰-۳۱).<sup>۱</sup> نسخه

۱. آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، بیست و هفت جلد (بیروت: دارالاضواء، ۱۹۸۳)، ج ۲۰، ص ۳۷۸؛ مختاری مقدمه بر منیة المرید، ص ۳۰-۳۱. (در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۱۰۵۱۹ نسخه ای از کتاب کافی در ۴۵۲ برگ موجود است که بخشی از آن توسط فخر الدین احمد بن محمد شیرازی - از آغاز نسخه تا پایان کتاب الجهاد و یک برگ از کتاب التجارة به خط نسخ خوش ریز با تاریخ فراغت از کتابت جمادی الاولی ۹۹۲ و کتاب التجارة، کتاب النکاح و بخشی از کتاب الطلاق تا برگ ۲۸۷ بانسخ درشت و به خط محمد بن احمد بن ناصر الدین الحسینی عاملی در نجف اشرف کتابت شده است. پس از برگ ۲۸۷ به بعد باز کاتب نسخه شخص دیگری است و در جایی روز پنجمشنبه ۵ صفر ۹۹۵ در نجف (برگ ۲۹۹ ر) و بخشی باز توسط فخر الدین احمد بن محمد شیرازی در روز پنجمشنبه اول پانزدهم شوال ۹۹۱ (برگ ۲۶۳ ر) کتابت شده

مسالك كتابت شده متضمن این است که محمد بن احمد بن ناصر الدین به مدت طولانی نزد زین الدین به تحصیل مشغول بوده است یعنی از ۱۵۴۸/۹۵۱ تا دست کم ۱۵۵۹/۹۵۹ حدود نه سال. وی باید شاگرد بسیار نزدیکی به استادش بوده یعنی حلقه نزدیکان شهید ثانی. می توان حدس زد که تبخّر او در کتابت باعث شده بود که او برای استادش به عنوان شاگردی برجسته تر همچنین شماری از همقطاراناش مورد توجه قرا گیرد.

نسخه ۲۱۸۹ کتابخانه ملک در تهران که مجلدی از اجزاء کتاب تهذیب الاحکام از کتب اربعه شیعه و تألیف محمد بن حسن طوسی (متوفی ۱۰۶۷/۴۶۰) می باشد. محمد بن احمد بن ناصر الدین حسینی از کتابت آن در ۲۶ ذی الحجه ۹۶۱/۲۲ نوامبر ۱۵۵۴ فراغت حاصل کرده است (ایرج افشار و دیگران، ۱۹۷۳-۲۰۰۱، ج ۱، ص ۱۸۴).

رضا محتاری مطلب دیگری آورده که نشان از ارتباط سید محمد بن احمد بن ناصر الدین با زین الدین عاملی دارد. در ظهر نسخه ای از کتاب الروضة البهية که اکنون در کتابخانه آستانه مقدسه قم موجود است مطلبی درباره اینکه زین الدین در هفدهم رمضان ۹۶۵/ جولای ۱۵۵۸ به شهادت رسید، به نقل از وی آمده است. عالمی که این مطلب را ثبت کرده، متذکر شده که او نسخه را از روی دست خط محمد بن احمد بن سید ناصر الدین حسینی کتابت کرده است. نسخه در هشتم محرم ۱۰۸۷/ مارس ۱۶۷۶ توسط عبدالباقی بن عبدالباقی بن رضی الدین محمد حسینی از تیمانی تویسرکانی کتابت شده و او گفته که نسخه اساس کتابتش نسخه ای بوده که محمد بن احمد بن سید ناصر الدین حسینی در ۲۵ شعبان ۹۶۳/ سوم

است. تاریخ های آمده در بخش هایی از نسخه که توسط محمد بن احمد بن ناصر الدین حسینی عاملی کتابت شده به ترتیب چنین است: پایان کتاب المعیشه (برگ ۲۲۰ ب) (... و کتبه بیده العبد الفقیر الراجی عفوره القدر محمد بن احمد بن ناصر الدین الحسینی بالمشهد المعظم امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام يوم الاحد المبارک سابع عشرین من شهر ذی القعدة الحرام من شهر سنه اربع وثمانین و تسعمائة هجرية علی مشرفها افضل الصلوة والسلام والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین و سلم تسلیماً کثیراً)؛ پایان کتاب النکاح (برگ ۲۷۰ ب) (وافق الفراغ من هذا الكتاب المبارک يوم الخميس المبارک خامس يوم من شهر صفر مفتتح سنة خمس وثمانون و تسعمائة هجرية علی مشرفها افضل الصلوة والسلام بالمشهد الغروی علی ساکنها افضل الصلوة والسلام... و کتبه بیده العبد الفقیر محمد بن احمد بن ناصر الدین الحسینی العاملی بالمشهد الغروی علی ساکنه افضل الصلوة والسلام). به نظر می رسد که او در اواخر عمر خویش در نجف اقامت گزیده است. بنگرید به: فریبا افکاری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱ش)، ج ۱۹، ص ۷۰۸-۷۰۹. مترجم).

جولای ۱۵۵۶ کتابت کرده است (مختاری، ۱۹۸۹، ص ۱۵؛ دانش پژوه، ۱۹۷۶، ج ۱، ص ۱۲۱-۱۲۲).

نسخه شماره ۴۸ کتابخانه قائن مشتمل بر مجلدی از کتاب کافی مجموعه مشهور حدیثی شیعه تألیف محمد بن یعقوب کلینی (متوفی ۳۲۹/۹۴۱) است که مشتمل بر باب المعیشتة تا طلاق است و توسط ابن ناصرالدین در دهم رجب ۹۶۴/نهم می ۱۵۵۷ کتابت شده است (اشکوری، ۲۰۰۲، ص ۴۴).

نسخه ۷۴۴۹ کتابخانه آیت الله مرعشی در قم، مشتمل بر مجلد اول از مجلدات هفت گانه کتاب فقهی زین الدین مسالک الافهام است که محمد بن احمد بن ناصرالدین حسینی کتابت کرده است. تاریخ کتابت آن اواخر ذوالقعدة ۹۶۸ / میانه آگوست ۱۵۶۱ (احمد حسینی و دیگران، ۱۹۷۶-۲۰۱۵، ج ۱۹، ص ۲۵۳-۲۵۴).

نسخه ۷۹۲۲ کتابخانه آیت الله مرعشی در قم مجلد دوم کتاب مسالک الافهام است. کاتب نام خود را محمد بن احمد بن ناصرالدین حسینی حلی ذکر کرده و تاریخ فراغت از کتابت را ۲۵ جمادی الاولی ۹۷۱ / دهم ژانویه ۱۵۶۴ ذکر کرده است (احمد حسینی و دیگران، ۱۹۷۶-۲۰۱۵، ج ۲۰، ص ۲۵۰).

نسخه ۳۸۲۰ کتابخانه آیت الله مرعشی در قم یکی از مجلدات کتاب کافی کلینی است که مشتمل بر ابواب نکاح تا ایمان (قسم) است. در انجمله، محمد بن احمد بن ناصرالدین حسینی گفته که کتابت کتاب را در صفر ۹۸۰ / ژوئن - جولای ۱۵۷۲ آغاز کرده و کتابت آن را در ۲۳ شوال ۹۸۰ / ۲۶ فوریه ۱۵۷۳ به پایان رسانده است (احمد حسینی و دیگران، ۱۹۷۵-۲۰۱۵، ج ۱۰، ص ۱۹۸-۱۹۹). در همان سال، ۱۵۷۲/۹۸۰-۱۵۷۳ محمد بن احمد بن سید ناصر الدین حسینی مجلدی از دیگر کتب اربعه شیعه در حدیث یعنی الاستبصار شیخ طوسی که اکنون به شماره ۵۳۴۵ در کتابخانه ملک هست را کتابت کرده است (ایرج افشار، ۱۹۷۳-۲۰۰۱)، ج ۱، ص ۳۶).

نسخه ۹۳۸۴ کتابخانه آیت الله مرعشی در قم مجلدی از کتاب من لا یحضره الفقیه، مجموعه ای حدیثی از کتب اربعه تألیف ابن بابویه (متوفی ۳۸۱/۹۹۱) است که در پنجم ربیع الاول ۹۸۱ / پنجم جولای ۱۵۷۳ توسط محمد بن احمد بن ناصرالدین حسینی علوی کتابت شده است (احمد حسینی و دیگران، ۱۹۷۵-۲۰۰۱، ج ۲۴، ص ۱۶۶-۱۶۷).

آقابزرگ طهرانی از وجود نسخه ای دیگری خبر داده که توسط محمد بن احمد بن ناصر الدین حسینی عاملی کتابت شده است. نسخه اخیر کتابتی از کتاب تراجم نگاری شیعه، کتاب الرجال تألیف کشی (حیات قرن چهارم هجری / دهم میلادی است) که عبدالحسین امینی (متوفی ۱۳۹۰/۱۹۷۰) مؤلف کتاب الغدیر، در تهران دیده و آن را به مجموعه کتابهای کتابخانه امیرالمؤمنین در نجف افزوده است. تاریخ کتابت نسخه چهارشنبه نهم صفر ۹۸۴ / هشتم می ۱۵۷۶ است (آقابزرگ طهرانی، ۱۹۸۷، ص ۲۲۷)¹.

۱. آقابزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشيعة: احياء الدائر من القرن العاشر، تحقيق على نقى منزوى (قم: اسماعيليان، ۲۲۷). نسخه ۹۳۸۴ کتاب من لا يحضره الفقيه که در ۹۸۱ از کتابت آن فراغت حاصل کرده از جهات دیگری نیز اهمیت دارد. در پایان جزء اول کتاب کاتب در اشاره به پایان کتابت نسخه نوشته است: «وأتفق الفراغ من نسخة هذا الكتاب المبارك المعظم قدرة نهار الثلاثاء يوم الخامس والعشرون من شهر المحرم الحرام من شهور سنة احد وثمانين وتسعمائة هجرية على مشرفها افضل الصلوة والسلام بقلم العبد الفقير محمد بن احمد بن ناصر الدين الحسيني نسباً غفر الله تعالى له ولوالديهما ولجميع المؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم والاموات آمين رب العالمين». ابن ناصر الدين در پایان جزء دوم در انجامه باز خود را چنین معرفی کرده است: «تمّ الجزء الثاني من كتاب من لا يحضره الفقيه تصنيف الشيخ السعيد الفقيه ابى جعفر محمد بن على بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي قدس الله روحه ونور ضريحه بقلم العبد الفقير الراجى عفوره القدير محمد بن احمد بن ناصر الدين الحسيني العلوى يوم الاثنين سابع يوم من شهر صفر سنة احد وثمانين وتسعمائة هجرية على مشرفها افضل الصلوة والسلام والحمد لله وحده و صلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين». در پایان جزء چهارم نیز آمده است: «فرغ من نسخ اسانيد هذا الكتاب العبد الفقير الراجى عفوره القدير محمد بن احمد بن ناصر الدين الحسيني يوم الاحد المبارك يوم الخامس من شهر ربيع الاول من شهور سنة احد وثمانين وتسعمائة هجرية على مشرفها افضل الصلوة واثم السلام و صلى الله على محمد وآله وصحبه وسلم تسليماً كثيراً آمين يا رب العالمين». بر اساس تاریخ انجامه ها کتابت دوره چهار جلدی کتاب من لا يحضره الفقيه تقریباً سه ماه به طول کشیده است یعنی از محرم تاریخ الاول. مکان کتابت نسخه ذکر نشده است اما تعبیر آمده در انجامه آخر «و صحبه» شاید نشان از کتابت نسخه در محیطی سنی نشین داشته باشد اما مهم این است که نسخه در تملک سید علی بن حسین بن ابی الحسن داماد شهید ثانی بوده که ظاهراً در آن ایام در دمشق اقامت داشته است. در پایان جزء سوم انهاء مقابله توسط سید علی بن ابی الحسن حسینی عاملی آمده اما تاریخ مقابله ذکر نشده است (قبول هذا الجزء بنسخ متعددة لا تخلو عن صحة، فصح الا ما زاغ عنه البصر وحسر عنه النظر والله الحمد و المنة على تمام التوفيق لذلك و كتب على بن ابى الحسن الحسينى العالمى). همان دست خط در پایان کتاب المشيخة در پایان جزء چهارم آمده و تاریخ دار است اما بخشی از تاریخ انهاء مقابله پاک شده اما ظاهراً سال باید همان ۹۸۱ باشد و بر این اساس شاید بتوان گفت که ابن ناصر الدین و سید علی بن ابی الحسن نسخه را با نسخه هایی دیگر مقابله کرده اند (قبول هذا الكتاب من اوله الى آخره بنسخ متعددة لا تخلو من صحة.. الا ما زاغ عنه النظر وحسر عنه البصر و ذلك فى مجالس متعددة آخرها ربيع الآخر سنة احد - پاک شده و باید ثمانین

نسخه های اخیر نشانگران است که محمد بن احمد بن ناصرالدین حسینی در کار کتابت بسیار فعال بوده و نه تنها کتاب های استادش زین الدین عاملی بلکه دیگر کتابهای اربعه حدیثی شیعه و دیگر آثار مهم در سنت فقهی امامیه را کتابت کرده است. باقی بودن شمار فراوانی از نسخه هایی که او کتابت کرده، دلالت دارد که او کاتبی متبحر و حرفه ای بوده و نسخه هایی که او کتابت کرده ارزش بالایی داشته و سزاوار نگهداری بوده اند. بسیار محتمل است که کتابهای دیگری که وی کتابت کرده در کتابخانه های ایران و دیگر جاها باقی مانده باشد که اگر چنین باشد، باید پذیرفت که کتابهای بسیاری از کتابت های او باقی مانده و کتابهای بسیار دیگری از کتابت های او در گذر زمان از دست رفته اند. او موهبتی برای جامعه عالمان امامی روزگارش در شام و جبل عامل بوده و مقام خاصی در حلقه شاگردان زین الدین به دلایل مختلف داشته است.

نسخه های خطی موجود نشانگران است که وی به عنوان فردی کاتب از ۱۵۴۴/۹۵۱-۱۵۴۵ احتمالاً بشکلی مداوم تا ۱۵۷۶/۹۸۴ به کار کتابت مشغول بوده، دوره ای بیش از سی سال یعنی هم در حیات و سپس پس از شهادت استادش زین الدین. هر چند وی مسلماً شاگردی در فقه امامیه بوده شاهدی بر اینکه او خود تألیفی نیز داشته، بدست نیامده است. تاریخ درگذشت وی باید بعد از ۱۵۷۶/۹۸۴ باشد و او احتمالاً حدود ۱۵۲۸-۱۵۲۹ یا اندکی قبل تر دیده به جهان گشوده باشد اگر وی در ۱۵۴۴-۱۵۴۵ مشغول تحصیل فقه بوده باشد.

وی عموماً نام خود را محمد بن احمد بن ناصرالدین حسینی ذکر کرده است و گاهی السید یا العلوی را نیز به آن افزوده است. نسبت حلی که سید ابن ناصرالدین در انجامة نسخه

و تسعائة باشد - حامداً مسلماً). نسخه در اختیار برخی دیگر از افراد خاندان ابی الحسن بوده و تملکات و بلاغ های مختلف مقابله در ادوار بعدی نیز بر آن هست. درباره اینکه نسخه های متعدد مورد اشاره سید علی بن ابی الحسن چه بوده در پایان جزء اول در کنار انجامة ابن ناصرالدین یکی از کسانی که نسخه را در اختیار داشته به خطی ریزتر نوشته شده است: «بلغ مقابله و تصحیحاً بحسب الطاقه بنسخان صحیحین مقابلتین بنسخة الشیخ حسن بن زین الدین الشهید الثانی قدس سرهما و ذکرانه عنده وقت مقابلتها خمس نسخ و الحمد لله». شاید عبارت اخیر از شیخ علی کبیر باشد که به تاریخ دوم ذی الحجة ۱۰۹۱ بلاغ سماعی برای سید کمال الدین بن حیدر حسینی عاملی در برگ آخر نسخه نوشته است. نسخه اخیر نشان از ارتباط ابن ناصرالدین با خاندان ابی الحسن از بیوتات اشراف شام است. (مترجم).

الروضۃ البهیة که در ۹۵۷-۹۵۸ / ۱۵۵۰-۱۵۵۱ برای خود آورده بانسبتی که در نسخه ۷۹۲۲ کتابخانه آیت الله مرعشی قم که مشتمل بر مجلد دوم کتاب مسالک الافهام زین الدین عاملی است و تاریخ کتابت آن ۲۵ جمادی الاولی ۹۷۱ / ۱۰ ژانویه ۱۵۶۴ است، تأیید می شود. در نسخه اخیر او خود را محمد بن احمد بن ناصر الدین حسینی حلی معرفی کرده است. نکته نامشخص این است که وی چند مدتی از عمرش را در حله - شهری در جنوب عراق - گذرانده است، یا اینکه در آنجا به دنیا آمده و در جوانی آنجا را ترک کرده یا آنکه در جایی دیگر به دنیا آمده اما اجدادش اهل حله بوده اند. این واقعیت که حر عاملی نسبت کرکی را برای او و فرزندش به کار برده متضمن این است که دست کم آنها برای مدت طولانی در کرک نوح - مکانی نزدیک بعلبک - اقامت داشته اند.

\*\*\*

### نسخه ای از کتاب القاموس المحيط محمد بن یعقوب فیروزآبادی

نسخه ای دیگر که محمد بن احمد بن ناصر الدین کتابت کرده، نشانگر آن است که وی خود را بر مذهب فقه شافعی معرفی می کرده است. نسخه شماره ۳۴۲ کتابخانه ملی ملک که نسخه ای از کتاب لغت مشهور القاموس المحيط تألیف محمد بن یعقوب فیروزآبادی (متوفی ۱۴۱۴/۸۱۷) است که محمد بن احمد بن السید ناصر الدین آن را کتابت کرده است. انجامه کاتب در آخر کتاب چنین است:

«...نجز القاموس المحيط و القاموس الوسیط علی ید العبد الفقیر الی الله تعالی محمد بن احمد بن السید ناصر الدین الحسینی نسباً، الشافعی مذهباً، بمدینه دمشق المحروسه آخر نهار الأربعاء صیبه لیلۃ الخمیس المبارک تاسع یوم من شهور شوال المبارک من شهور سنة احدى و سبعین و تسعمائة هجرية علی مشرفها افضل الصلوة والسلام علی اشرف الخلق و اکمل الخلق محمد صلی الله علیه و السلم تسليماً كثيراً...» (برگ ۵۹۲ رو).

«کتابت این نسخه از کتاب القاموس المحيط و القابوس الوسیط به دست بنده ناچیز خداوند بلند مرتبه محمد بن احمد بن سید ناصر الدین حسینی نسب و شافعی مذهب در شهر دمشق خداوند نگهدارش باشد در پایان روز چهارشنبه و آغاز شب پنجشنبه مبارک نهم ماه

شوال مبارک از سالهای ۹۷۱ هجری که بر صاحب تشریف بخشیدن به آن برترین درود ها و سلامها بر اشرف و کاملترین بندگان محمد که صلوات خداوند و سلامش بر او پیوسته و مداوم باد، به پایان رسید....».

نسخه انجامة ای دیگر نیز دارد که مشابه انجامة نخست است جز در سال ذکر شده: تاریخ در اینجا نهم شوال ۹۷۲ (برگ ۵۹۳ رو) آمده است. محتمل ترین توضیح برای این مطلب آن است که کاتب در ذکر سال خطا کرده و بار دیگر انجامة را با ذکر تاریخ درست نوشته است. تاریخ صحیح برای فراغت از کتابت نسخه بر این اساس نهم شوال ۹۷۱ / بیست می ۱۵۶۴ نیست بلکه نهم شوال ۹۷۲ / ۱۰ می ۱۵۶۵ است. هر چند عموماً در انجامة محل کتابت نسخه ذکر نمی شود اما در اینجا به صراحت مکان کتاب نسخه دمشق ذکر شده است. کاتب به احتمال بسیار همان کاتب نسخه الروضة البهية است که در قبل از او سخن رفت چرا که دست خط نیز یکی است.

تردیدی در این مطلب که محمد بن احمد بن ناصر الدین عالمی امامی مذهب است، نیست. او فقه امامیه را در سالهای بسیاری نزد زین الدین عاملی خوانده از جمله کتابهای اصلی فقهی استادش الروضة البهية و مسالک الافهام. او در ارتباط بسیار نزدیک با زین الدین در ایامی که وی در خفا بسر می برده، بوده است. تمام کتابهایی که در قبل از آنها سخن رفت جملگی آثار رسمی در سنت امامیه بوده اند و او آنها را پیش و بعد از کتاب قاموس کتابت کرده است. فزونتر آنکه او و فرزندش بدرالدین به عنوان عالمانی شیعه توسط حر عاملی در امل الآمل ذکر شده اند (یعنی که تردیدی در تشیع آنها نیست). محتملترین نتیجه برای شاهد و مدرک ارایه شده این است که او زمانی که کتاب القاموس المحيط را کتابت می کرده، تقیه کرده (و خود را شافعی معرفی کرده) است. او کاتبی خبره بوده که نسخه ای از این اثر متداول را برای فروش احتمالاً به عالمان سنی کتابت کرده است. نسخه بعدها در میان حلقه های عالمان سنی چون گروهی از قضات عثمانی تداول داشته و در اختیار آنها بوده است. تملکات بر نسخه دلالت دارد که یکی از مالکان درویش زاده خلیل جودت (حیات قرن یازدهم هجری) قاضی از میر بوده است. تملک دیگری از حاجی ولی الدین بن حاج احمد زاده، قاضی مکه بر نسخه موجود است. نسخه را شخصی به نام محمد بن خلیل بغدادی به مکه در ۱۷۳۱/۱۱۴۴-



۱۷۳۲ برده است.<sup>۱</sup> مشخص نیست که در چه زمانی نسخه سرازیران درآورده است. دو مطلب در نحوه معرفی آمده در انجنامه دلالت بر تقیه دارد. نخست حذف نسبت متداول توسط کاتب است که تنها نسبت اجدادی خود حسینی را آورده است که دلالت بر این دارد او سید و از نوادگان امام حسین علیه السلام است. وی نسبت کرکی خود را که حر عاملی به آن اشاره کرده، را نیاورده است که معرف آن است که وی اهل کرک نوح است و ممکن بوده تشیع خود را به دلیل ذکر آن آشکار کند. همچنین نسبت حلی را نیز نیاورده که در انجنامه الروضة البهية آورده که آن نیز باید به سبب اجتناب از معرفی خود به عنوان فردی شیعی بوده باشد. این شیوه با آنچه که از دیگر اسناد دال بر تقیه در اختیار داریم، هماهنگ است. به عنوان مثال حسین بن عبدالصمد عاملی (متوفی ۱۵۷۶/۹۸۴) شاگرد برجسته زین الدین عاملی و فرزند بسیار مشهور حسین بن عبدالصمد، بهاء الدین عاملی نسبت اجدادی خود الحارثی الهمدانی اشاره به جدشان حارث بن عبدالله اعور همدانی (متوفی ۶۸۴/۶۵-۶۸۵) از اصحاب مشهور علی بن ابی طالب علیه السلام را به جای ذکر نسبت الجبعی یا العاملی در هنگام عمل به تقیه ذکر کرده اند و شهید اول از به کارگیری نسبت جزینی در معرفی خود اجتناب کرده و به جای آن از شهرت و لقب دمشقی برای معرفی خود استفاده کرده است (استوارت، ۱۹۹۶، ص ۴۶-۴۷؛ همو، ۱۹۹۷، ص ۱۸۰-۱۸۱).

دیگر مطلب دال بر تقیه، عمل بسیار مشهور این است که ابن ناصر الدین به صراحت خود را شافعی مذهب یکی از چهار مذهب رسمی اهل سنت در روزگارش معرفی کرده است. این مدرک همچنین دیگر شواهد پیروی از مذهب فقهی شافعی که عالمان امامی هنگام تقیه خود را به آن معرفی می کردند را تأیید می کند. دیگر شاهد صریح و روشن در باب پیروی از مذهب فقهی شافعی نسخه ای از کتاب نور الحقیقه و نور الحدیقه کتابی در اخلاق اسلامی است که حسین بن عبدالصمد تألیف کرده است. در نسخه ای از کتاب که به سلطان سلیمان عثمانی تقدیم شده و کتابت آن در استانبول به تاریخ دوازدهم ذوالقعدة ۹۴۵/ اول آوریل ۱۵۳۹ به پایان رسیده، حسین بن عبدالصمد خود را «حسین بن عبدالصمد الشافعی الحارثی الهمدانی» معرفی کرده است (استوارت، ۱۹۹۷، ص ۱۶۹-۱۷۶). با فرض اینکه ابن ناصر

۱. ایرج افشار و محمد تقی دانش پژوه و دیگران، فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک، ج ۱۳ (تهران: کتابخانه ملی ملک، ۱۹۷۳-۲۰۰۱)، ج ۱، ص ۵۵۹-۵۶۰.

الدین کاتبی کثیرالکتابه بوده محتمل است که مانسخه های دیگری از کارهای کتابت شده توسط او را با همین ادعای پیروی از مذهب فقهی شافعی بیابیم.

شواهد تفصیلی دیگری که عالمان امامی در شام تحت تسلط عثمانی خود را شافعی معرفی می کرده اند، در دست است. زین الدین عاملی و شاگردش حسین بن عبدالصمد هردو نزد عالمانی از اهل سنت دمشق و مصر تحصیل کرده بودند. در مصر آنها فقه اسلامی رانزد فقیهان برجسته شافعی خوانده بودند و بنظر محتمل نمی رسد که آنها موفق به انجام چنین کاری شده باشند جز آنکه ادعای اهل سنت بودن و پیروی از یکی از مذاهب فقهی را کرده باشند. هردو در ۹۵۲/۱۵۴۶ به استانبول سفر کرده بودند و تقاضای دریافت سمت تدریس فقه در مراکز علمی را به مقامات رسمی اداری عثمانی داده بودند و هردو سمت هایی را به دست آورده بودند؛ زین الدین استاد تدریس فقه در مدرسه نوریه بعلبک شده بود و حسین استاد فقه در مدرسه ای در بغداد سمتی که او پذیرش آن سرباز زده بود. از آنجایی که مدرسه نوریه نهادی متعلق به شافعیان بود، معقول است که تصور کنیم زین الدین باید خود را در استانبول فقهی شافعی معرفی کرده باشد. او تدریس در مدرسه نوریه را در ۹۵۳-۹۵۴/۱۵۴۶-۱۵۴۷ رها کرده و ترک کرده بود.<sup>۱</sup> زمانی که زین الدین برای بار نخست در دمشق حدود

1 Stewart, "Iusayn b. YAbd al-Namad al-YAmilD's Treatise for Sultan Suleiman," 169-76; Salati, "Il Viaggio di Zayn al-DDn."

(عبدالغنی بن اسماعیل نابلسی (متوفی پنجم شعبان ۱۱۴۳) در ۲۲ ربیع الاول ۱۱۱۲ سفر خود به طرابلس را از دمشق آغاز کرد و بخشی از مطالب مربوط به سفر خود را در اثری با عنوان التحفة النابلسیة فی الرحلة الطرابلسیة، حقیقه و قدم له هریبرت بوسه (بیروت: المعهد الألماني للأبحاث الشرقیة، ۲۰۰۳) پیش از ربیع الاول ۱۱۱۳ تدوین کرده است. وی دیداری از کرک نوح و مزار منسوب به نوح نبی در آنجا داشته و از متولی آن مقام که از سادات آل مرتضی بوده، یاد کرده و اشاراتی درباره او آورده و گفته که به همراه او در جامع کبیر کرک نوح نماز جمعه را بر مذهب شافعی خوانده است (ثم إننا صلینا الجمعة علی مذهب الإمام الشافعی فی هذا الجامع الکبیر الذی هو جامع قریة الکرک... (التحفة النابلسیة، ص ۱۱۱). سادات آل مرتضی متولیان رسمی مقام نوح در کرک نوح بوده اند و در وقفیه امیر محمد بن ناصر الدین معروف به حنش نیز از متولی مقام که فردی به نام سید علوان بن سید علی بن علی بن حسین (متوفی بعد از ۹۴۵) بوده، به عالمی شافعی از خاندان آل مرتضی (قدوة علماء السادة الشافعیة) یاد شده است. بنگرید به: حسن عباس نصرالله، تاریخ کرک نوح (دمشق، ۱۴۰۶/۱۹۸۶)، ص ۱۷۴؛ محمد عدنان بخیت، «دور أسرة آل الحنش والمهام التي أوکلت إليها فی ریف دمشق الشام ۷۹۰هـ/۱۳۸۸م - ۹۷۶هـ/۱۵۶۸م دراسة وثائقية»، همو، دراسات فی تاریخ بلاد الشام: سوریه و لبنان (دمشق، ۲۰۰۸)، ج ۳، ص ۷۶ مترجم).

۱۵۵۷/۹۶۴ دستگیر شد، گزارش شده که او قاضی حنفی شام، حسن بیگ افندی (متوفی ۱۵۷۶/۹۸۴) را با ذکر عبارت ترضیه بر صحابه پیامبر از جمله ابوبکر و عمرو پاسخ دادن باین که وی شافعی مذهب است هنگامی که از مذهب فقهی او پرسش شده بود، به سنی بودن متقاعد کرده بود (بلک بورن، ۲۰۰۵، ص ۲۰۸-۲۱۰؛ استوارت، ۲۰۰۸، ص ۳۳۳، ۳۳۶-۳۶۷). مثالهای دیگری از چنین ادعای مشابهی از شیعیان همین منطقه البته نه در زمان مورد بحث فعلی در دست است. گفته شده که محمد بن مکی در محکمه خود در دمشق در ۱۳۸۴/۷۸۶ خود را شافعی معرفی کرده است (امین، ۱۹۸۴، ج ۱۰، ص ۶۰). بسیاری از افراد خانواده های اشراف و سادات در ناحیه که در خفا شیعه بوده اند در هنگام معرفی خود را شافعی مذهب معرفی کرده اند (سالاتی، ۱۹۹۲؛ ۱۹۹۹). زمانی که فقیه سنی مذهب عبدالغنی نابلسی (متوفی ۱۷۳۱/۱۱۴۳) از کرک نوح در ۱۷۰۰/۱۱۱۲ دیدار کرده، او شریف شیعه از خاندان آل مرتضی راستایش کرده و گفت او و شریف بر اساس مذهب شافعی نماز گزارده اند (ویتتر، ۲۰۱۰، ص ۲۹). نسخه القاموس المحيط فیروزآبادی شاهد دیگری برای ادعای پیروی از مذهب فقهی شافعی در میان شاگردان زین الدین در اختیار ما قرار می هد و دلالت دارد که آنها و بسیاری از عالمان شیعه جبل عامل و نواحی مجاور در این دوران عموماً چنین ادعایی می کرده اند و عمل به تقیه شیوه ای مرسوم و متداول بوده است.

ادعای شافعی بودن در مواردی دست کم فراتر از تنها بیان شفاهی چنین پیروی بوده است. زین الدین عاملی و حسین بن عبدالصمد عاملی فقه و اصول فقه را نزد برجسته ترین فقیهان شافعی قاهره خوانده و اجازاتی که نشانگر آن باشد، دریافت کرده بودند. به واقع هر دو در فقه شافعی تبحر داشته اند. در انجام چنین شیوه ای، آنها از همان سنت کهن متداول در میان امامیه خواندن فقه نزد اهل سنت که فقیهان برجسته ای چون علامه حلی (متوفی ۱۳۲۵/۷۲۶) و شهید اول پیروی کرده اند (استوارت، ۱۹۹۷). محتمل است که محمد بن احمد بن ناصر الدین نیز فقه شافعی را نزد عالمان سنی همچون زین الدین خوانده باشد، اما منابع چنین تصریح آشکاری را در بر ندارند. شاید هم ادعای شافعی بودن تنها شگردی برای دور کردن سوء ظن گرایش مذهبی او بود یا تظاهر به تسنن تنها به خاطر جلب نظر خریداران سنی برای خریدن نسخه از وی بوده باشد. با این همه اگر روابط بسیار نزدیک او با استادش زین الدین که تنها هفت سال قبل شهید شده بود را در ذهن داشته باشیم، وی ممکن است که

احساس خطر جدی کرده باشد.

برخی مورخان نقش تقیه در زندگی روزمره شیعیان لبنان در دوره عثمانی را کم اهمیت می دانند و معتقدند که زندگی پنهانی زین الدین عاملی و حتی شهادت او و سفرهای بهاء الدین عاملی به شام، مصر و حجاز حوادثی غیر طبیعی بوده است. اشتفان ویتتر می نویسد که چنین اموری دلالت بر خصومت و عداوت عمومی علیه شیعه ندارد (ویتتر، ۲۰۱۰، ص ۲۰-۲۶). در حالی که دو مورد ذکر شده مواردی استثنائی هستند و شیعیان در لبنان و شام تحت سیطره عثمانی با دشواری های مدام مواجه نبوده اند، شیوه هایی که آنها یعنی شهید ثانی و شیخ بهایی برای معرفی خود بدان متوسل شده اند، باعث ترغیب کردن شیعیان و عقیده رایج لزوم عمل به تقیه که شامل ادعای پیروی از مذهب شافعی بوده، احتمالاً در میان جوامع شیعه بسیار متداول بوده باشد.



## کتابشناسی

منابع منتشر نشده:

زین الدین عاملی، مسالک الافهام، نسخه خطی شماره ۷۹۲۲ کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ایران.

همو، الروضة البهية، نسخه خطی شماره ۲۰۱۷۲ کتابخانه ملی ایران، تهران.  
محمد بن یعقوب فیروزآبادی، القاموس المحيط، نسخه خطی شماره ۳۴۲ کتابخانه ملی ملک تهران.

محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، نسخه خطی شماره ۴۸ قائن ایران.  
همو، الکافی، نسخه خطی شماره ۳۸۲۰ کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی قم ایران.  
ابن بابویه قمی، کتاب من لا یحضره الفقیه، نسخه خطی شماره ۹۳۸۴ کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی قم ایران.

محمد بن حسن طوسی، الاستبصار، نسخه خطی شماره ۵۳۴۵ کتابخانه ملی ملک، ایران تهران.

همو، تهذیب الاحکام، نسخه خطی شماره ۲۱۸۹ کتابخانه ملی ملک تهران ایران.

منابع اولیه:

محمد بن حسن حر عاملی، امل الآمل، تحقیق سید احمد حسینی (نجف، ۱۳۸۵/۱۹۶۵).  
میرزا عبدالله افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق سید احمد حسینی (قم، ۱۴۰۱/۱۹۸۰).

تحقیقات:

ایرج افشار، محمد تقی دانش پژوه و دیگران، فهرست کتابخانه ملی ملک (تهران، ۱۹۷۳-۲۰۰۱).

Allouche, A. (1983) *The Origins and Development of the Ottoman-Nafavid Conflict (906-62/1500-1555)*, Berlin.

محسن امین، اعیان الشیعة، تحقیق حسن امین (بیروت، ۱۹۸۴).

Amir-Moezzi, M.A. (2001) "Dissimulation", in Jane MacAuliffe (ed.), *Encyclopaedia of the Qur'an*, Leiden, vol. I, 320-24.

Amir-Moezzi, M.A. (2014) "Dissimulation tactique (*taqiyya*) et scellement de la prophétie (*khatm al-nubuwwa*) (Aspects de l'imamologie duodécimaine XII)", *Journal Asiatique* 302.2, 411-38.

فتحیه مصطفی عطوی، التقیة فی الفکر الاسلامی (بیروت، ۱۹۹۳).

Blackburn, R. (2005) *Journey to the Sublime Porte: The Arabic Memoir of a Sharifian Agent's Diplomatic Mission to the Ottoman Imperial Court in the Era of Suleyman the Magnificent: the relevant text from Qu'Ob al-D'In al-Nahrwāl I's al-Fawā' id al-saniyyah fī al-rīlāh al-madaniyyah wa-l-rūmiyyah*, Beirut.

Dakake, M.M. (2006) "Hiding in Plain Sight: The Practical and Doctrinal Significance of Secrecy in Shi'ite Islam", *Journal of the American Academy of Religion* 74, 324-55.

محمد تقی دانش پڑوه، فهرست نسخه های خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم (قم، ۱۹۷۶).

De Smet, D. (2011) "La pratique de *taqiyya* et *kitmān* en islam chiite: compromise ou hypocrisie", in M. Nachi (ed.), *Actualité du compromise. La construction politique de la difference*, Paris, 148-61.

Eberhard, E. (1970) *Osmanische Polemik gegen die Safawiden im 16. Jahrhundert nach arabischen Handschriften*, Freiburg im Breisgau.

محمد فوزی، مفهوم التقیة فی الاسلام (بیروت، ۱۹۸۵).

Goldziher, I. (1906) "Das Prinzip der *takijja* im Islam", *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft* 59, 213-26.

جلال الدین همایی و رسول جعفریان، «شرحی درباره نسخه الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية کتابت شده در زمان حیات شهید ثانی بایادداشت های او»، جشن نامه آیت الله شیخ ابراهیم امینی، به کوشش رسول جعفریان (قم، ۱۳۹۴ش/۲۰۱۵)، ص ۹۶۵-۹۷۸.

احمد حسینی و محمود مرعشی و دیگران، فهرست کتابهای خطی کتابخانه آیت الله مرعشی (قم، ۱۹۷۵-۲۰۱۵).

سید جعفر حسینی اشکوری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه قائن (قم، ۱۳۸۱ش/۲۰۰۲).

Kohlberg, E. (1975) "Some Imāmī-Shāfi'ī Views on *Taqiyya*", *Journal of the American Oriental Society* 95, 395-402.

Kohlberg, E. (1995) "*Taqiyya* in Shi'ite Theology and Religion", in Hans G. Kippenberg and Guy G. Stroumsa (eds.), *Secrecy and Concealment: Studies in the History of Mediterranean and Near Eastern Religions*, Leiden, 345-80.

Kütükoğlu, B. (1962) *Osmanlı-İran siyasi münasebetleri, 1578-1590*, Istanbul:.

سامی مکارم، التقية في الاسلام (لندن: مؤسسة التراث الدرزي، ٢٠٠٤).

Meyer, E. (1980) "Anlass und Anwendungsbereich der taqiyya", *Der Islam* 57, 246-80.

نزیه محیی الدین، التقية (بيروت، بی تا).

رضامختاری، مقدمه برزین الدین عاملی، منية المرید فی أدب المقید والمستفید (قم،

١٩٨٩).

Newman, A. (1993) "The Myth of Clerical Migration to Safavid Iran: Arab Shiite Opposition to Ālī al-Karakī and Safavid Shiism", *Die Welt des Islams* 33, 66-112.

Salati, M. (1985) "Le nisbe geografiche del *Kitāb amal al-āmil fī dhikr 'ulamā Jabal 'Āmil*", *Cahiers d'Onomastique Arabe* (1982-84), 57-63.

Salati, M. (1989) "I villaggi imamiti della provincia di Aleppo in epoca ottomana", *Rivista degli Studi Orientali* 63, 231-55.

Salati, M. (1990) "Ricerche sullo Sciismo nell'impero ottomano: il viaggio di Zayn al-Dīn al-Šahīd al-Tānī a Istanbul al tempo di Solimano il Magnifico (952/1545)", *Oriente Moderno* 70, 81-92.

Salati, M. (1992) *Ascesa e caduta di una famiglia di Āšraf sciiti di Aleppo: I Zuhrawi o Zuhra-zada (1600-1700)*.

Salati, M. (1993) "Toleration, Persecution and Local Realities: Observations on the Shiism in the Holy Places and the Bilad al-Sham (Sixteenth-Seventeenth Centuries)," in *La Shi 'a nell'Impero ottoman*, Rome, 123-32.

Salati, M. (1999) "Presence and Role of the *Sādāt* in and from Ēabal Āmil (Fourteenth-Eighteenth Centuries)", *Oriente Moderno* 79, 597-627.

Salati, M. (2002) "Shiism in Ottoman Syria: A Document from the QĀĀḌ Court of Aleppo (963/1555)", *Eurasian Studies* 1, 77-84.

علی الشملاوی، التقية فی إطارها الفقهي (بيروت، ١٩٩٢).

Stewart, D.J. (1996a) "Notes on the Migration of Āmilī Scholars to Safavid Iran", *Journal of Near Eastern Studies* 55, 81-103.

Stewart, D.J. (1996b) "*Taqiyyah* as Performance: The Travels of Bahā 'al-Dīn al-Āmilī in the Ottoman Empire (991-93/1583-85)", *Princeton Papers in Near Eastern Studies* 4, 1-70.

Stewart, D.J. (1997) "Īsayn b. 'Abd al-Ūmad al-Āmilī's Treatise for Sultan Suleiman and the Shī 'ī Shafī 'ī Legal Tradition", *Islamic Law and Society* 4, 156-99.

Stewart, D.J. (1998) *Islamic Legal Orthodoxy: Twelver Shiite Responses to the Sunni Legal System*, Salt Lake City.

Stewart, D.J. (2003) "Documents and Dissimulation: Notes on the Performance of *Taqiyya*", in Cristina de la Puente (ed.), *Identidades*

*Marginales. Estudios Onomásticos-Biográficos de al-Andalus, XIII*, Madrid, 569-98.

Stewart, D.J. (2006) "An Episode in the Amili Migration to Safavid Iran: Husayn b. Abd al-Samad al-Amili's Travel Account", *Iranian Studies* 39.4, 481-508.

Stewart, D.J. (2008) "The Ottoman Execution of Zayn al-Dīn al-Āmilī", *Die Welt des Islams* 48 (2008): 289-347.

Stewart, D.J. (2009) "Investigating the Second Martyr", in Muġammad KĀzim Raġmatī (ed.), *Law in Transmission: The Amilī Role in the Development of Shi'i Law*, Qum, 10-16.

Stewart, D.J. (2013) "Dissimulation in Sunni Islam and Morisco Taqiyya," *al-Qanṭ ara* 34.2, 439-90.

Strothmann, R. (1913-36) "Takiyya", *Encyclopaedia of Islam*, 1<sup>st</sup> ed., Leiden, vol. VIII, 628-29.

آقابرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة (بیروت، ۱۹۸۳).

همو، طبقات اعلام الشیعة: احیاء الدائر من القرن العاشر، تحقیق علی نقی منزوی (قم،

۱۹۸۷).

Winter, S. (2010) *The Shiites of Lebanon under Ottoman Rule, 1516-1788*, Cambridge.



العقیدة فونق و جعله نوراً بین یدین یوم حیاره و الحمد لله  
 بقوله من عاقبنا طرفنا المبرور و الصلوة والسلام الامان الاكلان على حبيبه و صبيته و خلية  
 و بنوه محمد الذي لا يرثي ايمان استحقاقه من الموصف بمحمداه و بنه ملك الله الصوري ان  
 يؤمّل اليه صلواتنا و قوسه يدناه و ان يصل على آل و ان راجه و لاه الحق و رساه و ربيته  
 العوق عور السور تحت القرب و الشرق و سلمه ليه اكثره و ايمان الدير العالم

القاموس المحيط والقابوس المحيط

على يد العبد الفقير الى الله تعالى محمد بن احمد بن السيد ناصر الدين الحسيني

الشافعي مدني من مدينة دمشق الحوزة المشيخة الحوزة المشيخة

الحوزة المشيخة تاسع نور من نور اللباب من شهر ربيع الثاني

و سنة ١٢٤٠ هـ في شهر ربيع الثاني من سنة ١٢٤٠ هـ

والسلام على اهل الطوق و اهل اللق محمد و آل محمد

عليكم اجمعين و الحمد لله رب العالمين

امين

الشافعي

الغريب فوازي وجعله نوراً بين يدي يوم حيا في الحمد من رب العالمين على فضل الموقور وقبوله  
عوضاً عن المبرور والعتاق والصلوات والسلام على من لا نبي بعده وتخليله وتبليغه  
الذي لا يفتي ببيان اسحقاقه من الوصف جدها وبتمهل الى الله تعالى العسير ان يوسلوا اليه  
وتغريبه بجهنما وان يفسل على الكبر والذبح ولا اله الا الحق وتكناه وديقه العيق ومن استودعته

الغريب والشرق وبسبب السلام بحمدنا والحمد لله رب العالمين  
بخط القاموس المحيط والقابوس الوسيط

على يد العبد الفقير الى الله تعالى محمد بن احمد بن السيد ناصر الدين الحسيني القمي  
في شهر ربيع الثاني سنة ١٢٠٥ من الهجرة النبوية في شهر ربيع الثاني سنة ١٢٠٥  
البارحة تاسع يوم من شهر ربيع الثاني سنة ١٢٠٥ من الهجرة النبوية في شهر ربيع الثاني سنة ١٢٠٥  
تتمت بحمد الله تعالى في شهر ربيع الثاني سنة ١٢٠٥ من الهجرة النبوية في شهر ربيع الثاني سنة ١٢٠٥  
واسأل الله تعالى على من لا نبي بعده وتخليله وتبليغه  
والحمد لله رب العالمين وعلى الله  
عبد الله بن احمد بن السيد ناصر الدين الحسيني القمي  
وسبب السلام بحمدنا



الذوالفجاءه قال فقال لي ترى كان في هذا الكتي سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول من  
استفاد قليل الزرق ثم كرهه من العسل الى فقال يا اخي لا تستفاد قليل الزرق تفخر كثره  
محمد بن زياد عن محمد بن ابي عمير عن ابي بصير عن ابي بصير عن ابي بصير عن ابي بصير  
عنه عليه السلام قال ان من الزرق ليلين يجلد على اعظم اجزاء سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول ان  
الحسن الذي يحسن علي بن ابي طالب من اجل عتري عتري عتري عتري عتري عتري عتري عتري عتري عتري  
ثم قال ابو بصير  
حداثة محمد بن ابي بصير عن ابي بصير عن ابي بصير عن ابي بصير عن ابي بصير عن ابي بصير عن ابي بصير  
الذوق من سمعت علي بن ابي بصير عن ابي بصير عن ابي بصير عن ابي بصير عن ابي بصير عن ابي بصير  
قال انت اقول ان من الزرق ليلين يجلد على اعظم اجزاء سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول ان  
ان رسول الله صلى الله عليه وآله كان يوظفنا معتمدا على انما بالسرور وخرج سلمان بن بلال الى  
ومعهم ياتي ابنا علينا هؤلاء وقالوا لا تقبل من هذا اليوم ايرالموت من عتري عتري عتري عتري  
فماح الاحاريب ايضا ذلك يا ابا الحسن ابنيك ذلك فخرج وهو مخصب بجموداه وبعث  
يقول يا معتز المولى ان هؤلاء قد صيرتكم من نسل النبي والرسول في ايمانكم ولا تفرون  
ولا تطعنوا فيكم من نسله يا معتز فاجابوا ببارك الله فيكم فاني سمعت رسول الله صلى  
عليه وآله يقول الزرق عشرة اجزاء تسعة اجزاء في التجارة  
وراسه في غيرها

فمن  
وغيره  
الذي  
شكرا  
ان  
اسماء  
الشرف  
والحقيقة  
التي  
والمعنى  
والحقيقة

## المعيشة

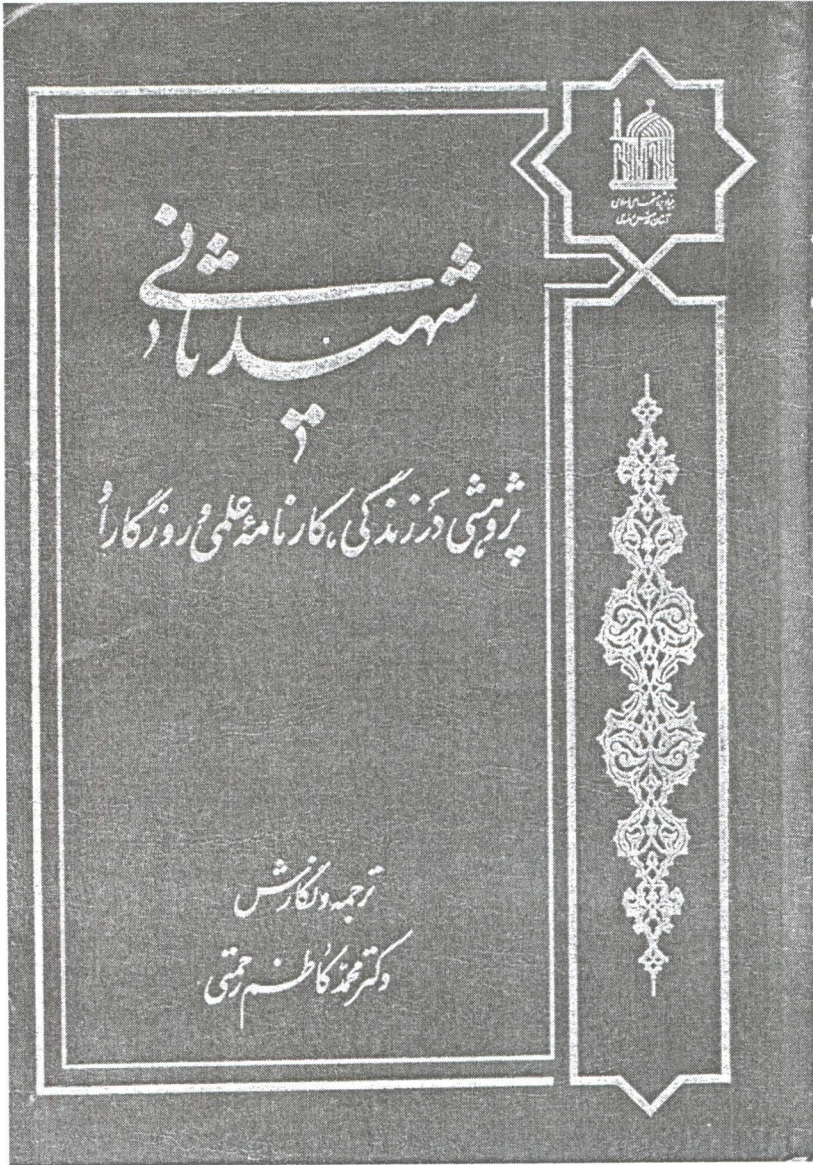
من الكافي  
في  
من  
من  
من  
من  
من  
من  
من  
من  
من  
من  
من  
من

وكبره  
بالمعنى  
بالمعنى  
بالمعنى  
بالمعنى  
بالمعنى  
بالمعنى  
بالمعنى  
بالمعنى  
بالمعنى  
بالمعنى  
بالمعنى  
بالمعنى

برگی از نسخه کافی به شماره ۱۰۵۱۹ دانشگاه تهران که نشان از حیات محمد بن  
احمد بن ناصرالدین حسینی در سال ۹۸۴ ق دارد و محل کتابت نسخه نجف ذکر  
شده است. به احتمال بسیار وی سال های پایانی عمر خود را به قصد مجاورت در  
نجف سپری کرده است.



بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی منتشر کرده است:



## کتابشناسی تقیه

محسن صادقی

### مقدمه

- تقیه چیست؟

- اهداف آن کدام است؟

- دارای چه حدودی است؟

- آیا از ویژگی‌های مذهب تشیع است یا اینکه اسلام به آن فرمان داده است؟

- چه تأثیراتی در طول تاریخ در مذهب تشیع داشته است؟

- آیا این مسأله نقش مهمی در فقه شیعه ایفا کرده است؟

- آیا می‌توان تأثیرات آن را در منش و رفتار علما و فقهای شیعه و مردم عادی مشاهده کرد؟

مخالفان این مسأله که عمدتاً از میان اهل سنت می‌باشند، آن را از ویژگی‌های مذهب تشیع دانسته‌اند و به بررسی تأثیرات آن در این مذهب پرداخته و در مقام نقد و رد آن اشکال‌های فراوانی را یادآور شده‌اند.

در مقابل، شیعیان آن را اصل قرآنی و عقلایی دانسته و معروف شدن شیعه به قبول این اصل راناشی از فشارهایی می‌دانند که بر شیعیان در طول تاریخ تحمیل شده است. علمای شیعه پس از فراغت از اثبات اصل آن، به بررسی ابعاد مختلف و به خصوص بُعد فقهی آن در مورد اعمال مکلفین که در موارد تقیه از آنها سر می‌زند، پرداخته‌اند. چنان‌که رساله‌های فراوانی

در طول تاریخ شیعه با عنوان «رسالة فی التقیة» در همین زمینه نگاشته شده است. اما واقعیت آن است که هنوز بسیاری از پرسش‌ها راجع به تقیه بی پاسخ مانده یا آن‌که پاسخ مناسب و دقیقی به آنها داده نشده است.<sup>۱</sup> بدیهی است شناسایی رساله‌ها و تک‌نگاری‌های عالمان شیعه در این زمینه و تصحیح ارائه آنها در یک مجموعه به ترتیب تاریخی فوائد متعددی دارد.

در این کتابشناسی آثار مخطوط و مطبوع علمای شیعه شناسایی شده است. این کتابشناسی دارای چند بخش است: ۱. نسخه‌های خطی و آثار قدما؛ ۲. تقیه در مجموعه‌های قواعد فقهی؛ ۳. تقیه در جوامع فقهی و حدیثی و کلامی؛ ۴. تک‌نگاری‌های فارسی؛ ۵. مقالات عربی و فارسی.

### پیوسته

۱. نسخه‌های خطی و آثار قدما و تک‌نگاری‌های عربی

۱. التقیة وأحكامها، شیخ أحمد بن ابراهیم درازی پدر محدث بحرانی (م ۱۱۳۱).

۲. التقیة، آقا محمد باقر وحید بهبهانی (م ۱۲۰۵).

وحید در این رساله می‌گوید: هنگامی یک روایت را می‌توانیم حمل بر تقیه کنیم که احراز کنیم یکی از علمای عامه بر طبق آن فتوا داده است. این رساله را در ردّ بعضی اخباریان نوشته که این شرط را معتبر نمی‌دانند.

آقای بزرگ نسخه‌ای از این رساله را نزد مرحوم شیخ مشکور دیده است.<sup>۳</sup>

نسخه: مسجد اعظم، ش ۳/۳۹۸۱، ۲۳ برگ.

۳. التقیة، میرزا حسن بن مولی عبد الرزاق لاهیجی (م ۱۱۲۱).

حسن لاهیجی رساله‌ای به فارسی در موضوع تقیه به نام دُرّ مکتون دارد که علی صدراپی خوئی در رسائل لاهیجی آن را چاپ کرده است. این رساله با عنوان جواب الاعتراض و رساله در تقیه علی علیه السلام و خروج امام حسین علیه السلام هم نامیده شده و در فهرست دنا (ج ۷،

۱. نقش شیعه در استنباط، ص ۲۵-۲۶.

۲. ذریعه، ج ۴، ص ۴۰۳.

۳. ذریعه، ج ۴، ص ۴۰۴.

۴. ذریعه، ج ۴، ص ۴۰۴.

ص ۱۱۰-۱۱۰) هشت نسخه از آن معرفی شده است.

۴. الجنة الوقية في أحكام التقية، شيخ حسين بن محمد آل عصفور درازی بحرانی<sup>۱</sup>.

تحقیق شیخ حسین بن علی آل سعید بحرانی، چاپ اول، بحرین، ۱۴۳۵، رقعی، ۱۵۰ ص.

۵. التقية، ابو عبدالله حسين بن يزيد بن محمد بن عبد الملك نوفلي نخعی. شیخ طوسی در

رجال او را از اصحاب امام رضا علیه السلام برشمرده، به نقل فهرست شیخ احمد بن ابی عبد الله برقی

کتاب هایش را از او روایت کرده و نجاشی می گوید ابراهیم بن هاشم آثار نوفلی را از او روایت

کرده است.<sup>۲</sup>

۶. التقية، شاهزاده سلطانعلی درّانی لاهوری (معاصر). به زبان اردو که در هند چاپ شده

است.

۷. التقية، شیخ محمد طه بن شیخ مهدی نجف (م ۱۳۲۳). این رساله به ضمیمه کتاب او

(الإنصاف فی مسائل الخلاف) چاپ شده است.<sup>۳</sup>

۸. التقية، رساله مختصری بوده که آقابزرگ دیده که آخر آن نوشته بوده: «کتبت من نسخة

الشیخ علی بن أحمد مکی المطلبي من ذرية الشهيد الأول».

آقابزرگ این رساله را ضمن مجموعه ای در کتابخانه سید هبة الدین شهرستانی دیده

است.<sup>۴</sup>

۹. رساله فی التقية، علی بن عبد العالی کرکی (م ۹۴۰). در فهرست دنا ۱۴ نسخه از این

رساله شناسانده شده است. چاپ: ۱. رسائل المحقق الکرکی، چاپ کتابخانه آیه الله مرعشی

نجفی. ۲. حیاة المحقق الکرکی و آثاره، المجلد الخامس، ص ۲۹۷-۳۰۹.

۱۰. التقية، ابوالحسن علی بن مهزیار اهوازی. نجاشی فهرست تألیفاتش را آورده است.

۱۱. التقية، سید محمد قلی نیشابوری کتوری (م ۱۲۶۰). رساله فارسی است که در لکنهو

چاپ شده و ترجمه اردوی آن هم در مجله اصلاح چاپ شده است.<sup>۵</sup> این رساله دو تحریر دارد:

۱. تحریر سید محمد قلی پدر میرحامد حسین که خود مؤلف رساله است.

۱. ذریعه، ج ۵، ص ۱۶۳.

۲. ذریعه، ج ۴، ص ۴۰۴.

۳. ذریعه، ج ۴، ص ۴۰۴.

۴. ذریعه، ج ۴، ص ۴۰۴.

۵. ذریعه، ج ۴، ص ۴۰۵.

۲. تحریر میرحامد حسین که رساله را مرتب و ویرایش کرده است. شایان ذکر است که چاپ نسخه فارسی و نیز ترجمه اردوی این رساله که هر دو در هند صورت گرفته، براساس تحریر و ویرایش میرحامد حسین بوده است.<sup>۱</sup>
۱۲. التقیة، ابوجعفر محمد بن اورمه قمی.
- نجاشی ضمن تألیفاتش این رساله را ذکر کرده است.<sup>۲</sup>
۱۳. التقیة، سید معزالدین محمد مهدی بن حسن موسوی قزوینی حلی (م ۱۳۰۰).
- نزدیک ۶۰۰ سطر است. آقابرگ تهرانی نسخه‌ای از آن را در کتابخانه سید هبة الدین شهرستانی دیده است.<sup>۳</sup>
۱۴. التقیة، شیخ مرتضی انصاری (م ۱۲۸۱).
- چاپ: مکرر در پایان مکاسب چاپ سنگی و کتاب الطهاره ایشان چاپ شده و چاپ مصحح آن در ضمن رسائل فقهیه (قم، ۱۴۱۴) به مناسبت دویستمین سال میلاد شیخ انصاری چاپ شده. همچنین شیخ فارس حسون این رساله را به صورت مستقل چاپ کرده است.
۱۵. التقیة والاذاعة، ابوالفضل شیبانی (م ۳۸۷).
- نجاشی این رساله را به شیبانی نسبت داده است.
۱۶. الحاشیة علی رسالة التقیة للشیخ الأنصاری، شیخ عبد الله به محمد حسن مامقانی، به ضمیمه نهاية المقال فی تکملة غایة الآمال چاپ شده است. ده صفحه.
۱۷. التقیة، مؤلف مجهول.
- کتابخانه آیه الله حکیم، نجف، فهرست حکیم، ۱۳۰۰/۱/۱.
۱۸. رسالة فی التقیة، زین الدین بن علی (شهید ثانی).
- نسخه: ۱. کتابخانه آیه الله مرعشی، نسخه ش ۱۳۳۶۷/۱۰ (فهرست، ج ۳۳، ص ۶۳۷)؛<sup>۴</sup>
- 
۱. نگارنده این رساله را براساس تحریر میرحامد حسین در دست تصحیح دارد و قرار است به مناسبت کنگره بزرگداشت مرحوم علامه میرحامد حسین منتشر شود.
۲. رجال النجاشی، ص ۳۳۰، ش ۸۹۱.
۳. ذریعه، ج ۴، ص ۴۰۵.
۴. با اینکه دو نسخه دیگر از همین رساله در همین کتابخانه موجود است و در فهرست به درستی به محقق کرکی نسبت داده شده، باز فهرست نگار محترم در اینجا به تبع فهرست نگار کتابخانه دانشکده الهیات مشهد این رساله



۲. کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی، مشهد نسخه ش ۲۳۷۲۵.
- نسبت این رساله به شهید ثانی از فهرست کتابخانه دانشکده الهیات مشهد به کتاب الفهرس الشامل للتراث العربی الاسلامی (الفقه واصوله)، ج ۲، ص ۷۱۷ - ۷۱۸ راه یافته است.
- با ملاحظه نسخه های این رساله، معلوم شد این نسخه ها هیچ کدام از شهید ثانی نیست، بلکه همان رساله تقیه محقق کرکی است.
۱۹. التقیة وأقسامها، نسخه: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه ش ۹۶۶۴/۱۳، یک صفحه (ص ۱۵۹). فهرست مختصر، ص ۷۷.
۲۰. التقیة من الاشرار، فارسی، نسخه: کتابخانه مدرسه غرب همدان، نسخه ش ۷۸۳/۳، ۶۰ صفحه.
۲۱. رساله فی التقیة، نسخه: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه ش ۵۵۰۰/۱ (فهرست، ج ۱۶، ص ۳۹۹).
۲۲. رساله فی التقیة، کتابخانه ملی ملک، تهران، نسخه ش ۳۵۶۰/۶ (فهرست، ج ۶، ص ۴۸۹).
۲۳. رساله فی التقیة، کتابخانه مدرسه باقریه مشهد، نسخه ش ۳۱۷/۶ (مجله تراثنا، س ۶، ش ۴، ص ۹۷).
۲۴. الأبحاث التقیة فی مسألة التقیة، محمد بن علی حیدر عاملی سکیکی موسوی مکی. این رساله که تألیف ۱۱۳۱ است در اصل جواب سؤال سید میرحسن است و در آن حواشی از مؤلف و سید شبر بن محمد حسین موسوی هست.
- نسخه: مؤسسه آیه الله بروجردی، نسخه ش ۳۷۱ (۱۱۵۵)، تحریر ۲۹ ذیقعه ۱۱۵۵، ۷۳ برگ (فهرست، ج ۱، ص ۲۲۲-۲۲۳). نگارنده بر اساس همین نسخه این رساله را در دست تصحیح دارد.
۲۵. رساله فی التقیة، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۱۳۰۰ (فهرست، ج ۱۶، ص ۳۹۸).
۲۶. مسألة التقیة، نوشته ۱۲۷۲، نشریه دفتر ۱۱-۱۲، ص ۱۳۹، نسخه دانشگاه لس آنجلس.

۲۷. رساله فی التقیة، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ج ۱۶، ص ۴۱۱.
۲۸. التقیة، محمد کریم بن ابراهیم کرمانی (۱۲۲۵- ۱۲۸۸)، کتابخانه دانشگاه علامه طباطبایی شیراز، ش ۱۷۱۷/۲، برگ ۱۹، برگ ۴۵- ۴۶ (نسخه پژوهی، دفتر سوم، ص ۱۷۱).
۲۹. رساله فی التقیة، محمد تقی بن حسینعلی هروی (۱۲۱۷- ۱۲۹۹). تهران، کتابخانه نوربخش، ش ۵۹۹/۹ (فهرست، ج ۲، ص ۲۰۵).
۳۰. تعلیقة علی رساله التقیة لشیخنا الأنصاری، سید حسن صدر  
نسخه خطی این رساله در کتابخانه مؤلف بوده است و تصویر آن از جمله در کتابخانه مؤسسه کتابشناسی شیعه به شماره ۷۵۱/۱ قرار دارد.<sup>۱</sup>
۳۱. رساله فی التقیة، شیخ زین العابدین بن الحسن بن علی بن محمد الحرّ العالمی (برادر صاحب امل الآمل). أمل الآمل، ج ۱، ص ۹۸.
۳۲. رساله فی التقیة والاذاعة، محمد بن عبدالله بن محمد بن عبید الله بن البهلول. (رجال نجاشی، ص ۳۹۵، ش ۱۰۵۹).
۳۳. کتاب التقیة، محمد بن بن علی بن بابویه (شیخ صدوق). (رجال نجاشی، ص ۳۸۸، ش ۱۰۴۹).
۳۴. کتاب التقیة، حسن بن یزید بن محمد بن عبد الملک نوفلی (رجال نجاشی، ص ۲۸).
۳۵. کتاب التقیة، حسن بن سعید بن حماد بن مهران و حسین بن سعید (رجال نجاشی، ص ۵۸، ش ۱۳۶- ۱۳۷).
۳۶. کتاب التقیة، علی بن مهزیار اهوازی (رجال نجاشی، ص ۲۵۳، ش ۶۶۴).
۳۷. کتاب التقیة، محمد بن مفضل بن ابراهیم اشعری (رجال نجاشی، ص ۲۴۰، ش ۹۱۱).
۳۸. کتاب التقیة، محمد بن مسعود بن محمد بن عیاش (عیاشی). (رجال نجاشی، ص ۲۵۰، ش ۹۴۴).
۳۹. کتاب التقیة، محمد بن حسن بن فروخ الصفّار (رجال نجاشی، ص ۳۵۴، ش ۹۴۸).
۴۰. جنّة البریة، سید شبر بن محمد بن ثنّوان موسوی حویزی (۱۱۸۶).<sup>۲</sup>
۴۱. رساله فی التقیة، آقا ضیاء الدین عراقی.<sup>۱</sup>

۱. کتاب شیعه، ش ۵، ص ۲۹۹.

۲. ذریعه، ج ۵، ص ۱۵۷.

٤٢. دافع الوهم في التقيه، سيد سجّاد حسيني هندي.<sup>٢</sup>
٤٣. التدقيق الدقيق (رسالة في أحكام التقيه)، سيد علي محمّد بن سيد محمّد بن سيد دلدار علي نقوي نصيرآبادي لکنهوي (م ١٣١٢) به نقل سيد علي نقی نقوی در مشاهير علماء الهند.<sup>٣</sup>
٤٤. الدرّة البهية في إثبات حقيقة التقيه، ميرمحمد عباس موسوی تستری (م ١٣٠٦).<sup>٤</sup>
٤٥. رسالة في التقيه، عبد الحسين مبارك نجفی (م ١٣٦٤).<sup>٥</sup>
٤٦. رسالة في التقيه، محمد حسن قديري (م ١٤٢٩)، چاپ شده در البحث في رسالات العشر، ج ١، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ١٤٠٩، ص ١٦٩-٢١٦.
٤٧. الوقية في التقيه، ميرزا محمد طباطبائي تبريزی (م ١٣١٠).<sup>٦</sup>
٤٨. الأدلة النقيه في إثبات التقيه، سيد نقی بن دلدار علي.<sup>٧</sup>
٤٩. التقيه عند أهل البيت عليه السلام مصطفى قصير العالمی، قم، المجمع العالمی لأهل البيت عليه السلام، ١٣٧٢.
٥٠. مفهوم التقيه في الإسلام، محمّد فوزی، چاپ اول، بيروت، مؤسسه الوفاء، ١٤٠٥ق.
٥١. رسالة في التقيه، محمّد جواد فاضل، چاپ اول، قم، المؤتمر العالمی بمناسبة المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأنصاري، ١٤١٤ق.
٥٢. أعلام العامة في صحّة الحجّ مع العامّة، شيخ عبد النبي عراقي، نجف، مطبعة الغري، ١٣٦٤ق.
٥٣. رساله تقيه و چند رساله ديگر، عبد الرضا ابراهيمی، کرمان، آستان قدس رضوی، بی تا [به نقل از منابع کتاب نقش تقيه در استنباط].
٥٤. التقيه في الفكر الإسلامی، مركز الرسالة، چاپ اول، قم، سلسلة المعارف الإسلامیة،

١. روائع الأمالی، مقدمه ناشر.

٢. ذریعه، ج ٨، ص ٤٢.

٣. ذریعه، ج ٤، ص ١٨.

٤. ذریعه، ج ٨، ص ٩١.

٥. ذریعه، ج ١١، ص ١٥٥.

٦. ذریعه، ج ٢٥، ص ١٤٢.

٧. ذریعه، ج ١، ص ٤٠٣.

۵۵. التقیة موضوعاً وحقماً فی الكتاب والسنة، شیخ جعفر سبحانی، ۱۶۶ صفحه رقع، قم، مؤسسه الإمام الصادق - علیه السلام -، ۱۴۳۴ ق.

۵۶. التقیة بین الأعلام، عادل العلوی، قم، المؤسسة الإسلامية العامة للتبلیغ، ۱۴۱۵ ق.  
۵۷. آراء المسلمين فی التقیة والصحابة وصیانة القرآن الکریم، مرتضی الرضوی، بیروت، دار الارشاد للطباعة والنشر، ۱۴۱۹ ق.

۵۸. قاعدة التقیة وفقه الحجّ والزیارة، حسن محمد سلیمان.  
۵۹. واقع التقیة عند المذاهب والفرق الإسلامية من غیر الشیعة الإمامیة، ثامر هاشم عمیدی، قم، مرکز الغدیر للدراسات الإسلامية، چ اول، ۱۴۱۶.

۶۰. التقیة فی فقه أهل البيت (علیهم السلام) تقریر بحث آیه الله مسلم داوری، سه جلد، اعداد: محمد علی صالح المعلم، ۱۴۱۸ ق.

۶۱. رسالة فی التقیة، آیه الله حاج آقا روح الله خمینی (امام خمینی)، آخرین چاپ: الرسائل الفقهیة والأصولیة (ضمن موسوعة الإمام الخمينی، ج ۲۰)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۹۲ ش، ص ۱-۷۲.

۶۲. رسالة فی التقیة، سید صادق روحانی.  
۶۳. هدایة الاتقیاء فی تقیة الاتقیاء، سید علی حسینی، از این رساله سه نسخه در اختیار داریم که تصویر هر سه نسخه به لطف آقای کشمیری در اختیار نگارنده قرار گرفته است.

این نسخه در واقع یادداشتی است در ۱۲ سطر درباره اقسام پنجگانه تقیه با امضای «م ز ی» و رساله مستقلی نیست. این یادداشت در صفحه ۱۵۹ این نسخه قرار دارد.

۶۴. التقیة، نسخه شماره ۹۴۶۴/۱۳ کتابخانه مجلس شورای اسلامی (فهرست مختصر مجلس، ص ۷۷).

۶۵. السعادة السرمدیة، سید علی حسینی.  
تصویر تنها نسخه خطی این رساله به لطف آقای سید محسن کشمیری در اختیار نگارنده قرار گرفت.



۲. تقیه در مجموعه های قواعد فقهی
۱. القواعد الفقهية: مائة منقبة، قاعدة التقية، سيد كاظم مصطفوی، چاپ سوم، قم، مؤسسه النشر الإسلامي، ۱۴۱۷ق، ص ۱۰۲- ۱۰۴.
  ۲. القواعد الفقهية، قاعدة التقية، محمد فاضل لنكراني، چاپ اول، قم، ۱۴۱۶ق.
  ۳. قاعدة تقيه الإمامية، سيد حسين امامي، بي جا، بي تا، بي نا، [به نقل از منابع كتاب نقش تقيه در استنباط].
  ۴. القواعد الفقهية، التقيه وموارد حرمتها وجوازها، ناصر مكارم شيرازي، مدرسة الإمام على بن أبي طالب عليه السلام، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۷۹- ۵۰۸.
  ۵. الأقطاب الفقهية، ابن أبي جمهور احسائي، بيروت، جمعية ابن أبي جمهور الأحسائي لإحياء التراث، تحقيق غلامرضا نقي الجلال آبادي، قطب ۲۷، ص ۱۰۹- ۱۱۲.
  ۶. القواعد والفوائد، قاعدة التقيه، الشهيد الأول، المطبوع ضمن موسوعة الشهيد الأول، ج ۱۵، القاعدة ۱۷۸، ص ۳۵۹- ۳۶۱.
  ۷. القواعد الفقهية، سيد حسن موسوی مجنوردی، به كوشش مهدي مهريزي و محمد حسين درابتي، قم، ۱۳۷۷ش.
  ۸. القواعد الأصولية والفقهية على مذهب الإمامية، گروه نویسندگان در حوزه علمیه قم، با اشراف محمد علی تسخیری، ۳ جلد، ج ۲، تهران، المجمع التقریبی، ۱۴۳۱، ج ۲، ص ۶۱- ۷۷.
  ۹. مناهج الأحكام، مولى نظر على طالقانى، قم، مركز احياء آثار اسلامي، ۱۳۹۴، ص ۴۲- ۴۷ (نهر فی بیان حدّ الاضطرار والإكراه + نهر فی دفع التعارض بين آيات الجماد وقاعدة الاضطرار).
  ۱۰. تحقيق في القواعد الفقهية، سيد على فرحی، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الإسلامي، ۱۴۳۰ق، ص ۲۳۴- ۲۴۲.
  ۱۱. قواعد فقه سياسي، روح الله شريعتي، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامي، ۱۳۸۷، ص ۱۹۸ به بعد.
  ۱۲. الأصول الأصلية، سيد عبد الله شبر (۱۲۴۲ق)، چاپ اول، قم، مكتبة المفيد، ۱۴۰۴،

ص ٣١٧ به بعد.

١٣. مباني الفقه الفعال في القواعد الفقهية السياسية، سيفي مازندراني، ٤ جلد، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ١٤٢٥-١٤٣٢ق، ج ٢، ص ٥٧ به بعد.

١٤. القواعد الفقهية، سيد محمد حسين قزوینی، چاپ اول، قم، منشورات جامعة المصطفى العالمية، ١٤٣٠ق، ص ٦٩ به بعد.

١٥. منظومة القواعد الفقهية، سيد رضا حسینی نسب، اتمام تألیف: ١٤١٠ق، بی جا، بی نا، بی تا، ص ٦٧ به بعد.

١٦. قواعد فقه (قاعده تقيه) = ترجمه القواعد والفوائد شهيد اول، سيد مهدي صانعی، پایان نامه دانشگاه فردوسی، مشهد، ١٣٧٢.

٣. تقيه در جوامع حدیثی و فقهی و کلامی

١. الكافي، كتاب الإيمان والكفر، باب التقيه، ج ٣، ح.

٢. وسائل الشیعة، شیخ حرّ عاملی.

ج ١، باب ٢٥ (جواز التقيه في العبادات من أبواب الوضوء).

ج ١٦، ص ٢١٩-٢٢٠، باب وجود عشرة العائمة بالتقيه، ح ١-٤.

ج ١٦، ص ٢٢٠-٢٢١، باب ٢٧: وجوب طاعة السلطان للتقيه، ح ١-٣.

ج ١٦، ص ٢٢١-٢٢٤، باب ٢٨: وجوب الاعتناء والاهتمام بالتقيه، ح ١-١٣.

ج ١٦، ص ٢٢٥-٢٣٣، باب ٢٩: جواز التقيه في اظهار كلمة الكفر، ح ١-٢١.

ج ١٦، ص ٢٣٣-٢٣٤، باب ٣٠: وجوب التقيه في الفتوى، ح ١-٢.

ج ١٦، ص ٢٣٤-٢٣٥، باب ٣١: عدم جواز التقيه في الدم، ح ١-٢.

ج ١٦، ص ٢٣٥-٢٣٧، باب ٣٢: وجوب كتم الدين عن غير أهله مع التقيه، ح ١-٦.

ج ١٦، ص ٢٣٧-٢٤٧، باب ٣٣: تحريم تسمية المهدي وسائر الأئمة عليهم السلام وذكرهم وقت

التقيه، ح ١-٢٣.

٣. الهداية، شيخ صدوق، باب التقيه، ص ٥٠-٥٣.

٤. الاعتقادات، شيخ صدوق، چاپ كنگره بزرگداشت هزاره شيخ مفيد، ١٤١٣، باب

الاعتقاد في التقيه، ص ١٠٧-١٠٩.

٥. التنقيح، ميرزا علي تبریزی (تقريرات درس آية الله خوئی، كتاب الطهارة، ج ٤، ص ٢٥٣

- ۳۲۹- ذیل کتاب الوضوء.
۶. کشف الغطاء، شیخ جعفر کاشف الغطاء، تحقیق دفتر تبلیغات اسلامی (شعبه خراسان) چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۹۸-۳۰۰.
۷. مصباح الفقیه، حاج آقا رضا همدانی، ج ۱، ص ۱۶۴-۱۷۰.
۸. بحوث فی الفقه، محقق اصفهانی (م ۱۳۶۱)، ج ۱، ص ۲۲۳-۲۳۱، بحث صلاة الجماعة.
۹. فقه الصادق، سید صادق روحانی، ج ۱۱، ص ۳۹۱-۴۴۳، ذیل کتاب الحج.
۱۰. الحدائق الناضرة، شیخ یوسف بحرانی، ج ۱، ص ۴-۱۴.
۱۱. الفوائد الحائریة، وحید مہربانی، ص ۳۵۳-۳۵۶.
۱۲. أجوبة مسائل موسى جار الله، سید عبد الحسین شرف الدین، المسألة العاشرة فی التقیة، ص ۶۷-۷۳ (موسوعة الإمام السید عبد الحسین شرف الدین، ج ۴)، تحقیق مرکز احیای آثار اسلامی، بیروت، دار المؤرخ العربی، ج اول، ۱۴۲۷.
۱۳. اللوامع الإلهیة، فاضل مقداد سیوری، تحقیق سید محمد علی قاضی طباطبائی، چاپ اول، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰.
۴. تکیه نگاری های فارسی
۱. تقیه سپری برای مبارزه عمیق تر، ناصر مکارم شیرازی، قم، هدف، بی تا.
۲. تقیه و حفظ نیروها، ناصر مکارم شیرازی، ترجمه سید محمد جواد بنی سعید لنگرودی، ۲۷۲ صفحه رقعی، انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۹۴.
۳. تقیه معصومین در بیان احکام دین، سعید حسن زاده دلگشا، ۲۸۰ صفحه وزیری، ناشر: مؤلف، چاپ بوستان کتاب قم، ۱۳۹۴.
۴. نقش تقیه در استنباط، نعمت الله صفری، ۷۰۴ صفحه وزیری، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۵. تقیه و امر به معروف و نهی از منکر، احمد طیبی شبستری، چاپ هشتم، تهران، اسلامی، ۱۳۵۸.
۶. تقیه رمز بقا، ابوعلی خداکرمی، قم، دارالنشر اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۷. تقیه در اسلام، علی تهرانی، چاپ چهارم، مشهد، چاپ فیروزیان.
۸. مبانی و جایگاه تقیه در استدلال های فقهی، محمد حسین وثیقی راد، قم، انتشارات فقه،

چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.

۹. تقيه از منظر فقهت، تاريخ و سياست، على بنايى، قم، نورمطاف، ۱۳۹۰.

۵. مقالات فارسى و عربى

۱. تقيه: تفاوت تقيه با نفاق

نويسنده: مكارم شيرازى، ناصر؛

مجله: درسهايى از مكتب اسلام، شهريور ۱۳۵۷، سال هجدهم - شماره ۶ (۵ صفحه -

از ۱۰ تا ۱۴)

۲. تقيه: موارد وجوب تقيه و فلسفه آن

نويسنده: مكارم شيرازى، ناصر؛

مجله: درسهايى از مكتب اسلام، مهر ۱۳۵۷، سال هجدهم - شماره ۷ (۸ صفحه - از ۱۱

تا ۱۸)

۳. تقيه در اسلام و فلسفه تقيه امام رضا عليه السلام با تكيه بر آيات و روايات

نويسنده: بيات، محمد حسين؛

مجله: سراج منير (دانشگاه علامه طباطبايى)، بهار ۱۳۹۲، سال سوم - شماره ۱۰ (۲۴

صفحه - از ۲۱ تا ۴۴)

۴. امام صادق عليه السلام و مساله تقيه

نويسنده: سلطانى زناني، مهدى؛

مجله: فرهنگ كوثر، پاييز ۱۳۸۳ - شماره ۵۸ (۱۸ صفحه - از ۲۹ تا ۴۶)

۵. تقيه در قرآن كريم و نقش آن در انسجام اسلامى

نويسنده: مطيع، حسين؛

مجله: كوثر، زمستان ۱۳۸۶ - شماره ۲۶ (۱۳ صفحه - از ۷۹ تا ۹۱)

۶. تقيه مداراتى و انسجام اسلامى

نويسنده: رحمانى زروندى، محمد؛

مجله: فقه و اصول، زمستان ۱۳۸۶ - شماره ۳ (۳۰ صفحه - از ۷ تا ۳۶)

۷. تقيه و رويکرد وهابيت به آن





نویسنده: ابراهيم نژاد، محمد؛

مجله: سراج منير، تابستان ۱۳۹۱ - سال دوم، شماره ۶ (۲۸ صفحه - از ۱۸۵ تا ۲۱۲)

۸. بررسی تطبیقی آیات تقيه در تفاسیر فریقین

نویسنده: محسن زاده، محمد صادق؛ رضایی اصفهانی، محمد علی؛

مجله: مطالعات تفسیری، زمستان ۱۳۹۱، سال سوم - شماره ۱۲ [علمی-پژوهشی]

(۲۶ صفحه - از ۷۱ تا ۹۶)

۹. سیاست خارجی دولت دینی با تأکید بر مفاهیم تقيه و انتظار

نویسنده: دیرباز، عسکر؛ صادقی، مسعود؛

مجله: مشرق موعود، بهار ۱۳۹۰ - شماره ۱۷ [علمی-پژوهشی] (۱۶ صفحه - از ۸۱ تا ۹۶)

۱۰. تبیینی نواز مفهوم و راهبرد تقيه در مکتب امامیه

نویسنده: محمدی ایلامی، رحیم؛

مجله: علوم اسلامی، بهار ۱۳۸۹ - شماره ۱۷ (۲۰ صفحه - از ۵۵ تا ۷۴)

۱۱. معیارهای شناخت احادیث تقيه آمیز

نویسنده: کاردان پور، محمد حسن؛

مجله: علوم حدیث، بهار و تابستان ۱۳۹۰ - شماره های ۵۹ و ۶۰ [علمی-پژوهشی]

(۱۴ صفحه - از ۱۹۳ تا ۲۰۶)

۱۲. تقيه، تاریخچه و احکام آن در اسلام

نویسنده: نصیریان، یدالله؛

مجله: مقالات و بررسیها، تابستان ۱۳۸۱ - شماره ۷۱ [علمی-پژوهشی] (۲۴ صفحه - از

۱۱ تا ۳۴)

۱۳. مفهوم تقيه در اندیشه اسلامی

نویسنده: الموسوی، هاشم؛ مترجم: واحدی، محمد صادق؛

مجله: مشکوة، بهار و تابستان ۱۳۷۶ - شماره ۵۴ و ۵۵ (۱۷ صفحه - از ۲۲۶ تا ۲۴۲)

۱۴. پژوهش / تقيه از بعد رفتاری و عقیدتی

نویسنده: سید علوی، سید ابراهیم؛

مجله: مشکوة، پاییز ۱۳۷۴ - شماره ۴۸ (۱۳ صفحه - از ۴۹ تا ۶۱)

۱۵. تاریخ و رجال: نگاهی تاریخی به تقیه مداراتی

نویسنده: فتیح نیا؛

مجله: میقات حج، بهار ۱۳۸۸ - شماره ۶۷ (۲۶ صفحه - از ۳۱ تا ۵۶)

۱۶. امام صادق علیه السلام و تقیه

نویسنده: طاهری، سید محمود؛

مجله: مبلغان، مهر و آبان ۱۳۸۷ - شماره ۱۰۸ (۱۴ صفحه - از ۹ تا ۲۲)

۱۷. فقه حج: تقیه مداراتی

نویسنده: فاضل لنکرانی، محمد؛

مجله: میقات حج، بهار ۱۳۷۲ - شماره ۳ (۱۶ صفحه - از ۴۷ تا ۶۲)

۱۸. تقیه مداراتی

نویسنده: رحمانی، محمد؛

مجله: میقات حج، زمستان ۱۳۷۸ - شماره ۳۰ (۲۷ صفحه - از ۱۵۱ تا ۱۷۷)

۱۹. تقیه مداراتی و جایگاه آن در انسجام اسلامی

نویسنده: رحمانی، محمد؛

مجله: فقه اهل بیت، زمستان ۱۳۸۶ - شماره ۵۲ (۴۷ صفحه - از ۱۴۰ تا ۱۸۶)

... تقیه ...

۲۰. تقیه در قرآن کریم و کلام معصومین علیهم السلام

نویسنده: عباسی جامد، مسعود؛

مجله: کوثر، تابستان ۱۳۸۶ - شماره ۲۴ (۶ صفحه - از ۸۲ تا ۸۷)

۲۱. تحلیل تاریخی تقیه

نویسنده: بشیر، حسین؛

مجله: پژوهش های اجتماعی اسلامی، فروردین و اردیبهشت - خرداد و تیر ۱۳۹۰ -

شماره ۸۷ و ۸۸ (۴۶ صفحه - از ۱۰۵ تا ۱۵۰)

۲۲. چگونگی بهره برداری جریان امامت از فرهنگ تقیه

نویسنده: پژوهنده، محمد حسین؛

مجله: پژوهش های اجتماعی اسلامی، فروردین و اردیبهشت - خرداد و تیر ۱۳۹۰ -

شماره ۸۷ و ۸۸ (۵۸ صفحه - از ۱۵۱ تا ۲۰۸)

۲۳. تقیه ی عرفی لایه ی پنهان زندگی مطلوب و نامطلوب

نویسنده: پژوهنده، علی؛

مجله: پژوهش های اجتماعی اسلامی، فروردین و اردیبهشت - خرداد و تیر ۱۳۹۰ -

شماره ۸۷ و ۸۸ (۲۲ صفحه - از ۲۰۹ تا ۲۳۰)

۲۴. تقیه در شریعت اسلامی

نویسنده: بهبانی، عبدالکریم؛ مترجم: پژوهنده، محمد حسین؛

مجله: پژوهش های اجتماعی اسلامی، فروردین و اردیبهشت - خرداد و تیر ۱۳۹۰ -

شماره ۸۷ و ۸۸ (۳۰ صفحه - از ۲۳۱ تا ۲۶۰)

۲۵. نکاتی درباره ی اهمیت پرونده های علمی و فراجلیل به ضمیمه ی پرونده ی علمی

تقیه

نویسنده: ظهیری، سید مجید؛

مجله: پژوهش های اجتماعی اسلامی، فروردین و اردیبهشت - خرداد و تیر ۱۳۹۰ -

شماره ۸۷ و ۸۸ (۳۳ صفحه - از ۲۶۱ تا ۲۹۳)

۲۶. بیداری اسلامی و نقش تقیه در حراست از دستاوردهای آن از منظر مقام معظم رهبری

نویسنده: اصغری، محمود؛

مجله: پژوهش های اجتماعی اسلامی، فروردین و اردیبهشت - خرداد و تیر ۱۳۹۰ -

شماره ۸۷ و ۸۸ (۱۸ صفحه - از ۵ تا ۲۲)

۲۷. جایگاه تقیه در فلسفه ی سیاسی اسلام

نویسنده: نوایی، علی اکبر؛

مجله: پژوهش های اجتماعی اسلامی، فروردین و اردیبهشت - خرداد و تیر ۱۳۹۰ -

شماره ۸۷ و ۸۸ (۳۴ صفحه - از ۲۳ تا ۵۶)

۲۸. بازبینی گونه های تقیه در مکتب اهل بیت علیهم السلام

مجله: پژوهش های اجتماعی اسلامی، فروردین و اردیبهشت - خرداد و تیر ۱۳۹۰ -

شماره ۸۷ و ۸۸ (۴۸ صفحه - از ۵۷ تا ۱۰۴)

۲۹. تقیه در سیره سیاسی امام باقر علیه السلام

نویسنده: تهامی، طه؛

مجله: مبلغان، خرداد - تیر ۱۳۹۰، شماره ۱۴۱ (۱۱ صفحه - از ۱۰۹ تا ۱۱۹)  
۳۰. مشروعیت تقیه و احکام آن از منظر مذاهب اسلامی

نویسنده: محسن زاده، محمد صادق؛

۳۱. ویژگیهای باورهای شیعی (تقیه)

نویسنده: سبحانی، جعفر؛

مجله: درسهایی از مکتب اسلام، مرداد ۱۳۹۰ - شماره ۶۰۳ (۱۰ صفحه - از ۷ تا ۱۶) و  
شهریور ۱۳۹۰، شماره ۶۰۴ (ص ۸ - ۱۵).

۳۲. بررسی احادیث تقیه از دیدگاه مجلسی اول

نویسنده: مهدوی راد، محمد علی؛ امین ناجی، محمد هادی؛

مجله: حدیث پژوهی «پاییز و زمستان ۱۳۸۸ - شماره ۲ [علمی-پژوهشی] (۲۲ صفحه -  
از ۷ تا ۲۸)

۳۳. باد دیگران مدارا: بررسی تقیه مداراتی، یکی از راهکارهای انسجام اسلامی در

فقه شیعه

نویسنده: فیاض، محمد صادق؛

مجله: سفیر نور، زمستان ۱۳۸۶، شماره ۴ (۲۸ صفحه - از ۲۱ تا ۴۸)

۳۴. نقد و بازخوانی نظریه پالایش منابع حدیثی معتبر از روایات تقیه ای

نویسنده: اخلاقی امیری، حسنعلی؛ حائری، محمد حسن؛

مجله: علوم حدیث، تابستان ۱۳۹۱، سال هفدهم، شماره ۶۴ [علمی-پژوهشی / ISC]

(۲۲ صفحه - از ۱۳۸ تا ۱۵۹)

۳۵. ملاک و چگونگی به کارگیری تقیه در دوره حضور معصومان علیهم السلام

نویسنده: جعفری هرنندی، محمد؛

مجله: پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، بهار ۱۳۹۳، شماره ۳۵ [علمی-پژوهشی]

(۳۴ صفحه - از ۱۱ تا ۴۴)

۳۶. نقدی روایی-کلامی بر دیدگاه اتان کلبرگ در موضوع «تقیه از منظر شیعه امامیه»

نویسنده: معارف، مجید؛ طباطبایی نژاد، سیدسجاد؛ میرحسینی، یحیی؛

مجله: علوم حدیث، پاییز ۱۳۹۲، سال هجدهم - شماره ۶۹ [علمی-پژوهشی / ISC]  
(۲۶ صفحه - از ۱۵۵ تا ۱۸۰)

۳۷. ضرورت، اهداف و ادله ی قرآنی و روایی تقیه  
نویسنده: بنایی، علی؛

مجله: سراج منیر (دانشگاه علامه طباطبائی)، زمستان ۱۳۸۹ - شماره ۱ (۳۰ صفحه - از  
۱۲۵ تا ۱۵۴)

۳۸. تقیه ابزار سیاسی شیعه در ایجاد حکومت  
نویسنده: جعفری هرندی، محمد؛

مجله: علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج، تابستان ۱۳۹۱ - شماره ۱۹ [علمی-پژوهشی]  
(۳۴ صفحه - از ۲۳۱ تا ۲۶۴)

۳۹. تقیه و جایگاه آن در احکام عبادی و حقوقی  
نویسنده: بطحائی، سید هاشم؛

مجله: مجتمع آموزش عالی، بهار ۱۳۸۱ - شماره ۱۲ (۲۰ صفحه - از ۱۸۷ تا ۲۰۶)  
۴۰. تقیه، راهبردی برای وحدت و انسجام اسلامی

نویسنده: لطیفی، محمود؛

مجله: حکومت اسلامی، پاییز ۱۳۸۶ - شماره ۴۵ (۳۰ صفحه - از ۴۲ تا ۷۱)  
۴۱. تقیه سیاسی

نویسنده: فاضل هرندی، محی الدین؛

مجله: علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، بهار ۱۳۸۳ - شماره ۲۵ (۱۴ صفحه - از  
۹۷ تا ۱۱۰)

۴۲. مبارزات مخفی و آگاهانه در زیر سپر تقیه  
نویسنده: بهشتی، احمد؛

مجله: درس‌هایی از مکتب اسلام، اردیبهشت ۱۳۶۰، سال ۲۱ - شماره ۲ (۵ صفحه - از  
۲۱ تا ۲۵)

۴۳. تفسیر قرآن مجید بر اساس تفسیر موضوعی: حقیقت نفاق و تفاوت آن با دروغ و تقیه

مجله: درس‌هایی از مکتب اسلام، آذر ۱۳۶۲، سال ۲۳ - شماره ۹ (۷ صفحه - از

۷ تا ۱۳

۴۴. آخرین سخن درباره تقیه

نویسنده: مهدوی، محمود؛

مجله: درس‌هایی از مکتب اسلام، «مرداد ۱۳۵۵، سال هفدهم - شماره ۸ (۳ صفحه -

از ۴۱ تا ۴۳)

۴۵. آیات تقیه در تعالیم اسلام وجود دارد

نویسنده: مکارم شیرازی، ناصر؛

مجله: درس‌هایی از مکتب اسلام، فروردین ۱۳۵۷، سال هجدهم - شماره ۱ (۳ صفحه

- از ۸ تا ۱۰)

۴۶. چهره تقیه در روایات اسلامی

نویسنده: مکارم شیرازی، ناصر؛

مجله: درس‌هایی از مکتب اسلام، مرداد ۱۳۵۷، سال هجدهم - شماره ۵ (۳ صفحه -

از ۹ تا ۱۱)

۴۷. موضع‌گیری تقیه در یک مکتب انقلابی

نویسنده: مکارم شیرازی، ناصر؛

مجله: درس‌هایی از مکتب اسلام، دی ۱۳۵۷، سال هجدهم - شماره ۱۰ (۳ صفحه - از

۹ تا ۱۱)

۴۸. تقیه، راهبردی برای وحدت و انسجام اسلامی

نویسنده: لطیفی، محمود؛

مجله: حکومت اسلامی، پاییز ۱۳۸۶ - شماره ۴۵ (۳۰ صفحه - از ۴۲ تا ۷۱)

۴۹. تقیه سیاسی

نویسنده: فاضل‌هرندی، محی‌الدین؛

مجله: علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم - علیه السلام -، بهار ۱۳۸۳ - شماره ۲۵ (۱۴

صفحه - از ۹۷ تا ۱۱۰)

۵۰. مبارزات مخفی و آگاهانه در زیرسپر تقیه

نویسنده: بهشتی، احمد؛

مجله: درس‌هایی از مکتب اسلام، اردیبهشت ۱۳۶۰، سال ۲۱ - شماره ۲  
(۵ صفحه - از ۲۱ تا ۲۵)

۵۱. تفسیر قرآن مجید بر اساس تفسیر موضوعی: حقیقت نفاق و تفاوت آن با دروغ و تقيه  
مجله: درس‌هایی از مکتب اسلام، آذر ۱۳۶۲، سال ۲۳ - شماره ۹ (۷ صفحه - از ۷ تا ۱۳)  
۵۲. تقيه

نویسنده: مکارم شیرازی، ناصر؛

مجله: درس‌هایی از مکتب اسلام، خرداد ۱۳۵۷، سال هجدهم - شماره ۳ (۳ صفحه -  
از ۱۰ تا ۱۲)  
۵۳. تقيه

نویسنده: مکارم شیرازی، ناصر؛

مجله: درس‌هایی از مکتب اسلام، اردیبهشت ۱۳۵۷، سال هجدهم - شماره ۲ (۴  
صفحه - از ۹ تا ۱۲)

۵۴. موضع‌گیری تقيه در یک مکتب انقلابی

نویسنده: مکارم شیرازی، ناصر؛

مجله: درس‌هایی از مکتب اسلام، دی ۱۳۵۷، سال هجدهم - شماره ۱۰ (۳ صفحه - از  
۹ تا ۱۱)

۵۵. تقيه / مردان راستین

نویسنده: مکارم شیرازی، ناصر؛

مجله: درس‌هایی از مکتب اسلام، تیر ۱۳۵۷، سال هجدهم - شماره ۴ (۳ صفحه - از  
۱۰ تا ۱۲)

...

۵۶. تقيه تحبیبی یک شاهکار دیگر

نویسنده: مکارم شیرازی، ناصر؛

مجله: درس‌هایی از مکتب اسلام، آبان ۱۳۵۷، سال هجدهم - شماره ۸ (۴ صفحه - از  
۱۰ تا ۱۳)

۵۷. تقيه تاکتیک مبارزه است نه فرار از مسئولیت

نویسنده: مهدوی، محمود؛

مجله: درس‌هایی از مکتب اسلام، فروردین ۱۳۵۵، سال هفدهم - شماره ۴ (۴ صفحه - از ۵۵ تا ۵۸)

۵۸. تقیه

نویسنده: شریعت مدار جزایری، سید نورالدین؛

مجله: شیعه‌شناسی، زمستان ۱۳۸۳ - شماره ۸ (۲۲ صفحه - از ۲۵ تا ۴۶)

۵۹. تقیه در شرایع پیشین و اسلام

نویسنده: سبحانی، جعفر؛

مجله: کلام اسلامی، تابستان ۱۳۸۹ - شماره ۷۴ (۱۵ صفحه - از ۱۴ تا ۲۸)

۶۰. تقیه، سپر محافظ جریان تشیع اثناعشری

نویسنده: پژوهنده، محمد حسین؛

مجله: پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، آذرود ۱۳۸۹ - شماره ۸۵ (۲۲ صفحه - از

۱۳۹ تا ۱۶۰)

۶۱. تحیر شیعیان در شناخت امام و نقش تقیه در آن

نویسنده: کاظمی، روح‌الله؛

مجله: امامت پژوهی، بهار و تابستان ۱۳۹۳ - شماره ۱۳ و ۱۴ (۲۲ صفحه - از ۱۱۵ تا

۱۳۶)

۶۲. تقیه؛ راهبرد اصلاحی و صیانت از حق

نویسنده: همایون مصباح، سید حسین؛

مجله: پژوهشنامه کلام، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ - شماره ۱ [علمی-پژوهشی] (۲۲ صفحه

- از ۱۱۳ تا ۱۳۴)

۶۳. بررسی فضای تقیه در دوره غیبت صغرا و نشانه‌های آن بر عملکرد امامیه

نویسنده: احمدی کچایی، مجید؛ حمیدی نژاد، مهدی؛

مجله: انتظار موعود، زمستان ۱۳۹۳، سال چهاردهم - شماره ۴۷ [علمی-ترویجی] (۱۶

صفحه - از ۱۱۱ تا ۱۲۶)

۶۴. تقیه از دیدگاه فقهی امام خمینی رحمته‌الله



نویسنده: مرادخانی، احمد؛ محسن زاده، محمد صادق؛

مجله: پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، پاییز ۱۳۹۰ - شماره ۳۷ (۲۶ صفحه - از

۷۵ تا ۱۰۰)

۶۵. التقية في نظر الشيخ المفيد (رضي الله عنه)

نویسنده: الحکیم، محمد باقر؛

مجله: مجموعه مقالات کنگره شیخ مفید، شماره ۱۱۶ (۵۵ صفحه - از ۱ تا ۵۵)

۶۶. سلیبات التقية أفضل من حسنات الاعتزال

مجله: المعارج، محرم ۱۴۱۷ - العدد ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ (۴ صفحه - از ۳۸۲ تا ۳۸۵)

۶۷. سلیبات التقية أفضل من حسنات الاعتزال

مجله: المعارج، العدد الخاص (۴ صفحه - از ۳۸۲ تا ۳۸۵)

۶۸. التقية في آراء علماء المسلمين

نویسنده: علی براتی، عباس؛

مجله: رساله الثقلین، اسفند ۱۳۷۲ - شماره ۸ (۲۱ صفحه - از ۷۳ تا ۹۳)

۶۹. التقية بين السنة والشيعة

نویسنده: مغنیه، محمد جواد؛

مجله: رساله الاسلام، السنة الرابعة عشرة، محرم ۱۳۸۳ - العدد ۱ و ۲ (۵ صفحه - از ۳۹

تا ۴۳)

۷۰. التقية في القرآن والسنة بين السائل والمجيب

نویسنده: اختر الرضوی، السيد سعید؛

مجله: علوم الحديث، رجب - ذوالحجة ۱۴۲۴ - العدد ۱۴ (۲۳ صفحه - از ۴۲ تا ۶۴)

۷۱. التقية والشيخ الأنصاري

نویسنده: النابلسی، عقیف؛

مجله: الفكر الاسلامی، آذر ۱۳۷۳ - شماره ۷ (۲۸ صفحه - از ۲۳۶ تا ۲۶۳)

۷۲. الإمام جعفر الصادق عليه السلام والتقية

نویسنده: فضل الله، السيد محمد حسين؛

مجله: التوحيد (عربی)، دی ۱۳۷۰ - شماره ۵۷ (۱۵ صفحه - از ۶۶ تا ۸۰)

۷۳. التقیة

نویسنده: أحمد رضا؛

مجله: المقتطف، المجلد الأربعون، ۱۱ محرم ۱۳۳۰ - الجزء ۱ (۸ صفحه - از ۳۵ تا ۴۲)

۷۴. مذاهب العلماء فی التقیة

نویسنده: أحمد رضا؛

مجله: المقتطف، المجلد الأربعون، ۱۱ ربیع الأول ۱۳۳۰ - الجزء ۳ (۵ صفحه - از ۲۲۶ تا

۲۳۰)

75. Taqiya in shii Theology Riligion 1995.

التقیة فی عقائد ومذاهب الشیعة، اتان کلبرگ.

۷۶. التقیة بین السنة والشیعة، محمد جواد مغنیه، مجله رسالة الإسلام.

۷۷. صلاة الجماعة مع أهل السنة دراسة فقهیه، حسن الصقار، مجله الاجتهاد والتجدید،

زمستان ۱۴۳۲، ش. ۱۷.

۷۸. تقیه در عمل: سفرهای بهاء الدین عاملی در قلمرو عثمانی (۹۹۱-۹۹۳هـ)، دون

استورات، ترجمه محمد کاظم رحمتی، مجله کتاب شیعه، سال ۴، ش اول و دوم، مسلسل ۷ و ۸،

ص ۲۱-۴۲.

این مقاله ترجمه ای است آزاد همراه با اندکی تلخیص و تصرف از:

D.J.Stewart, Taqiyyah as performance: the travels of BahÁP al-DĒn al-ŸAmilĒ in the Ottoman Empire (991-92/1583-85), Princeton Papers: Interdisciplinary Journal of Middle Eastern Studies 4, 1996, pp.1-70.

بخش مفصلی از مقاله به گزارش و ترجمه مطالبی از رساله فی التقیة از مرحوم آیت الله

سیدروح الله خمینی اختصاص یافته است.



## رسالة «نبات الحج» لابن فهد الحلبي

إعداد: ابوالفضل حافظيان البابلي

### المقدمة

نبذة عن المؤلف والرسالة:

جمال الدين أبوالعباس، أحمد بن محمد بن فهد، الأسدي الحلبي (٧٥٦-٨٤١ هـ) الفقيه و  
العارف الشيعي البارز في القرن الثامن والتاسع الهجري، ترك هذا الفقيه أعمالاً متعدّدة في  
مختلف مجالات العلوم الإسلامية، سيما في الفقه الشيعي.  
انظر حول حياته وأعماله، المراجع والمصادر التالية:

١. موسوعة مؤلفي الإمامية، ج ٥، صص ٨٣ - ١٠٩، ط قم، مجمع الفكر  
الإسلامي، ١٤٢٣ هـ
٢. نسخه پژوهي، ج ٣، صص ٣٣٥ - ٣٩٨، مقالة: «راهنماي پژوهش  
درباره ابن فهد الحلبي / بحث و تائقي حول ابن فهد الحلبي». في مكتبة و  
متحف و مركز وثائق مجلس الشورى الإسلامي، في طهران  
١٣٨٥ ش، ٢٠٠٦ م.

ففي هذه المصادر تمّ البحث عن أكثر من ٥٠ مؤلفاً لابن فهد،

ورسالة «نبات الحج» قد عثر على نسخة منها مع تسع رسائل أخرى له، في مكتبة جامعة  
لوس انجلس برقم ١٣١٣٨. وفي مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي رحمته الله

مصوّرة برقم: ١١١٩.

و كاتب المجموعة هو «عبدالمحمود بن محمد بن علي الحسيني» كتبها في شوال ٨١١ هـ، في حياة المؤلف، وقد دعا فيها المؤلف بعبارة «أدام الله أيامه» و«أدام الله فضائله». وفي الورقة ٣٢ من هذه المجموعة توجد رسالة «نيتات الحج»، وسبقها «رسالة وجيزة في واجبات الحج ونيتاته»، وبعدها «كفاية المحتاج في مناسك الحاج»، ولصغر حجم هذه الرسالة واتحاد موضوعها مع الرسالتين السابقتين واللاحقة لم يسجل عنوانها المفهرسون وعلماء المصنّفات؛ فظلت بعيدة عن التداول. وكان الوقوف على هذه الرسالة القيمة من حظي وساق التوفيق لي العمل في إحيائها وأرجو أن يتمتع أهل البحث والتحقيق من محتواها.



### متن الرسالة:

بسم الله الرحمن الرحيم

[النّية لابتداء السفر إلى الحج<sup>١</sup>]

أتوجّه إلى بيت الله تعالى، بمكة؛ لأداء حجّ التمتع، حجّ الإسلام؛ لوجوبه قرينةً إلى الله.

[النّية لعقد الإحرام في العمرة المتمتع بها]

أحرم بالعمرة المتمتع بها إلى الحجّ عمرة [حجّ] الإسلام، وأبّي التلبّيات الأربع، لأعقد بها الإحرام المذكور؛ لوجوب ذلك كلّّه قرينةً إلى الله.

[النّية للطواف في عمرة التمتع]

أطوف طواف العمرة المتمتع بها إلى الحجّ، عمرة [حجّ] الإسلام؛ لوجوبه قرينةً إلى الله.



١. وضعنا العنوان هنا وفي مايلي، للفصل بين الفقرات.

[النية لصلاة الطواف في عمرة التمتع]

أصلي ركعتي طواف العمرة المتمتع بها إلى الحج؛ حج الإسلام، أداءً؛ لوجوبهما قرينةً إلى الله.

[النية للسعي بين الصفا والمروة في عمرة التمتع]

أسعى سعي العمرة المتمتع بها إلى الحج، عمرة [حج] الإسلام؛ لوجوبه قرينةً إلى الله.

[النية للتقصير في عمرة التمتع]

أقصرُ للإحلال من العمرة المتمتع بها إلى: حج الإسلام؛ لوجوبه قرينةً إلى الله.

[النية لعقد الإحرام للحج التمتع]

أحرمُ بحج التمتع حج الإسلام، وأبى التلبيات الأربع؛ لأعقد بها الإحرام المذكور؛ لوجوب ذلك كله قرينةً إلى الله.

[النية للوقوف بعرفات]

أقف بعرفة لحج التمتع، حج الإسلام؛ لوجوبه قرينةً إلى الله.

[النية للوقوف بالمشعر الحرام]

أقف بالمشعر لحج التمتع، حج الإسلام؛ لوجوبه قرينةً إلى الله.

[النية لرمي جمرة العقبة]

أرمي جمرة العقبة الرمي الواجب عليّ في حج التمتع، حج الإسلام؛ لوجوبه قرينةً إلى الله.

[النية للقربان]

أذبح الهدى الواجب عليّ في حج التمتع، حج الإسلام؛ لوجوبه قرينةً إلى الله.

[النّيّة لأكل الحاجّ من ثلث هديه]

أَكُلُ من الهدى الواجب عليّ في حجّ التمتع، حجّ الإسلام؛ لوجوبه قربةً إلى الله.

[النّيّة لإهداء الثلث من هديه إلى الآخرين]

أُهدِي ثلث الهدى الواجب عليّ في حجّ التمتع، حجّ الإسلام؛ لوجوبه قربةً إلى الله.

[النّيّة للصدقة من هديه]

أُتصدّق بثلث الهدى الواجب عليّ في حجّ التمتع، حجّ الإسلام؛ لوجوبه قربةً إلى الله.

[النّيّة لحلق الرأس]

أُحلقُ رأسي حلق حجّ التمتع، حجّ الإسلام؛ لوجوبه قربةً إلى الله.

[النّيّة لطواف الحجّ]

أُطوف طواف حجّ التمتع، حجّ الإسلام؛ لوجوبه قربةً إلى الله.

[النّيّة لصلاة طواف الحجّ]

أُصلي ركعتي طواف حجّ التمتع، حجّ الإسلام؛ لوجوبهما قربةً إلى الله.

[النّيّة لسعي الحجّ]

أُسعى لحجّ التمتع، حجّ الإسلام؛ لوجوبه قربةً إلى الله.

[النّيّة لطواف النساء]

أُطوف طواف النساء الواجب عليّ في حجّ التمتع، حجّ الإسلام؛ لوجوبه قربةً إلى الله.

[النّيّة لصلاة طواف النساء]

أُصلي ركعتي طواف النساء الواجب عليّ في حجّ التمتع؛ حجّ الإسلام؛ لوجوبهما

قربةً إلى الله.

[النِّيَّةُ لِلْمَبِيتِ بِمَنَى]

أبيت الليلة بمَنَى المبيت الواجب عليّ في حجّ التمتع، حجّ الإسلام؛ لوجوبه قربةً إلى الله.

[النِّيَّةُ لِرَمِي كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنَ الْجُمَرَاتِ]

أرمي هذه الجمرة الرمي الواجب عليّ في حجّ التمتع، حجّ الإسلام؛ لوجوبه قربةً إلى الله.  
وصلّى الله على سيّدنا محمّد النبي وآله الطيبين الطاهرين.

والحمد لله وحده.

ربّ اختتم بالخيراتك على كلّ شيءٍ قدير.

﴿

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 أتوجه إلى بيت الله تعالى بكم لإدراج التمتع حج الأعمام  
 لوجوبه قربة إلى الله أحرم بالعزم المتمتع بما إلى الحج عمر الأعمام  
 والتي المليات الأربع لأعتد لها الأحرار للذكور لوجوب  
 ذلك كله قربة إلى الله أطواف طواف العزم المتمتع بها  
 إلى الحج عمر الإسلام لوجوبه قربة إلى الله أطاف طواف  
 طواف العزم المتمتع بما إلى الحج الإسلام لوجوبها  
 قربة إلى الله استعصى العزم المتمتع بما إلى الحج عمر  
 الإسلام لوجوبه قربة إلى الله أقصر للحالات من عمر  
 المتمتع لها إلى حج الإسلام لوجوبه قربة إلى الله  
 أحرم حج التمتع حج الإسلام والتي المليات الأربع لأعتد  
 لها الأحرار المذكور لوجوب ذلك كله قربة إلى الله  
 أقف بعرفه حج التمتع حج الإسلام لوجوبه قربة إلى الله  
 أقف بالمشعر حج التمتع حج الإسلام لوجوبه قربة إلى الله  
 إذ يحرم العقدة التي أولعت على حج التمتع حج الإسلام  
 لوجوبه قربة إلى الله إذ الخ الهدى الواجب على حج  
 التمتع حج الإسلام لوجوبه قربة إلى الله أكل من

الهدى



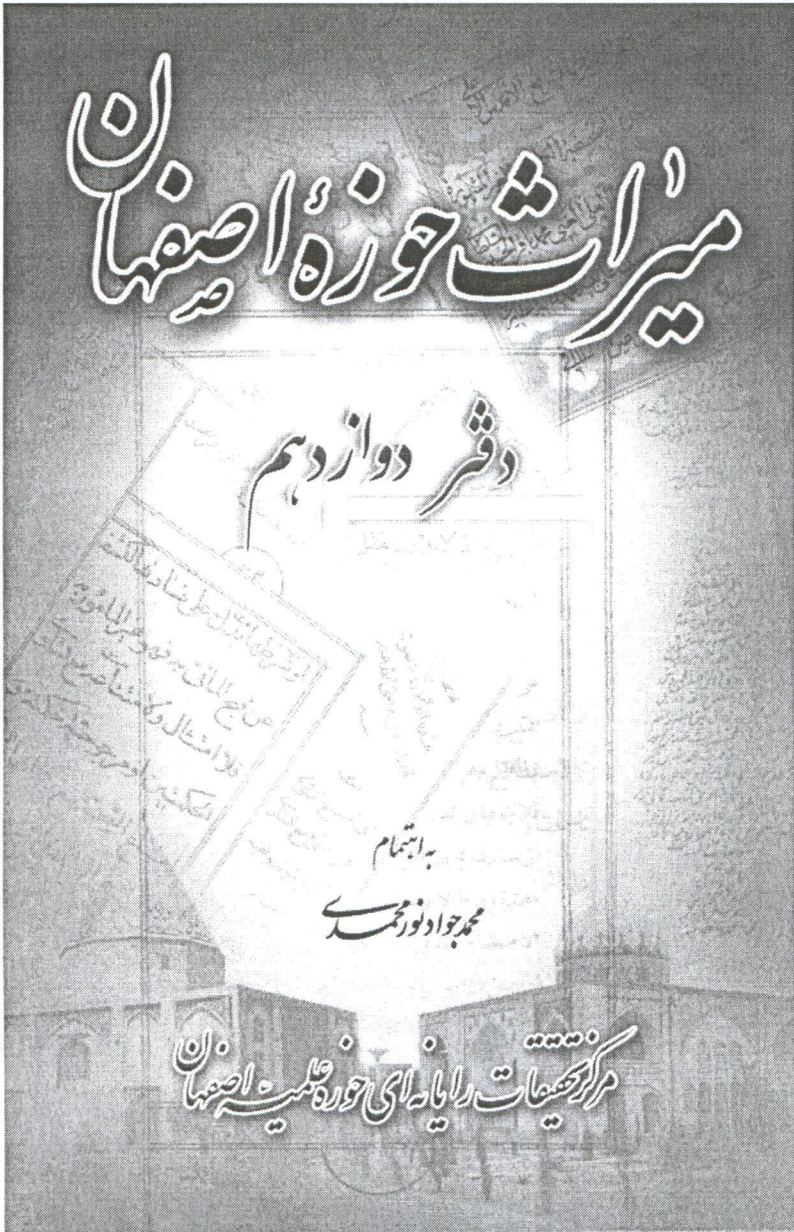
المهدي الواعد علي في حج المنع حج الاسلام لوجوبه  
قربة الى الله أهدي تلك المهدي الواجب علي حج المنع  
حج الاسلام لوجوبه قربة الى الله انصدق بكث المهدي  
الواجب علي في حج المنع حج الاسلام لوجوبه قربة  
الى الله اخلق راسي خلق حج المنع حج الاسلام  
لوجوبه قربة الى الله اطوف طواف حج المنع  
حج الاسلام لوجوبه قربة الى الله اضلي ركعتي  
طواف حج المنع حج الاسلام لوجوبه قربة الى الله  
استحي حج المنع حج الاسلام لوجوبه قربة الى الله اطوف  
طواف التا الواجب علي في حج المنع حج الاسلام لوجوبه  
قربة الى الله اضلي ركعتي طواف التا الواجب علي في  
حج المنع حج الاسلام لوجوبه قربة الى الله ايت النبيلة  
بمنا المت الواجب علي في حج المنع حج الاسلام لوجوبه  
قربة الى اهدارني هذه الجرم الذي الواجب علي في  
المنع حج الاسلام لوجوبه قربة الى الله صلى الله  
على سيدنا محمد النبي وآله الطيبين الطاهرين  
والحمد لله وحده رب العالمين على كل شيء قدير

الصفحة الأخيرة من رسالة نبات الحج

نسخة مكتبة جامعة لوس انجلس رقم ١٣١٣M



مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان منتشر کرده است:



## کتاب‌شناسی و مقاله‌شناسی نظریه «صرفه»

مهدی صفرزاده

### مقدمه

یکی از بحث‌های مهم و پیرامنه «علوم قرآنی» بحث از اعجاز قرآن است. مسأله‌ای که قرآن پژوهان در بحث اعجاز به دنبال پاسخ آن هستند این است که اعجاز قرآن کریم از چه جهت است؟ و در آیات تحدی<sup>۱</sup> به کدام ویژگی قرآن تحدی صورت گرفته است؟ نظریه‌های متعددی دربارهٔ وجوه اعجاز قرآن از سوی اندیشمندان بیان شده است، تا آنجا که «جلال الدین سیوطی» در کتاب ارزشمند «معترك الأقران» سی و پنج وجه برای اعجاز قرآن برشمرده است.<sup>۲</sup>

۱ - آیتی که صراحت در تحدی دارند عبارتند از: ۱- سوره اسراء: ۸۸: قل لئن اجتمعت الانس والجن علی ان یأتوا بمثل هذا القرآن لا یأتون بمثله ولو کان بعضهم لبعض ظهیرا. ۲- یونس: ۳۸ ام یقولون افتراه قل فأتوا بسورة مثله وادعوا من استطعتم من دون الله ان کتمم صادقین. ۳- هود: ۱۳ ام یقولون افتراه قل فأتوا بعشر سوره مثله مفتريات وادعوا من استطعتم من دون الله ان کتمم صادقین. ۴- طوز: ۳۳، ۳۴: ام یقولون تقوله بل لا یؤمنون فیأتوا بحديث مثله ان کانوا صادقین ۵- بقره: ۲۳ وان کتمم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فاتوا بسورة من مثله وادعوا شهدائکم من دون الله ان کتمم صادقین ۶- نساء: ۸۲: افلا یتدبرون القرآن ولو کان من عند غیر الله لوجدوا فیہ اختلافاً کثیراً.

۲ - معترك الأقران فی إعجاز القرآن، بیروت دارالفکر العربی ص ۱۴

اما وجوه بیان شده را می توان در چهار محور اساسی خلاصه کرد: ۱- اعجاز لفظی  
۲- اعجاز محتوایی ۳- اعجاز از نظر آورنده ۴- صرفه.

بررسی این چهار محور نشان می دهد که اندیشمندان در تحلیل وجوه اعجاز قرآن دورویکرد اساسی دارند: برخی قایل به «اعجاز ذاتی قرآن» هستند و در مقابل، گروه دیگری اعجاز قرآن را مستند به ذات قرآن نمی دانند و آن را امری خارج از قرآن می انگارند. رویکرد دوم راقائلین به نظریه صرفه در پیش گرفته اند.



### الف) معنای لغوی و اصطلاحی صرفه:

«الصَّرْفَةُ» و «الصَّرْفُ» مصدر «صَرَفَ» است. لغت دانان در توضیح ماده «صرف» و اشتقاق آن فراوان نوشته اند اما در بیشینه اشتقاقات، حقیقت ماده «صرف» به یک معنا بازگشت دارد و آن «بازگرداندن چیزی از جهتی به جهت دیگر» یا «تبدیل کردن یا تغییر دادن چیزی از حالتی به حالت دیگر» است. این واژه به سبب غلبه استعمال در این نظریه «عَلَمٌ بِالْغَلْبَةِ» شده است.

### ب) تقریر نظریه صرفه

قائلین به نظریه صرفه در تقریر و تفسیر آن هم داستان نیستند و تلقی های متفاوتی از صرفه وجود داشته است و چنانکه امیریحیی بن حمزه علوی زیدی (۷۴۹هـ) صاحب «الطراز» بیان داشته است این نظریه را به سه گونه می توان تفسیر کرد:

صرف انگیزه: در این تفسیر مقصود از صرفه آن است که خداوند انگیزه معارضان را هنگام عمل سلب می کند با اینکه همه اسباب و مقدمات برای آوردن مثل قرآن فراهم بوده است.

صرف علوم: خداوند علومی را که برای مقابله با قرآن لازم است از معارضان سلب می کند به این معنا که خداوند به کسانی که می خواهند معارضه کنند چنین علمی را نمی دهد.

صرف قدرت: خداوند معارضان را جبراً و قهراً باز می دارد با آنکه آنان علوم و تواناییهای

۱- خلیل بن احمد فراهیدی می نویسد: الصَّرْفُ: أَنْ تَصْرِفَ إِنْسَانًا عَلَى وَجْهِ بَرِيدٍ إِلَى مَصْرَفٍ غَيْرِ ذَلِكَ. صاحب مقایس نیز معانی باب صرف را به اصل واحد بازمی گرداند: الصاد والراء والفاء: معظم بابه يدل على رجوع الشيء. من ذلك صرَفْتُ القوم صرفاً وانصرفوا، إذا رجعتهم فرجعوا.

لازم را دارند. یعنی قدرت و امکانات فراهم است اما هرگاه عزم معارضه می‌کند به صورت غیراختیاری از این کار بازداشته می‌شوند  
جامع این سه تفسیر این است که بگوییم صرفه به معنای بازداشتن و مصروف کردن قهری مردم از آوردن مثل قرآن است.

### ج) پیشینه نظریه صرفه:

نظریه صرفه اگر چه در حال حاضر در میان اندیشمندان طرفداری ندارد، اما بنا بر آنچه برخی پژوهشگران نمایانده‌اند این نظریه همزاد اولین تلاشها در حل مسأله اعجاز است که از نیمه قرن سوم آغاز شده و بلکه بر بسیاری از نظریات در بحث اعجاز تقدّم دارد. این نظریه در قرون اولیه میان فرق مختلف کلامی نظریه‌ای شایع بوده است. به عنوان نمونه از میان معتزله ابراهیم بن سيار معروف به نظام (۲۳۱ هـ) و شاگرد او جاحظ (۲۵۵ هـ) و علی بن عیسی الرمانی (۳۸۴ هـ) و از میان اشاعره خطابی بستی (۳۸۸ هـ)، ابواسحاق اسفراینی (۴۱۸ هـ) و ابن حزم اندلسی (۴۵۶ هـ) و از شیعه شیخ مفید (۴۱۳ هـ) سید مرتضی و ابوالصلاح حلبی (۴۴۷ هـ) و خفاجی (۴۶۶ هـ) یا به صرفه به عنوان تنها وجه اعجاز معتقد بودند و یا آن را یکی از وجوه اعجاز برشمرده‌اند. به هر حال شیوع نظریه صرفه به قدری بوده است که سید مرتضی را به تالیف کتاب مستقّلی درباره آن وادار کرده است.

### کتاب‌شناسی و مقاله‌شناسی نظریه صرفه

به رغم بجهای فراوانی که در آثار تفسیری، کلامی، ادبی و علوم قرآنی درباره «نظریه صرفه» مطرح شده است کتاب یا رساله مستقل در این موضوع کمتر به جای مانده و بیشتر موافقان و مخالفان این نظریه ترجیح داده‌اند «صرفه» را در ضمن مباحث دیگر اعجاز مطرح کنند و موضع رسمی خود را نسبت به این مسأله در آنجا اعلام کنند.

طبق جستجوهای انجام گرفته، پیش از این، کتاب‌شناسی و مقاله‌شناسی نظریه صرفه در مجلات به چاپ نرسیده است و شاید این نوشتار اولین کتاب‌شناسی و مقاله‌شناسی در این زمینه باشد و با اینکه زمان زیادی برای جستجوی مقالات و کتاب‌ها صرف شد اما تعداد کتابها، پایان نامه‌ها و مقالات مستقل کمتر از ۴۰ مورد شد. واضح است که ادعای جامع بودن فهرست را نداریم و لازم است جستجوهای بیشتری انجام گیرد.

۱- کتابها:

۱- الموضح عن جهة إعجاز القرآن (الصرفة)

مؤلف: الشريف المرتضى ابوالقاسم علی بن الحسين بن موسى الموسوی البغدادی،

(۳۵۵-۴۳۶هـ)

تحقیق: محمد رضا انصاری قمی

ناشر: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

سال نشر: ۱۴۲۴هـ

توصیف: کتاب با مقدمه‌ای از طرف مجمع البحوث الاسلامیه شروع می‌شود و بعد منابعی که محقق کتاب در مقدمه از آنها بهره برده است معرفی شده و پس از آن مطالب زیر بیان شده است: زندگی نامه شریف مرتضی، معجزه بودن قرآن، توضیح مذهب (صرفه)، بیان حقیقت اعتقاد شریف مرتضی درباره قول به صرفه، معرفی اصل کتاب، انتساب کتاب به مؤلف آن، فصول و ابواب کتاب.

متأسفانه تنها نسخه کتاب که در کتابخانه آستان قدس نگهداری می‌شود از ابتدا افتادگی دارد. شروع مطالب کتاب توضیحاتی درباره مذهب صرفه است و این بحث تا صفحه ۷۵ را به خود اختصاص داده است. سپس به رد اعتقاد گروهی از معتزله می‌پردازد (ص ۷۶-۹۴) و پس از آن لوازم قول مخالفین صرفه را بیان می‌کند (ص ۹۵-۱۵۳). در ادامه قول قاضی عبدالجبار در کتاب المغنی را نقد می‌کند (ص ۱۶۶-۲۵۰). مطلب بعدی پاسخ شبهات قول به صرفه است (ص ۲۵۱-۲۶۰) و مطلب پایانی بیان چهار فصل درباره تحدی قرآن و عذرو عجز مردم است (ص ۲۶۱ تا آخر کتاب).

بدون شک شریف مرتضی کتابی با نام «الموضح عن جهة إعجاز القرآن» با اسم اختصاری «کتاب الصرفة» داشته است. شیخ طوسی - که از شاگردان مرتضی است - در «الفهرست» می‌نویسد: له کتاب الصرفة؛ و نجاشی در رجالش می‌نویسد: کتاب «الموضح عن جهة إعجاز القرآن» وهو الكتاب المعروف «بالصرفة»<sup>۲</sup>؛ سید مرتضی خود نیز در کتاب «مجل العلم والعمل»

۱- الفهرست ص ۲۹۰

۲- رجال النجاشی ص ۲۷۰

بارها از کتاب "الموضح" یاد کرده است.

## ۲- کتاب الصرفة

مؤلف: عبد الله بن محمد بن سعيد بن سنان الخفاجي الحلبي (٤٢٣.٤٦٦هـ/١٠٣٢.١٠٧٣م)  
ناشر: این کتاب مفقود است

صاحب فوات الوفيات در ترجمه ابن سنان خفاجی می نویسد: وللخفاجي من التصانيف «كتاب سر الفصاحة»، «كتاب الصرفة»... وياقوت حموي می نویسد: «قرأت بخط عبد الله بن محمد بن سعيد بن سنان الخفاجي في كتاب له ألفه في الصرفة زعم فيه أن القرآن لم يخرق العادة بالفصاحة حتى صار معجزة للنبي صلى الله عليه وآله وأن كل فصيح بليغ قادر على الإتيان بمثله إلا أنهم صرفوا عن ذلك»<sup>١</sup>

صاحب بغية الطلب نیز گزارشی از این کتاب می دهد: وقرأت بخط الشيخ أبي محمد عبد الله بن محمد بن سعيد بن سنان الخفاجي الحلبي في كتاب له تتبع الكلام فيه على الصرفة، ونصر فيه مذهب المعتزلة في أن القرآن ليس بمعجز في نفسه لكن العرب صرفوا عن معارضته<sup>٢</sup>.

احتمال دارد این کتاب اقتباس یا خلاصه ای از کتاب صرفه سید مرتضی باشد زیرا خفاجی از شاگردان سید مرتضی است و چون کتاب سید را مفصل و پراکنده تشخیص داده است آن را تلخیص و مرتب کرده است.

## ۳- القول بالصرفة في إعجاز القرآن،

مؤلف: عبد الرحمن الشهري

ناشر: دار ابن الجوزي

سال نشر: ١٤٣٢هـ

## ۴- الصرفة والإبهاء بالغيب

مؤلف: حسين نصار

ناشر: مكتبة مصر - القاهرة

١- معجم الأدباء ج ٣ ص ١٣٩-١٤٠

٢- بغية الطالب في تاريخ حلب، عمر بن احمد بن العديم (٥٦٠هـ)، محقق: سهيل زكار، دار الفكر، بيروت، ج ٢

سال نشر: ۲۰۰۰ م

توضیح: این کتاب جلد سوم از سلسله آثار حسین نصّار در رابطه با اعجاز قرآن است که به دو وجه از وجوه اعجاز قرآن کریم یعنی «صرفه» و «انباء بالغیب» اختصاص دارد. وی در قسمتی که مربوط به نظریه صرفه است به جمع آوری آرای قائلین به صرفه و مخالفین آنان پرداخته و تعلیل‌های هر دو دسته را ذکر کرده است. مبحث صرفه در این کتاب در سه فصل و یک خاتمه ترتیب یافته است: الفصل الأول: القائلون بالصرفة الفصل الثاني: الردّ علی القول بالصرفة الفصل الثالث: تعلیل القول بالصرفة، أثر الصرفة المذاهب، الشك فی الصرفة و خاتمة

۵- تئویر القول بالصرفة، دراسة فی إعجاز القرآن الکریم

مؤلف: محمود توفیق محمد سعد (الأستاذ ورئيس قسم البلاغة والنقد فی جامعة الأزهر

الشریف، شبین الکوّم)

ناشر: نشره المؤلف علی نفقته فی مكتبة وهبة، عابدين - القاهرة

سال نشر: ۱۴۲۷ هـ

۶- بحث الصرفة ونشأتها بین مؤید ومعارض

مؤلف: محمد فقهاء

ناشر: مكتبة الألوكة

سال نشر: ۱۴۳۶ هـ

۲- پایان نامه

نظریه الصرفة فی اعجاز القرآن (تحلیل و نظر)

نویسنده: علی الأسدی، استاد راهنما: معین دقیق، استاد مشاور: علی حسن مطر

دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه - دانشکده الهیات و معارف اسلامی. ۱۳۸۶.

کارشناسی ارشد

۳- مقالات

۱-۳- مقالات عربی

۱- علماء المسلمین والقول بـ«الصرفة»





نویسنده: جعفری، یعقوب

مجله: مجموعه مقالات کنگره شیخ مفید شماره ۱۱۴ (۳۲ صفحه - از ۱ تا ۳۲)

۲- قصة الصرفه: نشأتها، مدى تطور مدلولها، موقف العلماء منها

نویسنده: محمد أبو موسی، محمد

مجله: الازهر، السنة السادسة والخمسون، صفر ۱۴۰۴ - الجزء ۲ (۶ صفحه - از ۱۸۶ تا ۱۹۱)

۳- مذهب الصرفه بين القائلين به والمنكرين له

نویسنده: العماری، علی محمد؛

مجله: رسالة الاسلام، السنة الرابعة، ربيع الثاني ۱۳۷۱ - العدد ۱ (۱۴ صفحه - از ۵۹ تا

(۷۲

۴- نظرية الصرفه في ميزان الدراسة والنقد

نویسنده: باغبانی، رضوان؛ پروینی، خلیل؛ خلیفه شوشتری، محمد ابراهیم؛

متقی زاده، عیسی؛

مجله: اللغة العربية وآدابها، ربيع ۱۴۳۵، السنة العاشرة - العدد ۱ [علمی - پژوهشی] (۲۰

صفحه - از ۲۱ تا ۴۰)

۵- في إعجاز القرآن: مذهب الصرفه (۱)

نویسنده: العماری، علی محمد حسن؛

مجله: الازهر، المجلد الحادی والعشرون، محرم ۱۳۶۹ - العدد ۱ (۴ صفحه - از ۴۱ تا ۴۴)

۶- في إعجاز القرآن: مذهب الصرفه (۲)

نویسنده: العماری، علی محمد حسن؛

مجله: الازهر، المجلد الحادی والعشرون، جمادی الأولى ۱۳۶۹ - العدد ۵ (۵ صفحه - از

۴۷۴ تا ۴۷۸)

۷- في إعجاز القرآن: مذهب الصرفه (۳)

نویسنده: العماری، محمد حسن؛

مجله: الازهر، المجلد الحادی والعشرون، رجب ۱۳۶۹ - العدد ۷ (۵ صفحه - از ۶۵۶

تا ۶۶۰)

۸- في إعجاز القرآن: ابن سنان ومذهب الصرفه

- نويسنده: العمارى، على محمد حسن؛  
 مجله: الازهر، المجلد الثانى والعشرون، محرم ١٣٧٠ - العدد ١ (٦ صفحه - از ٣٤٥ تا ٣٥٠)  
 ٩- مذهب الصرفة ابن حزم  
 نويسنده: العمارى، على محمد حسن؛  
 مجله: الازهر، المجلد الثانى والعشرون، محرم ١٣٧٠ - العدد ١ (٤ صفحه - از ٨٥٨ تا ٨٦١)  
 ١٠- الصرفة  
 نويسنده: الخالدى، محسن سميح،  
 مجله: مجلة الجامعة الإسلامية (سلسلة الدراسات الشرعية) المجلد الثانى عشر - العدد الثانى، ص ٣٠٥ - ص ٣٤٢)، يونيو، ٢٠٠٤، (ص ٣٠٨)  
 ١١- الإعجاز بالصرقة وأوجه فساده فى ضوء القرآن الكريم  
 نويسنده: دكتور/ صديق أحمد مالك (الأستاذ المشارك بكلية الدعوة وأصول الدين)  
 مجله: جامعة أم القرى - مكة المكرمة  
 ١٢- نظرية الصرفة أصولها وأبعادها  
 نويسنده: أ. جمال الدين عبد العزيز شريف  
 مجله: مجلة تفكر مجلد ٣، عدد ٢، ٢٠٠١م - ١٤٢٢هـ  
 ١٣- الصرفة، دلالتها لدى القائلين بها وردود المعارضين لها  
 نويسنده: د. سامى عطا حسن، جامعة آل البيت  
 مجله: مجلة الشريعة والدراسات الإسلامية - الكويت - سنة النشر ٢٠٠٢ المجلد ١٧ - العدد ٥١  
 ١٤- القول بالصرقة فى إعجاز القرآن، عرض ونقد  
 نويسنده: عبد الرحمن بن معاضة الشهرى  
 مجله: مجلة الدراسات القرآنية (مجلة علمية دورية محكمة)، العدد الرابع جمادى الأولى ١٤٣٠هـ  
 ١٥- المتهمون بالصرقة (دراسة تحليلية نقدية)  
 نويسنده: محسن الخالدى  
 مجله: مجلة جامعة النجاح للأبحاث - العلوم الإنسانية - المجلد ٢٤، الإصدار ٥، ٢٠١٠  
 ١٦- دراسة مقارنة لمسلكى النظام والمحاظ فى مسألة الصَّرْفَة  
 نويسنده: رضوان الأطرش

- مجله: مجله جامعة الخليل للبحوث، المجلد ٥، العدد ١، ٢٠١٠
- ١٧- الصرفة-عرض ونقد وتحليل  
نويسنده: أيمن ريان  
ناشر: شبكة جامعة المدينة العالمية
- ١٨- حقيقة القول بالصرفة في الإعجاز القرآني ورأى السيد المرتضى  
نويسنده: محمد هادي معرفة (اقتباس قسم المقالات في شبكة الإمامين الحسنين عليه السلام من كتاب: معرفة، محمد هادي، "تلخيص التمهيد-موجز دراسات مبسطة عن مختلف شؤون القرآن الكريم"، نشر مؤسسة النشر الإسلامي، ج ٢).
- ناشر: شبكة الإمامين الحسنين عليه السلام للتراث والفكر الإسلامي
- ١٩- تاريخ القول بالصرفة عند الشيعة  
نويسنده: عمّار الفهداوي  
ناشر: وبلاگ «مقالات ومذكرات عمّار الفهداوي»
- ٢٠- الصرفة والإعجاز القرآني ما لها وما عليها  
نويسنده: عمّار توفيق بدوي  
ناشر: الموقع الرسمي للشيخ عمّار بدوي
- ٢١- نظرية الصرفة ملامحها وأبعادها وأثرها في الفكر الإسلامي  
نويسنده: السيد جعفر السيد باقر الحسيني  
ناشر: دانشكده اصول الدين قم
- ٢-٣- مقالات فارسی
- ١- بازخوانی نظریه صرفه  
نويسنده: جواهری، محمد حسن؛
- مجله: قیسات، زمستان ١٣٩١ - شماره ٦٦ [علمی-پژوهشی]  
(٣٤ صفحه از ١٤٧ تا ١٨٠)
- ٢- تحدى و صرفه  
نويسنده: مير محمدی، سيد ابوالفضل؛
- مجله: مقالات وبررسیها، زمستان ١٣٧٠ و بهار ١٣٧١ - شماره ٥١ و ٥٢

(۲۲ صفحه از ۲۲ تا)

۳- نگرشی به نظریه صرفه

نویسنده: قاضی زاده، کاظم؛

مجله: نامه مفید، پاییز ۱۳۷۴ - شماره ۳ (۴۸ صفحه - از ۳۹ تا ۸۶)

۴- دانش نامه دین: امشاسپندان تهیگی دای بوتسوسان جوارهاص، صرفه، کرامت،

معجزه

نویسنده: جاودان، محمد؛ فرهودی، مصطفی؛ پاشایی، ع؛

مجله: هفت آسمان، پاییز ۱۳۸۰ - شماره ۱۱ (۱۴ صفحه - از ۲۲۷ تا ۲۴۰)

۵- نظریه صرفه و دیدگاه سید مرتضی

نویسنده: دکتر مهرناز گلی - طیبه اکران

۶- بازتقریر «نظریه صرفه» ی سید مرتضی

نویسنده: دکتر جعفر نکونام

مجموعه مقالات کنگره سید مرتضی

۷- سید مرتضی و نقد «نظریه صرفه»

نویسنده: علی نصیری

مجموعه مقالات کنگره سید مرتضی

۸- کشف یک کتاب کلامی

نویسنده: حسن انصاری

ناشر: وبلاگ بزرگداشت هزاره شریف مرتضی



## فهرست ترجمه‌های فارسی آثار سید مرتضی علیه السلام

مهدی صفرزاده

### مقدمه

ساده‌ترین راه دستیابی به افکار و اندیشه‌های اندیشمندان سایر زبانها ترجمه آثار آنها به زبان مقصد است. ترجمه در واقع پیوند دهنده فرهنگی به فرهنگ دیگر است. عوامل بسیاری می‌تواند ضرورت و اهمیت ترجمه یک اثر به زبان دیگر را رقم بزند از قبیل: اهمیت افکار نویسنده، اهمیت موضوع، تازگی موضوع، فقدان تألیف در آن موضوع در زبان مقصد و عواملی دیگر از این دست. اما با همه اینها ممکن است موانعی نیز بر سر راه باشد که دست مترجم را در ترجمه سست کند. یکی از موانعی که در ترجمه آثار برخی از اندیشمندان به وجود می‌آید قلم دشوار است و این ویژگی گاه از ذهن پیچیده مؤلف سرچشمه می‌گیرد. در این هنگام است که هر مترجمی سختی چنین کاری را به جان نمی‌خرد.

به نظر می‌رسد این مانع یکی از موانع مهم در ترجمه آثار سید مرتضی است. قریحه ادبی سید مرتضی و قلم دشوار وی سختی ترجمه آثار او را دوچندان کرده است. به همین دلیل برخی از آثار مهم این متفکر جهان تشیع مانند الشافی یا ترجمه نشده‌اند و یا ترجمه ناقصی از آنها به جای مانده است.

در فهرست زیر کوشش کرده‌ایم تا ترجمه‌های فارسی آثار سید را در حدّ توان گردآوری کنیم و در برخی موارد توصیفی از آنها ارائه کنیم. لازم به ذکر است که ادعای جامع بودن فهرست را نداریم و لازم است تا در این باره جستجوهای بیشتری صورت گیرد.

## الشافی:

ترجمه الشافی فی الامامه / مترجم: شیخ خضراشرفی / کتابخانه آستان قدس رضوی  
نسخه خطی به شماره عمومی ۲۹۷۲۸

## الانتصار:

۱- ترجمه و تحقیق مبحث ارث از کتاب الانتصار (پایان نامه) / نگارش: جمال محمدیان  
امیری / استاد راهنما: محمدعلی قربانی / استاد مشاورین العابدین قربانی / دانشگاه آزاد  
اسلامی، واحد لاهیجان، ۱۳۸۰ / ۲۳۴ ص.

این پایان نامه ترجمه بحث ارث از کتاب الانتصار سید مرتضی است و در دو فصل تنظیم  
شده است: فصل اول ترجمه متن کتاب الانتصار مبحث ارث فصل دوم: قواعد و محاسبات ارث  
نگارنده پیشگفتار را به سه فصل زیر اختصاص داده است: ۱- تاریخچه ارث در جهان ۲-  
اهمیت ارث و تعلیم فرائض ۳- شرح حال سید مرتضی

۲- ترجمه و بررسی مسائل البیع از کتاب الانتصار سید مرتضی (پایان نامه) / نگارش: آل  
طه، سیدحسین استاد راهنما: گوگانی، حسین / دانشگاه تهران ۱۳۶۹

مطالب مورد بحث در این رساله به شرح ذیل است: - شرح حال سید مرتضی که شامل  
زندگینامه، اساتید و شاگردان، تألیفات و آثار و لقب علم الهدی، ذوالثمانین و... است. - احکام  
قوانین اسلام - اهمیت و تقسیم احکام فقهی - اهمیت و تقسیم احکام فقهی - تعریف بیع و  
مسائل بیع در کتب فقهی و در کتاب الانتصار - اقسام حقوق - کتاب البیع - معنای خیار و  
تعریف خیار حیوان و نظر فقهاء در مورد خیار حیوان - تعریف خیار شرط و نظر فقهاء در مورد آن  
- نفی ربابین پدر و فرزند، مسلمان و ذمی - جواز فروختن غلام فراری و شترها شده - تحریم  
بیع ققاع - معنا و شرایط خیار تأخیر و نظر فقهاء در مورد آن - مسأله خیار که از نظر مدت  
معین نیست - مسأله فروش چیزی به همراه معامله نقد یا نسیه - مسأله تعجیل در پرداخت با  
کاهش مبلغ آن - مسأله جواز فروش حیوان با استثناء کردن - شرح حال مختصری از فقهایی که  
در این رساله به مطالب آنها استناد شده است. (شیخ مرتضی انصاری - شیخ مفید - محقق  
حلی - ابن زهره و...)

۳- ترجمه و تحقیق فصل قضاء و شهادات از کتاب الانتصار سید مرتضی (پایان نامه) /  
 علی اکبر حسینی معصوم / دانشگاه تهران / ۱۳۸۹.

برخی از مطالب مورد بحث و بررسی در این رساله عبارت است از: شرح حال مصنف، بررسی واژه قضاء، اقسام قضاء، قضاء و شهادات و مسائل مربوط به آن، مسئله اول: دلیل قول شیعه در مسئله اول، اشکال و ایراد مخالفین. مسئله دوم: دلیل شیعه امامیه در مسئله دوم از مسائل قضاء، مسئله سوم: عدم قبول شهادات زنازاده، مسئله چهارم: قبول شهادات نابینا به شرط عدالت. مسئله پنجم: کیفیت پذیرش شهادات کودکان...

۴- ترجمه، شرح و تحقیق مبحث قضا و شهادات از کتاب الانتصار سید مرتضی (علم الهدی) (پایان نامه) / نگارش رحمت اله سعیدی گراغانی؛ استاد راهنما محمد علی قربانی؛ استاد مشاور زین العابدین قربانی / دانشگاه آزاد اسلامی لاهیجان ۱۳۸۱

در این رساله متن عربی به بخشهای همگون و هماهنگ تقسیم گردیده و بعد از هر متن ترجمه آن آورده شده است. در ترجمه حتی الامکان سعی بر این بوده که امانت رعایت گردد. و در مواردی که کلمات نیاز به توضیح داشته باشند با گذاشتن شماره درپاورقی بیان شده و علاوه بر ترجمه متن مباحثی تحت عنوان شرح و تحقیق افزوده شده و در مجموع این رساله از دو بخش تشکیل شده است الف: قضاوت ب- شهادات

۵- ترجمه فصل طلاق تا ابتدای فصل عده از کتاب انتصارتالیف مرحوم سید مرتضی (پایان نامه) / عبدالحسین منشی پوری / دانشگاه تهران. دانشکده حقوق / ۱۳۳۳.

۶- ترجمه و تحقیق باب زکات از کتاب الانتصار سید مرتضی (پایان نامه) / محمد حسین فرجی / دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی علیه السلام - دانشکده فقه و مبانی حقوق اسلامی / ۱۳۸۶.

۷- ترجمه و تحقیق بخش حدود و دیات کتاب الانتصار سید مرتضی (پایان نامه) / زهرا پور بناء / دانشگاه آزاد اسلامی / ۱۳۸۹.

۸- ترجمه و تحقیق کتاب الانتصار سید مرتضی علم الهدی، مسائل «الصید والذبائح و الاطعمه والاشربه واللباس» (پایان نامه) / مرتضی میرکرمی / دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) / ۱۳۸۸.

۹- ترجمه و تحقیق کتاب حج از الانتصار سید مرتضی علم الهدی (پایان نامه) / حسن

- محم نژاد / دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی علیه السلام. دانشکده الهیات / ۱۳۸۶.
- ۱۰- ترجمه و تحقیق مباحث، حدود-قصاص. دیات از کتاب انتصار سید مرتضی (پایان نامه) / یزدان عیسی پورهادی / دانشگاه آزاد اسلامی / ۱۳۸۹.
- ۱۱- ترجمه و تحقیق مسائل بخش نماز از کتاب الانتصار سید مرتضی علم الهدی (پایان نامه) / دانشگاه آزاد اسلامی / مریم گنجی سیگارودی / ۱۳۸۹.
- ۱۲- ترجمه و تحقیق مسائل نکاح از کتاب انتصار سید مرتضی (پایان نامه) / نصیرکیایی / دانشکده الهیات و معارف اسلامی تهران / ۱۳۶۹.
- مؤلف در این پایان نامه مسائل نکاح از کتاب سید مرتضی (علم الهدی) را ترجمه نموده و سعی نموده با مروری بر ابواب مرسوم مبحث نکاح، توضیحی کوتاه درباره مطالب مطروحه در این رساله بیان نماید
- ۱۳- ترجمه و شرح تحقیق کتاب بیع، ربا، صرف و کتاب شفعه از الانتصار (پایان نامه) / نسرین عوض پور / دانشگاه آزاد اسلامی تهران - دانشکده هی فقه و مبانی حقوق اسلامی / ۱۳۸۲.
- هدف این پژوهش ترجمه، شرح و تحقیق مسائلی چند از کتاب الانتصار سید مرتضی علیه السلام است که شامل برد و بخش می شود: (۱) کتاب بیع، ربا، صرف (۲) کتاب شفعه.
- مباحث: خیار حیوان، خیار شرط، فروش بنده فراری، بیع ققاع، حکم خرید و فروش بدون قبض و اقباض، اگر مدت حکم خیار شرط معین نشود، خیار عیب، استثنا کردن بعض مبیع، ربا، صرف، شفعه در لغت، مواردی که حق شفعه در آن جاری می گردد، حکم شفعه در صورتی که چندین شریک در بین باشد، حق شفعه برای کافر، سقوط حق شفعه، حق شفعه در موقوفات و از مباحث دیگر پژوهش مسأله شفعه می باشد که آن از شفع به معنی زوج بوده در اصطلاح فقهی حق داشتن شریک است
- ۱۴- ترجمه و شرح تحقیق باب طهارت از کتاب الانتصار سید مرتضی علم الهدی (پایان نامه) / شریف مراقی / دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان / ۱۳۸۱.
- ۱۵- ترجمه، شرح و تحقیق کتاب الصیام از کتاب انتصار سید مرتضی علم الهدی (پایان نامه) / مهری قنبری دوست کوهی / دانشگاه آزاد اسلامی تهران / ۱۳۸۸.
- ۱۶- شرح و تحقیق مبحث مسائل حدود، قصاص و دیات از کتاب الانتصار تالیف سید



مرتضی علم الهدی (پایان نامه) / محمدرضا پناهی شهری / دانشگاه آزاد اسلامی / ۱۳۸۹.

### الناصریات

۱- ترجمه و شرح و تحقیق کتابهای بیوع، شفعه، رهن، غصب، دیات، ایمان، قضاء و مسائل متفرقه از کتاب مسائل الناصریات سید مرتضی علم الهدی (پایان نامه) / نگارش محمد حسین پور / استاد راهنما زین العابدین قربانی؛ استاد مشاور محمد علی قربانی / دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان ۱۳۸۵

چکیده: این پایان نامه شامل پیشگفتار و مقدمه و هشت فصل می باشد. در پیشگفتار نحوه و انگیزه تحقیق و در مقدمه تعریف علم فقه و فایده علم فقه و... و خلاصه ای از شرح حال سید مرتضی علم الهدی بیان شده است. در فصل اول مباحثی درباره بیع، از قبیل بیع به اختیار موعود تسلیم مبیع و ثمن و ذکر انواع خیارات و تشریح خیار مجلس بحث شده است. در فصل دوم راجع به احکام شفعه از قبیل تعریف شفعه و شرائط اخذ به شفعه و... مطرح شده، در فصل سوم احکام رهن و در فصل چهارم احکام غصب مفصلاً بررسی شده، در فصل پنجم بحث دیات و قصاص و ادله اثبات قتل عمد و مواردی که دیه بر بیت المال می باشد مورد بررسی قرار گرفته. در فصل ششم بحث قسم و احکام آن مطرح شد. و در فصل هفتم ادله اثبات دعوی به اختصار ذکر و بحث شهادت (بینه) به تفصیل تحقیق شده. در آخرین فصل مسائل متفرقه که سید مرتضی در کتاب مطرح نموده اند از قبیل بحث ربا، حق انتفاع، دین، احکام صید و ذبح و... مورد بررسی قرار گرفته لازم به ذکر است که در هر باب آیات و روایات مربوطه ذکر شده و در نهایت نتیجه گیری شده است.

۲- ترجمه شرح تحقیق باب طهارت الناصریات سید مرتضی علم الهدی (پایان نامه) / مجید

محسنی / دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان ۱۳۸۵

۳- ترجمه، شرح و تحقیق بخش حج، زکات، صیام، طلاق و نکاح از کتاب مسائل الناصریات سید مرتضی علم الهدی (پایان نامه) / مصطفی وهابی / دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان.

### تنزیه الأنبیاء

۱- تنزیه الأنبیاء، پژوهشی قرآنی درباره عصمت پیامبران و امامان علیهم السلام

ترجمه امیرسلمانی رحیمی / انتشارات آستان قدس ۱۳۷۷-۳۰۳ ص  
مسأله عصمت پیامبران و امامان علیهم السلام از دیرباز مورد بحث و گفتگوی فرقه‌های مختلف بوده است؛  
لذا این کتاب با استدلال و استناد به محکمت، عقاید شیعه امامیه را بررسی می‌کند و آن را بر  
کرسی حقیقی خود می‌نشانند.

درباره این ترجمه نکات زیر قابل توجه است:

۱- ترجمه کتاب روان و گویاست و فهم آن برای خواننده تکلفی ندارد  
۲- مترجم پس از ترجمه، کار مقابله و تطبیق ترجمه با متن اصلی را زیر نظر استادش حسن  
خزاعی انجام داده است

۳- پس از مقدمه مترجم تصاویری از قدیمی‌ترین نسخه کتاب در کتابخانه آستان قدس  
رضوی آمده است

۴- مترجم در مقدمه کتابهایی را که با عنوان تنزیه الانبیاء یا تنزیه الانبیاء والأئمّه نوشته  
شده است فهرست کرده و توصیف مختصری از هر کدام ارائه کرده است

۲- ترجمه و تحقیق تنزیه الانبیاء (بخش انبیاء) (پایان نامه) / نگارش: شایگان، محسن /  
استاد راهنما: آذرنوش، آذرتاش / دانشگاه تهران ۱۳۷۵

کتاب «تنزیه الانبیاء» دارای سه بخش است که عنوان هر یک به ترتیب عبارت است از:  
آرای فرقه‌های مختلف درباره عصمت پیامبران و نقد آنها، بررسی آیات و روایات حاکی از ارتکاب گناه  
توسط پیامبران و اثبات عصمت ائمه شیعه، در این پایان نامه بخش نخست کتاب، ترجمه و  
بررسی شده است. نویسنده پایان نامه در پاورقی مآخذ روایات و اشعار را ذکر و اعلام و  
اصطلاحات را شرح کرده است و در پیوست، تفصیل روایات اسلامی و آیات کتب مقدس  
(تورات و انجیل) را در خصوص داستان پیامبران آورده و بدینوسیله نتیجه گرفته، عقیده به عدم  
عصمت پیامبران ریشه در اسرائیلیات دارد.

۳- ترجمه و تحقیق بخش اول کتاب تنزیه الانبیاء سید مرتضی (علم الهدی)  
(پایان نامه) / نگارش: نرگس میرزاده / استاد راهنما: عباس همای - استاد مشاور: محمد مهدی  
مظاهری / دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکزی تهران ۱۳۸۲

چکیده: ترجمه و شرح بخش اول کتاب «تنزیه الانبیاء» سید مرتضی و گردآوری آراء  
دانشمندان علوم قرآنی از فرقه‌های مختلف در باب عصمت انبیاء است. کتاب تنزیه الانبیاء علم

الهدی، کتابی تحقیقی در زمینه مسئله عصمت انبیا و بررسی آیاتی است که در آنها به پیامبران نسبت‌هایی داده شده که قابل تأویل هستند. وی در این کتاب عصمت را از ویژگی‌های بارز پیامبران و لازمه نبوت آنها دانسته و این موضوع را با زندگی انبیای الهی از آدم تا خاتم تطبیق داده است. مترجم ذیل هر قسمت، علاوه بر ترجمه متن، به تحقیق پیرامون موضوع مورد بحث پرداخته و قول برتر را معرفی کرده است و متن مورد نظر را به ضمیمه آورده است. در این قسمت از کتاب که ترجمه بخش اول است از عصمت نوح، ابراهیم، یعقوب، یوسف، ایوب، شعیب و موسی علیهم‌السلام سخن رفته است.

۴- ترجمه، نقد و تحقیق بخش دوم کتاب تنزیه الانبیاء (سید مرتضی) (پایان نامه) / فرشته عباسی / دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی / ۱۳۸۳.

هدف پژوهش شناخت نظریات اهل سنت درباره عصمت انبیا علیهم‌السلام به جهت پاسخگویی و ردّ نظریات غلط مطرح در این مورد و ارائه دست‌مایه‌ای برای دستگیری از نسل جوان است. روش پژوهش در بخش تحقیق، روش کتابخانه‌ای و استفاده از کتب و CD های کامپیوتری و سایت‌های اسلامی در بخش ترجمه با استفاده از کتاب‌های لغت و کتابهای نحوی کار ترجمه انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که ساحت انبیاء از هرگونه عیب و گناه و اشتباه و خطا مبرا است. و انبیا با توجه به علم و آگاهی و بینش عمیقی که داشته‌اند از این عیوب مبرا بوده‌اند و آنچه به ایشان نسبت داده شده، یا اساساً دروغ بوده و یا حداکثر ترک اولی بوده که از ایشان سرزده است.

تذکر:

ترجمه کتاب تنزیه الانبیاء به زبان اردو

مرحوم آقا بزرگ طهرانی در الذریعه دو ترجمه از کتاب تنزیه الانبیاء معرفی کرده است:

۱- تحفه الأتقیاء فی ترجمه النصف الأول من تنزیه الانبیاء للشریف المرتضی بلغه اردو. طبع

بالمهند للسید شریف حسین الهندی<sup>۱</sup>

۲- تحفه الانبیاء فی ترجمه تنزیه الانبیاء للسید المرتضی بلغه اردو. مطبوع کما فی بعض

الفهارس المطبوعه. ولعله عین تحفه الأتقیاء<sup>۲</sup>

۱- آقابزرگ طهرانی، الذریعه، ج ۳، ص ۴۰۸

۲- آقابزرگ طهرانی، الذریعه، ج ۳، ص ۴۲۲

## المقنع

امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام: ترجمه المقنع فی الغیبه / ترجمه: واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران / ناشر: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۳

مترجم در مقدمه، به صورت گزارش، زندگی نامه و نسب سید مرتضی علیه السلام و اثر المقنع را مورد بررسی قرار داده است. کتاب سید مرتضی علیه السلام نخست در بخش اول درباره امامت و عصمت بحث می کند. سپس دیدگاه فرقه‌هایی از قبیل کیسانیه، ناووسیه، و واقفیه درباره مهدی منتظرا بیان می کند، در ادامه سبب غیبت امام مهدی علیه السلام می آید و مؤلف معتقد است که بر ما لازم نیست که سبب غیبت آن حضرت را به شکل معین و مشخص بیان کنیم، بلکه برای دانستن نیکو بودن غیبت او، همین مقدار کافی است که بدانیم او معصوم است و کسی است که هیچ کار ناشایسته‌ای انجام نمی دهد. همچنین ایشان سبب مخفی بودن امام زمان علیه السلام از دشمنان و دوستانش را ذکر و بین این دو فرق قائل است. و در ادامه به اقامه حدود الهی در زمان غیبت اشاره می شود و بخش دوم که تکمله‌ای است که بعد از اتمام المقنع بر آن افزوده شده، در آن از کیفیت ارتباط امام غایب علیه السلام با دوستان خود در دوران غیبت و نیز از چگونگی رفتار شیعیان با او، چگونگی آگاهی امام به زمان ظهور و عدم امکان جای‌گزینی برای امام بحث نموده است.

## دیوان المرتضی

ترجمه و تحلیل ادبی و محتوایی مرثیة حسینی سید مرتضی (رساله دکتری) / نگارش: محمد اسمعیل زاده / استاد راهنما: محمود شکیب / دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ۱۳۸۷.

این رساله، به ترجمه و تحلیل ادبی و محتوایی مرثیة حسینی سید مرتضی پرداخته است. نویسنده پس از ذکر زیست‌نامه سید مرتضی، به شعرا و می پردازد و بر این باور است که شعر سید مرتضی، آینه تمام‌نمای روزگار است؛ زیرا به اندازه کافی ثروتمند بود و نیازی به تملق‌گویی و سرودن اشعار متکسبانه نداشت. وی شاعری توانا و زبان‌آور بود؛ ولی در شعر به شهرت و آوازه بردارش سید رضی نرسید و شاید تلاش حاسدان و دشمنانش یکی از علل آن باشد.

سید مرتضی، چهارده قصیده کوتاه و بلند مستقل، در ۶۹۶ بیت دررثای جدش



امام حسین علیه السلام سروده است. در این مراثی سوزناک که به طور معمول، آنها را در روز عاشورا می‌سروده، از مبانی فکری شیعه و آرمان‌های آن دفاع کرده و تشیع مخلصانه خود را به نمایش گذاشته است. بررسی مضامین مراثی حسینی سید مرتضی اهمیت خاصی دارد؛ چراکه با پرداختن به آن معلوم خواهد شد که وی کدامین واقعیات تاریخی را یادآور شده و چگونه بر امام حسین علیه السلام و یاران باوفایش گریسته و چه عبرت‌هایی را فراروی خوانندگان اشعار خویش قرار داده است.

### الفصول المختارة من العيون و المحاسن

دفاع از تشیع (ترجمه الفصول المختارة)

مترجم: آقا جمال خوانساری (۱۱۲۲ هـ) تصحیح: صادق حسن زاده با همکاری علی اکبر زمانی نژاد، قم، ناشر: مؤمنین، چاپ سلمان فارسی، ۱۳۷۷، ۷۱۳ ص، وزیری.

### جمل العلم و العمل<sup>۱</sup>

ترجمه قسمتی از کتاب جمل العلم و العمل / نگارش: عطاری، فضل الله استاد راهنما:

مدیرشانه چی، کاظم / دانشگاه: فردوسی مشهد ۱۳۴۹

### طیف الخیال

گستره خیال / مترجم: دکتر نصرت الله فروهر / سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، دفتر مطالعات دینی هنر ۱۳۷۶ / ۳۰۵ ص.

### امالی (غرر الفوائد و درر القلائد)

۱- گردآوری ترجمه و تحقیق سی و پنج آیه شریفه قرآن از کتاب امالی

سید رسول حجازی / دانشکده اصول دین ۱۳۸۲

۲- ترجمه، نقد و شرح مباحث قرآنی و حدیثی بخشی از امالی سید مرتضی تا مجلس ۱۵ /

سید عبدالمجید حسینی زاده هرات / ۱۳۸۴ / دانشگاه فردوسی مشهد.

۱- از این کتاب دو چاپ در دست رس است: یک چاپ به همت سید احمد حسینی که در ۱۳۸۶ در نجف اشرف. چاپ دیگر به همت رشید الصفار در ۱۳۸۷ در نجف اشرف.

## رسالة فی العمل مع السلطان

۱- میراث سیاسی: رسالة فی العمل مع السلطان / مترجم: محمود شفیعی / مجله: علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم (ع)، تابستان ۱۳۸۰ - شماره ۱۴ (۱۸ صفحه - از ۲۵۵ تا ۲۷۲)  
این نوشته عهده دار ترجمه یکی از رساله های سیاسی سید مرتضی است. اما به عنوان مقدمه به برخی از مؤلفه های اندیشه سیاسی وی اشاره می کند.

پیام کلی رساله حاضرین است که همکاری با سلطان جائز در صورتی که فواید دینی داشته باشد، مانند این که حقی احیا شود، عدالت برپا گردد، حدود الهی جاری شود یا انسان به حد اکراه و اجبار اضطراری برسد و در صورت ترک همکاری جاننش به خطر بیفتد، واجب یا ناچار می گردد و در صورتی که عدم پذیرش مسؤلیت ضرر فردی قابل تحمل داشته باشد، پذیرش آن مباح می شود و در غیر این موارد همکاری ممنوع است.

در این جا لازم است چند نکته درباره ترجمه این رساله یاد آوری بشود: ۱. در این ترجمه تا آن جا که ممکن بوده، تلاش شده بدون دخل و تصرف در الفاظ و جملات مؤلف صورت گیرد؛ اما در مواردی به ناچار برای هماهنگی با گفتار فارسی، ترجمه آزاد انجام شده است.  
۲. در مواردی نیازه توضیح کوتاهی بوده که مترجم توضیحات خود را داخل قلاب بیان کرده است.

۲- ترجمه رسالة فی العمل مع السلطان (در کتاب مکتب ها و فرقه های اسلامی در سده های میانه تألیف و بلفرد مادلونگ) / مترجم: جواد قاسمی / آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی ۱۳۷۵

## المسائل المیافارقیات

جوابات مسائل اهل میافارقین / نویسنده: علم الهدی، سید مرتضی / مترجم: بختیاری کوه سرخی، محمد حسین / مجله: نامه آستان قدس، سال ۱۳۴۶ - شماره ۳۱ (۲۲ صفحه - از ۳۶ تا ۵۷)



## شرح نُسَخ

### یادداشت دوم: کهن ترین نسخه احتجاج طبرسی

عَلَى صَدْرَائِي خَوِي

#### مقدمه

کتاب الاحتجاج علی أهل اللجاج، تالیف ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی (قرن ۶ ق)، اثر معروف و مشهوری است که مؤلف در آن گفتگوها و مناظره های حضرت پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین را با مخالفان و منکران دین و مذهب جمع آوری نموده است. این کتاب بارها به چاپ رسیده، و نسخه های خطی متعددی از آن در دست است. در این یادداشت کهن ترین نسخه کتاب احتجاج معرفی می شود.

#### بصحة

#### نسخه های خطی احتجاج

در فهرستگان نسخ خطی حدیث و علوم حدیث شیعه (ج ۲، ص ۸۲) تعداد ۱۲۷ نسخه و در فهرست دنا (ج ۱، ص ۳۴۱) تعداد ۱۷۴ نسخه و در فنخا (ج ۲، ص ۱۱۹) تعداد ۱۷۰ نسخه از احتجاج طبرسی، در کتابخانه های ایران معرفی شده است. براساس این سه فهرست، ده نسخه کهن از کتاب الاحتجاج طبرسی در کتابخانه های ایران چنین است:

۱. کتابخانه حوزه علمیه امام صادق علیه السلام اردکان یزد، نسخه ش: ۱۷۷، نوع خط: نسخ معرب، کاتب علی بن ابراهیم بن معلی، اتمام کتابت در یک روز شنبه ۱۸ ذیحجه ۷۳۶، ۲۷۰ برگ.

۲. دومین نسخه کهن احتجاج در ایران تصویری است که از نسخه کتابخانه واتیکان به شماره: ۱۷۷۴، تهیه شده است. که در سال ۸۷۳ق به خط نسخ تحریر شده و کاتب نامش را ذکر نکرده است. این نسخه دارای ۲۵۰ برگ است و سه تصویر از آن در کتابخانه های ایران (کتابخانه مرعشی: عکس ۶۶۸، کتابخانه گلپایگانی: عکس ۱۸/۳۲/۶۳۱۸، کتابخانه مرکز احیاء میراث عکس ش ۱۳۳۹) نگهداری می شود.
۳. قم، کتابخانه شخصی شیخ حسین راضی (مدرسه حجازیها): ۶۰/۵۷/۸۳۹۰، به خط نسخ، تحریر عنایت الله بن نورالله بن عبد الله تبریزی، اتمام کتابت در روز دوشنبه ۸ ربیع الثانی ۹۵۳ق، در این نسخه بخشی از آغاز و انجام کتاب موجود است، دارای ۲۷ برگ.
۴. قم، کتابخانه آستان معصومیه علیه السلام: ش ۵۹۱۴، به خط نسخ، کاتب: عبدالحق بن محمد بن عیسی حسینی مکی مدنی بحرانی بلدی حلی، اتمام کتابت: ۳ ذی حجه ۹۸۰ق، دارای ۳۱۶ برگ. تصویری از این نسخه در کتاب خانه محقق طباطبایی: میکروفیلم ش ۲۳۶، و تصویر دیگری در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی: عکس ۲۱۴، موجود است.
۵. مشهد، کتابخانه آستان قدس رضوی: ش ۱۴۰۳۳، به خط نسخ، کاتب علی بن عبد الله بن ثابت حنبلی، اتمام کتابت ۱۶ جمادی الثانی ۱۰۰۷ق، دارای ۲۸۵ برگ، این نسخه وقفی فاضلخان در سال ۱۰۶۵ ق است و قبلاً در مدرسه فاضلخان مشهد بوده و بعداً به کتابخانه آستان قدس رضوی منتقل شده است.
۶. تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی: ش ۷۶۲۸، به خط نسخ، کاتب محمد مؤمن بن محمد حسینی مشهدی، اتمام کتابت در ۲ رجب ۱۰۱۶ق، دارای ۲۰۳ برگ.
۷. چالوس، مدرسه امام صادق علیه السلام: ش ۲۹۰، به خط نسخ، بدون نام کاتب، سال کتابت ۱۰۱۹ق، دارای ۲۱۵ گ.
۸. قم، کتابخانه مرعشی: ش ۹۸۳۶، به خط نسخ، بدون نام کاتب، سال کتابت ۱۰۳۳ق، در کربلا، دارای ۳۶۲ برگ. این نسخه قبلاً در تبریز در کتابخانه ثقة الاسلام تبریزی، بوده است.
۹. مشهد، کتابخانه آستان قدس رضوی: ش ۱۷۷۴۴، به خط نسخ، کاتب احمد شریف بن جبرئیل، در شعبان ۱۰۵۴ق، دارای ۲۸۴ برگ.



۱۰. یزد، کتابخانه وزیری: ش ۱۷۱۵، به خط نسخ، کاتب محمد مؤمن، اتمام کتابت ۱۸ شعبان ۱۰۵۵ق، دارای ۲۷۹ برگ.

### کهن ترین نسخه

بر اساس سه فهرست یاد شده، تاکنون کهن ترین نسخه شناخته شده از احتجاج طبرسی در کتابخانه های ایران در مدرسه امام صادق علیه السلام در شهر اردکان یزد، به شماره ۱۷۷، نگهداری می شود.

این نسخه را علی بن ابراهیم ابن معلی است که خود را «عبد آل محمد» معرفی نموده به خط نسخ جلی زیبا و معرب تحریر نموده است. او تحریر این نسخه را در عید غدیر سال ۷۳۶ به پایان رسانده و نص ترقیمه ای که بعد از اتمام کتاب نوشته چنین است:

«فرغ من تعلیقہ العبد الفقیر الی مغفرة ربه و رضوانه علی بن ابراهیم ابن معلی عبد آل محمد و وافق الفراغ منه عشية الاحد ثامن عشر ذی الحجة من سنة ست و ثلاثین و سبع مائة و هو یوم عید الغدیر و صلوته علی سیدنا محمد و آلہ الطیبین الطاهرین و سلم تسلیماً کثیراً».

دو برگ اول این نسخه و همچنین برگ هایی از وسط نسخه در قرن دهم بازنویسی شده و در ظهر برگ اول نونویس تملك «علی بن عبد الحسین بن سلطان الحسنى الموسوی المدنی محتداً و السماوی مولداً و الحلی منشأً و تحصیلاً» به تاریخ ۹۱۴ق دیده می شود که طی آن نسخه را به شخصی بخشیده است و شاید هم بازنویسی به دست وی صورت گرفته است.

### نمونه اختلاف نسخه خطی با نسخه چاپی

چند نمونه از اختلاف هایی که نگارنده به صورت اتفافی در مقایسه این نسخه خطی با نسخه چاپی احتجاج، مشاهده نمود عبارتند از:

چاپی ص ۶۶: «احتجاج النبى صلى الله عليه وآله يوم الغدير على الخلق كلهم وفى غيره من الأيام بولاية على بن أبى طالب عليه السلام ومن بعده من ولده من الأئمة المعصومين صلوات الله عليهم أجمعين.

حدثني السيد العالم العابد أبو جعفر مهدى ابن أبى حرب الحسينى المرعشى رضى الله عنه قال

أخبرنا الشيخ أبو على الحسن بن الشيخ السعيد أبى جعفر محمد بن الحسن الطوسى رضى الله عنه، قال أخبرنى الشيخ السعيد الوالد أبو جعفر قدس الله روحه، قال أخبرنى جماعة عن أبى

محمد هارون بن موسى التلعكبرى، قال أخبرنا أبو على محمد بن همام، قال أخبرنا على السورى،

قال أخبرنا أبو محمد العلوى من ولد الأفضس - وكان من عباد الله الصالحين - قال حدثنا محمد

بن موسى الهمدانى، قال حدثنا محمد بن خالد الطيالسى، قال حدثنا سيف بن عميرة وصالح

بن عقبه جمیعا عن قیس بن سمان عن علقمة بن محمد الحضرمی عن أبی جعفر محمد ابن علی علیه السلام أنه قال: حج رسول الله صلی الله علیه و آله من المدينة».

نسخه خطی: ۳۵ ب: «احتجاج النبی صلی الله علیه و آله يوم الغدير على الخلق كلهم وفي غيره من الأيام بولاية على بن أبی طالب علیه السلام ومن بعده من ولده من الأئمة المعصومين صلوات الله عليهم أجمعين. حدثني السيد العالم العابد أبو جعفر مهدي ابن أبی حرب الحسيني رضي الله عنه قال أخبرنا الشيخ أبو علي الحسن بن الشيخ أبی جعفر محمد بن الحسن الطوسي رضي الله عنه، قال أخبرني الشيخ السعيد الوالد أبو جعفر قدس الله روحه، قال أخبرني جماعة عن أبی محمد هارون ابن موسى التلعكبري، قال أخبرنا أبو علي محمد بن همام، قال أخبرنا علي السوري، قال أخبرنا أبو محمد العلوي من ولد الأقطس وكان من عباد الله الصالحين قال حدثنا محمد بن موسى الهمداني، قال حدثنا محمد بن خالد الطيالسي، قال حدثنا سيف بن عميرة وصالح بن عقبه جميعاً عن قيس بن سمان عن علقمة بن محمد الحضرمي عن أبی جعفر محمد بن علي عليهما السلام أنه قال: حج رسول الله صلی الله علیه و آله من المدينة».

همانطور که ملاحظه می شود در نسخه خطی در اول سند کلمه «المرعشي» وجود ندارد.

چاپی: ص ۷۵: «عن أبی المفضل محمد بن عبد الله الشيباني بإسناده الصحيح عن رجال ثقة ان النبي صلی الله علیه و آله».

خطی: ۴۵ ب: «عن أبی المفضل محمد بن عبد الله الشيباني بإسناده الصحيح عن رجاله ثقة عن ثقة ان النبي صلی الله علیه و آله».

چاپی: آخر کتاب: «وكفى به برهاناً لأئمة، وحجاباً راجحاً. قطعنا هذا الكتاب على كلام السيد علم الهدى قدس الله روحه، والحمد لله رب العالمين، والصلاة على خير خلقه محمد وآله الطيبين الطاهرين المعصومين، وحسبنا الله ونعم الوكيل».

خطی: آخر نسخه: «وكفى بها برهاناً لأئمة، وميزاناً راجحاً. قطعنا هذا الكتاب على كلام السيد علم الهدى قدس الله روحه، والحمد لله رب العالمين، والصلاة على خير خلقه محمد وآله الطيبين الطاهرين».

### یادداشت های اول و آخر نسخه

دراول و آخر نسخه یادداشت های قابل توجهی آمده که از جمله تملك علی بن عبد الحسين بن سلطان حسنی موسوی مدنی سماوی حلی در سال ۹۱۴ ق در اول نسخه و یادداشت ابراهیم بن جمعه بن ابراهیم بخاری در سال ۷۹۴ ق در آخر آن است.

# عَلِيٌّ مِنْ أَيْتِ الْهُدَى فِي اجْتِجَاجِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ عَلَى الْقَوْمِ مَا مَنَعُوهَا فَرَكٌ وَقَوْلُهُمْ لَهَا عِنْدَ الْوَفَاةِ فِي الْأَمَامَةِ

رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنَّهُ لَمَّا جَمَعَ أَبُو بَكْرٍ عَلِيٌّ وَعَلِيٌّ  
فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَرَكٌ وَبَلَغَهَا ذَلِكَ لَأْتِ خَارِجًا وَعَلَى وَاسْتَمَلَتْ جَلْبَابًا بِهَا  
وَأَقْبَلَتْ فِي هَيْئَةٍ مِنْ جَفَدِهَا وَنَسَا قَوْمُهَا وَطَأَ ذُبُولَهَا مَا تَحْرَمُ مَشِيئَتِهَا  
رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حِينَ دَخَلَتْ عَلَى ابْنِ كِرٍّ وَهُوَ فِي حَيْدٍ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ  
وَالْأَنْصَارِ وَغَيْرِهِمْ تَبَيَّنَتْ دُونَهَا مَلَأَةٌ فَجَلَسَتْ ثُمَّ أَنْتَأَتْ أَجْفَتِ الْقَوْمُ بِالْمَكَانِ  
الْمَجْلِسِ ثُمَّ أَمَلَتْ هَيْئَةً حَتَّى إِذَا سَكَنَ شَيْخُ الْقَوْمِ رَهْدَاتِ بُرُوقِهِمْ ابْتِغَاءً لِحَامِ الْبَحْرِ  
اللَّهِ وَالنَّسَاءِ عَلَيْهِ وَالصَّلَاةُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَعَادَ الْقَوْمُ فِي بَوَائِمِهِمْ فَلَمَّا اسْتَلَمُوا  
عَادَتْ فِي كِلَانِهَا فَفَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ الْحَزَنَةَ عَلَيَّ مَا نَعَمَ وَوَلَهُ الشُّكْرُ عَلَيَّ مَا لَمْ يَكُنْ يَأْتِيهِمْ  
مِنْ غَيْرِهِمْ نَعَمَ اسْتِرْأَمَا اسْتَسْتَعِجِ الْإِلَهَ اسْتَدْرَأَهَا وَتَمَامَ مِنْ لَوْلَا مَا جَمَعَ عَنْ لِاجْتِجَاعِهَا  
وَنَائِي مِنَ الْجَزَاءِ الْمَدْمِيَّةِ وَتَهَلُّوْتُ عَنْ الْأَذْرَالِ أَيْدِيًا تَزِيدُنِي لَأَسْتَرَادَتْ بِهَا الشُّكْرَ لِأَنَّهَا  
وَأَسْتَجِدُّ إِلَى الْخَلَاءِ بِنِجَازِهَا وَتَبَا بِالنَّدْبِ إِلَى الْعِنَا لَهَا وَأَسْتَدْنُ لِي إِلَهَ الْإِلَهِ وَحَيْدٌ  
لَا شَرِكَ لَهُ جَعَلَ الْإِخْلَاصَ وَيَلَهَا وَخَمِنَ الْقَلُوبَ مَوْصُولَهَا وَأَنَا فِي النَّفْسِ كَمَا مَعْتَقُوا  
الْمُتَمَسِّعُ مِنَ الْأَبْصَارِ رُؤْيِيهِ وَمِنَ الْأَلْسِنِ صَفِيَّتِي وَمِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتِي ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءُ  
مِنْ سِيِّ كَانَتْ فِيهَا أَيْدِيًا أَجْنَبًا أَجْنَبًا أَمْتَلَهَا كَوْنًا بِقَدْرَتِهِ وَذَرَأَهَا بِمَشِيئَتِهِ مِنْ غَيْرِ  
جَاجِهِ إِلَى كَوْنِهَا وَلَا نَائِيهِ فِي تَصْوِيرِهَا الْإِبْتِغَاءَ لِحِكْمَتِهِ وَتَبَيَّنَ عَلَى طَاعَتِهِ وَأُظْهِرًا  
لِقَدْرَتِهِ وَعَبْدًا لِلرَّبِّيَّةِ وَأَعَزَّ رَأَى الدُّعْوَةَ ثُمَّ جَعَلَ التَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ وَوَضَعَ الْعِقَابَ

قَوْمٌ مِنْ نَفْسِ

مَعَاوِيَةَ

رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ

بِالْمَطَرِ وَالرَّيْ

بِالْمَطَرِ وَالرَّيْ

بِالْمَطَرِ وَالرَّيْ

بِالْمَطَرِ وَالرَّيْ

بِالْمَطَرِ وَالرَّيْ

فتمیثیل الله ماذا صنعت انه الشوم معا بالعتوبين  
 عنوه اليه النبي المصطفى وعلى القوم يوم المظالم  
 ثم تقدم الحسين عليه السلام حتى وقف قبال القوم وشيعة محملت في يده ايتامن فقتله  
 عاريا على الموت وهو يقول

انا ابن علي الخيرون من الهاشم كفا في هذا مغر حين انخر  
 وجرى رسول الله اكرم من منى وعين شراج الله في الخيرون فخر  
 وناطه ابي سلاله اجل وعمرى عماد الجنابض جعفر  
 وينا كما بان الله انزل حادقا وينا الهوى والرحم الجبريد كثر  
 ونحن امان الله للناس كلهم نطول مهدي في الانام ونجس  
 ونحن ولاه الجوز من نقي ولا تنابك اس وتول الله ما ليس نكر  
 وشعنا في الناس اكرم شيعة وسبقنا يوم القمى ونجسوه

**احتجاج فاطمة الصغرى عليها السلام على اهل الكوفة**

عن زيد بن موهب بن جعفر عن ابيه عن ابي عبد الله عليه السلام قال خطبت فاطمة الصغرى  
 عليها السلام بعد ان ردت من كربلاء فقالت الحمد لله عدد النجوم والخصا ووزن الرش  
 الى الترى اجزه وراؤسى به وانوط عليه واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له  
 وان محمدا عبده ورسوله صلى الله عليه واله وان ذبحوا اولاده بسخط الله منهم غير  
 ذيل ولا يراتب اللهم انى اعوذ بك ان اتورى عليك الكذب وان اتول طعان التولت  
 عليه من اخذ العهود لوصيه علي بن ابي طالب عليه السلام المشلوب جعة المقول  
 من غير ذنب كما قتل ولده بالامس في سب من سب الله ذمها بعشر مثله بالنسب



فَسَبِّهْ فَاْتِدَانِي وَقَالَ يَا عَجْرِبُ اِنْ رَوَيْتُمْ لِيْنَ اَخْرَجْتُمَنِ السَّمَاءَ فَخَطُّفْنِي الطَّيْرَ اَوْ تَعْبُرِي  
بِالرَّحْلِ فِي كُلِّ نَجِيحٍ لِحَبِّ الَّتِي اَنْ اَقُولُكَ فِي دِيْنِ اللّٰهِ رَاَيْتِي اَوْ مِنْ عِنْدِ نَفْسِيْ بِذَلِكَ  
مِنَ الْاَصْلِ وَمَشْتَمِعٌ مِنْ الْحِجَّةِ صَلَوَاتِ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وَمَا حَرَجَ عَنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَدَّ اَعْلَى  
الْاَخْلَاءِ مِنَ التَّوْبِيْعِ جَوَابًا لِكِتَابِ كِتَابِ اللّٰهِ عَلَيْهِ بَدْرُ مُحَمَّدٍ  
ابْنِ عَلِيٍّ بِزُهْدِ الْكُرْحِيِّ

يَا عَجْرِبُ عَلِيٌّ تَعَالَى اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ عَمَّا يَصِفُوْنَ سَجَانَهُ وَيَجِدُوْنَ لَيْسَ لِحُسْنِ تَرْكَائِهِ فِي عَمَلِهِ وَلَا  
فِي قَوْلِهِ بَلْ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ غَيْرُهُ كَمَا قَالَ فِي حِكْمَتِهِ كَمَا بَارَكْتَ اَسْمَاؤُهُ وَاَنَا وَجِيعَ اَبِيٍّ مِنْ  
الْاَوَّلِيْنَ اَدَمُ وَنُوْحٌ وَاِبْرَاهِيْمُ وَمُوسَى وَعِيسَى وَمَنْ مِّنَ النَّاسِ مِنْ الْاَجْرِيْنَ عَمْرُوْتُ اللّٰهِ  
وَعَلَى بِنِيِّ طَالِبٍ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ وَعِيْرُهُمْ مِنْ مَضَانِ الْاَيْمَةِ صَلَوَاتِ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ اِلَى  
مَبْلَغِ اَبَانِيٍّ وَمُنْتَهَى عَصْرِ عَيْسَى اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ لِلّٰهِ فَجَلَّ وَفَلَّ وَمَنْ اَعْرَسَ عَنْ دَرِيٍّ فَاَنْ  
اِلَيْهِ مَعْنِيْهِ ضَنْكًا وَحُسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ اَعْمَى اِلَيْهِ لَمْ حُسْرَتِيْ اَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيْرًا قَالَ  
لِذَلِكَ اَتَاكَ يَا اَنَا فَنَسِيْتُمَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ نَسِيْتُ يَا عَجْرِبُ عَلِيٌّ اَنَا جَمَلُ الشَّيْخَةِ وَجَعْلُهُمْ  
وَمِنْ دَسْتِهِ جَنَاحُ الْبَعُوْضِ اَرْحَمُ مِنْهُ فَاَشْهَدُ اللّٰهُ الَّذِيْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَكُفِيَ بِهِ شَهِيدًا وَرَسُوْلُهُ  
جَمَلٌ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَوَلَدِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَاَشْهَدُكَ وَاَشْهَدُ كُلَّ مَنْ شَعَرَ كَمَا يَ  
هَذَا اَبِيٍّ يُرِيكُ اِلَى اللّٰهِ وَرَسُوْلُهُ مَنْ يَقُوْلُ اَنَا نَعْلَمُ الْغَيْبَ اَوْ نَشَارِكُ اللّٰهُ تَعَالَى فِي مَلِكِهِ اَوْ  
عَلَى اَبِيٍّ يَوْمَ الْمِجَلِّ الَّذِي رَضِيَهُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ لَنَا وَخَفِنَا لَهٗ اَوْ تَعْبُدِيْ بِنَا عَمَّا قَدْ نَسَرْتَهُ  
وَيَقِيْنُهُ فِي صَدْرِكَ يَايِ وَاَشْهَدُكُمْ اَنْ كُلُّ مَنْ تَبَرَّأْتُمْ اَنَّ اللّٰهُ تَعَالَى بِرَأْسِهِ وَمَلَائِكَةُ  
رَسُوْلُهُ وَاَوْلِيَآؤُهُ وَجَعَلْتُ هَذَا التَّوْبِيْعَ الَّذِي فِي هَذَا الْكِتَابِ اٰمَانَةً فِي عَمَلِكَ وَعَمَلِ



## دستنوشته‌هایی دربارهٔ

حضرت مهدی عجل‌الله‌فرجه

موجود در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله

حسن مهرآبادی آرانی

### مقدمه

پس از پایان دوره تربیت مرتبی در آموزشگاه مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم در کتابخانه آن مرکز مشغول تحقیق و مطالعه در عرصه مهدویت بودم که یکی از دوستان کتابدار آنجا، با توجه به اطلاع از همکاری اینجانب با کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله پیشنهاد تهیه فهرست نسخ خطی این کتابخانه در زمینه مهدویت را مطرح کردند که مورد استقبال اینجانب واقع گردید.

با بررسی‌های بعمل آمده از مراکز تخصصی مهدویت در حوزه علمیه قم معلوم گردید که این کار صورت نگرفته، لذا در ساعات فراغت، فیش برداری را از فهرست آثار خطی این گنجینه که اکنون چهل و هفت جلد آن با معرفی ۱۸۹۰۰ نسخه به چاپ رسیده شروع کردم و با فهرستواره ۱۲ جلدی (دنا) فیش برداری را به کتابخانه‌های خطی ایران توسعه دادم. پس از به چاپ رسیدن مجموعه ۳۴ جلدی فهرستگان (فنخا) مجدداً کار را با فهرست توصیفی مقابله و تکمیل نمودم. نتیجه تلاش بی وقفه و تَوَرَّق ده‌ها هزار صفحه (بیش از ۱۰۰ جلد فهرست نسخ خطی) و تجرید نظرهای مکرر، مجموعه‌ای از فهرست دستنوشته‌های پیرامون حضرت مهدی عجل‌الله‌فرجه

موجود در کتابخانه‌های ایران فراهم آمد که گام اول آن فهرست آثار خطی موجود در کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله بوده که در این فصلنامه تقدیم پژوهشگران محترم می‌گردد؛ امیدوارم با عنایت و ادعیه زاکیه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه، بقیه اثر در آینده در یک کتاب مستقل تقدیم علاقه‌مندان گردد.



### رموز و اختصارات<sup>۱</sup>

آغاز و انجام برابر: آغاز و انجام برابر نمونه کتاب

اندازه: اندازه صفحه.

بی تا: بدون تاریخ کتابت.

بی کا: بدون کاتب

پ: پشت

تا: تاریخ کتابت.

جا: محل کتابت

دنا: فهرستواره دستنوشته‌های ایران

زرو

سم: ساتی متر

ش: شماره، (در دنا شماره مسلسل)

ص: صفحه

عکسی: این تعبیر در دو جا به کار رفته است: یکی در کنار شماره برخی از نسخه‌ها که به معنای آن است که نسخه، عکسی است و باید برای یافتن نسخه در کتابخانه معرفی شده، به

۱. نظر به اینکه بیشتر داده‌های کتابشناسی حاضر برگرفته از دو مأخذ: فهرستواره دستنوشته‌های ایران (دنا)، مصطفی درایتی، تهران: مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹ش، و فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، مصطفی درایتی، تهران: کتابخانه ملی، ۱۳۹۰ش است، رموز و اختصارات از آنجا نقل می‌شود.



عکسی بودن توجه شود؛ و دوم در معرفی مأخذ است که منظور فهرست عکسی آن کتابخانه می باشد.

فنخا: فهرستگان نسخه‌های خطی ایران.

کا: کاتب

کاتب: مؤلف: نسخه به خط مؤلف است.

گ: برگ.

مرعشی: کتابخانه عمومی آیه الله العظمی مرعشی نجفی

نک: این علامت به معنای «نگاه کنید» می باشد و در موارد ارجاع به کار رفته است. ارجاع دو گونه است: گاهی عنوان ارجاع داده شده کلاً در جای دیگری که راهنمایی شده، ثبت شده است و گاهی قسمتی از عنوان ارجاعی در محل دیگری ثبت شده است که در واقع به معنای «نیز نگاه کنید» می باشد.

راهنمای معرفی نسخه‌ها

بعد از عنوان و نام اثر و مؤلف یا پدید آور مراحل معرفی کتاب بدین قرار است:

۱. نام شهر؛ در مثل: (قم: مرعشی، ش: ۷۱۹۱/۱۱)

قم: نام شهری است که کتابخانه در آن قرار دارد

۲. مرعشی: محل نگهداری آن اثر؛ ش: به معنای شماره، که بعد از آن شماره نسخه آمده.

در ثبت شماره بازیابی نسخه. اگر نسخه حاوی یک اثر باشد شماره یک را خواهید دید و اگر مجموعه‌ای باشد که در آن چند رساله قرار داشته باشد، بعد از شماره اصلی نسخه شماره‌ای قرار دارد که جای این رساله را در آن مجموعه نشان می دهد. مثلاً در نمونه بالا شماره (۷۱۹۱) شماره نسخه و شماره (۱۱) که بعد از آن اِشْلَشْ یا خط مورب (/) قرار دارد نشان دهنده این است که این رساله، یازدهمین رساله آن مجموعه می باشد.

پس از عنوان کتاب، موضوع و زبان آن در مقابل مشخص می شود و در ذیل آن نام مؤلف و

توضیحات کتابشناسی درج شده و اندکی از آغاز و انجام نسخه نقل می شود.

در بخش نسخه شناسی، شماره نسخه آمده و اطلاعات زیر درج می گردد:

۱. خط نسخه: (خط)
  ۲. کاتب نسخه: (کا) در صورت مشخص بودن و (بی کا) در صورت مشخص نبودن
  ۳. تاریخ کتابت در صورت مشخص بودن به صورت (تا) و در صورت مشخص نبودن به صورت (بی تا) آمده است.
  ۴. تعداد برگ با علامت (گ)، و تعداد صفحات نسخه با علامت (ص)
  ۵. مشخص کردن جای نسخه در مجموعه که در داخل پراتنز ( ) یا بین اهلالین قرار دارد.
  ۶. آدرس نسخه در مأخذی که نقل برخی اطلاعات از آن بوده و در داخل کروش یا قلاب قرار دارد. [ ]
- و در پایان نشانی دنا و فنخا ذکر می شود.

### بص

بیروت، ۱۹۸۹م، ۸/۲۵۷ [ ]  
 قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۴/  
 ۱۲۳۲۴ و ۱۲۳۲۵/۲  
 خط: نسخ، کاتب = مؤلف، تا: ۷  
 سؤال ۱۳۰۹ق، کاغذ: فرنگی، جلد: تیماج  
 زرشکی، مجدول، ۱۵گ (۶۷۴)، ۱۹سطر  
 (۱۷×۱۷)، اندازه: ۱۷×۲۱ سم [ف: ۳۱-  
 ۲۰۲]  
 مأخذ: دنا، ج ۱، ص ۸۲، ش ۲۲۳۹ تا  
 ۲۲۴۱؛ فنخا، ج ۱، ص ۳۸۰.  
 ● **اتمام الحجة = اتمام حجت / کلام**  
 و اعتقادات / فارسی  
 برادکاهی لنکرانی، محمدصادق بن

● **ابهی الدررفی تکملة عقد الدررفی**  
**اخبار الامام المنتظر / کلام و اعتقادات /**  
**عربی**  
 بهاری همدانی، محمدباقر بن  
 محمدجعفر، ۱۲۷۷ - ۱۳۳۳ق  
 تاریخ تألیف: شب ۷ سؤال ۱۳۰۹ق؛  
 محل تألیف: نجف اشرف  
 آغاز کتاب: الحمد لله رب العالمین...  
 اما بعد فبقول العبد الفاتر...  
 انجام کتاب: هذا آخر ما نسوقه من  
 الکلام فی هذه الرسالة.  
 [الذريعة ۱/۷۹؛ عقد الدرر: بیروت،  
 ۱۴۰۳؛ فرهنگ بزرگان: ص ۶۷۶؛ الاعلام:

محمد، - ۱۲۸۵ قری

تاریخ تألیف: یکشنبه ۲ ربیع الاول  
۱۲۸۱ ق

در اثبات وجود حجت بن الحسن علیه السلام امام دوازدهم شیعیان ورد گفته منکران وجود آن حضرت.

آغاز کتاب: بسمله و حوقله: با دلیلهای قاهره عقلی و براهین واضحه نقلی.

انجام کتاب: اعمامی و اخوانی یوم الدین و میحشرنا تحت لواء محمد و آله یوم القيامة...

چاپ: در ایران چاپ شده است.

[فهرستواره منزوی ۹/۶۶]

۱. قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۶۷۰۰

خط: نستعلیق، کا: میرزا عبدالحسین بن عبدالله طالش، تا: ۱۲۸۵ ق؛ مجدول دورسطور قرمز، جدول خارجی قرمز؛ کاغذ: فرنگی، جلد: میشن تریاکی مقوایی ساده، ۳۰۳ گ، ۱۵ سطر (۹/۵ × ۱۶/۵)، اندازه: ۱۵/۵ × ۲۲ سم [ف: ۵۵۴.۶]

مأخذ: دنا، ج ۱، ص ۱۳۰، ش ۳۴۴۹ - ۳۴۴۸؛ فنخا، ج ۱، ص ۴۰۲ - ۴۰۳.

● اثبات الرجعة = رجعت = سرّ مخزون / کلام و اعتقادات / فارسی

لاهیجی، حسن بن عبدالرزاق، ۱۰۴۵

- ۱۲۱۱ قری

تاریخ تألیف: ۹ شوال ۱۱۰۱ ق  
رساله‌ای در مسأله رجعت از دید

عقلی و نقلی  
آغاز کتاب: بسمه [بسمله] و حمدله... چون از جانب یکی از اجلای امرای عظام...

انجام کتاب: این بود مقصود از نوشتن این مسأله در این رساله و تمت بحمدالله.

چاپ: به کوشش علی صدرائی، در «رسائل فارسی لاهیجانی، تهران، انتشارات میراث مکتوب، صص ۲۷۳ - ۳۰۰».

[الذریعة ۱۲/۱۶۹؛ کشف الحجب ص ۲۶۳؛ منزوی ۲/۹۵۴؛ فهرستواره کتاب‌های فارسی ۹/۳۴۵ و ۹/۶۸ و ۹/۳۴۵ «سر مخزون»]

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۴۳۰۲/۱ و ۱۱۵۰۳/۱ و ۶۶۵۸/۴

خط: نسخ، بی‌کاه، بی‌تا؛ جلد: روغنی ضربی، ۱۰ گ (۵۳-۶۳ پ)، اندازه: ۱۴ × ۲۰/۵ سم [ف: ۱۷ - ۲۲۱]

مأخذ: فنخا، ج ۱، ص ۴۲۸ - ۴۲۹  
● اثبات الرجعة / کلام و اعتقادات /

عربی

ابن شاذان، فضل بن شاذان  
نیشابوری، - ۲۶۰ ق  
[النجاحی ۳۰۷؛ الذریعه ۹۳/۱ و  
۲۰/۲۰ و ۳۶۷/۲۲؛ معجم التراث  
الکلامی ۱/۱۲۶]

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۱۶۰۰/۴  
کا: حسن بن علی رضی الدین  
تبریزی، تا: ربیع الاول ۱۳۷۵ ق  
[میراث شهاب س ۱۰ ش ۲-۱: ۲۵]  
مأخذ: دنا، ج ۱، ص ۱۳۵؛ فنخا، ج ۱،  
ص ۴۲۱

● اثبات الرجعه / کلام و اعتقادات /  
عربی  
حراعلمی، محمد بن حسن، ۱۰۳۳ -  
۱۱۰۴ ق

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۱۶۰۰/۵  
کا: حسن بن علی رضی الدین  
تبریزی، تا: ربیع الاول ۱۳۷۵ ق  
[میراث شهاب س ۱۰ ش ۱-۲: ۲۵]  
مأخذ: دنا، ج ۱، ص ۱۳۵، ش ۳۵۷۲؛  
فنخا، ج ۱، ص ۴۲۱

● اثبات رجعت = اثبات الرجعة = ترجمه  
چهارده حدیث = ظهوریه = علائم ظهور/  
کلام و اعتقادات، شرح حدیث / فارسی  
مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی،  
۱۰۳۷ - ۱۱۱۰ قری

تاریخ تألیف: ۱۹ رجب ۱۰۷۸ ق  
... دو حدیث متضمن پیش گویی و  
بشارت به ظهور دولت صفویه، و شرح ۱۲  
حدیث دیگر درباره احوال و تاریخ میلاد و  
زندگی امام صاحب الامر علیه السلام

انجام: سه مرتبه بگو. «العجل العجل  
العجل یا مولای یا صاحب الزمان»  
چاپ: به تحقیق سید مهدی رجائی،  
ضمن رسائل اعتقادی علامه مجلسی؛  
تحقیق ابوذر بیدار، تهران، رسالت قلم،  
۱۴۰۹ هـ / ۱۳۶۷ ش، ۱۴۴ ص؛ به اهتمام  
مرتضی جنتیان، اصفهان، کانون پژوهش،  
۱۴۲۱ هـ / ۱۳۷۹ ش، ۱۰۰ ص؛ بمبئی،  
۱۳۰۶ ق، سنگی.

[الذریعة ۱/۹۰ و ۱۳/۶۸ و ۱۵/۳۰۸  
و ۱۹۱/۵؛ نسخه های فارسی  
منزوی ۲/۸۷۱؛ کتاب شناسی مجلسی  
ص ۲۳۷؛ مشار، ۱/۴۶، ۱۵۸؛ دو چاپ؛  
فهرستواره منزوی ۹/۶۹ (۵۰ نسخه) و  
۳۷۳/۹.

قم: مرعشی؛ شماره های نسخه:  
۱۴۸۴۳/۴ ؛ ۱۰۰۳۱/۱ ؛ ۱۵۰۱۰/۲ ؛  
۱۲/۵۳۲۸ ؛ ۱۲/۱۸۷ ؛ ۲/۱۰۵۹۲.

مأخذ: دنا، ج ۱، ص ۱۳۵؛ ش ۵۳۷۴ -  
۳۶۶۴؛ فنخا، ج ۱، ص ۴۲۱ - ۴۲۸

● اثبات وجود حجة الله عز وجل =

مقام ختمیت ولایت / عرفان و

تصوف / عربی

رساله‌ای است در بحث ختمیت مقام ولایت کلیه الهیه. از مؤلف نامی ذکر نشده لکن به قرینه، باید بخشی از کتاب امانت یا امامت سید حیدر آملی باشد که توسط ملا علی نوری نوشته شده است. خطبه کتاب از کتاب دوم صحیفه سجادیه اقتباس شده است.

آغاز: الحمد لله الاول بلا اول کان قبله والآخر بلا آخر یكون بعده، ابتدع بقدرته...

اما بعد: فاقول والله يقول الحق...

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱/۱۱۲۱۴  
انجام: لیستکمل به و بقاء النظام الافضل المهيال للاستكمال والاستتمام من دون ما ينظم..

خط: شکسته نستعلیق، بی کاتب، تا: قرن ۱۳؛ افتادگی: انجام، کاغذ: فرنگی، ۱۰ گ (۱۴ - ۲۳)، ۱۸ سطر، اندازه: ۱۳/۵ × ۲۱ سم [ف: ۲۸ - ۳۰۳].

مأخذ: دنا، ج ۱، ص ۱۶۱، ش ۴۳۶۸؛ فنخا، ج ۱، ص ۵۰۰

● اجوبة المسائل آقا محمد تقی =

التسديدية / كلام واعتقادات / عربی  
رشتی، کاظم بن قاسم، ۱۲۱۲ -

۱۲۵۹ق

رساله مفصلی است در تکلیف مردم

در عصر غیبت

آغاز: حمدله... ان جناب الانجد الامجد ذا الفهم الوقاد والفكر النقاد.

انجام: فأشرت اليه بالاشارة الظاهرية و الباطنية ليعلم كل اناس مشربهم ولينال كل أحد مطلبهم.

۱. قم: مرعشی؛ شماره نسخه:

۷۵۳۷/۳

خط: نسخ، کا: خلف بن محمد دستانی (گویا)، تا: ۵ جمادی الثانی ۱۲۵۱ق؛ جلد: تیماج مشکی، ۲۹ گ (۴۹ پ - ۷۷ پ)، اندازه: ۱۴ × ۲۰ سم [ف: ۱۹ - ۳۴۲]

مأخذ: دنا، ج ۱، ص ۲۵۱، ش ۶۶۶۵ - ۶۶۶۴؛ فنخا، ج ۱، ص ۷۹۳.

● احاديث نبوی درباره امام

زمان عليه السلام = المهدى عليه السلام فى احاديث النبوى + الامام القائم / حديث / فارسی  
از: ناشناس

احاديثی است درباره تعیین قائم آل محمد عليه السلام، به نقل از مصادر شیعی و اهل سنت

آغاز: حمدله... چون چندی قبل...  
خواهش نمود روایتی از حضرت

رسول ﷺ که دلالت بر تعیین حضرت قائم آل محمد ﷺ نماید به جهت او بنویسم...

انجام: در دنیا با آنها دشمنی نمود که آنها هم در آخرت با شماها دشمنی نمایند.

خط: نستعلیق، تاریخ کتابت: پیرامون سده ۱۴ هـ ق، مشکی، کاغذ: فرنگی، تعداد برگ: ۳۰ (۱۵۷-۱۸۶ ب)، تعداد سطر: ۱۸، اندازه متن: ۱۷×۱۵ سم.

مأخذ: مرعشی، ج ۴۳، ص ۴۴۸، شماره نسخه: «(۱۷۱۸۴/۳)»، و شماره: «(۱۷۱۸۴/۴)»

● احوال حضرت حجت ﷺ / تاریخ معصومین / اردو [نسخه]

قم: مرعشی شماره نسخه: ۷۰۷۳  
نسخه حاضر قطعه ای از کتابی است در حالات حضرت امام زمان ﷺ  
نستعلیق / بی تا / ۳۶ برگ / [ف: ۱۸ - ۲۳۵].

مأخذ: دنا، ص ۳۹۷، ج ۱، ش ۱۰۵۹۱؛  
فنخا، ج ۲، ص ۲۹۸

● احوال مهدی آخر الزمان / کلام و اعتقادات / فارسی

متقی، علی بن حسام الدین، ۸۸۸ - ۹۷۵ قمری

شصت نشانه از نشانه های حضرت

حجت ﷺ از احادیث و آثار

آغاز: حمدله... این چند علامتی است مقدور از امام محمد مهدی صاحب الزمان در چهار فصل بیان کرده می شود.

انجام: کعبه مشرفه را اهل حبشه ویران کنند و بعد از آن قیامت قائم شود و العلم عندالله.

[کشف الظنون ۱/۸۹۴: فهرستواره منزوی ۳/۱۷۲۰ و ۹/۴۴۵]

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۵۲۴/۶؛ ۹۲۱۵/۴

مأخذ: دنا، ج ۴، ص ۴۰۱، ش ۱۰۶۸۲ - ۱۰۶۷۸؛ فنخا، ج ۲، ص ۳۱۹ - ۳۲۰.

● احوالات حضرت قائم ﷺ / تاریخ معصومین / فارسی

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۱۰۲۶/۶  
خط: نستعلیق، بی تا، ۱۱۸۹ ق، جا:  
قصبه شهر بابک در استان کرمان؛ قطع:  
جیبی [میراث شهاب: س ۹ ش ۴۰۲]

مأخذ: دنا، ج ۱، ص ۳۹۴، ش ۱۰۵۲۶؛  
فنخا، ج ۲، ص ۲۸۹

● احوالات حضرت قائم ﷺ / تاریخ معصومین / فارسی [نسخه].

قم: مرعشی شماره نسخه: ۱۱۰۰۲/۶ (نستعلیق / ۱۱۸۹) / [میراث شهاب -

س ۹ ش ۲ - ۴۰]

بهارى همدانى، محمد باقر بن محمد  
جعفر، ۱۲۷۷ - ۱۳۳۳ قمرى

گويافردى از مخالفان اماميه، پس از  
اقرار به وجود مبارك حضرت مهدى علیه السلام،  
سمت آن بزرگوار را به عنوان امام دوازدهم  
شيعیان، انكار نموده مؤلف، از طريق  
اهل سنت به پاسخ او برخاسته است.

قم: مرعشى؛ شماره نسخه:  
۱/۱۲۳۴۶

آغاز: حمدله... والقانى امواج المحن  
الى مسقط راسى بهمدان.

انجام: فلنكتف بذلك وفيه غنى لمن  
جانب العصية والهوى.

خط: نسخ، كاتب = مؤلف، تا: اوایل  
شعبان ۱۳۱۷ ق، جا: روستای بهار همدان؛  
محشى؛ کاغذ: فرنگی، ۴۲ گ (۴۲-۱)، ۱۶  
سطر، اندازه: ۶ × ۱۱/۵ سم [ف: ۳۱ -  
۲۳۵]

مأخذ: دنا، ج ۱، ص ۱۳۷، ش ۲۸۴۸؛  
فنخا، ج ۴، ص ۳۳۶

● اقامة الحدود فى زمن الغيبة =  
وجوب اقامة الحدود الشرعية فى زمن  
الغيبة على المجتهد / فقه / عربى  
از: سيد محمد باقر بن محمد نقى

موسوى شفتى «حجة الاسلام»،  
«متوفى: ۱۲۶۰ هـ ق»

مأخذ: دنا، ج ۱، ص ۳۹۴،  
ش ۱۰۵۲۵؛ فنخا، ج ۲، ص ۲۸۹.

● اخبار المهدى علیه السلام = اخبار  
القائم علیه السلام / عقاید / عربى  
مؤلف: ناشناخته.

رساله‌ای است در اخبار حضرت  
صاحب الزمان امام مهدى علیه السلام و بیان  
علامات قیام و مدت ایام ظهور آن  
حضرت.

آغاز: «بسمله و حمدله... اما بعد،  
فهذا باب ذكر علامات قیام القائم علیه السلام و  
مدة ایام ظهوره».

انجام: الإحتجاج على إمامة  
الائمة عليه السلام و مختصر من أخبارهم كفاية فيما  
قصدناه.

خط: نستعلیق، تاریخ کتابت: پیرامون  
سده ۱۱ ق، مشکی، کاغذ: شرقی، تعداد  
برگ: ۶ («۲۶۱ ب - ۲۶۶ الف»)، تعداد  
سطر: ۲۲، اندازه متن: ۵/۱۴ × ۸/۵  
سانتیمتر.

مأخذ: قم؛ فهرست مرعشى،  
ج ۳۹، ص ۴۳۵، شماره نسخه:  
۱۵۵۳۷/۱۸

● إضائة النور فى الامام  
المستور علیه السلام / كلام و اعتقادات / عربى

آغاز: حمدله... هذه مقالة في تحقيق إقامة الحدود.

انجام: قال: بعضهم ليس له ذلك لانها لاية والرق... اقتاده.

این رساله با تحقیق سید مهدی شفتی در اصفهان به سال ۱۴۲۵ هـ ق به چاپ رسیده است.

گزارش نسخه: «نوع خط، نستعلیق، نام کاتب: محمد صالح بن محمد تقی،

تاریخ کتابت: پیرامون سده ۱۳ هـ ق، نوع کاغذ: فرنگی، تعداد برگ: ۸ (۲۳۷ الف -

۲۴۴ الف)، تعداد سطر: ۲۲، اندازه متن: ۷/۵ × ۱۳/۵ سم، اندازه جلد:

۱۲ × ۱۹ سم؛ نوع جلد: چرم مشکی با ترنج.

ویژگی ها: در حاشیه تصحیح شده است.

مأخذ: مرعشی، ج ۴۳، ص ۳۳۱ - ۳۳۲، شماره نسخه: «(۱۷۱۱۹/۲۸)»، و

ج ۱۰، شماره «(۳۷۱۲)»، و ج ۳۷، شماره «(۱۴۷۸۴/۲)».

● اكمال الدين و اتمام النعمة = كمال الدين و تمام النعمة في اثبات الغيبة و

كشف الحيرة / حديث / عربي شيخ صدوق، محمد بن علي، ۳۱۱؟ -

۳۸۱ قمری

کتاب در اخبار و احادیثی است که راجع به غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه روایت شده

آغاز: الحمد لله الواحد الفرد الصمد... له الاسماء الحسنی والامثال العلیا والحكمة البالغة

انجام: ان الله لا يهدى القوم... قلب متكبر جبار...

چاپ: در چاپخانه آقا میرزا در ۳۹۱ ص و زیری به سال ۱۳۰۱ بچاپ سنگی رسید و

در سال های ۱۳۱۰ و ۱۳۷۸ ق در تهران [الذریعة ۲/۲۸۳ و ۱۸/۱۳۸؛

بروکلن ۱/۱۸۷ و ذیل ۱/۳۲۲ و ترجمه عربی آن ۳/۳۴۷: کشف الحجب ۵۷]

قم: مرعشی؛ شماره های نسخه: ۵۸۲۶؛ ۷۹۷؛ ۱/۶۷۶۲؛ ۷۸۴۶؛ ۲۲۲۳ و

۱۱۶۷۵؛ ۱۰۳۲۹؛ ۳۴۴۷.

مأخذ: دنا، ج ۲، ص ۹۹ به بعد (شماره ۳۱۴۶۴ - ۳۱۶۲۳) و ج ۳،

ص ۵۵۷، ش ۱۰۰۵۰۴؛ فنخا، ج ۴، ص ۶۸۲ - ۶۹۴ و ج ۱۲، ص ۷۷۰ - ۷۷۱.

● الامام الثاني عشر / كلام و اعتقادات / عربي / [نسخه]

حسینی شهشهانی، محمد بن عبدالصمد (- ۱۲۸۷ ق)

قم: مرعشی شماره نسخه: ۴۸۶۰



«قامعة اللجاج»، انشراح صدری برای من حاصل شد که درباره حکمت عدم تعیین زمان ظهور، نکاتی را بیان کنم؛ بنابراین؛ این کتاب نیز دنباله «قامعة اللجاج و دافعة الحجاج» است.  
[الذريعة ۲/۴۹۹]

قم: مرعشی؛ شماره نسخه:  
۱۲۳۴۶/۳

آغاز: الحمد لله رب العالمین... لما ذكرت فی قامعة اللجاج اختفاء وقت ظهور ابن الحسن صاحب العصر والزمان عجل الله فرجه؛

انجم: قال الثانی عشر الذی یصلی خلفه عیسی بن مریم عجل الله فرجه عند سنة یس و القرآن الحکیم و السند فیہ من العیاش الی السراج مجاهیل و کذا ابولیبید فلاحظ.

خط: نسخ، کاتب = مؤلف، تا: شنبه ۱۵ ذیقده ۱۳۱۳ق، جا: بهار همدان؛ محشی؛ کاغذ: فرنگی، جلد: تیماج سرخ مجدول، ۴۰گ (۶۱ - ۱۰۰)، ۱۶ - ۱۷ سطر (۵ × ۱۱)، اندازه: ۱۱ × ۱۸ سم [ف: ۳۱ - ۲۳۶]

مأخذ: دنا، ج ۲، ص ۳۴۴، ش ۳۸۳۷۵؛ فنخا، ج ۵، ص ۵۰۴.

● الايقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة / کلام و اعتقادات / عربی

نسخ، بی تا، ۲۲۸ برگ، [ف: ۱۳ - ۴۸].

مأخذ: دنا، ج ۲، ص ۱۴۸، ش ۳۲۹۲۶؛ فنخا، ج ۴، ص ۸۴۸.

● الامر بالعزلة فی آخر الزمان = انیس الاکیاس فی فضل الاعراض عن الناس / آداب و سنن / عربی.

ابن الوزیر، محمد بن ابراهیم، ۷۵۵ - ۸۴۰ قری

کتاب در محاسن و مزایای گوشه نشینی و عزلت و دوری از مردم در آخر الزمان، بر اساس احادیث و روایات نگاشته شده است.

[ایضاح المکون، ۱/۱۴۸؛ البدر الطالع ۶۱۰؛ الضوء اللامع ۶/۱۹۰؛ معجم المؤلفین ۸/۲۱۰؛ هدیة العارفین ۲/۱۹۰]

قم: مرعشی؛ شماره نسخه:  
۱۲۳۹۷/۵

مأخذ: دنا، ج ۲، ص ۱۶۷، ش ۳۳۴۰۵؛ و فنخا، ج ۴، ص ۹۱۷ - ۹۱۶

● ایضاح المرام فی امر الامام عجل الله فرجه / کلام / عربی

بهاری همدانی، محمد باقر بن محمد جعفر، ۱۲۷۷ - ۱۳۳۳ قری

مؤلف گوید: بعد از نگارش کتاب

حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۰۳۳ -  
۱۱۰۴ قری

تاریخ تألیف: ۲۰ ربیع الاول ۱۰۷۹ ق  
در اثبات رجعت است و دارای بیش  
از ششصد حدیث و بیش از شصت و  
چهار آیه و دلیل‌های بسیاری از  
دانشمندان و پاسخ شبهات.

آغاز: بسمله، حمدله... و بعد فبقول...  
محمد بن الحسن الحر عاملی...

انجام: کتب مؤلفها الفقیر الی الله الغنی  
محمد بن الحسن الحر عاملی عفی الله  
عنه بمنه والحمد لله وحده و صلی الله علی  
محمد وآله.

چاپ: با تصحیح مشتاق المظفر در قم  
به سال ۱۳۸۰ و نیز توسط احمد جنتی به  
فارسی ترجمه و به سال ۱۳۶۲ ش در تهران  
چاپ شده است.

[الذریعة ۲/۵۰۶ و ۵۰۷ رقم ۱۹۸۵؛ دنا  
۳۴۸/۲ (۱۰ نسخه

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۵۷۸۷ و  
شماره ۱/۱۳۷۲۳

خط: نسخ، کا: محمد قاسم بن یوسف  
بن جبر، تا: ۱۰۹۶ ق، جلد: تیماج قرمز،  
۱۹۵۵ گ، ۱۹ سطر، اندازه: ۱۱ × ۱۷ سم  
[ف: ۱۵ - ۱۷۱]

مأخذ: دنا، ج ۲، ص ۳۴۸،

ش ۳۸۴۹۲ - ۳۸۴۸۳؛ فنخا، ج ۵،  
ص ۵۲۲، ۵۲۱.

● بحار الانوار (جلد ۱۳) / حدیث -  
عقاید / عربی  
علامه مجلسی، محمد باقر بن محمد  
تقی

۱. قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۷۴۰۲  
خط: نسخ، بی کا، تا: با تاریخ ۱۱۳۶  
ق؛ جلد: تیماج قرمز، ۲۴۰ برگ، ۲۳ سطر،  
اندازه: ۱۸ × ۲۵ سم [ف: ۱۹ - ۱۹۸]  
مأخذ: فنخا، ج ۵، ص ۶۴۴ - ۶۴۵،  
ردیف: ۴۱۰.

۲. قم: مرعشی؛ عکسی، شماره  
نسخه: ۱۹۰۴

آغاز: باب ما ظهر من معجزاته  
صلوات الله علیه و فیه بعض أحواله و  
احوال سفراته.

انجام: و هذه القصة مشهورة عند اهل  
البحرین و قبر محمد بن عیسی عندهم  
معروف بیزوره الناس.

خط: نسخ، بی کا، بی تا؛ بخش‌هایی  
از نسخه به خط مؤلف است، ۱۶۰ ص،  
۲۲ سطر [عکسی ف: ۵ - ۳۴۵]  
مأخذ: فنخا، ج ۵، ص ۶۰۹،  
ردیف: ۵۴.

۳. قم: مرعشی؛ عکسی، شماره

نسخه: ۱۹۰۶

آغاز: بسمله. بحمدالله الذی وصل  
لعبادته القول بامام بعد اما لعلمهم یتذکرون  
خط: نسخ، بی‌کا، بی‌تا؛ بخش‌های  
زیادی از نسخه به خط مؤلف است،  
رکابه دار [عکسی ف: ۵-۳۴۶]  
مأخذ: فنخا، ج ۵، ص ۶۰۹، ردیف:  
۵۶.

● بحار الانوار (کتاب الفتن) /

حدیث / عربی

علامه مجلسی، محمد باقر بن محمد  
تقی

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۸۶۷  
خط: نسخ، کا: شرف الدین بن زین  
الدین نائینی، تا: شنبه دهه دوم شعبان  
۱۰۹۹ ق؛ جلد: تیماج قرمز، ۵۰۲ گ، ۲۵  
سطر، اندازه: ۵/۱۸ × ۵/۲۸ سم [ف: ۵-  
۲۴۹]  
مأخذ: فنخا، ج ۵، ص ۶۲۲، ردیف:  
۱۵۹

● بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار

الائمة الاطهار (ترجمه) / حدیث / فارسی  
ارومی، حسن بن محمد ولی، ق ۱۳  
قری

تاریخ تألیف: ۶ رجب ۱۲۹۱ ق  
این گزارش مربوط به جلد سیزدهم

کتاب بحار الانوار علامه مجلسی است  
آغاز: بسمله الحمد لله الذی جعل  
حیوة قلوب العارفين من فیضان بحار انوار  
معرفته ...

انجام: وارث برنده از پیغمبرها و  
جانشین پروردگار جهانیان ...

چاپ: ایران، سنگی، ۱۳۲۹ ق، رحلی،  
۴۳۵ ص؛ طهران، ۱۳۵۶ ق، ۳۸۰ ص؛  
دارالسلطنه تبریز، سنگی، ۱۲۶۷-۱۲۶۸،  
رحلی، ۴۶۸ ص؛ (ج ۱۳) «قسمت  
اول»: دارالخلافه طهران، سنگی، ۱۳۱۸،  
خستی، ۱+۶۳ ص؛ (ج ۳): دارالسلطنه  
تبریز، سنگی، ۱۲۶۸، رحلی، ۴۶۸ ص  
[الذریعة ۲۰/۳؛ مشارف فارسی،  
ج ۱، ص ۱۲۷۷]

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۵۱۶۶  
خط: نستعلیق، بی‌کا، بی‌تا؛ جلد:  
مقوایی عطرف تیماج قهوه ای، ۳۲۳ گ،  
مختلف السطر، اندازه: ۱۷×۲۲ سم [ف:  
۱۳-۳۷۲]

مأخذ: فنخا، ج ۵، ص ۶۹۴.

● برکات القائم لایقاظ النائم /

اخلاق / فارسی

جاجرمی، ابوالحسن بن محمد کاظم،  
ق ۱۳ قری

تاریخ تألیف: شنبه ۵ ذیقعد ۱۲۳۹ ق

مؤلف معتقد است چون ظلم باعث اختلافی امام زمان علیه السلام گردیده کتاب حاضر را در ظلم و ظالم نگاشته و به مناسبت موضوع به عدل و عادل و آیات و اخبار آن پرداخته است.

آغاز: حمدله. اما بعد بنده حقیر...

انجام: بر فرض که در حقیقت این رساله مشتمل بر تکرار یا خطا یا سهویا نسیانی باشد از ناظران امید عفودارم.

[الذریعه ۳: ۸۸؛ فهرستواره

منزوی ۶/۳۴۳]

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۱۵۶ و

شماره ۷۴۵۷

خط: نسخ، کا: میرزا بابا بروجردی، تا:

پنجشنبه ۱۳ ربیع الثانی ۱۲۴۴ق؛ جلد:

تیماج قرمز ضریبی، ۱۶۲گ، ۲۱ سطر،

اندازه: ۱۷/۵ × ۲۸ سم [ف: ۳۲۷.۳]

مأخذ: دنا، ج ۲، ص ۴۷۴،

ش ۴۱۸۶۸-۴۱۸۷۴؛ فنخا، ج ۵،

صص ۹۱۸-۹۱۹.

● البرهان فی علامات مهدی

آخر الزمان / کلام و اعتقادات / عربی

متقی، علی بن حسام الدین، ۸۸۸ -

۹۷۵ قمری

اخبار مربوط به حضرت مهدی

موعود علیه السلام و علامات آخر الزمان را که

سیوطی در کتاب «العرف الوردی» خود آورده بود به اضافه پاره‌ای از اخبار مناسب از «جمع الجوامع» سیوطی و «عقد الدرر»، در این کتاب طی یک مقدمه و سیزده باب و یک خاتمه تنظیم نموده است.

آغاز: اللهم ارنا الحق حقاً وارزقنا

اتباعه وارنا الباطل باطلا وارزقنا اجتنابه

[كشف الظنون ۱/۸۹۴؛ فهرستواره

منزوی ۹/۱۵۰]

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۵۲۳۴

خط: نسخ، کا: عبدالرحمن شمس

الدین، تا: ۴ محرم ۱۲۵۶ق، جا: شاجهان

آباد (دهلی)، محمد اسحاق؛ جلد: مقوا

بی عطف گالینگور سبز، ۶۹گ، ۱۳ سطر،

اندازه: ۱۲/۵ × ۲۱ سم [ف: ۳۱۱۴]

مأخذ: دنا، ج ۲، ص ۴۸۱،

ش ۴۲۰۴۳-۴۲۰۴۴؛ فنخا، ج ۵، ص ۹۴۴.

● بسط النور فی الامام

المستور علیه السلام = ترجمه النور فی الامام

المستور علیه السلام / کلام و اعتقادات / فارسی

بهارى همدانی، محمد باقر بن محمد

جعفر، ۱۲۷۷ - ۱۳۳۳ قمری

این کتاب ترجمه فارسی کتاب «النور

فی الامام المستور» است.

آغاز: حمدله. بعد چنین گوید خاک

پای اهل ایمان محمد باقر بن محمد جعفر

بن محمد...

● **بشارت ظهور صفویه (علایم**

الظهور) / فارسی

از: علامه مجلسی، مولی محمد باقر بن محمد تقی، (متوفی: ۱۱۱۰ هـ.ق).

آغاز: «حمدله... و بعد چنین گوید فقیر خاکسار محمد باقر بن محمد تقی...».

انجام: «وسه مرتبه می‌گویی العجل العجل یا مولای یا صاحب الزمان تمت الكتاب».

نوع خط: نسخ؛ تاریخ کتابت: پیرامون سده ۱۳ هـ.ق. نوع کاغذ: فرنگی؛ تعداد برگ: ۶۳ (۳۶-۱)؛ تعداد سطر: ۱۵؛ اندازه متن: ۷۵×۱۵/۵ سم.

ویژگی‌ها: نسخه نایابی است با یادداشتی از حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (۱۳۹۳ هـ.ق).

مأخذ: مرعشی، ج ۴۳، ص ۱۲۵-۱۲۶، شماره نسخه: «(۱/۱۷۰۰۸)».

● **بغیة الطالب فیمن رأى الامام**

الغائب = تذکرة الطالب فیمن رأى الامام الغائب / تاریخ / فارسی

بیرجندی، محمد باقر بن محمد حسن، ۱۲۷۶-۱۳۵۲ قری

چند «فصل» است در گزارش از آنان که از ولادت حضرت حجت عجله الله تعالی فرجه خبر داده یا آن حضرت را دیده‌اند.

انجام: و ملاحظه کتب آن‌ها در مهدی [ص] شود تا حال او از فرمان رسول خدا [صلی الله علیه و آله] در علم و نحو او واضح شود و الحمد لله علی التوفیق للاتمام.

[فوائد الرضویه ۴۱۸ ص؛ الذریعه ۱۰۹/۳]

۱. قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۲۳۶۵

خط: شکسته نستعلیق، کاتب = مؤلف، تا: چهارشنبه ۲ محرم ۱۳۱۸ ق؛ کاغذ: فرنگی، جلد: برون تیماج قرمز، ۱۰۳ گ، ۱۴-۲۳ سطر (۷×۱۳/۵)، اندازه: ۱۱×۱۸ سم [ف: ۳۱-۲۵۸]

۲. قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۲۳۶۴

خط: نسخ، کاتب = مؤلف، تا: ۱۳ محرم ۱۳۱۸ ق، جا: همدان؛ به خط مؤلف، کاغذ: فرنگی، جلد: برون تیماج قرمز، درون کاغذ کبودی، ۱۱۴ گ، ۲۳ سطر (۷×۱۳/۵)، اندازه: ۱۱×۱۸ سم [ف: ۳۱-۲۵۷]

مأخذ: دنا، ج ۲، ص ۴۷۴، از ش: ۴۱۸۷۴-۴۱۸۷۴؛ فنخا، ج ۵، ص ۹۹۴-

۹۹۵-

چاپ: مشهد، ۱۳۴۲ق

آغاز: الحمد لله الذی نور قلوبنا بمعرفة الامام الهمام القائم.

انجام: بسیار ز آنچه گفته شده از علاءش × × بنموده روی در سرباقی شتاب کن

۱. قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۳۴۱۳

خط: نستعلیق، کاتب = مؤلف، بی تا؛ جلد: مقوایی عطف تیماج مشکی، ۸۰ گ، مختلف السطر، اندازه: ۱۱ × ۱۶/۵ سم [ف: ۱۹۶.۹]

۲. قم: مرعشی؛ شماره نسخه:

۳۴۱۷/۲

خط: نسخ، کا: محمد حسین چهکندوکی، بی تا: بخط مؤلف تصحیح و اضافه شده؛ جلد: تیماج قرمز بدون مقوا، ۶۳ گ (۴۲ پ - ۱۰۴ ر)، اندازه: ۱۶/۵ × ۲۱ سم [ف: ۲۰۲ - ۹]

مأخذ: دنا، ج ۲، ص ۵۱۷، ش ۴۲۹۹۶

- ۴۲۵۹۹۷؛ فنخا، ج ۶، ص ۷۴

● **البلغة فی اعتبار اذن الامام فی شرعية صلاة الجمعة / فقه / عربی [۲ نسخه].**

کرکی، حسن بن علی (ق ۱۰ق)

(قم - مرعشی، شماره نسخه:

۱۱۱۱۴/۴)

نسخ و نستعلیق / محمد شریف بن

محمد باقر، بفروئی یزدی / قرن ۱۳ / ۱۸ برگ (۳۳ تا ۵۰) / [ف: ۲۸ - ۱۷۲].

مأخذ: دنا، ج ۲، ص ۵۲۸،

ش ۴۳۲۶۲ و ۴۳۲۶۳

● **تحفة المهتدين / کلام و اعتقادات**

/ فارسی

زیدپوری، مهدی حسین

کتابی است کلامی در اثبات امامت حضرت امیر المؤمنین علی عليه السلام، فصل ششم: بیان ده حدیث که نص بر امامت امام دوازدهم است.

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۴۷۵۸

آغاز: بسمله، الحمد لله... از آن جا که توصیف پادشاهان زمان که از موالیان اهل بیت سید انس و جان است.

انجام: پس ثابت شد اجماع انصار و بنی هاشم و سلمان و ابوذر و غیره بر اقدمیت علی بن ابیطالب و استحقاق خلافت آن حضرت...

خط: نستعلیق، بی کا، تا: حدود

قرن ۱۲؛ افتادگی؛ انجام؛ کاغذ؛ شرقی، جلد: مشمع مشکی، ۲۳۰ گ، ۱۲ سطر

(۱۱ × ۲۰)، اندازه: ۱۸ × ۲۶/۵ سم [ف:

۳۷ - ۳۵۲]

مأخذ: دنا، ج ۲، ص ۱۰۰۶،

ش ۵۶۱۶۵؛ فنخا، ج ۷، ص ۶۳۸

● **التبيان في بيان ليلة النصف من**

**شعبان وليلة القدر من رمضان = ليلة القدر**

قاری هروی، علی بن سلطان محمد هروی، (متوفی: ۱۰۱۴ هـ ق).

رساله‌ای در ذکر فضایل ماه شعبان و شمه‌ای از اعمال وارده در آن از طریق عامه می باشد.

آغاز: «الحمد لله الذي قدر الارزاق و الآجال و دبر امور العباد من الاحوال و الافعال».

انجام: «واقمنا على جادة الاستقامة...».

خط: نسخ؛ تاریخ کتابت: پیرامون سده ۱۳ هـ ق؛ نوع کاغذ: فرنگی، تعداد برگ: ۵ (۲۸-۲۴)؛ تعداد سطر: ۲۹، اندازه متن: ۱۸×۹/۵ سم. [هدیه العارفين: ۱/۷۵۱]

مأخذ: مرعشی، ج ۴۳، ص ۱۵۸، شماره نسخه: «(۱۷۰۳۵/۳)»؛ وج ۲۳، شماره نسخه «(۹۰۲۷/۱۳)».

● **ترجمه جزیره خضراء = حکایت**

بجربالبيض و جزیره خضراء/ عقاید/ فارسی از: ناشناخته.

آغاز: «الحمد لله كثيراً لوليه و الصلوة و السلام على من صلى الله عليه و الملائكة

صلوة كثيرة».

انجام: «تمت هذه الرسالة بجربالبيض و جزيره خضراء».

گزارش متن: اصل عربی این رساله از «مجد الدين فضل بن يحيى بن على» است که تمامی آن در جلد ۱۳ بحار الانوار درج گردیده است.

نوع خط: نستعلیق، تاریخ کتابت:

پیرامون سده ۱۲ هـ ق، نوع کاغذ: شرقی، تعداد برگ: ۲۸ (۲۱۰-۲۳۷)، تعداد سطر: ۱۲، اندازه متن: ۱۲/۵×۶ سم، اندازه جلد: ۱۶×۱۰ سم، نوع جلد: چرم قهوه‌ای ضربی فرسوده.

مأخذ: مرعشی، ج ۴۳، ص ۲۳۰، شماره نسخه: «(۱۷۰۷۷/۷)».

● **تظهير الحصر و البواری و صرف**

**مال الامام حال الغيبة = مسئلتان / فقه / عربی**

عاملی، حسین بن عبدالصمد، ۹۱۸ - ۹۸۴ قمری

تاریخ تألیف: پنجشنبه ۲ ذیحجه ۹۶۸ ق

هل يجوز صرف سهم الامام من الخمس على السادة.

آغاز: الحمد لله كما ينبغي لجلاله و جماله و بعد فيقول فقير رحمة الله الغني

۲۳۰/۴

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۷۲۶/۲؛

۲۵۲۵/۱

خط: نسخ و نستعلیق، کا: محمد بن

حسین خراسانی، بی تا؛ جلد: تیماج

مشکی، ۳۵ گ (۴۴ پ - ۷۸ ر)، اندازه:

۱۵/۵ × ۲۱ سم [ف: ۳۲۰۲]

مأخذ: فنخا، ج ۸، ص ۵۲۹.

● تکلیف زمان غیبت حضرت مهدی

- صلوات الله علیه / کلام و اعتقادات /

فارسی

بحث کوتاهی در تکلیف زمان غیبت و

بررسی برخی از علائم ظهور می باشد.

قم: مرعشی؛ شماره نسخه

۱۲۳۰۸/۳

آغاز: الحمد لله رب العالمین... و بعد

چون حضرت خاتم الانبیاء (ص)، در

حق حضرت خاتم الاوصیاء.

انجام: امیرالمؤمنین ع فرموده است

لا یزال مردم گم می نمایند حتی خدا گفته

نمی شود تا آخر خبر و فقنا الله تعالی.

خط: نستعلیق، بی کا، تا: قرن ۱۴؛

مصحح: کاغذ: فرنگی، جلد: تیماج

مشکی، ۸ گ (۹۳ - ۹۹)، ۱۶ ۱۷ سطر

(۶ × ۱۳)، اندازه: ۱۱ × ۱۸ سم [ف: ۳۱ -

[۱۸۰

حسین بن عبدالصمد الجبایعی انجام...:

احسن الله حاله و ماله.

چاپ: مجله فقه اهل بیت، شماره ۳۴

قم: مرعشی؛ شماره های نسخه:

۱۵۱۷۲/۳؛ ۱۱۹۸/۳؛ ۸۰۳۲/۱؛

۱۲۹۶/۴؛ ۹۰۷۸/۲؛ ۷۴۴/۲؛

۷۳۷۱/۵

مأخذ: دننا، ج ۳، ص ۱۹،

ش ۶۱۵۳۲ - ۶۱۵۴۷؛ فنخا، ج ۸،

صص ۳۴۴ - ۳۴۵.

● تفریح الکرية عن المنتقم لهم فی

الرجعة = اثبات وجوب الرجعة و تفریح

الکرية / کلام و اعتقادات / عربی

حسینی کاظمی، محمود بن فتح الله،

ق ۱۱ قری

تاریخ تألیف: ۱۰۷۹ ق؛ محل تألیف:

نجف اشرف

در پاسخ گفته های برخی که می گفتند

رجعت در کتاب و سنت یاد نشده است

نوشته و در آن رجعت را اثبات کرده

آغاز: بسم الله. الحمد لله ملهم الصواب

ومن الیه المرجع و المآب...

انجام: من الظالمین لاهل بیت محمد

صلوات الله علیهم اجمعین و الحمد لله رب

العالمین.

[الذریعه ۱/۹۴؛ اثبات الرجعة، همانجا،





۹ص، ۱۸سطر [عکسی ف: ۳- ۹۴]

قم: مرعشی؛ شماره‌های نسخه:

۱/۱۳۱ عکسی و ۱۰۴۲ عکسی و ۱۴۳۱ و

۲/۱۰۹۴۳ و ۱۵۵۹ عکسی و ۱۱۸ عکسی

و ۷۰۲/۱ و ۱۱۲۷ عکسی

مأخذ: دنا، ج ۳، ص ۲۹۴،

ش ۶۸۲۴۵ و ۶۸۲۴۹؛ فنخا، ج ۹،

ص ۱۴۸، ۱۴۹

● **توقيع العسكري** = رسالة العسكري

إلى على بن بابويه القمي / حديث /

عربي

حسن بن علي عليه السلام، امام يازدهم،

۲۳۲ - ۲۶۰ قری

مرقومه‌ای از حضرت امام حسن

عسکری عليه السلام است که به شیخ اجل علی

بن حسین بن بابویه قمی پدر شیخ

صدوق در بیان وظایف آن جناب و سائر

شیعیان مرقوم فرموده‌اند.

انجام: والسلام عليك وعلى جميع

شيعتنا ورحمة الله وبركاته وحسبنا الله و

نعم الوكيل.

چاپ: تهران، سنگی، بی‌ناشر،

۱۳۰۳ق، رحلی، ۱۳ص (صص ۱۱۹ -

۱۳۱)

[الذريعة ۴/۵۰۰؛ جمع پریشان ۱/۲۵؛

دانشنامه جهان اسلام ۸/۵۷۷]

مأخذ: دنا، ج ۳، ص ۲۸۱،

ش ۶۷۸۸۱؛ فنخا، ج ۹، ص ۱۱۱

● **تلخيص البيان في علامات مهدى**

آخر الزمان / كلام واعتقادات / عربي

متقی، علی بن حسام الدین، ۸۸۸ -

۹۷۵ قری

رساله مختصری است در علامت‌های

مهدی آخر الزمان عليه السلام

آغاز: بسمله وحمدله... اما بعد فهذه

نبذة من علامات المهدى نحو سبعين

حديثاً فصاعداً محذوفة الاسانيد...

انجام: ثم تقوم القيمة والعلم عند الله

تعالى والحمد لله...

چاپ: در ضمن مجله الهادی (سال

هفتم، شماره دوم)، به همت دارالتبلیغ قم

[هدية العارفين ۱/۷۴۶؛ ايضاح

المكتون ۱/۳۱۸؛ اهل البيت فى المكتبة

العربية: ۹۹-۱۰۲؛ كشف الظنون: ۱/۳۱۸؛

الفهرس الشامل للتراث العربى الاسلامى

المخطوط، الحديث النبوى وعلومه:

۱/۴۰۶؛ الاوقاف العامة موصل ۲/۲۳۱؛

فهرست المخطوطات العربية بالمكتبة الملكية

فى برلين، «وليم الورد: ۹/۶۰۸]

نسخه اصل: کتابخانه ملی برلین، آلمان،

ش ۱۰۳۴۷

خط: نسخ، بی‌کا، تا: احتمالاً قرن ۱۲؛

قم: مرعشی؛ شماره‌های نسخه:  
۱۲۵۸۹/۵۶ و ۱۴۰۱۹/۱ و ۱۴۹۸۵/۷ و  
۱۰۹۶۹/۷

مأخذ: دنا، ج ۳، ص ۷۲۶،  
ش ۷۱۸۶۸ - ۷۱۸۵۴؛ فنخا، ج ۹،  
ص ۵۱۶ - ۵۱۷

● **توقيع امام العصر** ع **الشیخ المفید** = نامه امام عصر به شیخ  
مفید / نامه نگاری / عربی

محمد بن حسن ع، امام دوازدهم،  
۲۵۶ قمری

نامه معروفی است از سوی حضرت  
امام عصر ع به شیخ مفید (ره).  
امام ع در این توقيع، ضمن تعریف و  
تمجید از شیخ مفید سفارشاتى را برای وی  
و شیعیان خود نموده است، گفته شده که  
امام ع سه توقيع به شیخ مفید داده  
است.

چاپ: این توقيع از سوی انتشارات  
مسجد مقدس جمکران همراه کرامات امام  
عصر ع به چاپ رسیده است.

قم: مرعشی؛ شماره نسخه:  
۱۴۹۸۵/۸

آغاز: بسمله، اما بعد سلام عليكم ايها  
الولى الخلف فى الدين.

انجام: هذا كتابنا اليك ايها الاخ

الولى... وارضى جماعتهم بالعمل عليه، ان  
شاء الله.

خط: شکسته نستعلیق، بی کاه، تا:  
اواخر قرن ۱۲؛ کاغذ: فرنگی، آگ (۹۶)،  
۱۷ سطر، اندازه: ۹×۱۰سم [ف: ۳۷ -  
[۶۵۹

مأخذ: دنا، ج ۳، ص ۴۲۷،  
ش ۷۱۸۷۱ - ۷۱۸۶۹؛ فنخا، ج ۹،  
ص ۵۱۶

● **الجزيرة الخضراء** = حکایة جزيرة  
الخضراء / داستان / عربی

طیبی، فضل بن یحیی، قرن ۷ ق  
تاریخ تألیف: شعبان ۶۹۹ق؛ محل  
تألیف: کربلا

حکایتی درباره جزیره خضراء (مثلث  
برمودا) است که گفته شده در دریای  
سفید واقع است.

آغاز: الحمد لله الذى هدانا للمعرفة و  
الشكر له على ما منحننا للاقتداء بسنن  
سيد بريته

انجام: هذا آخر ما سمعته من الشيخ  
التقى... محمد وآله الطاهرين المعصومين و  
سلم تسليماً كثيراً.

[الذريعة ۱۰۵/۵؛ نسخه‌های  
منزوی ۳۶۵۸ و ۳۶۶۷ و ۵۵۷/۲]

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۲۰۶۰/۴

الخضراء = الجزيرة الخضراء / عقاید /

عربی

از: شیخ احمد بن زین السدین  
احسائی، (۱۲۴۱ق).

آغاز: «يقول العبد... قد ورد على خط  
من الشيخ موسى البحراني ساكن مشهد  
الكاظم عليه السلام»

انجام: ولأن المشاهدة تطرد العاصفیر  
بقطع الشجرة الا باليقين، والحمد لله رب  
العالمین...».

این رساله در جلد اول جوامع الكلم،  
ص ۲۳۵ - ۲۳۶ به عنوان «موسویه» و  
در جلد دوم، ص ۲۶۹ - ۲۷۰ به عنوان  
«رساله شیخ موسی بحرانی» به چاپ  
رسیده است.

خط: نسخ، کاتب: علی بن عباس بن  
علی کرزکانی بحرانی، تاریخ: پیرامون  
اواخر سده ۱۳ هـ ق، کاغذ: فرنگی، تعداد  
برگ: ۴ (۲۰۳ - ۲۰۶)، تعداد سطر: ۱۹،  
اندازه متن: ۱۰ × ۱۶ سم.

[جوامع الكلم: ۱/ ۲۳۵، ۲/ ۹۶۹؛  
فهرست کتب مشایخ عظام: ۲/ ۱۴۴؛  
ریحانه الادب: ۱/ ۷۸].

مأخذ: مرعشی، ج ۴۰، ص ۱۸۱،  
شماره نسخه: «(۱۵۸۰۳/۷)»؛ وج ۲۳،  
شماره «(۸۸۷۱/۴)»

خط: نسخ، کا: محمد فرزند شمس  
الدین محمد فرزند محمد فرزند عبدالرحمن  
رودسری، تا: اواخر شعبان ۱۰۸۲ق، جا:  
کاظمین؛ کاغذ: شرقی، گ ۷ (۵۹ - ۶۵)،  
اندازه: ۹ × ۱۷ سم [ف: ۴۵۱۳۰]  
مأخذ: دنا، ح ۳، ص ۳۶۵ - ۳۶۶؛  
فنخا، ح ۱۰، ص ۹۵ - ۹۶

● **جواب مسألة فی الرجعة / کلام و**  
اعتقادات / عربی  
احسائی، علی نقی بن احمد، - ۱۲۴۶  
قری

آغاز: قال سلمه الله تعالى ما يقول  
شيخنا في الرجعة المعلوم ثبوتها...  
انجام: فان كان مؤمناً مزجت طينته  
بصافي تراب الارض.

قم: مرعشی؛ شماره نسخه:  
۱۲۷۴۵/۴

خط: نسخ: بی کا، تا: اواخر قرن ۱۳ یا  
اوایل قرن ۱۴؛ کاغذ: فرنگی، جلد:  
فرنگی، گ ۶ (۱۱۲ - ۱۱۷)، ۱۱ سطر،  
اندازه: ۱۰ × ۱۵ سم [ف: ۳۲ - ۳۹۴]  
مأخذ: دنا، ج ۳، ص ۱۰۳۷،  
ش ۷۳۰۲۷ - ۸۳۰۲۸؛ فنخا، ج ۱۰،  
ص ۹۰۴.

● **جواب مسئله الشيخ موسی**  
البحرانی = الموسویة = حول الجزيرة

● الجواهر العبقريّة في الرد على  
التحفة الاثني عشرية / كلام واعتقادات  
فارسی /

موسوی شوشتری، محمد عباس بن  
علی اکبر، ۱۲۲۴ - ۱۳۰۶ قمری

پاسخی است مفصل از باب دوازدهم  
کتاب «التحفة الاثني عشرية» شاه  
عبدالعزیز دهلوی این باب در غیبت  
حضرت مهدی علیه السلام بحث می کند.

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۰۱۶

آغاز: الحمد لمثبت الحق ومزیل  
الباطل والصلاة علی الدعاة الی سبیل  
النجاة.

انجام: رب اغفر لی ولوالدی ولمن  
دخل بیتی مؤمناً وللمؤمنین والمؤمنات و  
لا تزد الظالمین الا تباراً.

خط: نستعلیق، کا: علی بن میرزا محمد  
تقی خان، تا: سه شنبه ۳ شعبان ۱۳۱۰ ق،  
جا: لکهنو؛ جلد مقوا، عطف تیماج قهوه  
ای، ۱۱۴ گ، ۱۵ سطر، اندازه: ۲۴×۱۶ سم  
[ف: ۳ - ۲۱۲]

مأخذ: دنا، ج ۳، ص ۱۰۸۰، ش  
۸۴۱۳۳؛ فنخا، ج ۱۱، ص ۶۶.

● جوهر مخزون / کلام و  
اعتقادات / فارسی

شاهرودی خراسانی، محمد علی بن

محمد کاظم، ۱۲۹۳ قمری

رساله ای در اسرار عصمت و ولایت و  
رجعت اهل بیت علیهم السلام.

قم: مرعشی؛ شماره نسخه:  
۲۸۳۴/۱

آغاز: حمد حامدین تحفه درگاه قدس  
اکتناه رب العالمین وفاطر السماوات و  
الارضین.

انجام: أو غایر عرفه من قبله علی ذلك  
لسلت القرون ومضت الدهور - الخ

خط: نستعلیق، بی کا، بی تا؛ جلد:  
مقوایی عطف تیماج قهوه ای، ۱۵۱ گ  
(پ ۱ - ۱۵۱ ر)، اندازه: ۲۰×۱۴ سم [ف:  
۸ - ۳۹]

مأخذ: دنا، ج ۳، ص ۱۱۲۳، ش  
۸۵۳۴۹؛ فنخا، ج ۱۱، ص ۱۷۷ - ۱۷۸.

● حدیث مفضل بن عمر جعفری در  
رجعت ائمه و ظهور حضرت حجت علیه السلام  
(ترجمه) / حدیث / فارسی.

چاپ: تهران، سنگی، ۱۲۷۱، وزیر  
کوچک

[الذریعه ۹۷/۴؛ ریحانة الادب  
۱۹۱/۵]

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۵۰۱۰/۱  
آغاز افتاده: در باب قیام آن حضرت  
نازل شده است و هر که برای ظهور مهدی

وقت معین قرار دهد.

انجام: و این حدیث از این طولانی تر  
و به این که مناسب مقام است اکتفا  
کردیم.

خط: نستعلیق، بی‌کا، تا: قرن ۱۳؛  
افتادگی: آغاز: مصحح، مجدد؛ کاغذ:  
فرنگی، ۱۶ گ (۱-۱۶)، ۱۵ سطرو، اندازه  
۱۰×۱۶ اسم [ف: ج ۳۸ ص ۲۸]

مأخذ: دنیا، ج ۴، ص ۵۷۴،  
ش ۱۰۸۵۹-۱۰۶۶۵؛ فنخا، ج ۱۲،  
ص ۸۱۷

### ● حکایة بحر الأبیض و جزیرة

الخضراء / داستان / عربی

داستانی است در خصوص حضرت  
امام عصر علیه السلام

قم: مرعشی؛ شماره نسخه:  
۱۵۵۰۶/۲۳

آغاز: بسمله، روی محمد بن مسعود  
بن عیاش السلمی رضی الله عنه، فی  
تفسیره

انجام: و هذا آخر ما سمعته من الشيخ  
الصالح التقى والفاضل الزكى على بن  
فاضل المذكور...

خط: نسخ، کا: محمد هادی بن محمد  
مؤمن، تا: رمضان ۱۰۶۶ق؛ کاغذ: شرقی،  
۱۰ گ (۲۴۷ پ - ۲۵۶ پ)، سطور

چلیپایی، اندازه: ۸ × ۱۸ اسم [ف:  
۳۶۸۳۹]

مأخذ: دنیا، ج ۴، ص ۷۱۳ -  
ش ۱۰۴۷۲۴؛ فنخا، ج ۱۳، ص ۲۱۰

### ● الخمس فی حال الغیبة و حکمة غیبة الامام / ققه / عربی

خواجوهی، محمد اسماعیل بن  
حسین، - ۱۱۷۳ قمری

رساله‌ای استدلالی در برخی احکام  
خمس در زمان غیبت امام عصر (عج)

آغاز: الحمد لله الذی جعل اخراج  
الخمس مفتاحاً للرزق...

انجام: وجعلنا من الذین تقر أعینهم  
غداً برؤیته فی امارته و دولته...

چاپ: در مجموعه اولی از رسائل فقهیه  
مؤلف چاپ شده است.

قم: مرعشی؛ شماره نسخه:  
۱۷۱۱۹/۳؛ ۵۵۶۵/۱

خط: نستعلیق، کاتب = مؤلف، بی‌تا؛  
جلد: تیماج مشکی، ۲۶ گ (۲ پ -

۲۷ ر)، اندازه: ۵/۱۰ × ۱۶ اسم [ف: ۱۴ -  
۳۲۴]

مأخذ: ج ۴، ص ۱۰۰۶، ش: ۱۱۲۶۰۰ -  
۱۱۲۶۰۳؛ فنخا، ج ۱۴، ص ۵۶ - ۵۷.

● دجال = ظهور دجال / کلام و  
اعتقادات / فارسی

رساله کوتاهی است در خروج دجال و معرفی آن

قم: مرعشی: شماره نسخه: ۱۴۸۴۳/۵

آغاز: بدان که یکی از فتنه‌های آخرالزمان دجال است که قبل از ظهور حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه خروج خواهد کرد؛ انجام: بعد از انقضای ملك حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه ظاهر خواهد شد و متصل به قیام خواهد بود...

خط: نستعلیق؛ کا: محمد قلی صفوی موسوی حسینی، تا: محرم ۱۰۹۱ق، جا: اردبیل؛ کاغذ: شرقی، ۲گ (۴۲۸ر- ۴۲۹پ)، ۲۳ سطر، اندازه: ۳ × ۲۲سم [ف: ۳۷ - ۴۵۵]

مأخذ: دنیا، ج ۴، ص ۱۰۹۴، ش ۱۱۴۴۰۸ - ۱۱۴۴۰۷، فنخا، ج ۱۴، ص ۲۹۷.

عربی  
● الدرر الغیبیة / کلام و اعتقادات /

بارفروشی مازندرانی، محمد بن مقیم، ۱۱۹۶ - ۱۲۸۱ قمری  
تاریخ تألیف: ۱۲۶۰ق

رساله‌ای در غیبت حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه و علامت‌های قیامت و نفخ

صو و بعضی از اسرار آن حضرت استفاده شده از آیات کریمه و احادیث شریفه.

آغاز: حمدله، وان الذات لا بشرط لا ولا بشرط شیعی

انجام: ان انتفت الحاجة لثما الثلثین و ثبوت الغرة يوم الشروع فی الرسالة.

قم: مرعشی: شماره نسخه: ۳۴۳۷/۲

خط: نستعلیق نازیبا، کا: یعقوب بن مقیم بارفروشی مازندرانی، تا: قرن ۱۳؛ افتادگی: آغاز: جلد: تیماج قهوه‌ای، ۴۰گ (۴۷ر - ۸۶ر)، اندازه: ۱۷ × ۲۲سم [ف: ۹ - ۲۲۳]

مأخذ: دنیا، ج ۴، ص ۱۱۴۹، ش ۱۱۵۷۸۷ - ۱۱۵۷۸۸؛ فنخا، ج ۱۴، ص ۴۳۸.

● ذیل کتاب النور فی الامام المستور عجل الله فرجه / کلام و اعتقادات / عربی

بهارى همدانى، محمد باقر بن محمد جعفر، ۱۲۷۷ - ۱۳۳۳ قمری

تاریخ تألیف: ۲ صفر ۱۳۱۶ق  
مؤلف پس از نگارش کتاب النور فی الامام المستور گویا مورد نقد قرار می گیرد، این کتاب در واقع پاسخ آن ایرادات



است. آغاز: و الحمد لله رب العالمين نقلت من كتاب مختصر البصائر تأليف سعيد بن عبدالله بن ابى خلف القمى رحمه الله. انجام: فهذه الامور هي من الفواحش داخله فى جملتها ولكنها اعظم الفواحش لانه ذكرها باسماؤها والحمد لله رب العالمين.

[الذريعة: ١٦/١٠؛ كشف الحجب ٢٤٣؛ مكتبة اميرالمؤمنين ٥٠١/٢؛ فهرستگان حديث ٨٤/٤ - ٨٥]

قم: مرعشى؛ شماره نسخه: ٥٣٣  
 مأخذ: دنا، ج ٥، ص ٥٦٩؛  
 ش ١٣٣٤٣٩ - ١٣٣٤٤٤؛ فنخا؛ ج ١٦،  
 ص ٣٢١

● الرجعة و ظهور الحجة و الاخبار  
 الماثورة فيها عن آل العصمة = اثبات  
 الرجعة / كلام و اعتقادات / عربى

حسينى استرآبادى، محمد مؤمن بن  
 دوست محمد، - ١٠٨٨ قمرى  
 تاريخ تأليف: پايان رجب ١٠٦٩ ق؛  
 محل تأليف: مکه

احاديث و روايت هايى كه درباره  
 رجعت ائمه عليهم السلام وارد شده، بنابه  
 درخواست يکى از دوستان از کتب قدما  
 گردآورده.

آغاز: بسمله و حمدله... اما بعد فقد

آغاز: حمدله... و بعد فيقول الراجى...  
 لما عثرت على بعض كلمات على  
 الأحاديث...

انجام: والحمد لله أولاً و آخراً و ظاهراً و  
 باطناً على نعمه و آياته و الصلاة على نبيه  
 محمد و آله.

[معجم المؤلفين ٩٢/٩؛  
 الذريعة ٥١/١٠]

١. قم: مرعشى؛ شماره نسخه:  
 ١٢٣١٣/٣

خط: شکسته نستعلیق، کاتب: مؤلف،  
 تا: ارجب ١٣٢١ ق، جا: همدان؛ کاغذ:  
 فرنگی، جلد: تیماج قرمز، ٥٢ گ (١٤٨ -  
 ١٩٩)، ٢١ - ٢٢ سطر (١٤٠٧)، اندازه:  
 ١٢ × ١٩ سم [ف: ٣١ - ١٨٧]

٢. قم: مرعشى؛ شماره نسخه:  
 ١٢٢٧٨/٢ و ١٢٣٠٦/١

مأخذ: دنا، ج ٥، ص ٥٢٠؛ فنخا،  
 ج ١٦، ص ٨٣.

● الرجعة و الرد على اهل البدعة =  
 اثبات الرجعة / كلام و اعتقادات / عربى

حلى، حسن بن سليمان، ق ٨ قمرى  
 در اين دفتر مسأله رجعت و بازگشت  
 مردگان را در همين جهان آن چنان كه در  
 خبرهاى شيعى آمده است روشن نموده.

سئلتی بعض من لا یسعی رده تألیف  
مختصر مشتمل علی مسائل الرجعة.  
انجام: واللہ اعلم بحقیقة المقال... و  
مصلیا علی نبیہ وآلہ الطاہرین.

[الذریعة ۱۰/۱۶۳؛ کشف  
الحجب ۲۶۳؛ مکتبة امیرالمؤمنین ۵۰۱/۲؛  
فهرستگان حدیث ۴/۸۴ - ۸۵]

قم: مرعشی؛ شماره های نسخه:  
۴۷۶۲/۳؛ ۶۶۶۵/۲؛ ۱۵۹۰۶/۲؛ ۱۴۸۵  
۱۵۵۴

مأخذ: دنا، ج ۵، ص ۵۷۰،  
ش ۱۳۳۴۴۶ - ۱۳۳۴۷۰؛ فنخا، ج ۱۶،  
صص ۳۲۴، ۳۲۲

● الرجعة / حدیث / عربی

گیلانی، سلیمان بن محمد، ق ۱۱  
تاریخ تألیف: ۱۰۸۹ق

در ۳۹ فصل کوتاه است جامع آیات و  
احادیثی درباره رجعت معصومین علیهم السلام، با  
شرح بعضی از جمله ها که احتیاج به بسط  
و شرح داشته است.

قم: مرعشی؛ شماره نسخه:  
۵۱۲۷/۳

آغاز: الحمد لله الذي جعلنا من الامة  
المرحومة الذين هم ارباب الكرامة؛ انجام:  
وهذا بعد انقطاع تعمير الدنيا وبعد هذا  
يفعل الله ما يشاء ويصنع ما يريد...

خط: نسخ و نستعلیق، کاتب = مؤلف،  
بی تا؛ محشی از مؤلف؛ جلد: مقوایی،  
گ ۶۳ (۱۷ پ - ۷۹ ر)، اندازہ:  
۱۸ × ۲۰/۵ سم [ف: ۱۳ - ۳۳۲]

مأخذ: فنخا، ج ۱۶، ص ۳۱۹.

● الرجعة / کلام و اعتقادات / عربی

بجرانی، احمد بن صالح، ق ۱۳ قری  
با دو دلیل نقلی و عقلی اثبات رجعت  
و بازگشت ائمہ طاهرین علیهم السلام به دنیا  
می نماید. بخش نقلی مفصل تر و روایات  
بسیاری از طریق شیعه و سنی به جهت  
تأیید موضوع نقل می کند.

قم: مرعشی؛ شماره نسخه:  
۲۳۵۸/۱۲

آغاز: ولا حول ولا قوة الا بالله... ان  
من انفس ما تصرف فيه الاعمار معرفة  
صفات الائمة.

انجام: فالقول بها من خواصهم التي  
انفردوا بها وامتازوا عن جميع فرق الامة.

خط: نسخ، کا: زرع بن محمد علی بن  
حسین بن زرع خطی بجرانی، تا: قرن ۱۳؛  
جلد: تیماج قرمز، ۳۳ گ (۱۷۶ پ -  
۲۰۸ پ)، اندازہ: ۱۵/۵ × ۲۱ سم [ف: ۶ -  
۳۳۸]

مأخذ: فنخا، ج ۱۶، ص ۳۱۹.

● رجعت / کلام و اعتقادات / فارسی



[۶۰/۳۷]

قم: مرعشی، شماره نسخه: ۲۰۹/۱  
 آغاز: الحمد لله... چون برکافه ارباب  
 فطنت و زکاء و عامه اصحاب بصیرت  
 و اعتلا ظاهر و هوی داست...

انجام: و هزار گناه از نامه عمل او محو  
 نماید و دعا این است...

کتاب اول: نستعلیق محمد سلمان بن  
 عبدالباقی گلپایگانی، در سنه ۱۰۸۳ ق.

جلدی نفیس دارد. ۲۰ برگ، [۱۷۱-  
 ۱۹۹]

مأخذ: قم: مسجد اعظم، فهرست  
 خطی، ج ۴، ص ۸.

● رجعت = علائم الظهور = ترجمه و

شرح چهارده حدیث / عقاید / فارسی  
 از: علامه مجلسی، محمد باقر بن محمد  
 تقی مجلسی، (۱۱۱۰ ق).

نسخه موجود، حدیث یازدهم رساله  
 می باشد که از سوی این کتابخانه بزرگ با  
 تحقیق محقق گرامی حجة الاسلام و  
 المسلمین آقای سید مهدی رجایی به  
 چاپ رسیده است.

آغاز: «محمد بن بابویه و جعفر بن  
 قولویه و محمد بن ابراهیم نعمانی، رضی  
 الله عنهم...».

انجام: «و هر که بسط کلام در این

چند آیه و حدیث که می توان بدان ها  
 بر رجعت استدلال نمود، در این رساله  
 گرد آورده شده و ترجمه و تفسیر می شوند؛

قم: مرعشی؛ شماره نسخه:  
 ۸۷۰۳/۲

آغاز: بدان ثبتك الله على الصراط  
 المستقیم که اعتقاد فرقه ناجیه امامیه  
 رضوان الله علیهم در رجعت که عبارت  
 است از مراجعت بدنیا.

انجام: که ذکر آن ها مقتضی تطویل  
 است، من أراد الاطلاع علیها فلیرجع الی  
 كتب الحدیث.

خط: نسخ، کا: محمود بن محمد رضا  
 بیدگلی کاشانی، تا: ۲۳ صفر ۱۲۸۵ ق؛  
 جلد: تیماج قهوه‌ای، ۱۰ آگ (۴۰ پ -  
 ۴۹ ر)، ۱۵ سطر، اندازه: ۱۰ × ۱۴/۵ سم  
 [ف: ۲۲ - ۲۴۶]

مأخذ: فنخا، ج ۱۶، ص ۳۲۰.  
 ● رجعت: / عقاید / فارسی

از: محمد باقر بن محمد تقی مجلسی (-  
 ۱۱۱۰ ق)

احادیث مربوط به بازگشت و رجعت  
 پیامبر و ائمه اطهار را به این دنیا گرد آورده و  
 آنها را ترجمه و شرح نموده است.

[کتابشناسی مجلسی، ص ۲۳۷؛  
 الذریعة، ۱/ ۹۰ و ۶۸/۱۳؛ مجلس

باب خواهد، رجوع نماید به کتاب  
بجاراتانوار».

بنگريد به نسخه شماره «۱۲/۱۸۷»  
گزارش شده در جلد «۱» همین فهرست.  
برای توضیح بیشتر به شماره  
«۲/۱۵۰۱۰» همین فهرست رجوع شود.

خط: نستعلیق، تاریخ کتابت: پیرامون  
سده ۱۱ ق، نوع کاغذ: فرنگی، تعداد  
برگ: ۳ «۸۸ ب-۹۰ الف»، تعداد سطر:  
چلیپا، اندازه متن:  
۱۸/۵ × ۱۸/۵ سانتیمتر.

[الذریعة: ۳۰۸/۱۵؛ ریحانة الادب:  
۱۹۱/۵]

مأخذ: قم، مرعشی، [ف: ج ۳۹،  
ص ۲۳۸]، شماره نسخه: ۱۵۴۴۱/۳.

● رسالة الامام المهدي للدين  
محمد ابی القاسم / - عربی

قم؛ مرعشی؛ شماره نسخه:  
۱۵۷۳/۲ عکسی

آغاز: بسمله و حمدله... اما بعد فکتابنا  
هذا الى كافة الاخوان الاعلام والشیعة  
الفضل الكرام.

نسخه اصل: در یکی از کتابخانه‌های  
بین

خط: نسخ، بی‌ک، بی‌تا؛ ص (۵۳)  
- (۵۴)، ۲۴ سطر [عکسی ف: ۵۱۵۴]

مأخذ: فنخا، ج ۱۶، ص ۴۵۸.

● الرضية الحسينية فی شرح  
العريضة المهدويه / کلام واعتقادات /  
عربی [۳ نسخه].

تفرشی، مراد بن علی (۹۶۵-۱۰۱۵)  
ق)

قم: مرعشی شماره نسخه: ۱/۱۱۷۲۴  
[میراث شهاب- س ۱۰ ش ۱-۲-  
۲۶].

مأخذ: دنا، ج ۵، ص ۸۲۷، ش  
۱۳۹۱۷-۱۳۸۹۱۹.

● روائح المسك و العنبر فی اوصاف  
الامام المنتظر / شرح حدیث / فارسی

فاضل همدانی، یحیی بن علی اکبر،  
ق ۱۴ قری

رساله‌ای است در ترجمه احادیثی چند  
در مورد ولی عصر عجل الله فرجه به نقل از  
کتاب‌های بجاراتانوار و غیبت نعمانی و...  
چاپ: به کوشش صفر فلاحی، قم،  
۱۳۸۱ ش

[تاریخ تفصیلی همدان ۳/۴۱۲]

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۴۱۹۰  
آغاز: قال الله تبارك وتعالى فی سورة  
الفاطر انما یخشی الله من عباده العلماء...

انجام: امتیازات او را از سایر خلق و به  
لفظ بگویی آن امام من است والسلام و



ش ۱۴۴۶۲۸ - ۱۴۴۲۹؛ فنخا، ج ۱۷،  
ص ۲۹۹.

● شرح حدیث «دولت‌نافی  
آخرالزمان» / شرح حدیث / فارسی  
تاریخ تألیف: قرن ۱۰

در این رساله سعی شده است که  
دولتی که در حدیث «لکل أناس دولة و  
دولت‌نافی آخرالزمان» را با دولت صفویه  
تطبیق دهد، و برای این موضوع دوازده  
دلیل آورده است.

قم: عکسی مرعشی؛ شماره نسخه:  
۱۳۸۱

آغاز: استفتاح ابواب فیض واهب  
متعال در افتتاح هر مقال میمون فال؛  
انجام: ودعاء بقاء أيام سلطنة هذا  
السلطان عالی الانعام لیکون وردية  
المفتتح مسکية الختام.

نسخه اصل: کتابخانه چستریتی،  
ش ۳۹۷

خط: نستعلیق زیبا، بی‌کاء، تا: ۱۰۱۷ق؛  
مجدول، دارای سرلوح رنگین؛ جلد:  
تیماج، ۳۲گ، ۹سطر، اندازه:  
۱۰/۵ × ۱۷سم [فهرست عکسی  
مرعشی: ۱۵۴.۴]

مأخذ: دنا، ج ۶، ص ۴۱۱،  
ش ۱۵۹۷۰۹؛ فنخا، ج ۱۹، ص ۴۵۹.

الصلاة علی محمد وآله... اجمعین.

خط: نسخ، بی‌کاء، تا: قرن ۱۴؛ کاغذ:  
فرنگی، جلد: تیماج مشکی، ۴۷ص،  
۱۳سطر (۱۱ × ۱۵)، اندازه: ۱۶ × ۲۲سم  
[ف: ۷۶۵.۳۵]

مأخذ: فنخا، ج ۱۶، ص ۸۴۶.

● ریاض الجنة فی احوال قائم الائمة  
و ملاذ الامة و کاشف الغمة / کلام و  
اعتقادات، تاریخ معصومین / فارسی  
یزدی، حسن بن ابراهیم،

دریک «مقدمه» و دوازده «روضه» و  
یک «خاتمه» چنان که در دیباجه دیده  
می‌شود ولی در متن تاروضه بیست و  
یکم هم هست.

[فهرستواره منزوی ۳/۱۶۶۸]

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۴۳۹۹  
آغاز: حمدله... أما بعد: این  
رساله ایست مشتمل بر احوال امام زمان و  
خليفة الدوران...

انجام: واهل آن را بقبل برسانیم و  
چون به بیداء رسید و شب در آنجا فرود  
آمدیم فصاح نبا...

خط: نسخ، بی‌کاء، تا: قرن ۱۳؛ کاغذ:  
فرنگی، ۱۳۳گ، ۱۷سطر [ف: ۳۶ -  
۳۳۴]

مأخذ: دنا، ج ۵، ص ۱۰۹۲،

● شرعة التسمية فى النهى عن التسمية (منتخب) / شرح حديث / عربى

گزيده اى است از كتاب شرعة التسمية، تأليف ميرداماد، حديث خضر كه پرسش هاى از حضرت اميرالمؤمنين على [ع] شده و آن حضرت پاسخ لازم به آن ها داده اند.

[شرعة التسمية: چاپ اصفهان، سال ۱۴۰۹ق]

قم: مرعشى؛ شماره نسخه: ۱۲۶۸۰/۵

آغاز: فى تحقيق حديث الخضر... قال اقبل اميرالمؤمنين ذات يوم ومعه الحسن بن على.

انجام: وان كان صريح ظاهره ظهر فى الانطباق على قول ارسطاطاليس والانبيا عليه والله سبحانه اعلم.

خط: نسخ ونستعليق، بى كا، تا: قرن ۱۳؛ محشى؛ ركباه دار؛ ۳ گ (۴۲ - ۴۴)، ۳۰ سطر، اندازه: ۱۱ × ۱۶ سم [ف: ۲۳۲.۳۲]

مأخذ: دنا، ج ۶، ص ۱۱۷۷، ش ۱۷۷۳۵۰ - ۱۷۷۳۶۲؛ فنخا، ج ۲۰، ص ۹۹۴.

● شرعة التسمية فى زمان

الغيبة / فقه / عربى

ميرداماد، محمد باقر بن محمد، - ۱۰۴۰ق

تاريخ تأليف: ۱۰۲۰ق رساله معروفى شامل بيست روايت در حرمت ياد كردن اسم و كنيه اصلى حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه در زمان غيبت مى باشد.

آغاز: بسمله و حمدله... بعد فهذا كتاب شرعة التسمية فى زمان الغيبة

التسمية فى زمان الغيبة انجام: اللهم احملنى على عفوك و لا تحملنى على عدلك برحمتك يا ارحم الراحمين و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد و آله الطاهرين.

چاپ: مهديه اصفهان. قم: مرعشى؛ شماره هاى نسخه ها: ۵۰۹۰/۱؛ ۷۵۹؛ ۲۵۱۹/۱

خط: نسخ، كا: عبدالمطلب طالقانى، تا: ۱۰۲۰ق، جا: اصفهان؛ مصحح، محشى از مؤلف، جلد: تيماج قهوه اى، ۱۹۹ گ (۲ پ - ۲۰ر)، ۱۲ سطر، اندازه: ۱۰ × ۱۷/۵ سم [ف: ۱۰۴.۷]

مأخذ: فنخا، ج ۲۰، ص ۹۹۳ - ۹۹۴؛ دنا، ج ۶، ص ۱۱۷۷ (۱۳ نسخه)

● شوق المهدى / كلام و اعتقادات،



شعر/ فارسی

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی،  
۱۰۰۶-۱۰۹۱ قمری

آغاز: منت خدای را عزوجل که  
نخست خلیفه بجهت خلق تعیین فرمود  
پس خلق خلیفه نمود...

انجام: بدل السيئات احساناً × × و  
افض لى تصدق اسمائى / بالنبي وآله  
الاجداد × × سيما صاحبى ومولاتى

چاپ: به اهتمام علی دوانی، تهران،  
مسجد جامع، ۱۳۵۴، ۱۲۰ ص؛ چاپ  
دوم، همانجا: درالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۸،  
۱۵۲ ص؛ در سال ۱۳۸۲ ش درقم

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۳۶۰۶ و  
۳۶۶۹

خط: نسخ زیبا، بی‌ک، تا: قرن ۱۱؛  
۶۳ گ، ۱۵ سطر، اندازه: ۱۱ × ۱۷ سم [ف]:  
[۱۰-۷]

مأخذ: دنا، ج ۶، ص ۱۲۶۵،  
ش ۱۷۹۵۱۵-۱۷۹۵۱۱؛ فنخا، ج ۲۱،  
ص ۲۵۹-۲۶۰.

### ● صحیفه الامان المتعلقة بصاحب

الزمان عجل الله فرجه / دعا، مدح و... / عربی

از: سید ضیاء الدین حسین بن حسن  
بن محمد موسوی کرکی، معروف به امیر  
سید حسین مجتهد ابن بنت المحقق

الکرکی، (متوفی: ۱۰۰۱ ه ق)

گزارش متن: کتابی است پیرامون  
حضرت امام زمان عجل الله فرجه در ۲ باب و خاتمه  
که به [شاهزاده سلطانم خانم] پیشکش  
گردید. به نظر می‌رسد این کتاب همان  
باشد که در الذریعه به عنوان «صحیفه  
الامان فی الادعية والاحراز» آمده است.

آغاز: «یا اکرم من کل کریم، زدن  
علما وهدایة وفضل... وبعده، فان دره  
صدف النبوة والرسالة...»

انجام: «وعليها معولى كمارمت  
حاجة... قلت يا صاحب الزمان، اجرنى و  
يا على».

خط: نسخ، تاریخ کتابت: پیرامون  
اواخر سده ۱۰ ه ق، تعداد برگ: ۱۲۹  
(۱۰۳-۲۳۱)، تعداد سطر: ۱۵، اندازه متن:  
۷ × ۱۳ سم، اندازه جلد: ۵/۱۸ × ۱۲ سم،  
نوع جلد: چرم قهوه‌ای.

[الروضة النضرة فى علماء المائة  
الحادية عشرة: ۱۸۳، الذریعه: ۱۶/۱۵].  
مأخذ: مرعشی، ج ۴، ص ۳۰۰،  
شماره نسخه: «(۱۷۴۳۹/۲)».

### ● الصحیفه المهدویة والقائمة=

هدية النملة / دعا/ فارسی

در ادعیه و صلواتی که بدانها به  
حضرت حجت علیه الصلاة والسلام

متوسل می‌توان شد و دعاهایی که از آن حضرت برای رفع گرفتاری‌ها روایت شده است.

آغاز: الحمد لله الذي جعل الدعوات وسيلة للمهمات والحاجات... واضح و آشکار است که وسیله فوز و رستگاری انجام: ووسع على رزقى واجعلنى من خيار خلقك و هر حاجت که دارد بطلبد [فهرستواره منزوی ۶۲۴/۷]

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۰۴۱۴  
خط: نسخ، کاتب = مؤلف، بی‌تا؛  
جلد: مقوایی، ۱۱۰ گ، اندازه: ۱۴/۵ × ۲۲/۵ سم [ف: ۳۴۲۰۲۶]

مأخذ: دنا، ج ۷، ص ۱۴۰، ش ۱۸۴۰۲۳؛ فنخا، ج ۲۱، ص ۵۸۸

● صلاة الجمعة / فقه / عربی

محقق کرکی، علی بن حسین، ۸۹۰ - ۹۴۰ قمری

تاریخ تألیف: ۶ محرم ۹۲۱ ق

رساله‌ای است در نماز جمعه در باب دوم و سوم آمده است که اصحاب ما متفق القول هستند در این که فقیه جامع شرایط، در زمان غیبت نائب امام است، در همه مسائلی که در نیابت ذی مدخل است، و در اقامه نماز جمعه وجود امام یا نائب او شرط است بناءً علی الاجماع.

آغاز: بسمله، بعد حمد لله على سوابغ نعمه الغامرة والصلاة فى حبيبه محمد و عتره الطاهرة...

انجام: و ليعلم ان ايام هذه المهلة عما قليل ينصرم... و فرغ من تسويدھا... على بن عبد العالی...

[الذريعة ۱۵/۷۵ و ۷۶؛ دنا ۷/۱۶۴ - ۱۶۵ (۱۹ نسخه)؛ ریحانة الادب ۵/۲۴۴]

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۱۰/۳  
خط: نسخ و نستعلیق نازنیا، کا: محمد حسینی، تا: ۹۲۴ ق؛ جلد: تیماج قرمز، ۱۱ گ (۱۶ پ - ۲۶ پ ۹، اندازه: ۱۳ × ۲۰ سم [ف: ۱۳۲۰۱])

قم: مرعشی؛ شماره‌های نسخه: ۱۴/۴۹۳۳، ۳/۱۳۷۲۶، ۶/۱۴۰۹، ۱/۱۱۱۲

خط: نسخ، کا: حسین بن عبد الرحیم رستم‌داری، تا: ۹۶۴ ق؛ افتادگی: انجام؛ جلد: تیماج مشکی، ۸ گ (۱۶۳ پ - ۱۷۰ ر)، اندازه: ۱۳ × ۱۸/۵ سم [ف: ۱۳ - ۱۳۳]

مأخذ: دنا، ج ۷، ص ۱۶۵؛ فنخا، ج ۲۱، صص ۷۴۷ - ۷۴۸.

● صلاة الجمعة = صلاة الجمعة فى عصر الغيبة = فضائل الجمعة و

خصوصیاتها / فقه / عربی

شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۹۱۱  
- ۹۶۵ قمری

تاریخ تألیف: غره ربیع الاول ۹۶۲ ق  
در وجوب عینی نماز جمعه در عصر  
غیبت هرگاه شرایط آن مهیا شود با  
استدلال بر این مطلب.

آغاز: الحمد لله الذی شرف یوم الجمعة  
علی سائر الاوقات وفضل صلاتها علی  
جميع الصلوات.

انجام: هذا آخر ما غلبه فی هذه الرسالة  
حامدین لله تعالی مصلین علی صاحب  
الرسالة محمد النبی المصطفی وآله الاطهار  
صلوات الله علیهم اجمعین.

چاپ: این رساله چند بار به چاپ  
رسیده است.

[الذریعه ۱۵/۷۱ و ۷۲ رقم ۴۸۰]

۱. قم؛ مرعشی؛ شماره نسخه:

۱۳۵۴/۵ عکسی

نسخه اصل: کتابخانه چستریتی، ش  
۳۷۴۲.

خط: نسخ، کا: محمد بن علی جبائی  
(جباعی؟)، تا: جمعه غره شعبان ۹۶۵ ق،

جا: تبنین؛ ۲۶ ص (۳۳-۵۸)، ۱۷ سطر  
[عکسی ف: ۴-۱۰۶]

۲. قم؛ مرعشی؛ شماره نسخه:

۱/۱۵۵۴ عکسی

نسخه اصل: کتابخانه فخرالدین  
نصیری امینی در تهران.

خط: نسخ و نستعلیق، بی‌کا، تا: قرن  
۱۰؛ ۲۴ ص (۴-۲۷)، ۱۷ سطر [عکسی  
ف: ۴-۴۷۹]

۳. قم؛ مرعشی؛ شماره نسخه:  
۱۰۱۶۹/۵

خط: نسخ، کا: عیسی بن درویش،  
تا: قرن ۱۰، در عصر شهید دوم؛ جلد:  
تیماج قهوه ای، ۲۸ گ (۴۶ ر-۷۳ ر)،  
اندازه: ۲۰/۵ × ۱۶ سم [ف: ۲۶-۱۲۴]

قم؛ مرعشی، شماره‌های نسخه:  
۱۴/۷۲۰۶، ۲/۱۳۳۶۷، ۳/۸۰۸۴،  
۹/۱۳۷۸۳، ۱۰/۱۳۷۸۳، ۷/۱۴۳۲۲،  
۵/۱۷۷۷، ۵/۱۱۱۱۲، ۶/۵۰۳

مأخذ: دنا، ج ۷، ص ۱۶۵،  
ش ۱۸۴۶۳۶-۱۸۴۶۸۳؛ فنخا، ج ۲۱،  
ص ۷۴۸-۷۵۱ (۴۸ نسخه)

● صلاة الجمعة = وجوب صلاة  
الجمعة / فقه / عربی

عاملی، حسین بن عبدالصمد، ۹۱۸-  
۹۸۴ قمری

رساله‌ای است در وجوب عینی نماز  
جمعه در زمان غیبت با استفاده از آیات و  
روایات و نقل اقوال بزرگان به وجوب در

زمان غیبت.

آغاز: بسمله، اللهم اجعلنا على الحق و الهدى وارفعنا عن الاثام و موجبات الردى.

انجام: تلك الدار الاخرة نجعلها للذين لا يريدون علوا في الارض ولا فسادا و العاقبة للمتقين.

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۱۱۲/۲

خط: نستعلیق مایل به نسخ، کا: محمد

حسین شریف فرزند محمد باقر بروئی

یزدی، تا: دوشنبه ۲۹ محرم ۱۲۷۶ ق؛

کاغذ: فرنگی، ۱۱ گ (۱۵-۲۵)، ۱۷ سطر

(۱۴×۷) [ف: ۲۸-۱۷۱]

مأخذ: دنا، ج ۷، ص ۱۶۶، ش

۱۸۴۶۸۴-۱۸۴۶۸۶؛ فنخ—،

ج ۲۱، ص ۷۵۳.

● صلاة الجمعة (۱) - تعلیقة على

رسالة صلاة الجمعة / فقه / عربی.

تنكابنی، محمد بن عبدالفتاح، ۱۰۴۰-

۱۱۲۴؟ قری

تاریخ تألیف: جمعه اول ذیقعد ۱۰۹۴

ق؛ محل تألیف: مشهد مقدس

مولی عبدالله تونی رساله ای در

حرم نماز جمعه در عصر غیبت نگاشته،

سپس مولی محمد سراب رساله موجود را

به عنوان حاشیه در ردّ تونی نگاشته

است.

آغاز: حمدله... قوله فالجواب عن الرواية الاولى الخ اقول لفظ الفرض اظهر في الدلالة على الوجوب الاصطلاحی

انجام: ... وظهر بما ذكرنا ان ظاهر هذين الشيخين القول ما يوجب العینی في الكتابين.

قم: مرعشی؛ شماره نسخه:

۱۳۱۲۵/۱

خط: نسخ، بی کا، تا: قرن ۱۱؛ کاغذ:

فرنگی، ۹ گ (۱پ-۹ر)، ۲۰ سطر، اندازه:

۱۱/۵×۶ سم [ف: ۳۳-۲۴۶]

مأخذ: فنخاج ۲۱، ص ۷۷۱-۷۷۲

● صلاة الجمعة (۲) / فقه / عربی

تنكابنی، محمد بن عبدالفتاح، ۱۰۴۰-

۱۱۲۴؟ قری

تاریخ تألیف: اواخر رمضان ۱۱۰۶ ق

مؤلف ابتدا رساله فارسی در نماز جمعه

نوشت که در واقع ردّی بر آراء آقا جمال

الدین محمد خوانساری بود و از رعایت

برخی از دقایق علمی عاری بود، سپس

اقدام به تألیف این رساله کرد برای اثبات

وجوب عینی نماز جمعه در زمان غیبت.

آغاز: الحمد لله الذي شرف الجمعة

على غيرها من الزمان والاقوات وفضلها

على ساير العبادات والصلوات...





۷۴۰۸/۵

مأخذ: فنخا، ج ۲۱، ص ۷۸۷-۷۸۹.

● صلاة الجمعة = البلغة فى اعتبار  
اذن الامام فى شرعية صلاة الجمعة /  
فقه / عربى

كركى، حسن بن على، ق ۱۰ قمرى  
تاريخ تأليف: اول شعبان ۹۶۶ ق  
در عدم جواز اقامه نماز جمعه در عصر  
غيبت واين كه مشروط باذن امام عاشق  
مى باشد.

آغاز: الحمد لله الذى أحق الحق  
بفضله العميم وأبطل الباطل بطفه  
الجسيم.

انجام: فى تفسيره الصغير المسمى  
بالجوامع قولاً ثالثاً بانها الفجر لانها... ناقم

[الذريعة ۳/۱۴۶؛ طبقات اعلام  
الشيعية (قرن ۱۰) ص ۵۷]

۱. قم: مرعشى؛ شماره نسخه:

۱۱۱۱۲/۴

خط: نسخ ونستعليق، كا: محمد  
شريف بن محمد باقر، بفروى يزدى، تا:  
قرن ۱۳؛ افتادگى: انجام، كاغذ: فرنگى، ۱۸  
گ (۳۳-۵۰)، ۱۷ سطر، اندازه: ۱۴×۷  
سم [ف: ۲۸-۱۷۲]

۲. قم: مرعشى؛ شماره نسخه:

انجام: فان بقى لك ريب فارجع الى  
رسالة كتبها فى الاخبار والاجماع

چاپ: با تحقيق رسول جعفریان، در  
دوازده رساله فقهى درباره نماز جمعه در  
روزگار صفوى، قم، انصاریان، ۱۳۸۱ ش.

[الذريعة ۱۵/۸۰ و ۸۱؛ محقق  
خوانسارى ۴۸۸ و ۴۸۹]

قم؛ مرعشى؛ شماره نسخه:  
۶۵۸۷/۳

خط: نستعليق، كا: محسن بن حسن  
گیلانى، تا: ۱۱۰۶ ق؛ جلد: تیماج قهوه اى،  
۱۳۹ گ (۳۸ پ- ۱۷۶ پ)، ۱۳ سطر،  
اندازه: ۱۱×۵/۱۶ سم [ف: ۱۷-۱۶۲]

قم: مرعشى؛ شماره‌هاى نسخه:  
۶۳۳۰، ۱۳۱۲۵/۲، ۴۹۰۷.

مأخذ: دنا، ج ۷، ص ۱۷۰،  
ش ۱۸۴۷۹۱-۱۸۴۸۲۲؛ فنخا، ج ۲۱،  
ص ۷۷۲-۷۷۴ (۳۲ نسخه).

● صلاة الجمعة / فقه / عربى

ناشناخته:

آغاز: اعلم ان الكلام فى وجوب  
الجمعة وتحريمها فى زمان الغيبة يتوقف  
على بيان فوائد.

خط: نسخ، بى كا، تا: ۱۰۲۶ ق [نسخه  
پژوهى: ۳-۱۰۱]

قم: مرعشى؛ شماره نسخه:

آغاز: برابر

انجام: ولتقتصر علی ما وعدنا بایراده  
فی هذه الرسالة خوفاً من الاطالة.

خط: نسخ، بی کا، بی تا؛ جلد: تیماج  
قهوه ای، ۲۹ گ (۱-۲۹ پ)، اندازه،  
۱۹×۱۲ سم [ف: ۱۲-۲۸۳]

مأخذ: دنا، ج ۷، ص ۱۶۶؛ فنخا، ج ۲۱،  
ص ۷۵۳

● صلاة الجمعة = نفی الوجوب  
العینی لصلاة الجمعة فی زمن الغيبة /  
فقه / عربی

تونى، عبد الله بن محمد، ۱۰۷۱ قمری

تاریخ تألیف: نیمه شعبان ۱۰۵۸ ق

مؤلف دراین رساله به نفی وجوب  
عینی نماز جمعه در زمان غیبت استدلال  
می کند.

آغاز: بسمله و حمدله... و بعد فهذه  
رسالة مختصر فی بیان نفی وجوب العینی  
لصلاة الجمعة فی زمن الغيبة

انجام: ولیکن هذا آخر ما اوردناه فی  
هذه الرسالة.

چاپ: دوازده رساله فقهی درباره نماز  
جمعه از روزگار صفوی، رسول جعفریان،  
قم، انصاریان، ۱۳۸۱ ش

- [الذریعة ۱۵/۷۴-۷۵]

قم: مرعشی؛ شماره نسخه:

۱۳۱۲۵/۳

خط: نسخ، بی کا، تا: قرن ۱۲؛ کاغذ:  
فرنگی، جلد: مشکی مذهب، ۷۶ ص  
(۱۸-۹۳)، ۲۰ سطر (۵/۶×)، اندازه:  
۱۲×۱۸/۵ سم [ف: ۳۳-۲۴۸].

مأخذ: دنا، ج ۷، ص ۱۶۷،  
ش ۱۸۴۷۱۱-۱۸۴۷۲۳؛ فنخا، ج ۲۱،  
ص ۷۵۷-۷۵۸

● صلاة الجمعة = نماز جمعه / فقه /

فارسی

تستری، حسنعلی بن عبدالله، -

۱۰۷۵ قمری؟

وی دراین رساله مختصر استدلالی،  
اقامه نماز جمعه را در عصر غیبت امام عاشق  
حرام و بدعت دانسته و با چهارده بحث به  
رد ادله مخالفان خویش پرداخته است.

آغاز: بسمله. بعد از سپاس و ستایش  
بی قیاس حضرت واجب الوجود و مفیض  
الخير والوجود...

انجام: عصمنا الله و ایاکم من آفة  
الاثام و علی بن اتبع الهدی التحیة و  
السلام.

چاپ: میراث بهارستان، دفتر دوم، با  
تصحیح محمد حسین اسدی، ص  
۸۸۵-۹۱۱، تهران.

[الذریعه ۶۹/۱۵؛ مقدمه‌ای بر فقه شیعه ۲۳۹؛ طبقات اعلام الشیعه قرن ۱۱ ص ۱۵۰-۱۵۲؛ فهرستواره منزوی ۴۰۶/۹] قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۱۸۶/۶ و ۸۸۳۹/۳  
تذکر: نام مؤلف به استناد فهرست عکسی مرعشی ۴۳۹/۳ ذکر شد.  
خط: نسخ، بی‌ک، تا: قرن ۱۲؛ جلد: تیماج قهوه‌ای، ۸ گ (۶۷ پ-۷۴ پ)، اندازه: ۲۳×۱۵ سم [ف: ۲۳-۲۶] و [عکسی ف: ۳-۴۳۹].

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۶۲۶۰/۱  
مأخذ: دنا، ج ۷، ص ۱۶۷، ش ۱۸۴۷۱۰-۱۸۴۷۱۰؛ فنخا، ج ۲۱، ص ۷۵۸-۷۵۹.

● صلاة الجمعة = نماز جمعه / فقه /

فارسی

آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، - ۱۱۲۵ قمری  
اهدایه سلطان سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ق)

تاریخ تألیف: ذیقعد ۱۰۸۱ق؛ محل تألیف: اصفهان  
رساله‌ای کوتاه و مختصر در نفی وجوب عینی نماز جمعه که در یک «مقدمه» و سه «فصل» تنظیم نموده

است.

آغاز: حمد بیحد و ثناء بیعد واجب الوجودی راسد که معرفت ذات فیاض الانوارش بر همه واجبات مقدم است...  
انجام: این است آنچه به نظر رسید از دلایل قول بوجوب عینی و بحمدالله ضعف آنها بوضوح پیوست.

چاپ: ضمن الرسائل، با تحقیق علی اکبر زمانی نژاد، ۱۳۷۸ ش، از طرف کنگره بزرگداشت آقا حسین خوانساری  
[الذریعه ۷۹/۵؛ دنا ۴۲۰/۱۰-۴۲۱-۴۲۱] (با نام نماز جمعه ۴۰ نسخه)؛ فهرستواره منزوی ۴۰۵/۹

- قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۴۴۰۳، ۶۳۳۸، ۱۲۰۴۶/۱، ۹۵۰۹/۱

مأخذ: فنخا، ج ۲۱، ص ۷۶۳.

● الغفیریة فی غنیة الحضریة = جواز

التسمیة فی زمان الغیة / کلام و اعتقادات، شرح حدیث / عربی

رساله‌ی است در شرح و تفسیر حدیثی که از امام زمان علیه السلام وارد شده که: «من سمائی باسمی فقد کفر» که برخی با استفاده از حدیث مذکور نام بردن از اسم امام زمان علیه السلام را در همه اعصار حرام دانسته‌اند ولی مؤلف، حدیث مذکور را مختص به زمان غیبت صغرا

دانسته و این رساله را در ردّ گفتار قائلین به حرمت نگاشته است در یک «مقدمه» و چند «فصل»: مقدمه در بیان سبب عروض و صدور این خبر؛ فصل ۱. تحقیق معنی خبر؛ فصل ۲. اشکالات (دوازده اشکال)؛ فصل ۳. جواب اشکالات (سی و شش جواب)، در جواب آخر چند حدیث می آورد در تأیید این مطلب که تلفظ به اسم عیسی ندارد. غیر از «شرعة التسمیة» میرداماد است.

### ● العرف الوردی فی اخبار

المهدی علیه السلام / حدیث / عربی

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، ۸۴۹ - ۹۱۱ قمری

این رساله از «اربعین» ابونعیم اصفهانی احمد بن عبدالله که در حالات حضرت مهدی آل محمد علیهم السلام نگاشته خلاصه شده و مطالبی نیز بر آن افزوده شده است. آیات و روایاتی که درباره آن حضرت وارد گردیده گردآوری شده است.

آغاز: بسمله، الحمد لله و سلام علی عباده الذین اصطفی هذا جزء جمعت فيه الاحادیث و الامثار الواردة فی المهدی لخصت فيه الاربعین.

انجام: اورد القرطبی فی التذکرة ان المهدی ینخرج من المغرب الاقصى فی قصة

طويلة و لا اصل لذلك.

چاپ: این رساله ضمن «الحاوی للفتاوی» سیوطی در بیروت ۱۳۹۵ ق (ص ۵۷ تا ۸۷) چاپ شده.

قم: مرعشی، شماره نسخه: ۱۳/۱۴۷۰ عکسی.

نسخه اصل: کتابخانه اسکوریال در مادرید اسپانیا، ش ۱۵۴۵.

خط: نسخ، بی کا، بی تا، ۲۰ ص (۹۲-۱۱۱) سطر (عکسی ف: ۴-۳۳۳)

دنا، ج ۷، ص ۴۶۲، ش ۱۹۱۰۹۶؛ فنخا، ج ۲۲، ص ۵۶۷.

### ● عصمة الامام المهدی علیه السلام =

الأحادیث / کلام و اعتقادات / عربی

بهارى همدانى، محمد باقر بن محمد جعفر، ۱۲۷۷ - ۱۳۳۳ قمری

مؤلف در خصوص مطلبی درباره عصمت امام مهدی علیه السلام که در کتاب «دراسات اللیب فی الأسوة الحسنة بالحیب» تألیف «محمد معین بن محمد امین السندی» آمده است توضیحاتی نگاشته و آن را نقد نموده است.

آغاز: بسمه تعالی و حمد و عن العلامة محمد معین بن محمد امین السندی فی کتاب دراسات اللیب فی الأسوة الحسنة بالحیب

در اثبات عصمت و رجعت پیامبر و اهل بیت علیهم السلام است. مسأله عصمت ضمن يك «مقدمه» و ۱۳ «فصل» و «خاتمه» صورت گرفته.

آغاز: الحمد لله جزیل النعماء و الآلاء و جمیل الافضال و العطاء و حسن البلاء و جلیل العظمة و الکبرياء.

انجام: مما لا اشکال فيه و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين.

چاپ؛ دارالسلطنه تبریز، سنگی، ۱۲۷۳ق، رحلی (جوامع الکلم: ج ۱؛ قسم ۱؛ صص ۱۱۱۱۴)؛ کربلا، ۱۲۹۲ق [فهرست کتب مشایخ ۲۷۴ش، ۵۷؛ مشار، مؤلفین ۱/۳۴۵؛ مکتبه امیرالمؤمنین ۵۶۰/۲ و ۵۶۷/۲] قم؛ مرعشی؛ شماره نسخه: ۵۸۷۵، ۱۸۲۰۱۲/۱.

مأخذ: دنا، ج ۷، ص ۵۲۲؛ فنخا، ج ۲۲، ص ۶۸۲.

### ● عقد الدرر فی اخبار الامام

المنتظر/ کلام و اعتقادات / عربی

سلمی، یوسف بن یحیی، - ۶۸۵قری تاریخ تألیف ۶۵۸؛ محل تألیف: دمشق

کتابی است مفصل در اخبار و روایات

انجام؛ و اتضم الی ذلك ضعيف و لما یروی من ورعه و تقواه فلا مانع من قبوله انتهى.

[معجم المؤلفین ۹۲/۹]

۱. قم؛ مرعشی؛ شماره نسخ: ۱۲۳۰۶/۲

خط: شکسته نستعلیق، کاتب = مؤلف، تا: قرن ۱۴؛ مصحح، محشی: کاغذ: فرنگی، جلد: تیماج، ۱۰گ (۶۸، ۷۷)، ۱۸ ۱۹ سطر (۸ × ۱۴)، اندازه: ۱۱ × ۱۷سم [ف: ۳۱ - ۱۷۷]

۲. قم؛ مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۲۲۷۸/۳

خط: نسخ، کاتب = مؤلف، تا: ۱۳۳۱ق، جا: همدان؛ جلد: تیماج مشکی مذهب، ۹گ (۲۲۳ - ۲۳۱)، ۱۹ سطر (۹ × ۱۵/۵)، اندازه: ۱۶/۵ × ۲۲سم [ف: ۳۱ - ۱۲۹]

مأخذ: دنا، ج ۷، ص ۵۲۰، ش ۱۹۲۵۰۷ - ۱۹۲۵۰۸؛ فنخا، ج ۲۲، ص ۵۲.

### ● العصمة و الرجعة = جواب محمد

علی میرزا/ کلام و اعتقادات / عربی

احسائی، احمد بن زین الدین، ۱۱۶۶ - ۱۲۴۱قری

تاریخ تألیف ۲۱ ربیع الاول ۱۲۳۱ق

● **علامات المهدی / کلام و**

اعتقادات / فارسی

صدرالدین قونیوی، محمد بن اسحاق، ۶۰۷-۶۷۳ قمری رساله‌ای است در بیان علامت‌های حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه که مؤلف از روایات معتبر سود جسته است.

آغاز: بعد از حمد باری تعالی... احادیث کثیره و اخبار صریحه در حق مهدی و شأن او ثابت شده با اسانید معتبره که جمله آن احادیث متضمن شرح احوال وی است.

انجام: ویتحققون وجود المهدی و ظهوره غیرذلك من الآیات المنبهة علیها بلسان النبوه و التحقیق والله ولی العصمة و التحقیق.

[هدیه العارفين: ۱۳۰/۲]

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۳۲۱۲/۱۲

خط: نسخ، بی‌کا، تا: ۹۴۲ق؛ مصحح: کاغذ: شرقی، ۹گ (۱۹۱پ - ۱۹۹پ)، ۱۵سطر، اندازه: ۱۰×۱۵سم [ف: ۳۹۵.۳۳]

مأخذ: دنا، ج ۷، ص ۵۷۳، ش ۱۹۳۶۴۶؛ فنخا، ج ۲۲، ص ۸۲۰.

● **علامات ظهور / حدیث / عربی**

درباره امام دوازدهم شیعیان، طبق روایات اهل سنت. دارای دوازده «باب».

آغاز: ... بعد، جرت مذاکره بین بعض الاخوان فی انه قد قل المؤمن من الناس و کثر الخوان [الاخوان] وارتفعت الاسعار و قلت البرکات.

انجام: فما وجد فی ذلك من خطأ فلیصلحه بفضلہ من علم وجه الصواب فیہ ورام وکان فیہ من صواب قرب رمیتہ من غیر رام، تمت.

چاپ: چاپ بیروت، ۱۴۰۳ق؛ قاهره، مکتبه عالم الفکر، محقق: عبدالفتاح محمد الحلو، ۱۳۹۹ق.

[ایضاح المکون ۱۰۸/۲؛ عقد الدرر: چاپ بیروت، ۱۴۰۳ه؛ الاعلام: ۲۵۷/۸، ریحانة الادب ۳۷۳/۵ ایضاح المکون: ۱۰۸/۲؛ معجم المؤلفین: ۳۴۳/۱۳]

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۲۹۳۰؛ ۱۲۳۲۵/۱

خط: نسخ، کا؛ حاجی حسین بن محمد، تا: قرن ۱۳؛ کاغذ: فرنگی، جلد: تیماج، ۲۱۶گ، ۱۳سطر، اندازه: ۷/۵× ۱۳/۵سم [ف: ۳۲ - ۸۰۷]

مأخذ: دنا، ج ۷، ص ۵۴۰، ش ۱۹۲۹۳۹-۱۹۲۹۴۳ (۵ نسخه)، فنخا، ج ۲۲، ص ۷۴۱.



شیخ علی، ق ۱۳ قری

رساله کوتاهی است شامل روایتی از امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام در بیان وقایع آخرالزمان، که در عنوان آن آمده است  
قم؛ مرعشی؛ شماره نسخه عکسی:

۱۱۸۲/۳۵

آغاز: قال رحمة الله عليه رأيت رسالة معمولة لبيان علامات آخرالزمان وخروج مولانا وسيدنا حضرة محمد المهدي بن الحسن صلوات الله عليه... انجام: ثم سكت عليه السلام ساعة طويلة واستغاث الناس بالبكاء فقال جابر بن عبد الله وما بعد ذلك يا مولاي يا اميرالمؤمنين فقرأ عليه السلام هذه الآية ان الله عنده علم الساعة الآية.

نسخه اصل: فرهنگستان علوم آذربایجان باکو، ش M140 (۸۲۰) خط: نستعلیق، بی‌کا، تا: با تاریخ قرن ۱۱؛ ۱ ص [۹۶]، [عکسی ف: ۴۱۹۳]

مأخذ: دنا، ج ۷، ص ۵۷۲، ش ۱۹۳۶۴۱-۱۹۳۶۴۰؛ فنخا، ج ۲۲، ص ۸۱۹.

● **علايم الظهور = رجعت = ترجمه و شرح چهارده حدیث / حدیث، فارسی**  
از: علامه مجلسی، مولی محمد باقرین محمد تقی، (؟- م/ ۱۱۱۰ هق).

آغاز: «بسمله، الحمد لله رب

العالمین... اما بعد، چنین گوید... که چون بر کافه ارباب فطنت و ذکاء و عامه اصحاب بصیرت و اعتلا، ظاهر و هویدا است...».

انجام: «پس دست بر ران راست خود سه مرتبه می‌زنی و سه مرتبه می‌گویی: العجل العجل یا مولای یا صاحب الزمان...».

بنگرید به نسخه‌های «۱۲/۱۸۷، ج ۱ و ۱۲/۱۵۱۰ فهرست نسخه‌های خطی مرعشی ج ۳۸، ص ۲۸.

نوع خط، نسخ و نستعلیق، تاریخ کتابت: پیرامون سده ۱۳ هق. نوع کاغذ: فرنگی، تعداد برگ: ۴۴ (۴۸ ب- ۹۰ ب)، تعداد سطر: ۲۱ اندازه متن: ۱۵/۵ ۸× سانتیمتر.

[الذریعه: ۳۰۸/۱۵؛ ریحانة الادب: ۱۹۱/۸؛ فهرستگان نسخه‌های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه: ۴/۹۳- ۹۹؛ فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران: ۱۳۵/۱-۱۳۸].

مأخذ: مرعشی: ج ۴۲، ص ۱۰۷، شماره نسخه: «(۱۶۵۷۳/۲)» و ص ۳۶۸، شماره نسخه: «(۱۶۷۱۲/۱)».

رساله‌ای است در ترجمه و شرح ۱۴ حدیث که ۲ حدیث در بشارت ظهور

مأخذ: دنا، ج ۷، ص ۵۶۴؛ فنخا،  
ج ۲۲، ص ۸۲۵.

● **علائم الظهور** = شرح احادیث  
علائم الظهور / کلام و اعتقادات / فارسی  
بهاری همدانی، محمد باقر بن محمد  
جعفر، ۱۲۷۷ - ۱۳۳۳ قمری

ترجمه و شرح احادیث کتاب «علائم  
الظهور» تألیف خود مؤلف است؛ در چهار  
«فصل».

آغاز: الحمد لله رب العالمین... و بعد  
چنین گوید محمد باقر... به واسطه شیوع  
اراجیف در میان عوام، ترجمه و بیان جمله از  
احادیث علائم ظهور

انجام: در اول پاییز است که خرما را  
نچیده، باران فاسد می سازد او را؛ پس  
رمضان صیحه آخر پاییز یا اول زمستان  
خواهد بود.

۱. قم: مرعشی؛ شماره نسخه:  
۱۲۳۵۰/۱.

خط: شکسته نستعلیق، کاتب=  
مؤلف، تا: قرن ۱۴؛ مصحح، محشی؛ ۵۰ گ  
(۱ - ۵۰)، ۱۶ سطر، اندازه: ۷ × ۱۳ سم  
[ف: ۲۴۲.۳۱]

۲. قم: مرعشی؛ شماره نسخه:  
۱۲۳۵۱/۱.

خط: شکسته نستعلیق، کاتب =

سلطنت صفویه است و ۱۲ حدیث دیگر  
در بشارت ظهور و احوال امام زمان و  
مسئله رجعت ائمه علیهم السلام می باشد.

خط: نستعلیق - تاریخ کتابت: ۱۲۴۱  
هـ، کاغذ: فرنکی تعداد برگ: ۶۳ (۱۷-  
۷۹) تعداد سطر: ۱۴، اندازه متن: ۱۵ × ۹  
سانتیمتر.

مأخذ: قم؛ مرعشی، [ف: ج ۳۸،  
ص ۲۸]، شماره نسخه: ۱۵۰۱۰/۲.

● **علائم الظهور** / کلام و اعتقادات /  
عربی

ناشناخته:

درباره علائم ظهور حضرت حجة بن  
الحسن علیه السلام با استفاده از علم حروف و  
اشاراتی که مؤلف از بعضی از روایات  
استفاده کرده است.

قم: مرعشی؛ شماره نسخه:  
۲۵۶۱/۴.

آغاز: الحمد لله الذی اطلع شمس  
الغیوب من خنادس القلوب و الصلاة  
علی مزیل الخطوب و مزیح الکرוב.  
انجام: و الصلاة علی رسول الله ماقام  
الحزام و ناح الحمام و علی اولاده الکرام.

خط: نسخ، بی ک، بی تا؛ مجدول؛  
جلد: تیماج، ۶ گ (۲۶ پ - ۳۱ ر)،  
۲۰ سطر، اندازه: ۱۴ × ۱۹ سم [ف: ۱۴۶.۷]



مؤلف، تا: قرن ۱۴؛ محشی به خط مؤلف؛  
۵۵گ، ۱۷سطر، اندازه: ۷×۱۴سم [ف:  
۲۴۴/۳۱]

مأخذ: دنا، ج ۷، ص ۵۶۴،  
ش ۱۹۳۴۹۴؛ فنخا، ج ۲۲، ص ۸۲۴ -  
۸۲۵.

● **علائم آخرالزمان / کلام و اعتقادات**

/ عربی

نسیمی، عماد الدین، ۷۷۱ -  
۸۲۰ قمری

بیان مختصری از علایم ظهور امام  
مهدی علیه السلام و علائم آخرالزمان است و نیز  
برخی علائم و ملاحظه از دیدگاه نگارنده  
آن است.

[فارسنامه ناصری ۱۵۱/۲؛ عثمانی  
مؤلفری ۴۳۲-۴۳۳؛ لغت نامه دهخدا  
(ماده نسیمی)؛ قاموس الاعلام  
۴۵۷۶/۶]

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ذیل ۶۷.  
آغاز: بسمله، قال السید النسیمی،  
کلام طویل لکن ملخصه هذا: الحمد لله  
الملك العلام، المنعم المتطول بالكرم والجود  
والاحسان.

انجام: و جمیع ما قتلته بعد الامد الذی  
یظهر سره؛ قد تم خبره والله اعلم.

خط: نسخ، بی کا، تا: قرن ۹؛ جلد:

تیماج، ۱گ (۲۶۰-۲۶۰پ)، ۱۴+  
۱۷سطر (۱۱/۵×۱۳/۵)، اندازه:  
۱۳/۵×۱۸سم [میراث شهاب: س ۱۳  
ش ۱ و ۲-۱۶۶]

مأخذ: فنخا، ج ۲۲، ص ۸۲۳.

● **الغیبة = ملاء العیبة فی طول**

الغیبة / حدیث / عربی

از: ابن ابی زینب، ابو عبدالله محمد بن  
ابراهیم بن جعفر، نعمانی، (متوفی:  
۳۴۹ق).

آغاز: «حدثنا الشيخ ابوالفرج...  
الحمد لله رب العالمین الهادی من یشاء الی  
صراط المستقیم المستحق الشکر من عباده  
باخراجه ایام من العدم الی الوجود».

انجام: «ولایزیغ قلوبنا بعد اذ هدانا و  
ان یمه من لدنا رحمة انه کریم وهاب».

این کتاب در سال ۱۳۱۸ و ۱۳۹۷ هـ  
در تهران؛ و ۱۳۸۳ هـ در تبریز؛ و در سال  
۱۴۰۳ و در بیروت چاپ و منتشر شده  
است.

نوع خط: نسخ؛ تاریخ کتابت: ۱۲۷۹  
هـ.ق. نوع کاغذ: شرقی، تعداد برگ: ۸۱،  
تعداد سطر: ۱۱، اندازه متن: ۵/۱۵×۹سم،  
اندازه جلد: ۲۲×۱۶سم، نوع جلد: تیماج  
قهوه‌ای روشن ضریبی مجداول با تزیین و  
سرتزیج با گل و بوته.

ویژگی ها: توسط حاج میرزا یحیی بن محمد شفیع اصفهانی در حاشیه تصحیح شده.

[دایرة المعارف اسلامی: ۶۶۰/۲-۶۶۱؛ الذریعة: ۷۹/۱۶].

مأخذ: مرعشی، ج ۴۳، ص ۲۰۵، شماره نسخه: «(۱۷۰۶۵)»؛ وج ۲۶، شماره نسخه: (۱۰۲۰۴/۳).

● الغیبة (فصل فی) / کلام و اعتقادات / عربی

علم الهدی / علی بن حسین، ۳۵۵-۴۳۶ قمری

آغاز: فصل فی الغیبة. قال (رضی الله عنه) ان قالوا ان قلت: ان الامام موجود، و انه يظهر و یفعل و یصنع.

انجام: فالواجب أن يكون الاشتغال بتصحیحها أكثر.

چاپ: ضمن رسائل الشریف المرتضی، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۰۵ق، تحقیق مهدی رجائی، الجزء الثالثة، ص ۱۴۴-۱۴۵.

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۴۹۷/۴۸ عکسی.

نسخه اصل: آستان قدس رضوی، ش ض ۲۱۵۰۹.

خط: نسخ، ک: سید احمد بن

محمد رضا حسینی صفایی، تا: ۱۳۲۹ق؛ اص (۱۴۱)، ۲۲ سطر [عکسی ف: ۳۹۳.۴]

مأخذ: دنا، ج ۷، ص ۸۱۹؛ فنخا، ج ۲۳، ص ۴۸۳.

● الغیبة = الدلیل علی وجود الامام المنتظر عجل الله فرجه / کلام و اعتقادات / عربی  
مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۳۳۶-۴۱۳ قمری

شخصی می پرسد: چه دلیلی بر وجود امام عجل الله فرجه هست با اینکه مسلمانان در وجودش اختلاف زیاد دارند؟ مفید در این رساله پاسخ این مسأله را آورده است. آغاز: ... سأل سائل الشيخ المفید رضی الله عنه فقال ما الدلیل علی وجود الامام صاحب الغیبة عجل الله فرجه؟

انجام: وان الحجة لا يكون الا معصوما من الخطا والزلل لا يجوز عليه ما يجوز على الامة وكانت المنازعة فيه لا فی الغیبة فاذا سلم ذلك كانت الحجة لازمة فی الغیبة.

چاپ: در جلد هفتم مصنفات شیخ مفید با تحقیق علاء آل جعفر، قم، ۱۴۱۳ق منتشر شده

[الذریعة: ۸۰/۱۶-۸۱ و ۳۸۸/۲۰ و ۳۹۰ و ۳۹۵؛ مکتبة امیرالمؤمنین ۵۷۰/۲].

- قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۷۸/۱۸؛ ۱۲۸۰۷/۲؛ ۱۲۸۰۷/۱۸
- خط: نسخ، بی‌ک، تا: قرن ۱۳؛ جلد: تیماج، ۳گ (۱۶۶ ر ۱۶۸)، ۱۷سطر، اندازه: ۱۲ × ۱۸/۵ سم [ف: ۹۶۱]
- مأخذ: دنا، ج ۷، ص ۸۱۸؛ ش ۱۹۹۵۵۶ - ۱۹۹۵۵۲؛ فنخا، ج ۲۳، ص ۴۸۰.
- الغيبة = جواب مسألة في الغيبة / كلام واعتقادات / عربي
- مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، ۳۳۶ - ۴۱۳ قمری
- نام کتاب ببرگ آغاز نسخه، چنین آمده: «معارضة للشيخ مع بعض رؤساء اهل السنة في الغيبة».
- آغاز: قال الشيخ المفيد حضرت مجلس رئيس من الرؤساء فجرى كلام في الامامة فانهى الى القول في الغيبة فقال صاحب المجلس: أليست الشيعة تروى عن جعفر بن محمد عليه السلام انه لو اجتمع للامام عدة اهل البدر ثلاثمائة وبضعة عشر رجلا لوجب عليه الخروج بالسيف.
- انجام: ... من ترك اقامة الحدود وتنفيذ الأحكام لما بيناه ممن خالفهم ووصفناه و هذا واضح والله الموافق للصواب، تمت.
- چاپ: در جلد هفتم مصنفات شيخ
- مفيد چاپ شده  
[الذريعة: ۸۰/۱۶ - ۸۱]
۱. قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۷۸/۱۶
- خط: نسخ، بی‌ک، تا: قرن ۱۳؛ جلد: تیماج، ۳گ (۱۶۱ ر ۱۶۳)، ۱۷سطر، اندازه: ۱۲ × ۱۸/۵ سم [ف: ۹۵۱]
۲. قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۲۸۰۷/۴
- خط: نسخ، بی‌ک، تا: ۱۳۳۴ق؛ تملك: شيخ محمد امين صدر الاسلام خويي به تاريخ ۱۳۳۴؛ ۳گ (۲۱ پ - ۲۳ ر)، ۱۸سطر، اندازه: ۹ × ۱۵/۵ سم [ف: ۵۲۲ - ۳۲]
۳. قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۲۸۰۷/۱۶
- خط: نسخ، بی‌ک، تا: ۱۳۳۶ق؛ ۴گ (۵۹ ر - ۶۲ ر)، ۱۵سطر، اندازه: ۹ × ۱۵/۵ سم [ف: ۵۳۰ - ۳۲]
- مأخذ: دنا، ج ۷، ص ۸۱۸؛ ش ۱۹۹۵۴۸ - ۱۹۹۵۴۴؛ فنخا، ج ۲۳، ص ۴۸۱
- الغيبة = سبب استتار الامام = سبب طول غيبة الامام / كلام و اعتقادات / عربي
- مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، ۳۳۶

بعضی از مخالفین می پرسند که چرا امام عصر عجل الله فرجه در این مدت دراز غایب است و باقی امامان با این که ترس بر آنان بیشتر بود چنین غیبتی نداشته اند؟ شیخ مفید در رساله حاضر بدین شبهه پاسخ می گوید.

آغاز: و صلواته علی سیدنا محمد و آله الطاهرین سأل بعض المخالفین فقال ما السبب الموجب لاستتار امام الزمان و غیبتة ...

انجام: فما كان في ذلك جوابكم فهو جوابنا في ظهور السلف من آباء صاحب الزمان واستتاره و غیبتة فلا يجد من ذلك مهرياً ...

چاپ: در ۱۴۱۴ق از سوی کنگره شیخ مفید تحقیق و در قم چاپ شده  
[الذريعة: ۸۰/۱۶ - ۸۱؛ مكتبة امير المؤمنين ۵۷۱/۲]

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۲۸۰۷/۵؛ ۱۲۸۰۷/۱۷؛ ۷۸/۱۷  
خط: نسخ، بی ک، تا: قرن ۱۳؛ جلد: تیماج، ۴گ (۱۶۳پ - ۱۶۶ر)، ۱۷سطر، اندازه: ۱۲ × ۱۸/۵سم [ف: ۹۵۱]

مأخذ: دنا، ج ۷، ص ۸۱۸؛ ش ۱۹۹۵۴۸ - ۱۹۹۵۴؛ فنخا، ج ۲۳،

● الغيبة / کلام و اعتقادات / عربی

شیبانی، ماجد بن فلاح، ق ۱۰ قری در این که امام مانند وجود پیامبر لطف الهی است و غیبت وی شری است که در نتیجه اعمال زشت بندگان روی می دهد، و ضمناً تحلیلی است از سبب غیبت امام زمان عجل الله فرجه.

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۵۱۵۱/۱۰  
آغاز: اعلم أن غیبة الامام المعصوم ليس من الله لان ذلك مخالف لمقتضى حکمته و لا من الامام لثبوت عصمته.

انجام: وجعلنا من عدده ومدده و اتباعه في الدنيا و الآخر.

خط: نسخ، بی ک، تا: ۱۱۱۶ق، جلد: مقوایی، ۳گ (۳۳۲پ - ۳۳۴پ)، ۱۵سطر، اندازه: ۱۲ × ۱۸سم [ف: ۳۵۹۱۳]

مأخذ: دنا، ج ۷، ص ۸۲۰، ش ۱۹۹۶۰۳ فنخا، ج ۲۳، ص ۴۸۵.

● الغيبة = شرح حدیث «من مات و هو لا يعرف امام زمانه» / کلام و اعتقادات / عربی

مفید، محمد بن محمد، ۳۳۶ - ۴۱۳ قری

شرحی است بر حدیث مشهور «من

۱۹۹۵۴۰-۱۹۹۵۴۲؛ فنخا، ج ۲۳، ص  
۴۷۸-۴۷۹.

● الغيبة = غیبت نعمانی / حدیث /

عربی

ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، -  
۳۶۰؟ قری

تاریخ تألیف: ذیحجه ۳۴۲ق؛ محل  
تألیف: حلب

احادیث و روایت‌هایی که درباره  
غیبت حضرت حجت علیه السلام و سبب آن و  
احوال شیعه در آن عصر، روایت شده با  
اسانید آن‌ها در ابوابی چند گردآوری شده  
است.

آغاز: حدثنا الشيخ ابوالفرج محمد بن  
علی بن یعقوب بن ابی القرة...

انجام: وان یثبتنا بالقول الثابت...  
تسلیمات کثیرا

چاپ: مشارع عربی، صص ۷۳۱-  
۷۳۲؛ ایران، تهران، ۱۳۱۸ق، سنگی،  
وزیری بزرگ، ۱۸۲ص؛ ایران، تبریز،  
۱۳۸۳ق، سنگی، خشتی، ۱۶+۱۸۱+  
۳ص (چاپ افست از روی چاپ ۱۳۱۷،  
به خط محمد قی).

[الذریعة ۷۹/۱۶ رقم ۳۹۸؛ ریحانة  
الأدب ۷/۳۴۸]

قم: مرعشی، شماره نسخه:

مات و هو لا یعرف امام زمانه» که در آن  
مؤلف قائل شده است که وجود امام در هر  
عصری لازم و در این زمان حضرت  
ولی عصر علیه السلام می باشد.

آغاز: الحمد لله و صلواته [علی] عباده  
الذین اصطفی و بعد سأل سائل فقال  
اخبرونی عماروی عن النبی صلی الله  
علیه و آله انه قال من مات و هو لا یعرف  
امام زمانه مات میتة جاهلیة.

انجام: و هذا مما لا یذهب الیه مسلم و  
لا ملی فیعلم بذلك بطلان ما ظننه الخنصوم  
و توهموه علی الظنة و الرجوم و بالله  
التوفیق.

چاپ: به سال ۱۴۱۴ق، از سوی کنگره  
شیخ مفید تحقیق و درقم چاپ شده

[الذریعة: ۸۰/۱۶ - ۸۱؛ معجم  
المطبوعات النجفیه ۱۵۹]

قم: مرعشی؛ شماره‌های نسخه:  
۲۵۵/۲۱؛ ۷۸/۱۵؛ ۱۲۸۰۷/۱۵؛  
۱۲۸۰۷/۳؛ ۲۴۳/۱۵.

خط: نسخ، کا: عبد الحمید بن محمد  
بن محمد مقیم خطیب عبدالعظیمی، تا:  
۱۷ ربیع الثانی ۱۰۵۶ق، جلد: مقوی، ۱۳  
گ (۱۶۰ پ - ۱۷۲ پ)، ۲۳ سطر، اندازه:  
۱۳×۲۵/۵ سم [ف: ۲۸۶:۱].

مأخذ: دنا، ج ۷، ص ۸۱۸، ش

۱۳۸۹۱/۳، ۱۰۲۰۴/۳

نشرها: محمد حسن آل یاسین، فی نفائس المخطوطات، المجموعة الخامسة؛ ضمن الرسائل الشريف المرتضى، قم، دار القرآن الكريم، ۱۴۰۵ق، تحقیق سید مهدی رجائی، الجزء الثانية، ص ۲۹۳ - ۲۹۸؛ طهران، سنگی، ۱۳۱۵ق، وزیری (کلمات المحققین: ج ۲، صص ۱۹۵، ۱۹۷) [الذريعة: ۱۶/۸۲؛ ریحانة الادب

۱۸۳/۴]

قم: مرعشی؛ شماره های نسخه: ۱۳۷۳۲/۱۰؛ ۱۲۹۲۳/۲۵؛ ۹۸۴۰/۱؛ ۶۸۶۲/۱۱؛ ۲۱۰۶/۱۳؛ ۱۴۹۷/۱۲ عکسی.

خط: نستعلیق، کا: محمد بن ابراهیم الاوالی بجرانی، تا: حدود نیمه قرن ۱۰؛ گگ (۱۴۳ - ۱۴۶)، ۲۵ سطر، اندازه: ۱۰ × ۱۳ سم [ف: ۳۴ - ۶۹۸]

مأخذ: دنا، ج ۷، ص ۸۱۹، ش ۱۹۹۵۸۱ - ۱۹۹۵۷۲؛ فنخا، ج ۲۳، ص ۴۸۲.

### ● الفتن والملاحم / پیشگوی /

عربی

ناشناخته:

پیشگوی از ویران شدن چند شهر مشهور و بعضی از حوادث که در آخرالزمان واقع خواهد شد به نقل از روایات و احادیث مختلفه.

خط نسخ و نستعلیق، کا: ابولقاسم بن حسین علی شریف قزوینی، تا: با تاریخ ۱۲۶۱ق، افتادگی: انجام، ۳۲ گ (۱۱۴ پ ۱۴۵ پ) (ف: ۲۶ - ۱۶۹) مأخذ: دنا، ج ۷، ص ۸۱۸، ش ۱۹۹۵۳۶ - ۱۹۹۵۲۵؛ فنخا، ج ۲۳، ص ۴۷۷.

● الغيبة = غيبة الحجة عليه السلام = ذیل علی المقنع = زیاده المکمل بها کتاب المقنع / کلام و اعتقادات / عربی علم الهدی، علی بن حسین، ۳۵۵ - ۴۳۶ قری

رساله ای است کوتاه در مسأله غیبت امام زمان عليه السلام و پاسخ به شبهات درباره آن.

آغاز: قال السيد المرتضى قدس الله روحه ورضى عنه وارضاه قد ذكرنا فى كتابنا المقنع فى الغيبة السبب فى استتار امام الزمان عليه السلام عن اعدائه واوليائه؛

انجام: و حال الظهور فى كون عليه السلام لطفاً لمن يعتقد امامته و فرض طاعته و سقطت الشبهة و الحمد لله وحده

چاپ: مشار عربی، صص ۴۶۸ - ۴۶۹؛ بغداد، مطبعة المعارف، ۱۹۵۵م،

قم: مرعشی؛ شماره نسخه:

۲۵۶۱/۵

آغاز: الحمد لله عالم المدد و محمد العدد  
و الصلاة على محمد الذي ماخاب من  
طلب منه المدد.

انجام: و ذكر على في تفسيره ان ما بين  
أسفل الارض الى العرش مقدار خمسين  
ألف سنة من ايام الدنيا.

خط: نسخ، بی‌ک، بی‌تا؛ مجدول؛  
جلد: تیماج، ۵ گ (۳۱-۳۵ ر)، ۲۰،  
سطر، اندازه: ۱۹×۱۴ سم [ف: ۷-۱۴۶].

مأخذ: فنخا، ج ۲۳، ص ۶۳۸.

### ● الفتن و الملاحم / حدیث / عربی

مروزی، نعیم بن حماد، - ۲۲۹ قری

کتابی است حدیثی درده جزء، درباره  
فتن و ملاحم و حوادث و وقایعی است که  
پیامبر اکرم<sup>ﷺ</sup>، وقوع آنها را در آینده خبر داده  
است. مؤلف، مرویات خود را با ذکر سند  
آورده است. پاره‌ای از احادیث این کتاب،  
که پیرامون موضوع مهدویت، و  
خصوصیات حسبی و نسبی حضرت بقیه  
الله الاعظم ولی عصر، می باشد حائز  
اهمیت است.

آغاز: بسمله، ما كان من رسول  
الله ﷺ من التقدم و من اصحابه في  
الفتن التي هي كائنة، اخبرنا الشيخ ابوبكر

عبد الغفار بن محمد بن الحسين.

انجام: حدثنا حميد بن عبد الرحمن،  
عن محمد بن مسلم، عن ابراهيم بن ميسر،  
عن طاووس، قال قد.

[برو کلمان، ذیل ۱/۲۵۷؛ کشف

الظنون ۲/۱۴۴۵؛ معجم المؤلفين

۱۳/۱۱۳؛ الأعلام، زرکلی ۸/۱۴۰؛ تاریخ

نگارش های عربی ۱/۱۵۱؛ الفهرس

الشامل للترات العربی الاسلامی المخطوط،

الحديث النبوی الشریف و علومه و رجاله

۲/۱۱۸۳؛ فهرست المخطوطات ۲/۱۱۵۴؛

مجله آینه پژوهش، شماره ۸۴؛ اسفند

۱۳۸۲ ش، ص ۴۶-۵۴ مقاله ای درباره

این کتاب چاپ شده است].

۱. قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۳۵۱

عکسی. (تصویر نیمه اول کتاب است)

نسخه اصل: کتابخانه موزه بریتانیا در

لندن، نسخه ش ۹۴۴۹.

خط: نسخ، کا: محمد بن محمد بن

علی صیرفی انصاری، تا: ۷۰۶ ق؛

مصحح: ۲۰۲ ص، ۲۱ سطر [عکسی ف:

۴-۱۰۰].

۲. قم: مرعشی؛ شماره نسخه:

۱۳۵۲ عکسی

آغاز: کان عمر بن عبد العزيز مهديا و

ليس به ان المهدي اذا كان زيد المحسن في

۴۱۳ قری

این رساله در بیان ورد شبهه ای است که به اعتقاد امامیه اثناعشریه به غیبت امام ثانی عسروارد گردیده است.

آغاز: الحمد لله الذی ضمن النصر لمن نصره و ائید سلطان الحق من عرف سیله...

انجام: فهذه جملة الفصول التي ضمنت اثبات من معانيها ليصح بذلك الحق فيها ليعتبر به من ذوى الالباب وقد وفيت بضمانى فى ذلك والله الموفق...

[الذريعة ۳؛ ۴۹۰؛ اعيان الشيعة ۴۶؛ ۲۲ (السائل العشرة فى الغيبة)]

۱. قم؛ مرعشى؛ شماره نسخه: ۷۸/۸؛ ۷۶۱۵/۸؛ ۱۲۸۰۷/۱؛ ۲۴۳/۹.

خط: نسخ، بی کا، تا: قرن ۱۱؛ جلد: تیمساج، ۲۰ گ (۱۰۴ پ - ۱۲۳ پ)، ۱۷ سطر، اندازه: ۱۲ × ۱۸/۵ سم [ف: ۹۲۱]

مأخذ: فنخا، ج ۲۴، ص ۵۸.

### ● فضائل و مناقب

اهل بیت (منظومه) / فضائل و مناقب /

فارسی

کاشفی شیرازی، ق ۱۱ قری

در ذکر نام ائمه دیگر تا حضرت مهدی صلوات الله عليه می باشد.

احسانه.

انجام: برابر

نسخه اصل: کتابخانه موزه بریتانیا، ش ۹۴۴۹، نیمه دوم کتاب و ادامه شماره قبلی است.

خط: نسخ، کا؛ محمد بن محمد بن علی صیرفی انصاری، تا: ۱۰ ذیحجه ۷۰۶ ق، جا: سفح قاسیون دمشق؛ مصحح، ۱۹۰ ص، ۲۱ سطر [عکسی ف: ۱۰۱-۴].

۳. قم؛ مرعشى؛ شماره نسخه: ۷۰۹ عکسی و ۷۸۰ عکسی و ۱۸۶۷ عکسی و ۲۰۶۱ عکسی.

نسخه اصل: موزه بریتانیا، ش ۹۴۴۹. Or. تمام کتاب.

خط: نسخ، کا؛ محمد بن محمد بن علی صیرفی انصاری، تا: ۷۰۶ ق، جا: سفح قاسیون دمشق؛ مصحح؛ ۲۰۰ گ، ۲۱ سطر [عکسی ف: ۲-۱۹۳ و ۲۵۸ و ۵-۲۸۹] و [میراث شهاب: س ۱۷ ش ۳ و ۳۰۱-۴].

مأخذ: فنخا، ج ۲۳، ص ۶۳۷؛ دنا، ج ۷، ص ۸۷۳، ش ۲۰۰۷۶۷-۲۰۰۷۷۱.

### ● الفصول العشرة = المسائل العشر

فى الغيبة / كلام و اعتقادات / عربى

مفيد، محمد بن محمد، ۳۳۶ -



[قاموس الأعلام ۳۸۱۰/۵؛ لغت‌نامه دهخدا (کاشفی)]

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۲۰۷۵/۸

آغاز: من کلام مولانا کاشفی شیرازی علیه الرحمة: بعد از محامد حق و اوصاف مصطفی  $\times \times$  دارم هوای مدحت سلطان اولیا

انجام: امید ما بلطف عمیم تواست و بس  $\times \times$  فاغفرلنا بفضلک یا سامع الدعاء. خط: نستعلیق، بی‌ک، تا: جمادی الثانی ۱۰۷۹ق، جا: ابهر؛ ۸گ (۱۲۵۱۱۸)، ۱۴سطر، اندازه: ۷  $\times$  ۱۵سم [ف: ۴۸۱۳۰]

مأخذ: فنخا، ج ۲۴، ص ۱۳۶.

### ● قامعة اللجاج و دافعة الحجاج /

کلام و اعتقادات / عربی

بهارى همدانى، محمد باقر بن محمد جعفر، ۱۲۷۷ - ۱۳۳۳ قمری

بنا به اظهار مؤلف در مقدمه، برخی از ابناء زمان، بلکه برخی از طلاب، اقدام به تعیین زمان ظهور حضرت «مهدی» - صلوات الله علیه - نموده‌اند، در حالی که به هیچ سند محکمی تکیه ندارند؛ آن‌گاه مؤلف در صدد توضیح و تصحیح اعتقاد مردم، در آن باره نموده.

چاپ: در فصلنامه «میراث شهاب» شماره پیاپی ۸۴-۸۵ به چاپ رسیده است.

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۲۳۴۶/۲.

آغاز: الحمد لله رب العالمین... و بعد فبقول تراب اقدام طلاب العلوم الدینیة و خدمة الاخبار و الامتار النبویة المرویة فی الامور الشرعیة انارالله برهانهم.

انجام: بما یحتاج الیه اولیس علیه من مزید فلتکف بذلک حامداً مصلیاً مسلماً مستغفراً واجباً من الله الثواب فی المآب.

خط: نسخ، کاتب = مؤلف، تا: ۲۸شوال ۱۳۱۷ق، جا: بهار همدان؛ ۱۶گ (۴۵-۶۰)، ۱۵. ۱۹. سطر، اندازه: ۶  $\times$  ۱۱سم [ف: ۲۳۶.۳۱].

مأخذ: دنا، ج ۸، ص ۱۶، ش ۱۲۰۱۳۱؛ فنخا، ج ۲۴، ص ۷۱۲.

### ● القامعة للبدعة فی ترک صلاة

الجمعة [فی زمان الغیبة] / فقه / عربی

سماهیجی، عبدالله بن صالح، ۱۰۷۶؟ - ۱۱۳۵ قمری

در وجوب عینی نماز جمعه در زمان غیبت و دلیل بر آن از ادله اربعه باره و ایراد در آنها و نقل گفته‌های فقهاء بزرگ.

آغاز: بعد حمد لله و ثنائیه... فبقول

العبد الجانی عبدالله بن صالح البحرانی...  
هذه يا اخوانی فی الدین وشرکائی فی  
طلب الیقین...

انجام؛ وطریق اتباعه لا افکاره وعدم  
استماعه ثم نرویها بعنوان الله علی...

چاپ: میراث بهارستان، دفتر اول،  
۱۳۸۸ ش، تصحیح علی اسدی  
[الذریعه ۱۵: ۷۴]

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۴۹۰۲/۱.  
۱۱۵۷ ق، جا: بهبهان؛ افتادگی: انجام؛

تملك: حسین بن عباس بلاغی؛ مصحح؛  
جلد: تیماج قهوه ای، ۴۱ گ (۱-۴۱)،  
اندازه: ۱۶×۱۱ سم (ف: ۱۳-۷۹)

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۹۰۵۶.  
آغاز: بعد حمد لله وثنائه... فیقول

العبد الجانی عبدالله بن صالح البحرانی...  
هذه يا اخوانی فی الدین وشرکائی فی  
طلب الیقین...

انجام: فی مقابلة ترك فريضة مضيقه  
مامور بالمحافظه عليها والمصارعة اليها  
مضافا الى ما ورد عنهم فريضة...

خط: نسخ، بی کا: تا: نزدیک عصر  
مؤلف؛ افتادگی: انجام؛ تملك: اسد الله و

محمد باقر بن اسد الله؛ جلد: تیماج، ۹۵  
گ، ۱۶ سطر، اندازه: ۲۱/۵×۱۰/۵ سم  
(ف: ۲۳-۲۱۲).

مأخذ: فنخا، ح ۲۴، ص ۷۱۲-۷۱۳؛  
دنا، ج ۸، ص ۱۷-۱۸.

● قصیده در مدح امام زمان عجل الله تعالی فرجه

مناقب منظوم / فارسی  
از: ناشناخته

قصیده نونیه نیکویی است در ۴۵  
بیت مصنوع به صنعت جناس در استغاثه  
به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه.

آغاز: «ای برده نرگست زمن ناتوان  
توان - همواره سوده بر قدمت گل رخان  
رخان...»

انجام: «شایسته کار و کار... تنگ  
ساز - رستم شکار و باج ز زابل ستان  
ستان...»

گزارش نسخه: نوع خط نستعلیق،  
نام کاتب: سید محمد حسین همدانی،  
تاریخ کتابت: پیرامون سده ۱۳ هـ ق، نوع  
کاغذ: فرنگی، تعداد برگ: ۲ (۱۶۵ الف -  
۱۶۶ ب)،

مأخذ: مرعشی، ج ۴۱، ص ۲۵۲،  
شماره نسخه: «(۱۶۲۴۴/۳۶)».

● القول المختصر فی علامات

المهدی المنتظر عجل الله تعالی فرجه = رسالة المهدي  
علامة المهدي / حديث / عربي

ابن حجر هيثمي، احمد بن محمد، ۹۰۹  
- ۹۷۳ قری

رساله کوتاهی است در بیان علائم حضرت صاحب الزمان امام مهدی علیه السلام که مؤلف با استفاده از اخبار و روایات، علامات، خصوصیات و صفات آن حضرت را با حذف اسانید احادیث، در يك «مقدمه»، سه «باب» و «خاتمه» تنظیم کرده.

آغاز: قال شيخنا... شهاب الدين بن حجر الهيثمي الشافعي مفتي الحرمين الشريفين... وبعد فهذا كتاب لقبته القول المختصر في علامات المهدي المنتظر عليه السلام انجام: هذا آخر ما قصدته على غاية من الاستعجال... سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين و الحمد لله رب العالمين.

چاپ: این کتاب از سوی انتشارات المكتبة القرآن در قاهره به چاپ رسیده است.

[اهل البيت في مكتبة العريية، عبدالعزيز طباطبائي، ص ۴۲۱: الاوقاف العامة موصل ۲/۲۹۰ و ۲/۳۰۶؛ ايضاح العارفين ۱/۱۴۶؛ هدية العارفين ۱/۱۴۶]

۲. قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۷۴/۲ عکسی؛ ۱/۱۴۰۰۲؛ ۱/۱۵۴۳۴.

نسخه اصل: کتابخانه مدرسه احمدیه - حلب. سوریه، حلب، احمدیه، بدون

شماره.

خط: نسخ نازیبا، کا: محمد ادریس ابنایی (انبایی) مصری، تا: محرم ۹۶۹ق؛ ۱۳گ (۶۸۵۶) [عکسی ف: ۷۷.۱].

مأخذ: دنا، ج ۸، ص ۳۵۱، ش ۲۱۹۸۵-۲۱۹۸۲؛ فنخا، ج ۲۵، ص ۶۰۶-۶۰۷.

### ● کلمات معجز آیات ائمه

احادیث / حدیث / فارسی

حاوی سخنان ائمه اطهار علیهم السلام است و در آخر آن، علامت آخر الزمان و خروج حضرت قائم علیه السلام را آورده است.

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۱۶۱۷/۹.

آغاز: از کلام ائمه علیهم السلام وصیت کرده حضرت امیرالمؤمنین علیه اسلام به حضرت امام حسین علیه السلام که ای پسرک من.

انجام: چون روی او به بینم مهر پدري در حرکت آمده مرا مانع سیاست...

خط: نسخ خوش، بی کا، تا: قرن ۱۳؛

افتادگی: انجام؛ ۹گ (۴۰-۴۸)، ۱۶ سطر، اندازه: ۱۴/۵ × ۱۰/۵ سم [ف: ۲۹-۳۶]

مأخذ: فنخا، ج ۲۶ ص ۵۸۵؛ دنا، ج ۸، ص ۷۳۸، ش ۲۲۸۷۳۷.

### ● کشف الریة عن حکم صلاة

الجمعة فی أزمئة الغيبة / فقه / عربی

میرزا علی بن محمد، ق ۱۳ قری  
تاریخ تألیف: از اوایل شوال تا اواخر  
ذیحجه ۱۲۰۶ ق

رساله استدلالی مفصلی بروجوب  
عینی نماز جمعه در عصر غیبت امام  
زمان ع است.

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۲۷۵۳  
آغاز: الحمد لله المرتفع ساحة مجده و  
کبریائه عن أن تكون مطارح عرفان العرفاء  
المتنزه فسحة جلاله وارتفاعه؛ انجام: و  
صلی الله علی أشرف انبیائه محمد وآله  
البررة الكرام الغر الفخام ما اضاء فجر و  
ادهم ظلام.

خط: نستعلیق، کاتب = مؤلف، تا:  
ذیحجه ۱۲۰۶ ق؛ مصحح؛ جلد: مقوایی،  
۲۲۱ گ، ۱۴ سطر، اندازه: ۱۱ × ۱۶ سم [ف:  
۳۰۷.۷].

مأخذ: دنا، ج ۸، ص ۶۲۹،  
ش ۲۲۶۱۴۰-۲۲۶۱۴۱، فنخا، ج ۲۶،  
ص ۲۹۵.

● کفایة المهتدی فی معرفة

المهتدی (منتخب) / حدیث / فارسی

اصل از میر محمد بن محمد میر لوحی  
حسینی موسوی سبزواری اصفهانی ملقب  
به مطهر و متخلص به نقیبی معاصر مولی

محمد باقر مجلسی و معارض با او. میر لوحی  
این کتاب را در سال ۱۰۸۱ ق شروع کرده  
است و در سال ۱۰۸۳ ق به پایان رسانیده  
است.

کتاب شامل چهل حدیث است در  
اخبار حضرت مهدی ع که آن را از کتاب  
فضل بن شاذان استخراج نموده است.

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۲۷۹  
عکسی

نسخه اصل: همان نسخه بالا  
[عکسی ف: ۲۵۱۱].

مأخذ: دنا، ج ۸، ص ۷۰۸،  
ش ۲۲۸۱۳۷-۲۸۸۱۳۳؛ فنخا، ج ۲۶،  
ص ۵۱۳.

● کفایة المهتدی فی معرفة

المهتدی ع = اربعین میر لوحی / کلام و  
اعتقادات، حدیث / فارسی

میر لوحی سبزواری، محمد بن محمد،  
۱۰۰۰؟ - ۱۰۸۵؟ قری

تاریخ تألیف: ۱۰۸۱-۱۰۸۲ ق

این کتاب شامل شرح و تفصیل چهل  
حدیث در شناخت حضرت مهدی ع  
است و اهمیت آن در این است که مؤلف  
از کتاب هایی چون «کتاب الغیبة» فضل  
بن شاذان و «کتاب الغیبة» ابو محمد طبری  
و «الفرج الکبیر فی الغیبة» محمد بن هبة

الله طرابلسی استفاده کرده که هم اکنون اثری از آن‌ها نمانده است.

آغاز: بسمله و حمدله. اما بعد چنین گوید محتاج رحمت حضرت باری محمد بن محمد لوحی الحسینی الموسوی السبزاواری الملقب بالمطهر و المتخلص بالنقیبی.

انجام: معاشر الناس انی منذر و علی هاد و العاقبة للمتقین و الحمد لله رب العالمین تم هذا المختصر الموسوم بكفاية المهتدی...

چاپ: تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳ش، با عنوان «گزیده کفایة المهتدی»

[الذریعة ۱۸/۱۰۱؛ نسخه‌های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه ۵/۳۴۵؛ نشریه ۱۱/۷۰؛ فهرستواره منزوی ۹/۴۹۱؛ الذریعة ۱/۹۳]

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۰۸۹. خط: نسخ، بی‌کا، بی‌تا؛ افتادگی: آغاز و انجام: قطع؛ رقعی بزرگ [میراث شهاب: س ۹ ش ۲۲۲].

مأخذ: دنا، ج ۸، ص ۷۰۸، ۲۲۸۱۳۲ - ۲۲۸۱۲۳؛ فنخا، ج ۲۶، ص ۵۱۱ - ۵۱۲.

● کلام المهدی / کلام و اعتقادات /

عربی

مشعشی<sup>۱</sup>، محمد بن فلاح، -

۸۷۰ قری

تاریخ تألیف: محرم ۸۵۵ ق

مجموعه‌ای است مشتمل بر مطالب دینی و اعتقادی و پاره‌ای از نامه‌ها و پاسخ‌هایی که مؤلف به انتقاداتی که بر اثر ادعای مهدویت و عقاید فاسده بروی شده، به دیگران نوشته است. ایشان مکرر خویش را «سید» لقب می‌دهد و مهدی آل محمد (عج) می‌داند. وبا اعتراف به امامان دوازده‌گانه اهل بیت و صحت امامت آنان ادعای نیابت حضرت مهدی (عج) و اینکه پیش از ظهور آن حضرت آمده تاراه را برای وی هموار کند را دارد.

[الذریعة ۸/۱۱۱]

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۳۸۲۵ و ۱۶۲۸ عکسی؛ و ۱۲۱۱.

آغاز: السيد الذی ظهر ملهم بالصواب لا أخذ من الكلینی و لا من غیره لكن ما ذكره من هذه المعانی حجة علیكم غداً.

۱. چون در نامه‌های خود لفظ شعشه را بسیار تکرار کرده و خود را نوری و شعاعی می‌داند که در پیروانش تاییده و آنان را فرا گرفته، لذا به «مشعشی» معروف گشته. (فهرست مرعشی، ج ۱۰، ص ۲۰۲، پاورقی)

انجام: وقد غفل كل من الفريقين عن  
مورد التحقيق ...

خط: نسخ معرب، بی کا، تا: قرن ۱۰؛  
افتادگی: آغاز و انجام؛ مصحح؛ مهر: «العبد  
المذنب حسن الموسوی» (مربع)؛ جلد:  
تیماج، ۳۳۲ گ، ۳ سطر، اندازه: ۱۹ ×  
۲۷ سم [ف: ۱۰ ۲۰۲] و [عکسی ف:  
۴۲.۵].

مأخذ: دنا، ج ۸، ص ۷۲۲؛  
ش ۲۲۸۴۰۹، ۲۲۸۴۰۳؛ فنخا، ج ۲۶،  
ص ۵۴۵ - ۵۴۶.

### ● اللمعة في تحقيق صلاة الجمعة /

فقه / عربي

شوشتری، نورالله بن شرف الدین،  
۹۵۶-۱۰۱۹ قری

مختصر استدلالی است بر عدم وجوب  
نماز جمعه و حرمت آن در حال غیبت و این  
که وجوب آن مشروط است بر وجود امام  
یا نائب خاص آن حضرت.

قم: مرعشی؛ شماره نسخه:  
۷۱۰۷/۴.

آغاز: الحمد لله الذي خص يوم  
الجمعة بالاحترام وفضل صلاتها في محكم  
الكلام وناطها لمزيتها بحضور الامام

انجام: هذا آخر ما أردنا إيراده في  
تحقيق هذا المرام والحمد لله على توفيق

الاتمام والصلاة والسلام على محمد وآله  
الطهر الكرام

کا: محمد کاظم بن محمد شریف  
مدرس خادم خاتون آبادی، بی تا؛ جلد:  
گالینگور، ۱۴ گ (۶۰-۷۳ پ)، اندازه:  
۱۲×۱۸/۵ سم [ف: ۱۸-۲۶۰].

مأخذ: فنخا، ج ۲۷، ص ۴۷۸؛ دنا،  
ج ۸، ص ۱۰۸۴، ش ۲۳۶۹۱۳.

### ● مجالس (علایم) ظهور و

آخر الزمان / عقاید / فارسی

مجالسی است در علایم آخر الزمان و  
خروج دجال و فرود آمدن حضرت  
عیسی عليه السلام و خروج یاجوج و ماجوج،  
همراه با آیات و تفسیر آنها و حکایت و  
مطالب متفرقه دیگر.

قم: مرعشی؛ شماره  
نسخه: ۱۱۵۷۰/۴

آغاز: ... تنبیه آخر الزمان در نشان های  
آخر الزمان و علامات آن و بیرون آمدن  
دجال

انجام: و واجب بود بر خدای تعالی که  
او را خشنود گرداند روز قیامت و برانگیزد او  
را روز قیامت ...

خط: نسخ و نستعلیق، بی کا، تا: قرن  
۱۲؛ افتادگی: آغاز و انجام؛ مصحح؛ ۴۰  
برگ (۹۳-۱۳۲)، ۱۴ سطر [۹×۱۴ سم]-

[ف: ۲۹-۲۶۸].

مأخذ: فنخا، ج ۲۸، ص ۳۸، ردیف:

۲۱.

● **المحجة فيما نزل في القائم  
الحجة / فضائل و مناقب / عربي**

بجرائی، هاشم بن سلیمان، - ۱۱۰۷؟

قری

تاریخ تألیف: شوال ۱۰۹۷ق

مشمتمل بر آیاتی است که درباره

حضرت حجة بن الحسن

العسکری علیه السلام امام دوازدهم شیعیان

امامیه علیه السلام نازل شده و اخباری که از ائمه

هدی علیه السلام در تأویل و تفسیر آن‌ها وارد

گردیده است.

آغاز: بسملة الحمد لله القائم الدائم...

اما بعد فيقول... هذا كتاب لطيف و نموذج

شريف في ذكريات...

انجام: و تواصلوا بالحق يعني بالامامة و

تواصلوا بالصبر يعني في الفتره و كان

الفراغ... شهر سؤال من السنة السابعة و

التسعين و الف من الهجرة... والسلام.

چاپ: مشارعربى، ص ۸۱۲؛

دارالخلافه طهران، سنگى، ۱۲۷۲ق،

رحلى، ۴۰ ص (۷۱۹-۷۵۸)؛ لبنان،

بيروت، ۱۲۹۷ق، همراه كتاب الألفين

علامه حلى، همچنين در سال‌های ۱۴۰۳

و ۱۴۱۰.

قم: مرعشى؛ شماره نسخه:

۱۰۰۹۹/۲؛ ۱۱۱۵/۲؛ ۱۵۸۰۸/۲

خط: نسخ، کا: على بن عباس بن

على كزكائى بجرائى، تا: اواخر قرن ۱۳؛

مصحح، محشى؛ ۵۴گ (۹۵، ۱۴۸)، ۲۱،

سطر، اندازه: ۱۱ × ۱۷ سم [ف: ۴۰-۱۹۶].

مأخذ: دنيا، ج ۹، ص ۱۷۰،

ش ۲۴۹۴۶۴؛ فنخا، ج ۲۸، ص ۴۵۳.

۴۵۴.

● **مزار / زیارت / فارسی**

شبر، عبدالله بن محمدرضا، ۱۱۸۸؟ -

۱۲۴۲ قری

تاریخ ترجمه: شب پنجشنبه ۲۴ سؤال

۱۲۲۵ق.

در ۱۲ باب تنظیم شده، باب دهم در

آداب و کیفیت زیارت صاحب الامر علیه السلام

است.

قم: مرعشى؛ شماره نسخه: ۱۰۱۲۵.

خط: نسخ، کا: زين العابدين بن

جعفر حسینی، بی تا، جا: کاظمین؛ جلد:

مقوایی، ۱۷۸گ، ۱۷ سطر، اندازه:

۱۰/۵ × ۱۵ سم [ف: ۲۶-۹۱]

مأخذ: فنخا، ج ۲۹، ص ۴۲۶.

● **مستطرفات من كلام المفيد في**

الغيبة / كلام و اعتقادات / عربي

مفید، محمد بن محمد، ۳۳۶ -

۴۱۳ قمری

گزیده‌ای از کلمات شیخ مفید است در مورد غیبت حضرت امام زمان علیه السلام که فردی معتزلی از شیخ سؤال می‌کند که امام غائب شما از دوستان تقیه می‌کند یا از دشمنانش و یا از هر دو که شیخ پاسخ مبسوطی ارائه می‌نماید.

[الذریعة: ۲۰/۳۸۶]

قم: مرعشی؛ شماره نسخه:

۱۲۸۰۷/۶

آغاز: و مما استطرفناه من کلام الشیخ المتقدم السعید ابی عبد الله محمد بن محمد بن نعمان المفید فی الغیبة.

انجام: ومنه من لطف بما یتصرف به عن التقیح و اذا کان الامر علی ما بیناه کان هذان الفصلان یسقطان هذه الزیادة تمت.

خط: نسخ، کا: عبد الله بن محمد حسن هشرودی تبریزی، تا: ۱۳۳۶ق، جا: کربلا: ۵گ (۲۵ - ۲۹ر)، ۲۱سطر، اندازه: ۹ × ۱۶سم [ف: ۳۲ - ۵۲۴].

مأخذ: دنا، ج ۹، ص ۵۴۱، ش ۲۵۴۲۴۴؛ فنخا، ج ۲۹، ص ۴۲۶.

### ● المشرب الوردی فی مذهب

المهدی = المشهد الوردی فی مذهب المهدی / کلام و اعتقادات / عربی

قاری هروی، علی بن سلطان محمد، -

۱۰۱۴ قمری

گفتاری است درباره حضرت مهدی علیه السلام به هنگام ظهور، و مؤلف عقیده دارد که آن حضرت در آن هنگام مجتهد مطلق است و به اجتهاد خود عمل می‌کند یا به احتیاط نه به مذهب ابی حنفیه چنان که شیخ عبد الله هندی معروف به مخدوم الملک بدین رأی عقیده دارد.

آغاز: الحمد لله الذی اوضح سبل الدین باجتهاد الائمة المجتهدین و جعلنا من برکاتهم من جملة المهتدین.

انجام: و اباد الملل کلها سوی ملة الاسلام، اماننا الله علی ملة الاسلام و متابعة نبینا علیه الصلاة والسلام.

چاپ: مطبوعات محمد شاهین،

۱۲۷۸ق.

[ذخائر التراث العربی

الاسلامی ۸۵۱/۲؛ معجم المطبوعات ۱۷۹۴/۲؛ خزانه مفتی ۷۲/۵ و [۷۳/۵]

قم: مرعشی؛ شماره نسخه:

۶۴۰۹/۶

خط: نسخ، کا: عبد الباقي بن فضل

الله، تا: ۱۰۰۴ق؛ محشی؛ جلد: مقوایی،

۱۸گ (۱۱۶پ - ۱۳۳ر)، اندازه: ۱۴ ×



۵/۲۰ سم [ف: ۱۳.۱۷]

مأخذ: دنا، ج ۹، ص ۵۸۷،  
ش ۲۵۵۳۴۱؛ فنخا، ج ۲۹، ص ۵۵۴.

● **مشكاة الحكمة و مصباح**

العرفان = مشكوة الحكمة و مصباح البيان  
في معرفة الحجّة الناطق في كل زمان /

كلام و اعتقادات / عربى

مراغى، حسن بن عبد الرحيم، -

۱۳۰۰ قمرى

تاريخ تأليف: روز چهارم هفته چهارم

ماه سوم ۱۲۵۲ ق

ردی بر کتاب یکی از مسیحین است

که معتقد بود که حجت خداوند در میان

مردم کتب عهدین است دارای يك

«مقدمه» و چهار «رکن» و «خاتمه».

آغاز: الحمد لله الملهم عباده الحمد و

فاطرهم على معرفة ربوبيته الدال على

جوده بخلقه و مجدوث خلقه على ازليتة و

باشتابهم [باشباههم] على قدسه و

جلالته و...

انجام: سيما الخلف القائم من عترته

وصل عليه و أمنائه العالمين بأمره فى غيبته

و عجل فرجه و فرج شيعة.

قم: مرعشى؛ شماره نسخه:

۱۵۱۳۶/۹؛ ۲۰۲۷/۸؛ ۸۸۴

خط: نسخ زيبا، بى كا، تا: قرن ۱۳؛

گ (۳۱-۴۱)، ۲۰ سطر اندازه: ۸ X

۱۶ سم [ف: ۴۲۲.۳۸]

مأخذ: دنا، ج ۹، ص ۵۹۸،

ش ۲۵۵۶۲۸ - ۲۵۵۶۳۴؛ فنخا، ج ۲۹،

ص ۵۸۳ - ۵۸۴.

● **المعتمد من مذهب الشيعة**

الاماميه / كلام و عقايد / عربى

حمصى رازى، محمود بن على، قرن ۶ ق

اين رساله شامل بيست و يك فصل

است متشكل از اوصاف ربوبى و نبوت و

امامت و... در پايان فصل ۱۹ در ضمن

سخن از «مهدى عليه السلام» حديث ام سلمه را

از صحيح ترمذى نقل مى كند و مى گويد

در آن كتاب بيش از يكصد حديث درباره

مهدى عليه السلام، گردآورى شده است.

آغاز: بسملة الحمد لله الذى عجزت

العقول عن ان تدرك كنه معرفته...

انجام: فن انكر ما ذكرناه خرج عن ملة

الاسلام و استحقق العذاب العليم و ذلك

آخر ما اردناه مختصرين غير مكلفين و

الحمد لله.

قم: مرعشى، شماره نسخه:

۴۵۹۳/۳.

مأخذ: فنخا، ج ۳۰، ص ۳۰۸.

● **معتمد و مستند / كلام و اعتقادات**

/ فارسى

از؟

رساله در بیان علامات ظهور ولی عصر و خروج دجال و قیامت است، احادیث وارده در این کتاب مختلف از فریقین روایت و نقل شد.

آغاز: پس از خطبه: اما بعد بدان آنچه مقرون از اخبار مستفاد شده یازده سم وقوع خواهد یافت اول خروج حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه چنانکه ابن عباس از حضرت رسالت پناه ع روایت کرده اند که فرمود: «کیف هو لائک امة فی اولها...».

انجام: پندها کار کند بی شک از من رسته باشد و به بهشت رود.

خط: نسخ، بی کا، تا: ۱۶ ربیع الثانی ۱۲۴۴ ق؛ مجدول؛ واقف: نائینی، مرداد ۱۳۱۱؛ جلد؛ منقش، ۴۶ گ، ۱۸ سطر، اندازه: ۲۰/۵ × ۱۴ سم [ف: ۵-۱۶۰].

مأخذ: فنخا، ج ۳۰، ص ۳۰۹؛ دنا، ج ۹، ص ۸۴۳، ش ۱۶۱۹۲۳.

● مقارنات ظهور الحجة عجل الله فرجه /

کلام و اعتقادات / عربی

بهارى همدانى، محمد باقر بن محمد جعفر، ۱۲۷۷ - ۱۳۳۳ قری

تاریخ تألیف: صفر ۱۳۳۲ ق

رساله ای است مختصر در دفع برخی

شبهات ورد برخی از احادیث ساختگی که درباره امام زمان گفته شده است مؤلف در مورد امام زمان چندین کتاب و رساله نگاشته است از جمله:

العلامم لاهتداء الهوائم و ذیل آن، النور فی الامام المستور و ذیل آن، ابهی الدرر فی تکلمة عقد الدرر، الوجیزه، فی غیبة الحجة، جواب منکر وجود صاحب الزمان و غیر آنها.

[الذریعة: ۲۱/۳۷۸]

قم؛ مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۲۳۳۹/۴.

آغاز: الحمد لله رب العالمین.... و بعد بر کافه اهل ایمان مخفی نماند چند فرقه ای از اهل ضلال برای گمراه نمودن نادانها؛ انجام: و بر آنها لازم است که به رساله اصول دین ما و امثال آن مراجعه نموده عقاید محکم نمایند.

خط: شکسته نستعلیق، کاتب = مؤلف، تا: صفر ۱۳۳۲ ق؛ ۸ گ (۹۷-۱۰۴)، ۱۳-۱۵ سطر (۷ × ۱۱)، اندازه: ۱۱ × ۱۶ سم [ف: ۳۱-۲۲۸]

مأخذ: دنا، ج ۹، ص ۱۱۰۱، ش ۲۶۸۵۳۲؛ فنخا، ج ۳۱، ص ۲۰-۲۱.

● مناظرات مع ابن الأوسی / کلام و

اعتقادات / عربی

نسابه، علی بن عبدالکریم، - ۸۰۰؟  
قری

مختصری است از کتاب «الانوار المضيئة» سید علم الدین مرتضی علی بن جلال الدین عبدالحمید نسابه از دانشمندان قرن هشتم، که در غیبت حضرت صاحب الزمان علیه السلام نوشته است  
آغاز: بسمله وبه نستعين. اخبار منقوله من خط السيد السعيد الكامل علی بن عبدالحمید من كتاب الغيبة...

چاپ: قم، مطبعة خيام، ۱۴۰۱ ق، تحقیق سید عبداللطیف کوه کمری خوئی.  
[الذریعه ۷۷/۱۶ و ۱۷۳/۱۲ و ۲۱۷ و ۲/۴۴۲-۴۴۴؛ ریحانة الادب ۱/۱۹۰؛ مصفی المقال ۲۸۵].

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۱۳۱/۵ و ۲/۲۸۳۲ و ۱/۹۹۰.

مأخذ: دنا، ج ۱۰، ص ۹۹، ش ۲۷۴۲۶۸-۲۷۴۲۷۳؛ فنخا، ج ۳۱، ص ۷۵۱.

● منظومه فی انتظار الحجة علیه السلام =

منظومه فی انتظار الفرج / ادب منظوم / عربی

از: شیخ بهائی، بهاء الدین محمد بن حسین، عاملی، (م/ ۱۰۳۰ هق)

گزارش متن: منظومه ای است در

شریعت اصفهانی، فتح الله بن محمد جواد، ۱۲۶۶، ۱۳۲۹ قری تاریخ تالیف: ۱۳۲۶ ق

پرسش و پاسخ‌هایی است درباره غیبت امام زمان علیه السلام و اثبات وجود و امامت آن حضرت، که سید محمود شکرى آلوسی از بغداد در سه نوبت تقدیم داشته و شیخ با تفصیل و استدلال از آنها پاسخ گفته است.

آغاز: الحمد لله رب العالمین... وبعد فقد رفع الی سؤال فی هذه الايام عن بغداد وجهه الی بعض اخواننا فی الايمان. انجام: مصلین مسلمین علی محمد افضل رسله الكرام وآله الاطهار الابرار العظام ما قبل یوم وادبر الظلام.

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۸۵۳۱.

خط: نسخ، کا: عبدالله بن محمد حسن هشترودى، تا: چهارشنبه ۲۶ ذیحجه ۱۳۲۴ ق، جلد: تیماج، ۷۸ گ، ۱۸ گ، اندازه: ۲۱×۲۱۴ سم [ف: ۲۲-۱۱۱].

مأخذ: دنا، ج ۱۰، ص ۳۸-۳۹، ش ۲۷۳۰۴۱-۲۷۳۰۴۳؛ فنخا، ج ۳۱، ص ۵۶۹

● منتخب الانوار المضيئة فی

الحكمة الشرعية / حدیث / عربی

شوق انتظار حضرت امام عصر علیه السلام که در  
۳۴ بیت سروده شده است.

آغاز: «یا کراماً صبرنا عنکم محال ان  
حالی فی خفاکم شرّ حال».

انجام: «هاک یا مولی العرب نعم المجر  
من موالیك البهائی الحقیق».

خط، نستعلیق؛ تاریخ کتابت،  
پیرامون سده ۱۲ هـ ق، نوع کاغذ:  
فرهنگی؛ تعداد برگ، ۱ («۶»؛ تعداد سطر:  
چلیپا؛ اندازه متن: ۸×۱۵/۵ سم.

مأخذ: مرعشی، ج ۴۲، ص ۴۲۳،  
شماره نسخه: «(۱/۱۶۷۵۰)».

● منهج السالکین و حیاة العارفین /  
کلام و اعتقادات / فارسی

برغانی، محمد علی بن محمد، ۱۲۷۲؟  
قری

در اصول دین برای عامه مردم به  
روشی ساده و آسان، در یک «مقدمه» در  
سبب آفرینش خلاق و پنج «مطلب» در  
اصول پنج گانه دین دارای چند «مقام» و  
«خاتمه» در رجعت و آجال و ارزاق و

اسعار

آغاز: الحمد لله رب العالمین و الصلاة و  
السلام علی سید ولد آدم... اما بعد چنین  
گوید فقیر محتاج بفضل و رحمت حق  
تعالی

انجام: و رضا بهر حال بقدر و قضاء او و  
این که حق تعالی ولی هر چیز است، اللهم  
صل علی محمد و آل محمد

[فهرستواره منزوی ۵۶۷/۹]

قم: مرعشی؛ شماره نسخه:  
۷۳۵۸/۳.

خط: نستعلیق، کا: سیاهدهی، یعقوب  
بن باقر، تا: ۱۲۷۱ق؛ جلد: تیماج، ۲۲گ  
(۸۱-ر-۱۰۲)، اندازه: ۱۷ × ۲۲سم [ف:  
۱۵۸۱۹]

مأخذ: دنای، ج ۱۰، ص ۲۹۳،  
ش ۲۷۷۹۹۴-۲۷۷۹۹۳؛ فنخا، ج ۳۲،  
ص ۳۲۵-۳۲۶.

● المهدی علی لسان  
الحسین علیه السلام / حدیث / عربی

صابری همدانی، احمد، ق ۱۵ قری

تاریخ تألیف: ۲۰ جمادی الثانی ۱۴۰۵  
ق

رساله مختصری است در بیان احادیث  
وارد از امام حسین علیه السلام درباره امام  
زمان علیه السلام، درده «فصل» کوتاه.

چاپ: ایران، قم، مکتبه المعارف  
الاسلامیه، ۱۴۱۱ قری

قم: مرعشی؛ شماره نسخه:  
۱۳۰۴ عکسی.

آغاز: بسمله، ان ما یتجلی لكل



باحث دینی و متتبع فی الأمر الاسلامی ان نبی المسلمین و خاتم النبیین؛ انجام: هذا آخر ما أردنا جمعه مما روى عن الامام الشهيد الحسين بن على بن أبى طالب فى سنة ۱۴۰۵ فى بلدة قم.

نسخه اصل: نزد مؤلف محفوظ است. خط: نسخ، کا: سید حسین طباطبایی از طلاب مدرسه جعفریه قم که مؤلف رساله تأسیس کرده، تا: ۱۴۰۵ق؛ مؤلف تصویر این رساله را به کتابخانه حاضر اهدا نموده و در آغاز آن آورده است؛ ۴۱ ص، ۱۵ سطر [عکسی ف: ۱۰۴] مأخذ: فنخا، ج ۳۲، ص ۶۱۲-۶۱۳.

● **مهدی موعود** / کلام و اعتقادات / فارسی

پادانا، مسعود، ۱۳۶۳ شمسی مؤلف علت نگارش این کتاب را خواب دیدن حضرت مهدی به طور مکرر ذکر کرده است. مطالبی مقدمتاً آورده سپس در مورد عقاید اقوام درباره حضرت مهدی علیه السلام و نظر اسلام و تاریخچه‌ای در این باب ذکر کرده است.

آغاز: نیایش، سجود خدائی را که مرتبط با عالم هستی از مبدأ ازلی درون نهانی‌ترین پنهانی‌ها و محاط بر عظیم‌ترین بی‌نهایت‌ها برای وصول و یگانگی...

انجام: هدایت شده ام ولی شخص حضرت مهدی علیه السلام را دیگر در عالم خواب ندیدم.

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۸۲۲۳. خط: نستعلیق، کاتب = مؤلف، بی تا، جلد: مقوایی، ۴۸۲ گ، اندازه: ۲۱/۵ × ۳۳/۵ [ف: ۱۸۸۲۱]

مأخذ: دنیا، ج ۱۰، ص ۳۹۴، ش ۸۰۴۶۷-۲۸۰۴۶۶؛ فنخا، ج ۳۲، ص ۶۱۳.

● **مهدیه** / عرفان و تصوف / فارسی  
نعمة الله ولی، نعمة الله بن عبدالله، ۷۳۰؟ - ۸۳۴ قمری

اخباری که مربوط به حضرت مهدی (امام دوازدهم شیعه امامیه) می باشد در این رساله به شیوه عرفانی به نظم و نثر گزارش شده است.

آغاز: الحمد لله و الصلوة على رسول الله عن ابى سعيد الخدرى رضى الله عنه قال ذكر رسول صلى الله عليه وسلم: بلا [بلاء] يصيب هذه الامة حتى لا يجد الرجل ملجأ يلجأ اليه من الظلم...

انجام: آخر زمين برآيد آتش × × سوزد تر و خشك مردمان خوش / اينست علامت قيامت × × فرمود رسول حق بامت.

انجام: تادشماریاران و موالیان  
خویش محسوب داشته در روز رستخیزاز  
شفاعت خود محروم نفرماید.

چاپ: مشار فارسی. ج ۵، ص ۵۱۶۹؛  
دارالخلافه طهران، سنگی، ۱۳۲۹ق،  
رحلی، ۲۱۲ص؛ ۱۳۲۰ق، ۳۵۶ص  
(صص ۱-۳۵۵) + ۱ص؛ دارالخلافه  
طهران، سنگی، ۱۳۰۶، ۴۲۱ص  
[فهرستواره منزوی ۱۸۰۹/۳ و  
۵۸۳/۹]

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۰۹۷۵.  
خط: نستعلیق، کاتب = مؤلف، بی تا؛  
مصحح؛ جلد: تیماج، ۳۶۷گ، ۲۰سطر،  
اندازه: ۱۵/۵ × ۲۱سم [ف: ۳۸۳-۲۷]  
مأخذ: دنا، ج ۱۰، ص ۵۹۴، ش:  
۲۸۵۱۵۸ - ۲۸۵۱۵۷؛ فنخا، ج ۳۳،  
ص ۱۶۱ - ۱۶۰.

● النجم الثاقب فی بیان ان المهدي  
من اولاد علی بن ابی طالب / حدیث،  
امامت / عربی

رساله ای است در معرفت امام  
مهدی عجل الله فرجه و بیان خصوصیات آن  
حضرت و کیفیت قیام او در آخرالزمان، با  
استفاده از مصادر و منابع اهل سنت.  
[اهل البيت في المكتبة العربية ۳۹۶ -  
۶۴۰]

چاپ: این رساله در ضمن رساله های  
حضرت سید نورالدین شاه نعمت الله  
ولی جلد اول صص ۷۶-۸۳ به سال  
۱۳۵۵ش در تهران به چاپ رسیده است؛  
در مجلد چهارم، مجموعه رسائل او، چاپ  
دکتر نوربخش، ص ۸۹ بوسیله خانقاه  
نعمت اللهی چاپ شده [فهرستواره  
منزوی ۸/۱۰۰۵]  
قم: مرعشی؛ شماره نسخه:  
۱۶۴۸۴/۷.

خط: نستعلیق زیبا، بی کا، تا: حدود  
قرن ۱۳؛ مصحح: آگ (۱۲۰-۱۲۳)،  
۱۴ سطر (۸ × ۱۴) [ف: ۶۸۴۱]  
مأخذ: دنا، ح ۱۰، ص ۳۹۴،  
ش ۲۸۰۴۶۹ - ۲۸۰۴۶۹؛ فنخا، ج ۳۲،  
ص ۶۱۳ - ۶۱۴.

● النجم الثاقب فی احوال الامام  
الغائب عجل الله فرجه / تاریخ معصومین - فارسی  
نوری، حسین بن محمدتقی،  
۱۳۲۰، ۱۲۵۴ قمری

تاریخ تألیف: ۱۴ ذیقعد ۱۳۰۳ق  
مشمول بر احوال و غیبت امام  
عصر عجل الله فرجه است.  
آغاز: سپاس بیرون از اندازه و قیاس  
سزاوار قائمی است بالذات غائب از عالم  
اندیشه و حواس

آغاز: بسمله. و به الاعانة وهو  
ثقتی... و بعد فقد قلت البرکات و کثرت  
الشرور و الافات و تکدرت النعماء بعد  
الصفاء و تظاهرت المنکرات.

انجام: و هذا آخر ما اورده و اردته و  
نهاية ما حررته و قصدته و صلى الله على  
سيدنا محمد و آله و صحبه و سلم. تمت  
الرسالة المباركة...

قم: مرعشی؛ شماره نسخه:  
۱۸۷۲ عکسی.

نسخه اصل: کتابخانه لاله لی در  
ترکیه، شماره ۶۷۹ منتقل شده به کتابخانه  
سلیمانیه در استانبول.

خط: نسخ، بی‌کاف، بی‌تا؛ مهر کروی  
بزرگ یکی از سلاطین نسخه رادر  
۱۲۱۷ ق وقف کرده؛ ۷۸ ص، ۲۱ سطر  
[عکسی ف: ۲۹۸۵]

مأخذ: دنا، ج ۱۰، ص ۵۹۴،  
ش ۲۸۵۱۶۱؛ فنخا، ج ۳۳، ص ۱۶۱ -  
۱۶۰.

● نرگس دان ذبیحی = نرجس دان /

شعر / فارسی

ذبیحی یزدی، اسماعیل، - ۱۱۶۰ قری  
تاریخ تالیف: ۱۱۱۵ ق.

مشوی متوسط در سرگذشت نرجس  
بانو مادر بزرگوار امام عصر علیه السلام در هفتصد

و بیست بیت.

آغاز: بنام آنکه فرمود از بدایت xx به  
حب خاندان ما راهدایت / به وحدانیت  
دانش کماهی xx گواهی داده از مه تا به  
ماهی

انجام: این نرگس دان بسته راه تو بیخ  
xx بروقت ماه و مشتری و مریخ / تاریخ  
طلب چون ناظمش از من کرد xx نرگس  
دان ذبیحی آمد تاریخ

چاپ: تبریز، ۱۳۲۵ ق، ۱۳۴ ص.

چاپ سنگی

[نسخه‌های منزوی ۴/۳۲۷۰؛  
الذریعه ۱۹/۳۲۰ و ۹/۳۳۸؛ فهرستواره  
منزوی ۳/۱۸۱۰]

قم: مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۱۲۳.

مأخذ: فنخا، ج ۳۳، ص ۲۶۷-۲۶۹.

● النور فی الامام المستور علیه السلام /

کلام و اعتقادات / عربی

بهارى همدانى، محمد باقر بن محمد  
جعفر، ۱۲۷۷-۱۳۳۳ قری

تاریخ تألیف: ۲ صفر ۱۳۱۶ ق؛ محل  
تألیف: نجف اشرف

مؤلف بعد از نگارش کتاب «ابهی  
الدررفی تکلمة عقد الدرر»، چون آن  
کتاب مختصر بوده و فقط شامل احادیث  
اهل سنت در اثبات وجود امام زمان و

ائمہ علیہم السلام است به دنیا در این کتاب جمع شده است.

آغاز: الحمد لله الذى فطر الافلاك وما فيها بيد قدرته وقدر الرجعة والزم علينا ان نكون معتقداً بها بجلال عظمته.

انجام: قد فرغت من تأليف هذه الرسالة وتجميعها فى زوال يوم الاربع ...  
قم: مرعشى؛ شماره نسخه: ۹۳/۳.

خط: نسخ، بی کا، تا: محرم ۱۰۸۵ق، جا: مشهد رضوی؛ ۱۲ گ (۱۲۸ پ - ۱۴۰)، ۱۵ سطر: ۱۸ × ۱۱ سم [ف: ۱ - ۱۱۲].

مأخذ: فنخا، ج ۳۴، ص ۱۸۰.

### ● وجوب الخمس حال استتار

#### الامام / فقه / عربی

حسینی کاظمی، محمود بن فتح الله، ق ۱۱ قری

درباره وجوب خمس هنگامی که امام زمان علیه السلام از نظرها غائب است، دریک «مقدمه» و پنج «باب» و یک «خاتمه».

آغاز: بسمله و حمدله... وبعد فانى لما رأيت الخلاف بين الاخوان فى وجوب الخمس حال استتار امام الزمان احببت ان اجمع بين مأخذهم من الاحاديث المختلفة و المؤتلفة و اوفق بينها لا ثبت وجوبه بالادلة الثلاثة و نص القرآن... ورتبت ذلك على

حالات آن حضرت بوده است، لذا تصميم به نگارش این کتاب می گیرد.

آغاز: الحمد لله رب العالمين و... و بعد فانى كت كتبت كتابى «أبهى الدرر تكلمة عقد الدرر فى اخبار الامام المنتظر عليه السلام...»

انجام: واقفوا و لا هم من التسنن اخرجوا و لا عن تشييع الامامية فى المقال كفوا و هو الفتاح العليم انتهى

[معجم المؤلفين ۹/۹۲؛ الذريعة ۲۴/۳۷۴]

قم: مرعشى؛ شماره نسخه: ۱۲۲۷۸/۱.

خط: نسخ، كاتب = مؤلف، تا: ۲ صفر ۱۳۱۶ق؛ ۱۵۳ گ (۱۵۳-۱)، ۱۹ سطر، اندازه: ۹/۵ × ۱۵ سم [ف: ۳۱-۱۲۷]

مأخذ: دنا، ج ۱۰، ص ۸۵۳، ش ۲۹۱۰۹۵ - ۲۹۱۰۹۴، فنخا، ج ۳۳، ص ۸۳۳.

### ● وافية المؤمنين فى تحقيق رجعة

#### الائمة المعصومين / كلام و اعتقادات /

#### عربى

استرآبادى، يوسف بن قاسم، قرن ۱۱ هجرى.

تاريخ تأليف: سه شنبه ۲۵ رمضان ۱۰۸۴ق

آيات و رواياتى كه راجع به بازگشت



مقدمه و خمسة ابواب و خاتمة.

انجام: فهذا ما تبين لي... و كتب العبد  
الاقبل محمود بن فتح الله الحسيني  
الكاظمي النجفي نسبا و مولدا و مسكنا و  
الحمد لله رب العالمين (هزار و هشتصد).  
[الذريعة ٤/٣٨٨]

قم: مرعشي؛ شماره نسخه:  
٢٥٢٥/٣.

خط: نسخ، بی‌ک، بی‌تا؛ مصحح،  
محشی؛ جلد: تیماج، ١٣ گ (٤٩ پ -  
١٤٢ ر)، ١٤ سطر، اندازه: ١٨/٥ × ١٢ اسم  
[ف: ١١١٧]

مأخذ: فنخا، ج ٣٤، ص ٢١٣.

● **الوجيزة في علامات الظهور =**  
تفسير آية و قضينا الى بنى اسرائيل / كلام  
و اعتقادات / عربي

بهارى همدانى، محمد باقر بن محمد  
جعفر، ١٢٧٧ - ١٣٣٣ قمرى

تاريخ تأليف: ربيع الاول ١٣٢٩ ق  
رساله‌اى است مختصر در تفسير آيه  
چهارم سوره اسرا «و قضينا الى بنى  
اسرائيل» در موضوع علامات ظهور  
حضرت بقيه الله الاعظم عجل الله فرجه، با نقل  
احاديث مربوط، از تفاسير و كتاب‌هاى  
روايى گوناگون.

آغاز: الحمد لله رب العالمين... و بعد

فهذه وجيزة أمليتها تذكرة و تبصرة فاقول  
من العلامات و الامارات أن لا يترك وتر  
لآل محمد عجل الله فرجه

انجام: فليكن هذا آخر ما نغليه فيه هذه  
الرسالة... حامداً مصليا مسلماً مستغفرا  
سائلاً أن يوفقنى الله تعالى لأتمامها و العلم  
و العمل يحفظنى عن الخطاء و الخطل.

[إعيان الشيعة ٣/٥٣٧؛ فصلنامه  
ميراث شهاب: سال چهارم تابستان  
١٣٧٧ش - صفحه ٦٧]

١. قم؛ مرعشي؛ شماره نسخه:  
١٢٢٨٣.

خط: نستعليق، كاتب = مؤلف، تا:  
ربيع الاول ١٣٢٩ ق؛ ٣١ گ، ١٤ سطر (٦ ×  
١١)، اندازه: ١١ × ١٦/٥ سم [ف: ٣١، ١٤]  
٢. قم؛ مرعشي؛ شماره نسخه:  
١٢٢٨٤

خط: نستعليق، كاتب = مؤلف، تا:  
ربيع الاول ١٣٢٩ ق؛ محشى از مؤلف، با  
قلم خوردگى؛ جلد: تیماج، ١٨ گ، ١٨ سطر  
(٧ × ١٢)، اندازه: ١١ × ١٧ سم [ف: ٣١ -  
١٤١]

مأخذ: دنا، ج ١٠، ص ١٠٢٤،  
ش ٢٩٥٦٦٧ - ٢٩٥٦٦٦؛ فنخا، ج ٣٤،  
ص ٢٩٩.

● **الوجيزة في غيبة الحجة عجل الله فرجه /**

کلام و اعتقادات / عربی

بہاری ہمدانی، محمد باقر بن  
محمد جعفر، ۱۲۷۷-۱۳۳۳ قمری  
تاریخ تالیف: شب جمعہ ۸ شوال  
۱۳۲۶ق؛ محل تالیف: ہمدان.

رسالہ ای است مختصر در غیبت امام  
زمان حضرت مهدی با استفاده از آیات و  
روایات. این کتاب دارای «مقدمہ» و ۹  
«امر» می باشد.

آغاز: بحمدك اللهم يا باريء النسمة و  
خالق اللوح و القلم الذى علم الانسان ما  
لم يعلم...

انجام: وليكن هذا آخر ما نثنيه فى تلك  
الوجيزة فى الغيبة جعلها الله تعالى ذخيرة  
للمعاد

[الذريعة ۲۵/۴۶]

۱. قم: مرعشى؛ شماره نسخه:  
۱۲۳۵۰/۲.

خط: شكسته نستعلیق، كاتب=  
مؤلف، تا: جمعہ ۱۸ شوال ۱۳۲۶ق، جلد:  
تیماج، ۲۷گ (۵۱-۷۷)، ۱۴-۱۵ سطر  
(۸ × ۱۴)، اندازه: ۱۱ × ۱۸ سم [ف]:

[۲۴۳.۳۱]

۲. قم: مرعشى؛ شماره نسخه:  
۱۲۳۵۱/۲.

خط: شكسته نستعلیق، كاتب=

مؤلف، تا: جمعہ ۱۸ شوال ۱۳۲۶ق، جلد:  
تیماج، ۳۶گ (۵۶-۹۱)، ۱۴ سطر (۷ ×  
۱۳)، اندازه: ۱۱ × ۱۸ سم [ف: ۲۴۵.۳۱]  
مأخذ: دنيا، ج ۱، ص ۱۰۲۴،  
ش ۲۹۵۶۷۲-۲۹۵۶۷۱ فنخا، ج ۳۴،  
ص ۳۰۰.

● الهداية لمن اراد تحقيق الحق من  
ذوى الالباب / کلام و اعتقادات / عربی

قطیفی، عبدالله بن فرج، ۱۱۶۰ قمری  
در استدلال به ضرورت وجود حجت  
(امام) در هر عصر و زمان و این که باید از  
اهلیت حضرت پیامبر اکرم ﷺ باشد با  
ادله عقیده و ادله نقلیه از قرآن کریم و  
روایات اهل سنت، در چند فصل و یک  
خاتمه

آغاز: الحمد لله الذى لايفعل قبيحا و  
لايخل بواجب و الصلوة والسلام على  
محمد وآله الاطائب.

انجام: وان العترة الذين لاينفون عن  
هذا الدين تحريف... وانه لايد من بقاء  
بعضهم ببقاء الكتاب الى آخر الزمان...  
قم: مرعشى؛ شماره نسخه: ۱۹۸۳.

خط: نسخ، بی کا، بی تا؛ افتادگی:  
انجام؛ جلد: تیماج، ۷۹گ، ۱۷ سطر،  
اندازه: ۱۰ × ۱۵ سم [ف: ۳۵۵-۵].



۳۹ + ۱ ص؛ هند، بمبئی، ۱۳۱۰ق، سنگی،  
رقعی، ۳۹ + ۱ ص، به سعی واهتمام  
حاج شیخ علی محلاتی حائری، عربی و  
فارسی (ترجمه بین سطرها)؛ هند، بمبئی،  
مظفری، ۱۳۳۵ق، به اهتمام آقا علی اصغر  
صاحب تاجر زیدی مشهور به کرمی.

[الذریعة ۲۵/۲۱۵؛ رحانة الادب:  
۳۷۶/۶؛ فهرستواره منزوی ۹/۶۱۴؛ میراث  
مشترك ايران و هند: ۵۳.۲]

قم: مرعشی؛ شماره‌های نسخه:  
۱۲۶۱۴/۲ و ۱۶۲۴۹/۱ و ۸۵۹۰۲/۲ و  
۲۸۰۲/۵ و ۲۰۷۰/۱ (عکسی).

خط: نستعلیق، کا: عبدالحسین بن  
علی محلاتی، تا: قرن ۱۴؛ افتادگی: انجام؛  
رکابه‌دار؛ جلد: تیماج، ۸گ (۱۷۳-۱۸)،  
۱۸-۲۰ سطر (۷ × ۱۵)، اندازه: ۱۲ ×  
۱۸ سم [ف: ۳۰۳۲]

مأخذ: دنا، ح ۱۰، صص ۱۱۷۹-۱۱۸،  
ش: ۲۹۹۱۰-۲۹۹۱۲؛ فنخا، ج ۳۴،  
صص ۷۵۱-۷۵۳.

مأخذ: فنخا، ج ۳۴، ص ۷۰۵؛ دنا،  
ج ۱۰، ص ۱۱۳۵، ش ۲۹۸۷۲۲  
● هدية النملة الى مرجع الملة / كلام  
واعتقادات / عربی - فارسی  
كوثر عليشاه، محمدرضا بن علينقی،  
۱۳۱۸/۱۲۶۱ قری

تاریخ تألیف: يكشنبه ۲ جمادی  
الثانی ۱۳۰۲ق.

محل تألیف: سامراء

در اصول دین و تکلیف مردم در زمان  
غیبت و پاسخ به اعتقادات شیخیه،  
انتخاب شده از کتاب دیگر مؤلف به نام  
«السيف المسلول».

آغاز: الحمد لله رب العالمین... و بعد  
فهذه نبذة ممافی الصدور تكون نفثة  
المصدور امتثلت فیها أمر من یجب علی  
طاعته...

انجام: والله اعلم بمراده. الفصل  
الخامس، قالت الامامية لا یشرط....

چاپ: مشارف فارسی، ج ۵،  
صص ۵۴۷۵-۵۴۷۶؛ ۱۳۳۵ق، رقی،

## منابع و مأخذ

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مؤسسه آیه الله بروجردی، نگارش: سید احمد حسینی اشکوری، قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۴۲۶=۱۳۸۴
۲. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم، رضا استادی و...، قم: دفتر نشر گزیده، ۱۳۸۹ ش.
۳. فهرستواره دستنوشته‌های ایران (دنا)؛ مصطفی درایتی، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.
۴. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، مصطفی درایتی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، اول، ۱۳۹۰ ش.
۵. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله علیه، سید محمود مرعشی نجفی و همکاران، قم: کتابخانه بزرگ آیه الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله علیه.
۶. فهرستواره کتابهای فارسی، احمد منزوی، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۷. فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله علیه، نگارش: ابوالفضل حافظیان بابلی؛ زیر نظر سید محمود مرعشی نجفی، ناشر: کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله علیه.
۸. نسخ عکسی کتابخانه تخصصی صاحب الزمان عجل الله فرجه، قم: وابسته به مسجد مقدس جمکران.



## سندی در قرائت قرآن از: مصطفی قاری

به کوشش: محمدجواد طالبی

### مقدمه

نسخه خطی شماره ۲/۲۲۱۷۰ کتابخانه آستان قدس رضوی شامل سه رساله به شرح زیر است:

۱- تحفه القراء = تحفه القاری . از مصطفی بن ابراهیم قاری

۲- ارشاد قاری . از مصطفی بن ابراهیم قاری

۳- تحفه اهل الله = معرفه رسم خط کلام الله . از ناشناخته<sup>۱</sup>

در انجام کتاب سوم مبحثی مجزا تحت عنوان فصل پنجم، مطالبی در احوال محمد رضا قاری سبزواری (درگذشته ۱۰۵۵ق) توسط یکی از شاگردان ایشان به نام مصطفی بن ابراهیم القاری التبریزی المشهدی آمده است.

مرحوم آقا بزرگ تهرانی در کتاب طبقات اعلام الشیعه (الروضة النضرة فی علماء المائة الحادیة عشرة) ص ۵۶۵-۵۶۶ در معرفی نگارنده این فائده چنین آورده است:

مصطفی التبریزی ابن محمد ابراهیم القاری المشهدی صاحب «تحفة القراء» و «تحفة

۱. فهرست آستان قدس رضوی ج ۲۳، ص ۶۰.

الابرار) و «وقوف القرآن» و رسالة «سند قراءة عاصم».

ترجم نفسه في الفصل الخامس من تلك الرسالة التي ألفها بعد «تحفة القارى» في ١٠٦٧ و عمره ستون سنة وقت التاليف و ذكرانه ولد في توابع تبريز في ١٠٠٧ و جاور مشهد الرضا وله عشرون سنة و قرأ القرآن على والده أولاً.

ثم قرأ في ١٠٣٠ بقراءة عاصم على الحاج محمد رضا بن الحاج محب على السبزواري الذي قرأه على والده أولاً ثم على المولى محمد امين الذي قرأه على جده الملا عماد الدين على الشريف القارى الاسترآبادي بسنده المذكور في تصانيفه و تشرف بزيارة العتبات ثلاث مرات و للحج ثلاث مرات و في الحجة الثانية قرأ بمكة على اسماعيل القارى و قرأ في سائر اسفاره على جمع من قراء العرب مدة ثلاثين سنة، و كتب في حجة الثالث ١٠٦٧ «التحفة» بين الحرمين راجعاً عن الحج و لما حج و رجع الى اصفهان، لازم خدمة مجتهد الزمان الآخوند الملا محمد الخراساني، يراجع في مشكلاته و يأخذ منه احكامه، منها حكم الخلاف في آية السجدة فانه قال { اسجد الاولى وجوبا و الثانية بقصد القرية } و كتب في منزل الآخوند المذكور رسالة «وقوف القرآن» في ١٠٦٨،

اقول: المظنون ان كلمة «باقر» سقطت عن الكاتب فان المجتهد الخراساني الموصوف بالاوصاف في التاريخ ما كان في اصفهان الا محمد باقر السبزواري .

ثم رايت كتاب «ارشاد القارى» صرح في اوله انه اخذ مشكلاته عن سلطان المحققين برهان المدققين قدوة العالمين مجتهد الزمان المولى محمد باقر و ذكران تاليف ارشاد القارى كان في خمس سنين شرع فيه بكرى و فرغ منه في النجف في ١٠٧٨ وله يومئذ سبعون سنة و هو كتاب كبير مبسوط فيه الزبدة و النتيجة من مجموع عمره و لعله آخر تصانيفه و النسخة في كتب محمد على (الخونسارى)

اقول : رايت اخيراً كتابه الموسوم «تحفة شاهي» لانه شرع في تاليفه في النجف {مرقد شاه ولايت في رمضان ١٠٨٨} و رتبته على خمسة ابواب لانه تممه في مرقد خامس آل العباء و النسخة في مكتبة (امير المومنين ع) العامة في النجف) و احوال فيه الى كتابه «ارشاد القارى» (الذريعة ج ١ رقم ٥١٦)

علامه تهرانی در طبقات اعلام الشیعه (الروضة النضرة... صفحه ۲۱۹ به معرفی محمد رضا قاری پرداخته است: «محمد رضا السبزواری ابن محب علی المشهدی القاری الحافظ بالروضة الرضویه» فی رساله فی «سند قراءة عاصم» وقد قرأ علیه من ۱۰۳۰ وقال إنه العالم بالعلوم الدینیة والمقدس الورع التقی المصنف فی التجوید نظماً} وهو ترجمه تلمیذه مصطفی بن ابراهیم السبزواری المشهدی وهو «حیة جاودانی» (الذریعه جلد ۷ رقم ۶۲۱) بالفارسیه مقابل «حز الامانی» الشاطبیه، ونشراً هو «تحفة المحسنین» قال وكان من حفاظ الحرم الشریف الرضوی الی ان توفي عن ستین من العمر وازید فی ۱۰۵۵ ودفن فی رواق الحضرة الشریفة الرضویه من جانب الرجل. وقد اخذ القراءة أولاً عن والده التقی النقی الصالح الذکی الحاج محب علی السبزواری، ثم قرأ فی الروضة الرضویه علی محمد امین، وهو قراء علی جده عمادالدین علی الشریف القاری الاسترآبادی الاستاذ الشهیر فی القراءة المصنف فیها بالعربیة والفارسیة بسنده المذكور ویظهر من جعفر بن کمال فی ارجوزته فی التجوید المسماة «الکامل» (الذریعه جلد ۱۷ رقم ۲۵۶) عند ذکر اساتیده ان اسم والده یوسف قال {والفاضل الرضا بن یوسف التقی الحافظ الطوسی السبزواری البیهقی} فیظهران محب علی لقب یوسف او انه ابوه الروحانی لانه الاستاد.



در این مقاله، مصطفی تبریزی به بیان سند قرائت استادش محمد رضا قاری السبزواری تحت عنوان «فصل پنجم» رساله اش به شرح زیر می پردازد:

### فصل پنجم:

در بیان سند قراءت استاد فقیر.

بدانکه استاد فقیر مغفرت پناه جنت آرامگاه، حاجی محمد رضای قاری نام داشت و از شهر سبزوار بود و حافظ حرم محترم بهشت نشان امام الانس و الجن اعنی علی بن موسی الرضا علیه افضل التحیه و الثنا بود در کمال تقدس ذات و پاکیزگی صفات بود. عالم بعلم دینی و عارف بمسائل طریق امامیه بود و تصانیف در علم قراءت از نظم بسیار داشت بتخصیص

حیات جاودانی نظم بفارسی در جواب حرز الامانی که شاطبی است و تحفه المحسنین نشرو دیگر از اوصاف حمیده و اخلاق مرضیه آن نیکو خصال پسندیده فعال چه گویم و چه نویسم که زبان از بیان آن قاصرو قلم از تحریر آن کاسراست. و در سن شصت یا متجاوز از شصت در سنه هزار و پنجاه و پنج از دار فنا بدار بقا رحلت نموده بجوار رحمت ملک غفور پیوسته بدار السرور انتقال نمودند و در مشهد مقدس در پائین پای حضرت علی بن موسی الرضا علیه افضل التحیه و الثناء در مقام رضا مدفون گشت چنانکه استاد مغفور پرور خود فرموده بود، در مقام رضا میشد، آنکه چه بتاه[؟] مقاماتی، اللهم اغفره و لجميع المومنین و المومنات بحق محمد و اله المعصومین و زوجات الطاهرات.

و والد ماجد ایشان، حاجی بیت الله، زائر حرم رسول الله، التقی النقی، الصالح الزکی، محب علی سبزواری رحمة الله علیه، نام داشت و استاد میفرمود که:

اولاً قراءت پیش پدر خواندم و ثانیاً در روضه مطهر امام ثامن ضامن صلوات الله علیه بر مغفرت پناه رضوان جایگاه امین دین مبین آخوند مولانا محمد امین رحمة الله علیه و او فرمود که خواندم قراءت قرآن را بر جد بزرگوار خود الواصل الی جوار رحمت الله الملک الباری مولانا عماد الدین علی الشریف القاری الاسترآبادی رحمه الله و مولانا مشارالیه بسیار بزرگ و جلیل القدر بودند و در علم قراءت و عربیت سرآمد بود و در تلاوت و عبادت کس به او نرسید و تصانیف بعربی و فارسی در قراءت بسیار دارد و او سند قراءت خود را در یکی از تصانیف خود ذکر کرده و فقیر کلام آن بزرگ دین را بعینه درین مختصر ذکر کنم و آن اینست:

بدان ایدک الله تعالی فی الدارین که فقیر قرآن را خواندم من اوله الی آخره بروایت بکر در حایر حضرت امام حسین علیه السلام بر استاد خود سید حسین الحسینی الاسترآبادی المعروف بسید المغربی و اجازه داد مرا ایضا و او مرا خبر داد که خوانده ام قرآن را بر شیخ محمد مغربی در مدینه منوره متبرکه حضرت رسول الله و او خبر داد که خوانده ام قرآن را بر شیخ محمد جزری و او خبر داد که خوانده ام بر احمد بن حسین بن سلمان و او گفت که خوانده ام بر پدر خود و او گفت که خوانده ام بر ابی محمد یورقی و او گفت خوانده ام بر ابی الیمین الکندی و او گفت خوانده ام بر ابی محمد سبط الخیاط البغدادی و او گفت خوانده ام بر ابی الحسن علی بن



طلحه بن محمد البصری و او گفت خوانده ام بر یوسف بن یعقوب واسطی و او گفت خوانده ام بر شعیب الصیرفی و او گفت خوانده ام بر یحیی بن آدم و او گفت خوانده ام بر بکر شعیه بن عیاش و او گفت خوانده ام بر عاصم بن بهزله اسدی که سابقاً مذکور شد و بروایت حفص نیز در حایر امام حسین علیه السلام خوانده بر رسید مذکور و او گفت که خوانده ام بر شیخ محمد مغربی مذکور در مدینه رسول الله صلی الله علیه و آله و او گفت خوانده ام بر شیخ جزری و او گفت خوانده ام بر ابوالعیاش احمد بن محمد الحسینی الفیروزآبادی و او گفت خوانده ام بر علی بن احمد و او گفت خوانده ام بر ابوالیمین زید بن حسن و او گفت خوانده ام بر عبدالله بن علی البغدادی و او گفت خوانده ام بر ابوالفضل الشریف و او گفت خوانده ام بر عبدالله الکاظمی و او گفت خوانده ام بر ابوعلی حسن بن احمد بن هلالی در دمشق و او گفت خوانده ام بر ابوالحسن علی بن احمد و او گفت خوانده ام بر ابی المکارم اللبان،<sup>۱</sup> و او گفت خوانده ام بر ابو.



۱. به جهت کاستی نسخه ترجمه نفر آخر ذکر می شود: القاضی العالم، مسند اصهبان، ابوالمکارم، احمد بن ابی عیسی محمد بن محمد ابن الامام عبدالله بن محمد بن عبدالرحمان بن محمد ابن المحدث عبدالله بن محمد بن النعمان بن عبدالسلام، التیمی الاصبهانی الشروطی، ابن اللبان.

ولد فی صفر سنة سبع، وقال مرة: سنة ست وخمس مئة

وهو من یتم الله بن ثلعة

وقیل: بل ولد سنة اربع وخمس مئة، حکاه الحافظ الضیاء.

وهو مکرر عن ابی علی الحداد، وتفرد باجازه عبدالغفار الشیروبی الراوی عن اصحاب الاصح.

حدث عنه: العزمحمد، و ابوموسی ولد الحافظ عبدالغنی، و اسماعیل بن زفر، و یوسف بن خلیل، و ابورشید الغزال، و عدة.

و بالاجازة احمد بن سلامة، و الفخر ابن البخاری، طائفة.

مات فی السابع والعشرين من ذی الحجة سنة سبع وتسعين وخمس مئة.

(سیر اعلام النبلاء، ذهبی: ج ۲۱ ص ۳۶۲ شماره ۱۸۹).

کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله منتشر کرده است:



## فال نامه رباعیات ابوسعید ابوالخیر

﴿ ابوالفضل مرادی (رستا) ﴾

پژوهش در چگونگی رابطه پدیده فال و رباعیات شیخ ابوسعید ابی الخیر با تحقیق در  
نسخه منحصر به فرد موجود از رساله فال ابوسعید  
دکتر ابوالفضل مرادی (رستا)  
استادیار گروه علوم انسانی دانشگاه فرهنگیان قم

Research about the relationship between divination phenomenon ;Rubaiyat of

\* Sheikh Sa'id Abu al -Khair with research in unique version of the thesis Fal Abu Sa'id



### چکیده:

فال و تفال یکی از راه های ارتباط و مؤانست مخاطبان با آثار شاعران پارسی زبان بوده  
است. بررسی رابطه دیوان رباعیات شیخ ابوسعید ابی الخیر و پدیده فال مهم و مورد توجه  
پژوهشگران بوده است. این مقاله بر آن است تا با جست و جودر نسخه های خطی فارسی  
شناخته شده در ایران، ترسیم دقیق تری از پیشینه تفال در دیوان شیخ ابوسعید، ارائه دهد.

سپس با تکیه بر نسخه منحصر به فرد رساله فال ابوسعید موجود در کتابخانه آیت الله مرعشی قم، تحقیق در آن نسخه را مد نظر قرار داده، ابعاد جدیدی از موضوع پژوهش را آشکار می‌سازد. ضمناً در این مقاله، تحلیل فالنامه از جهات گوناگون، رابطه اعداد با رباعی‌ها، ردیابی، تبارشناسی رباعی‌ها و بررسی رباعی‌های نو و تازه منسوب به ابوسعید، در این رساله مد نظر قرار گرفته است. در نتیجه این پژوهش، می‌توان گفت: پدیده فال در رساله موجود، قابل انطباق با گونه‌های متداول فال در شعر نیست و با توجه به وضعیت موجود، این رساله بیشتر از نوع بیان فواید و خواص رباعیات، محسوب می‌گردد و نظرات پیشین در خصوص فال ابوسعید مبتنی بر این رساله، نیازمند تجدید نظر، بازبینی و پژوهش‌های تکمیلی است.

کلید واژه:

شیخ ابوسعید ابی‌الحیر، فال، رباعیات، عرفان و تصوف، نسخه‌های خطی



#### مقدمه

فال در گذشته فرهنگ ایرانی اسلامی به راه‌های گوناگون از قبیل تفأل به ستارگان، کتاب، طاس در رمل، جداول و دوایر در جفر، استخوان شانه گوسفند، فال کف دست آدمی، فال گیاهان، تفأل به پرندگان، فال نخود و غیره صورت می‌گرفته است که هر کدام از این شاخه‌ها دارای زوایا و ابعاد ویژه است و هریک حوزه گسترده‌ای را در پیش روی پژوهشگران و علاقه‌مندان به فرهنگ عامه، فراهم می‌نماید.



#### ۱- ادبیات پژوهش

لغت فال از ریشه عربی فال با همزه. شگون. ضد طیره، بمعنی نیک و بد هر دو استعمال نمایند. و علم فال؛ علمی است که بوسیله آن برخی از حوادث آینده دانسته می‌شود. و اینکار بوسیله تعبیر کلام مسموع یا گشودن قرآن یا کتب بزرگان مثل دیوان حافظ و مثنوی و نظایر آن که به تفأل شهرت دارد انجام می‌پذیرد. (لغتنامه دهخدا)

در این پژوهش تأکید بر تفأل به کتاب و متن است جایگاه قرآن در استخاره و آینده جویی و به نوعی تفأل با اندکی مسامحه در کاربرد معنا، از قرون اولیه ثابت بوده است و در

احادیث و روایات، قابل مشاهده است؛ اما این که به جز قرآن از کتاب دیگر نیز برای تَفْأَلِ استفاده می شده، دریچه ای جدید به روی ما می گشاید.

مطالعه در تاریخ فرهنگ مان‌شان می دهد که از قرون اولیه اسلامی، استفاده از کتابی به جز قرآن و استفاده از دواوین شعری نیز در تَفْأَلِ، مرسوم بوده است در کتاب *فرج بعد از شدت* ذکر بابی که اختصاص دارد به موضوع فال و تَفْأَلِ و نقل حکایاتی که شخصی یا جماعتی خواندن یا شنیدن آیه، مطلب یا شعری را به فال نیک گرفته اند و نوید نیل به مطلوب را از آن بشارت گرفته اند و ضمن آن حکایت در خصوص *ابن مقله*، ابوعلی محمد بن علی بن حسین (حسن) بن عبدالله شیرازی (۲۷۲-۳۲۸ قمری) ادیب، خوشنویس، مبتکر و مبدع خطوط مختلف و همچنین وزیر عباسیان را می آورد که در تنگنا و خوف و ناامیدی با شنیدن یک بیت شعر تَفْأَلِ به خیر می زند (*مروری بر سابقه تَفْأَلِ و تطییر و بازتآب آن در برخی تواریخ و متون ادب فارسی*، ۱۳۸۲ ش ص ۲۳)

«عوفی در *لباب الالباب* قطعه از پیغوملک نقل می کند که از دیوان سید حسن غزنوی برای فال استفاده کرده بود (تصحیح ادوارد براون، لندن، ۱۹۰۶، جلد اول، ص ۵۹) یا در *تاریخ میمنی* که از قول ابوالفتح بستی به هنگام تردد در حرکت آمده است: «کتابی با خویشتن داشتم بر سیل تَفْأَلِ باز کردم اول سطر صفحه آن بود که: و اذا انتهیت الی السلامه فی مداک فلا تجاوز؛ با خود گفتم فال از این صادق تر و جایی از این موافق تر ممکن نگردد». (*فالنامه*، ۱۳۸۳ ش ص ۷۷)

## ۲- پیشینه پژوهش

### ۲-۱- فال با رباعیات ابوسعید ابی الخیر

فال زدن به به آثار عرفانی همچون مثنوی، دیوان حافظ و آثاری از این دست نیز در بین اهل تصوف، جریان داشته است. اما اندک اندک تَفْأَلِ بر دیوان حافظ، عمومیت یافته و در بین تمام طبقات جامعه ایرانی رواج یافته است. فال با رباعیات ابوسعید نیز بنابر قرائن، ابتدا یک سنت خانقاهی بوده است. مرحوم ایرج افشار در مقاله ای ضمن استناد به نسخه منحصر به فرد موجود، فال رباعیات ابوسعید را پیش از دیوان حافظ معمول دانسته است.

«فالنامه های دیوان حافظ. تَفْأَلِ به کتب شعری مانند مثنوی که در کشف الظنون هم به آن اشارت رفته و رباعیات شیخ ابوسعید (نسخه خطی ۷۳۴۱ مرعشی قم) پیش از رواج

دیوان حافظ معمول بوده است» (فائزنامه، ۱۳۸۳ ش ص ۷۷)

## ۲-۲- خواص و فواید رباعیات ابوسعید

در خصوص رباعیات ابوسعید خواص و فوایدی از گذشته را باورد داشته اند. آنچنان که هر رباعی را دارای خاصیتی می پنداشتند و گاهی خواندن یک رباعی را موثر در برآورده شدن حاجتی خاص، قلمداد می کردند. آن راهمچون گوگرد احمر نایاب و در وصول سعادات و حصول مرادات، عمل روزی و تسخیر قلوب و سایر امور، دارای تأثیرات عظیم می دانستند. (نفیسی، ۱۳۳۴ ش ص ۴۰) رساله های متعددی در این باره وجود دارد:

رساله شماره ۱۲۹۶۲/۷ موجود در کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله مرعشی نجفی رحمته الله علیه به زبان فارسی از مؤلف ناشناخته مربوط به سده ۱۳ هـ ق می باشد (درایتی، ۱۳۸۹ ش، ص ۱۰۴۳، جلد ۴) رساله دیگر به شماره "۶۱۹۴/۲" معرفی شده در جلد "۱۶" فهرست همین کتابخانه موجود است که در این نسخه بخشی از خواص رباعیات ابوسعید آمده است. تاریخ کتابت این نسخه نیز مربوط به قرن سیزده می باشد. (حسینی اشکوری، ۱۳۶۹ ش ص ۱۹۳، جلد ۱۶) رساله ای در خصوص خواص رباعیات شیخ ابوسعید ابوالخیر به شماره ۱۰۷۹۰/۳ در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی قم نگهداری می شود در آن آورده شده است که «از برای رباعیات شیخ ابوالخیر که بنا به گفته گرد آورنده این خواص دارای اسم اعظم است خواصی ردیف کرده و شرایطی برای خواندن آن ها آورده است. تاریخ کتابت این نسخه نیز، دوشنبه ۲۵ رجمادی الاول سال ۱۲۹۰ درج گردیده است» (حسینی اشکوری، ۱۳۶۹ ش ص ۲۰۶، جلد ۲۷)

عنوان دیگری که بر رساله های منسوب به شیخ ابوسعید در این زمینه، نامگذاری شده است رساله های فواید است. رساله ای با عنوان «فواید رباعیات ابوسعید ابوالخیر» است این رساله به شماره ۱۴۹۳/۸ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی قم نگهداری می شود. در این رساله برای هر یک از رباعیات فواید مخصوص ذکر شده و گزارش دهنده در آغاز، آداب خواندن رباعیات را به اختصار آورده و مجموع آن ها را ۷۰ رباعی می داند. کتابت این رساله مربوط به سال ۱۲۵۶ ق است. (درایتی، ۱۳۸۹ ش ص ۱۱۶۸، جلد ۷) رساله ای دیگر با عنوان فواید رباعیات ابوسعید به شماره ۱۵۰۱/۱ در کتابخانه مرکز احیای میراث اسلامی نگهداری می شود که از نظر متن با رساله فوق اختلافاتی دارد تاریخ کتابت این رساله یکشنبه، ۳۰ شوال ۱۳۱۳

درج گردیده است. (درایتی، ۱۳۸۹ش ص. ۱۱۶۸، جلد ۷)

این ها همه بخشی از نسخه های موجود در زمینه خواص و فواید رباعیات شیخ ابوسعید است. بی شک رساله مورد پژوهش این تحقیق یعنی فال ابوسعید، ارتباط تنگاتنگ با رساله های فوق دارد، میزان ارتباط و تأثیر پذیری و یا حتی انطباق رساله فال ابوسعید با آثار فوق پژوهشی است که فراتر از این مقاله بوده و به مقاله ای دیگر، موکول می گردد.

### ۳- محدوده پژوهش

این پژوهش در محدوده نسخه های خطی موجود در کتابخانه ها و گنجینه های موجود نسخه های خطی صورت گرفته است. بنابراین در فهرست نسخه های خطی که از نسخه های ایران به طور جامع فراهم گردیده است و می تواند در بردارنده تمام آثار در این زمینه باشد یکی *فهرستواره دست نوشته های ایران (دنا)* تألیف مصطفی درایتی چاپ انتشارات کتابخانه و موزه و مجلس اسناد مجلس شورای اسلامی به چاپ رسیده است و اثر دیگر که به طور تفصیلی در این زمینه فراهم گردیده است *فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)* که از همان مؤلف و به همت انتشارات کتابخانه ملی ایران در تهران به چاپ رسیده است. افزون بر آن فهرست های تخصصی کتابخانه های خاص که در این تحقیق بیشتر مورد توجه بودند نیز مورد مراجعه قرار گرفته است.

### نسخه منحصر به فرد فال ابوسعید

نسخه منحصر به فرد از فالنامه ابوسعید، نسخه ای است در کتابخانه آیت الله مرعشی رحمته الله علیه قم با عنوان «فال رباعیات ابوسعید» به شماره ۷۳۴۱/۳ از گنجینه گرانبهای نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی که چنین معرفی شده است: «دستور فال گرفتن با رباعیات ابوسعید ابوالخیر و فواید هر یک از رباعی ها را با خود رباعی آورده است» (حسینی اشکوری، ۱۳۶۹ش ص. ۱۳۴)

با مراجعه به فهرست های دستنوشته های فارسی در ایران آشکار می گردد که در هیچ کتابخانه دیگری در ایران، نسخه شناخته شده ای از فال نامه ابوسعید وجود ندارد و نسخه فوق، تنها نسخه از این رساله است که در فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا) نیز معرفی گردیده است (درایتی، ۱۳۹۰ش ص. ۵۴۷)

۴- روش پژوهش

در این پژوهش ابتدا با شناسایی یک نسخه از رساله فال ابوسعید، کاوش برای یافتن نسخه های مشابه مورد توجه قرار گرفت. با بررسی های عمل آمده، آشکار گردید که تنها رساله موجود در این زمینه، همان رساله موجود در کتابخانه مرعشی رحمته الله علیه قم می باشد. آنگاه در راستای بررسی و شناسایی هرچه بیشتر رساله، پس از استتساخ از نسخه، مقوله تحقیق و تصحیح متن، با محوریت تبارشناسی رباعیات موجود و تطابق آن با کتاب های مشهور از رباعیات شیخ ابوسعید ابوالخیر مورد توجه قرار گرفت. اگرچه مبحث میزان صحت انتساب رباعیات موجود، همیشه مورد توجه پژوهشگران بوده است اما در این مقاله محوریت کار، بر این قرار گرفت تا آنچه که در این رساله به عنوان رباعیات ابوسعید معرفی گردیده است مورد تحقیق قرار گیرد و میزان مطابقت آن ها با مجموعه رباعیات شیخ ابوسعید آشکار گردد لذا در این راستا ابتدا برای هر یک از رباعیات به ترتیب، شماره ای قرار داده شد که در متن اصلی نسخه موجود نمی باشد و سپس منبع رباعی در آثار تحقیق شده، درج گردیده است.

با توجه به متأخر بودن این رساله نسبت به نسخه های تحقیق شده در رباعیات منسوب به ابوسعید و با عنایت به ظرفیت این مقاله در تصحیح متن، رباعی های موجود در این رساله، با ارجاع شماره و صفحه رباعی در نسخه منقح چاپی رباعیات شیخ ابوسعید ابی الخیر حذف گردید. (ابوالخیر، ۱۳۵۰ ش)

در خصوص تعدادی از رباعیات که در آثار منسوب به ابوسعید موجود نمی باشد با جست و جو در دیوان ها سرایندهگان آن، در ذیل هر رباعی، سراینده اصلی، داخل قلاب درج گردید و رباعی هایی که سراینده آن یافت نشد، با ذکر کلمه [ناشناخته] در ذیل آن ها به نام مشخص بودن شاعر آن، اشاره شده است.

۵- یافته های پژوهش

رساله فال ابوسعید

در این بخش مقاله، رساله فال ابوسعید که مشخصات آن در بخش های قبلی، تبیین

شد، به طور کامل آورده می شود





بسم الله الرحمن الرحيم

از خواص رباعیات قدوة المحققين قطب الملة والدين شيخ ابوسعید ابوالخیر قدس الله روحه آن است که هرکس به اعتقاد درست در حالت طهارت، روبه قبله نشسته، اول بیست و یک بار، صلوات بر روح مطهر پیغمبر ﷺ فرستد و یک بار فاتحه برای شیخ هدیه فرستد؛ بعد از آن به نحوی که خواص آن ها را برای هر مطلبی که نوشته شده به عدد آن بخواند: ان شاء الله عاجلاً و عاجلاً تأثیر خواهد کرد. فضیلت این رباعیات آن است که عدد اکثر از آن ها به عدد اسماء عظام مقابل فرمودند که تا سریع الاجابه باشد؛ البته می باید که به اعتقاد درست، مداومت نماید؛ انشاء الله اجابه خواهد شد.

«(( ۱ ))»

جهت محبت امرا و سلاطین، هر روزه، بیست بار بخواند: [رک: رباعی ۶۵۸ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ ش ص ۹۶)]

«(( ۲ ))»

جهت دفع آوارگی، هر روز، دوازده مرتبه بخواند: [رک: رباعی ۶۰۹ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ ش ص ۱۸۹)]

«(( ۳ ))»

جهت احضار مطلوب، چهل مرتبه بخواند: [رک: رباعی ۲ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ ش ص ۱۰)]

«(( ۴ ))»

جهت نصرت بر اعدا، سیزده بار بخواند: [رک: رباعی ۱۵۶ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ ش ص ۲۳)]

«(( ۵ ))»

جهت تب و لرز، سه مرتبه به یکنفس بخواند: [رک: رباعی ۱۴۶ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ ش ص ۲۲)]

«(( ۶ ))»

جهت اهل دل شدن، هشت بار بخواند: [رک: رباعی ۲۸۸ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ ش ص ۴۲)]

«((۷))»

جهت مغفرت و رزق، هشب بار بخواند: [رک: رباعی ۲۷۶ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۴۰)]

«((۸))»

جهت یافتن راه حق، هشت بار بخواند: [رک: رباعی ۲۴۷ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۳۶)]

«((۹))»

جهت محبت، پانزده مرتبه بخواند: [رک: رباعی ۳۳۷ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۴۹)]

«((۱۰))»

جهت طلب آمرزش گناه هشت مرتبه بخواند: [رک: رباعی ۳۶۱ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۵۲)]

«((۱۱))»

جهت دفع آزار چشم، هشت بار بخواند: [رک: رباعی ۵۹۹ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۸۸)]

«((۱۲))»

جهت توانگری، شش مرتبه بخواند: [رک: رباعی ۴۹۴ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۷۲)]

«((۱۳))»

جهت تسخیر مطلب، هشت مرتبه بخواند:

خواهد فلکش زود ز چشم تو ربود

هر صورت دلکش که تو را روی نمود

بودست همیشه با تو و خواهد بود

رودل به کسی ده که در اطوار وجود

[عزلی خلخال]

[قدیم ترین منبعی که این رباعی در آن، دیده شد، مجموعه رسایل عزلی خلخال]

است.. [عزلی خلخال، ۱۳۸۱ش ص. ۵۰۸]

«((۱۴))»

جهت توانگری، هشت بار بخواند: [رک: رباعی ۴۰۴ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۵۹)]

«((۱۵))»

جهت دفع دشمن و معزولی حاکم ظالم، هر روز، چهار صد و هشتاد مرتبه بخواند: [رک:

رباعی ۶۱۱ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۸۹)]

«((۱۶))»

جهت دفع دشمن قوی و خلاصی محبوس، شب جمعه، دو رکعت نماز حاجت بگذارد و صلوات فرستد و به قدر طاعت بخواند: [رک: رباعی ۱۲ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص ۲۰)]

«(( ( ۱۷ ) ))»

جهت دفع آزار ظالمان، چهل و چهار، بار بخواند:

آهی که ز سینه عزم شبگیر کند      هشدار که دست زور رازیر کند  
 زهار مزن بر دل ارباب وفا      چون شیشه شکست کار شمشیر کند  
 [ناشناخته]

«(( ( ۱۸ ) ))»

جهت تبدیل عداوت به دوستی، پانزده روز، چهار مرتبه بخواند: [رک: رباعی ۲۳۶ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص ۳۴)]

«(( ( ۱۹ ) ))»

جهت مطیع کردن دشمنان، یکصد و سیزده بار بخواند: [رک: رباعی ۵۶۵ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص ۸۳)]

«(( ( ۲۰ ) ))»

در وقت مقابله با دشمن، سه مرتبه بخواند، ظفر یابد: ... [رک: رباعی ۷۰ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص ۱۱)]

«(( ( ۲۱ ) ))»

جهت ادا یکدانه گندم به مسجد انداخته، هر روز جمعه، هزار بار، بر بام بخواند: ... [رک: رباعی ۶۲۸ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص ۹۲)]

«(( ( ۲۲ ) ))»

جهت آسانی کارها، دوازده شب، هر شب در میان، دوازده مرتبه بخواند: ... [رک: رباعی ۴۹۴ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص ۷۲)]

«(( ( ۲۳ ) ))»

جهت تنگی معیشت، بعد از نماز صبح، هر روز دوازده مرتبه بخواند: ... [رک: رباعی ۷ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص ۲۰)]

«(( ( ۲۴ ) ))»

به جهت دولت یافتن، هر شب، به عدد اسم خود بخواند که توانگر گردد:  
 ای عرش عظیم کمترین پایه تو شاهان جهان تمام در سایه تو  
 چون روی تو کرد جلوه دیدیم رسید از رحمت خاص و عام پیرایه تو  
 [ناشناخته]

((( ۲۵ )))

جهت درد دندان، هفت مرتبه بخواند وانگشت بردندان مالد: ... [رک: رباعی ۴۹۷  
 (ابوالخیر، ۱۳۵۰ ش ص ۷۲)]

((( ۲۶ )))

جهت نزول باران، چهارصد مرتبه بخواند: ... [رک: رباعی ۷۸ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ ش ص.  
 ۱۲)]

((( ۲۷ )))

جهت طلب معرفت بخواند که اجابت شود: ... [رک: رباعی ۶۳۳ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ ش ص.  
 ۹۳)]

((( ۲۸ )))

جهت دفع زهر مار و کژدم، سه دفعه، یک نفس بخواند و بر حوالی خود دمدم: ... [رک:  
 رباعی ۴۰۱ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ ش ص ۵۸)]

((( ۲۹ )))

جهت برآمدن حاجات، دو رکعت نماز کند و چهل مرتبه بخواند و سجده کند: ... [رک:  
 رباعی ۶۹۹ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ ش ص ۱۰۳)]

((( ۳۰ )))

جهت دفع درد سردوازه مرتبه بخواند:  
 از آتش دل سرمرا دود به سر وزدود که شد درد سر کرد مقر  
 یارب میسند آن که از این آتش و دود سرتاپا سوزم از پاتاسر  
 [ناشناخته]

((( ۳۱ )))

جهت دفع درد دل، مداومت نماید:

در مملکت وجود درمان از توست      آرام دل بی سرو سامان از توست  
 مارا به روان درد دل کاری نیست      درد از تو و دل از تو و درمان از توست  
 [ناشناخته]

«(( ۳۲ ))»

جهت دفع درد چشم، نوشته بر بندد:  
 دو مار و دو نیمه مار و دو نیمه مار      دو نار و دو نیمه نار و دو نیمه نار  
 دو زلف و دو زلفین و دو ابرو و دو خال      هریست مقید اند اندر رخ یار  
 [ناشناخته]

«(( ۳۳ ))»

جهت دولت، سیزده مرتبه بخواند: ... [رک: رباعی ۳۱۶ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ ش ص ۴۶).]

«(( ۳۴ ))»

جهت طلب فرزند، هر روز، ۵ بار بخواند:  
 ای از قلم وجود بر لوح عدم      تصویر مکونات را کرده رقم  
 از رحمت خود نامه سیاهی چو مرا      امید مکن به عزت لوح و قلم  
 [بابا افضل کاشانی]

این رباعی منسوب به بابا افضل است (سجادی، ۱۳۷۳ ش ص ۱۵۱۳) (فیضی، ۱۳۶۳ ش) (مروارید کرمانی و رباعیات سرگردان، ۱۳۷۶) (نفیسی، ۱۳۶۲)

«(( ۳۵ ))»

جهت دفع اندوه و غم، هر چند باشد بخواند:  
 یارب تو مرا به جان خود تسکین ده      اندوه مرا به خرمی تسکین ده  
 آن دم که رسد به مستحقان فیضت      زان فیض نصیبی به من مسکین ده  
 [ناشناخته]

«(( ۳۶ ))»

جهت خو گرفتن مطلوب، مداومت نماید:  
 مارا خواهی جمله حدیث ماکن      خو، با ماکن زدیگران خوواکن  
 مازیائیم یاد مازیماکن      مازیائیم یاد مازیماکن

[عارفی ناشناس]

[با ماتودودل مباحش دل یکتاکن (عارفی ناشناس) از کشکول شیخ بهایی دفتر دوم بخش اول قسمت اول (شیخ بهایی، ۱۳۸۸ش ص. ۳۸۲ جلدیک)]  
 «(( ۳۷ ))»

جهت نا امید نشدن از مطلب بخواند:  
 باصنع توهر مورچه رازی دارد  
 باشوق توهر سوخته سازی دارد  
 ای خالق ذوالجلال نومید مکن  
 آن راکه به درگهت نیازی دارد  
 [مناجات خواجه عبدالله انصاری]

«(( ۳۸ ))»

جهت حصول مرادات، هر روز ده بار بخواند: ... [رک: ایات پراکنده تگه ۷۰ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۱۱۹)]

«(( ۳۹ ))»

جهت کمال المال، هر روز یکبار بخواند:  
 یارب همه رابه حرمت بسم الله  
 دارم زبلاهای شب وروز نگاه  
 یارب همه ردین دم بازپسین  
 تعلیم ده کلمه الا الله  
 [ناشناخته]

«(( ۴۰ ))»

جهت عطوفت، مداومت بنماید:  
 این من نه تومن ز من توگشته نه تومن  
 من باتوتو بامن همچو حلوا و چوقند  
 ای من به تو چون من و ترازو همراه  
 یک من چوکسی شود بیا چاره من  
 [ناشناخته]

«(( ۴۱ ))»

جهت جرم هر روز هفت بار بخواند:  
 چون نامه جرم مابه هم پیچیدند  
 بردند به دیوان عمل سنجیدند  
 بیش از همگان گناه مابود  
 لیک ما رابه محبت علی ع بخشیدند

[رحمی تبریزی]

[این رباعی متعلق به رحمی تبریزی از شاعران سده دهم هجری است. (دولت آبادی، ۱۳۷۷ش ص. ۳۶۸ جلد یک)]

«(( (۴۲) ))»

جهت مغفرت گناهان بخواند:

هر کار ثواب راز خود بد کردیم      آن چیز که بد بود یکی صد کردیم  
چون عفو تو را زیاده از حد دیدیم      مانیز گنه زیاده از حد کردیم  
[ناشناخته]

«(( (۴۳) ))»

برای گشادی کار، هر روز، ده مرتبه بخواند:

کس در کف ایام چومن خوار مباد      محنت زده و غریب و بی یار مباد  
نه روزونه روزگار و نه یار و نه دل      کافر به چنین روز گرفتار مباد  
[عزیزالدین نسفی]

[رباعی فوق از عزیزالدین نسفی (م ۶۱۶ق) صاحب کشف الحقایق و منازل السائرین و کتاب مقصد الاقصی و غیره است (میرباقری فرد، ۱۳۷۹ش) و (برقی، ۱۳۸۴ش ص. ۳۶ جلد ۲)]

«(( (۴۴) ))»

جهت دفع غم، هفت مرتبه بخواند: ... [رک: رباعی ۴۵۲ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۶۶)]

«(( (۴۵) ))»

جهت غفران و عجز چهار مرتبه بخواند: ... [رک: رباعی ۴۰۲ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۵۸)]

«(( (۴۶) ))»

جهت ترقی هفت مرتبه بخواند: ... [رک: رباعی ۴۳۶ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۶۴)]

«(( (۴۷) ))»

جهت قضای حوایج، چهل و یک بار بخواند: ... [رک: رباعی ۵۲۳ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش

ص. ۷۶)]

«(( (۴۸) ))»

جهت وسعت رزق هر روز هفت بار بخواند: ... [رک: رباعی ۸۰ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۱۲)]  
 «(( ۴۹ ))»

جهت آموزش گناه، مداومت نماید: ... [رک: رباعی ۵۴۸ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۸۰)]  
 «(( ۵۰ ))»

جهت مغفرت مواظبت نماید: ... [رک: رباعی ۴۳۸ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۶۴)]  
 «(( ۵۱ ))»

جهت امید نعمت هر روز بخواند: ... [رک: رباعی ۵۸۷ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۸۶)]  
 «(( ۵۲ ))»

جهت درد دل پنج، بار بخواند: ... [رک: رباعی ۵۷۳ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۸۴)]  
 «(( ۵۳ ))»

جهت دفع دشمن هر روزه ده بار بخواند: ... [رک: رباعی ۲۷۷ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۴۰)]  
 «(( ۵۴ ))»

جهت بستن زبان دشمن، نود بار بخواند: ... [رک: رباعی ۳۳۵ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۴۹)]  
 «(( ۵۵ ))»

جهت دفع مضرت دشمنان بخواند: ... [رک: رباعی ۶۳۴ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۹۳)]  
 «(( ۵۶ ))»

جهت مرتبه یافتن نزد پادشاه، ده مرتبه بخواند: ... [رک: رباعی ۳۵۵ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۵۱)]  
 «(( ۵۷ ))»

جهت گشادن گره از کار بخواند: ... [رک: رباعی ۵۳۱ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۷۸)]  
 «(( ۵۸ ))»

جهت دفع درد و غم که غلبه کند، بخواند: ... [رک: رباعی ۱۷۹ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۲۶)]  
 «(( ۵۹ ))»

جهت فیروزی بردشمن بخواند: ... [رک: رباعی ۱۵۱ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۲۲)]  
 «(( ۶۰ ))»





جهت دفع ستمکاران، مداومت نماید: ... [رک: رباعی ۴۳۸ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۶۴)]

«(( ۶۱ ))»

جهت کام یافتن از مطالب بخواند::

تأثیر غم عشق تو بر گل نهم      بار غم توبه هیچ منزل نهم  
شرط است مرابا تو که تا جان باشد      جز داغ تو و داغ تو بر دل نهم  
[اسرار التوحید]

[این رباعی در اسرار التوحید تصحیح استاد دکتر شفیعی کدکنی در یکی از نسخه ها بدل ها درج گردیده است (محمد بن منور، ۱۳۸۶ش ص. ۳۹۸ جلد یک)]

«(( ۶۲ ))»

جهت دفع تب نوشته بر بازو بندد و هفت مرتبه بر بیمار خواند شفا یابد: ... [رک: رباعی ۵۷۹ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۸۵)]

«(( ۶۳ ))»

جهت برآمدن حاجات بخواند: ... [رک: رباعی ۷۰۳ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۱۰۳)]

«(( ۶۴ ))»

جهت درد چشم چهار مرتبه بر آب خوانده و چشم را به آن بشوید: ... [رک: رباعی ۲۶ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۴۰)]

«(( ۶۵ ))»

جهت کتمان اسرار و عفو گناهان پانزده بار بخواند: ... [رک: رباعی ۵۲۸ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۷۷)]

«(( ۶۶ ))»

جهت محبت، سه مرتبه بخواند: ... [رک: رباعی ۴۲۹ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۶۳)]

«(( ۶۷ ))»

جهت محبت در برابر هر کس سه بار بخواند محبت پیدا کند: ... [رک: رباعی ۱۰۹ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۱۶)]

«(( ۶۸ ))»

جهت دفع تب و نزول رحمت، «بسم الله» گوید و صلوات فرستد و دوازده بار بخواند:

...[رک: رباعی ۱۶۱ (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۲۴)]

«((۶۹))»

بعد از نماز صبح، تکلم نکرده بر کف دست راست، یک مرتبه بخواند: ...[رک: رباعی ۱۹۷

(ابوالخیر، ۱۳۵۰ش ص. ۲۹)]

«((۷۰))»

جهت رسیدن دویار به هم، سه بار بخواند: ...

[انجام نسخه]

### ۶- بررسی و تجزیه و تحلیل

۶-۱ عدم درج عبارت «فال» در اصل نسخه

این فال نامه از جهات مختلف قابل بحث و بررسی است. نخست این که در هیچ بخشی از رساله، عنوان «فال» و «فالنامه» درج و ثبت نشده است و از قراین برمی آید که گزارشگر نسخه، این عنوان را بر آن برگزیده باشد.

۶-۲- متأخر بودن نسخه فال ابوسعید

متأخر بودن نسخه و یافت نشدن نسخه های کهن و قابل اعتماد از آن، این گمان را قوی می گرداند که این فال نامه، فاقد اعتبار تاریخی بوده است و به گونه ای می تواند بر ساخته ای از باورهای صوفیان و عارفان و اهل طریقت در قرن های اخیر باشد.

۶-۳- عدم رعایت سنت تفأل در این رساله

عنوان فال و تفأل با معنی یک رخداد غیر قابل پیش بینی و وجود تصادف و اتفاق به همراه است. به عنوان مثال، فال گیرنده پس از رعایت مقدمات و آداب مربوطه، دیوان حافظ را به طور اتفاقی می گشاید و صفحه ای در پیش روی وی باز می شود؛ آنگاه غزل موجود در آن صفحه، مورد تفأل قرار می گیرد. وقتی پرنده ای از بین برگ ها، غزلی را برای درخواست کننده فال بیرون می آورد نیز پیش بینی در انتخاب غزل وجود ندارد. در رساله فال ابوسعید هیچ فرایند تصادف و اتفاق وجود ندارد. مخاطب پس از رعایت آداب وضو و ذکر، هر رباعی را باید به تعداد سفارش شده بخواند تا نتیجه ای که بر آن مترتب است برای او حاصل شود. این خصوصیت رساله را از فالنامه بودن خارج می گرداند و گمان قوی را برمی انگیزد که این نیز

رساله ای در گروه خواص و فواید رباعیات ابوسعید ابی الخیر باشد که قبلاً توضیح داده شد. البته کشف میزان انطباق و اختلاف این فال نامه، با رساله های فواید و خواص رباعیات نیاز به تحقیقی جداگانه دارد.

#### ۶-۴- ناقص بودن نسخه رساله فال ابوسعید

این نسخه ناتمام است و از انجام افتادگی دارد. از نظر نسخه شناسی وجود کلمه ای که در رکابه تمام صفحات نسخه ثبت گردیده است پیوستگی برگ ها را آشکار می سازد و وجود رکابه در برگه آخر این رساله، حاکی از آن است که این نسخه دارای برگ های بیشتری بوده است که در وضعیت موجود در بین برگ ها صحافی نشده و برگ ها ناقص می باشد. رساله موجود مشتمل بر ۶۹ رباعی می باشد؛ در آخر نسخه آمده است: « جهت رسیدن دو یار به هم، سه بار بخواند:» و پس از آن صفحه به اتمام رسیده و رساله، ناقص مانده است.

#### ۶-۵- نقد نظر مرحوم ایرج افشار در باره فال رباعیات ابوسعید

مرحوم ایرج افشار بر این نظر بودند که فال بر رباعیات شیخ ابوسعید پیش از رواج دیوان حافظ معمول بوده است. (فالنامه، ۱۳۸۳ش ص. ۷۷) در متن مقاله آنچه مورد استناد قرار داده اند همین رساله، فال ابوسعید است که در این مقاله مطرح شد و هیچ قرینه و دلیل و مدرک دیگری بر نظر خویش ارائه نمی دهند البته محتمل است که ایشان قراین دیگری را مد نظر داشته و بدان اشاره نفرموده اند؛ در هر صورت با توجه به مباحث فوق، رساله و نسخه فوق نمی تواند دال بر این باشد که فال ابوسعید قدمتی پیش از قرون متأخر داشته باشد و از سوی دیگر با توجه به این که اساساً نسخه فوق، رساله فال محسوب نمی شود بلکه رساله ای است مجزا اما در زمره رساله های مربوط به خواص و فواید رباعیات ابوسعید؛ لذا استناد به رساله فوق و برآورد و استنتاج این که فال گرفتن به اشعار ابوسعید پیش از حافظ، مرسوم بوده است نیاز به قرینه ای بسیار محکم تر دارد و محل تأمل می باشد.

#### ۶-۶- انتساب رباعی های جدید به ابوسعید

براهل فن پوشیده نیست که اساساً در این که آیا ابوسعید اصولاً صاحب رباعیاتی بوده است یا نه اختلافاتی وجود دارد و اجمالاً هر آنچه که امروزه به عنوان رباعیات ابوسعید در دسترس قرار دارد به عنوان اشعار منسوب به ابوسعید قلمداد می گردد که توسط کاتبان و نسخه پردازان در دوره های بعد فراهم گردیده و تحقیقاتی نیز در زمینه استخراج، احیا و

تصحیح و تحقیق در آنها به چاپ رسیده است. است (ابوالخیر، ۱۳۵۰ش) (کرمانی، و غیره، ۱۳۶۸ش). (آدمیت، ۱۳۸۷ش) (جوانبخت اول، و غیره، ۱۳۸۳ش)

با این حال در راستای تبارشناسی رباعیات موجود در نسخه فال نامه، برآن شدیم تا رباعیات موجود در این رساله را مورد ردیابی قرار دهیم. از مجموع ۶۹ رباعی های موجود در این رساله، ۱۵ رباعی با مجموعه رباعیات شیخ ابوسعید ابوالخیر مطابقت ندارد و متعلق به وی نیست. از این ۱۵ رباعی، ۵ رباعی، سرایندهان آن مشخص گردید. به ترتیب رباعی شماره ۱۳ متعلق به عزلتی خلخالی و رباعی شماره ۳۴ منسوب به بابا افضل و رباعی شماره ۳۶ در کشکول شیخ بهایی ذکر شده است که متعلق به عارفی ناشناس و رباعی ۳۷ متعلق به جامی و رباعی ۴۱ از رحمی تبریزی و رباعی شماره ۴۳ متعلق به عزیزالدین نسفی است. ۱۰ رباعی در رساله موجود در آثار منسوب به شیخ ابوسعید مشاهده نشده و سراینده آن نیز معلوم نشد. لازم به ذکر است که رباعی شماره ۳۸ از جهت وزن و ساختار نسبت به رباعیات دیگر دارای اختلاف می باشد و از بخش ایات پراکنده دیوان شیخ ابوسعید آورده شده است.

#### ۶-۷- اعداد مربوط به تکرار رباعی ها

از مباحث قابل توجه در این رساله اعداد مربوط دفعات خواندن هر یک از رباعی ها برای برآورده شدن حاجت ها می باشد. رابطه این اعداد و محتوا و حاجت جالب توجه است. یکی از دلایل انتخاب این اعداد، مقوله ارزش عددی حروف ابجد است که در برخی موارد در این رباعیات قابل مشاهده است. برای نمونه در رباعی اول خواسته شده است که مخاطب، رباعی را « جهت محبت امرا و سلاطین، ۲۰ بار بخواند» وقتی دقت می کنیم عدد ۲۰ از نظر ابجد معادل کلمه محبت است؛ به این ترتیب که در محاسبه اعداد حروف ابجد، «م»=۴، ح=۸، «ب»=۲ به خاطر مشدد بودن دوبار تلفظ می شود و پار دیگر «ب»=۲ و «ت»=۴ جمع این اعداد، عدد ۲۰ است. نمونه ای دیگر در رباعی شماره ۴ خواسته شده است که برای نصرت بر اعدا سیزده بار خوانده شود. از نظر حروف ابجد عدد ۱۳ معادل کلمه اعدا می باشد. به این ترتیب که «الف»=۱، «ع»=۷، «د»=۴، و «الف»=۱؛ جمع این اعداد عدد ۱۳ می باشد. البته این ارتباط عددی برای تمامی رباعی ها صادق نیست و یافتن دلایل دیگر انتخاب اعداد نیاز به پژوهش بیشتر دارد.

## نتیجه گیری

الف) در این پژوهش نسخه منحصر به فرد از رساله فال ابوسعید موجود در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی قم مورد تحقیق و تحلیل قرار گرفته است.

ب) در این رساله تعداد، ۱۰ رباعی که سرایندگان آن ناشناخته است، برای نخستین بار به عنوان رباعیات منسوب به ابوسعید معرفی گردیده است. که در آثار چاپ شده منتسب به ابوسعید وجود ندارد.

پ) در این رساله تعداد ۵ رباعی از دیگر شاعران شناخته شده به ابوسعید نسبت داده شده است؛ با پیگیری و پژوهش در آثار شاعران پارسی، مأخذ و منبع صحیح هریک از رباعی ها در ذیل آن درج گردید.

ت) با توجه به تحقیق های به عمل آمده این رساله نمی تواند مستند متقنی در اعلام نظر درباره رابطه فال و رباعیات ابوسعید باشد. چرا که این رساله در حقیقت رساله ای است از فواید و خواص رباعیات ابوسعید و نمی توان آن را رساله فال قلمداد کرد و به این ترتیب آراء و نظریاتی که مبتنی بر این رساله در باره فال رباعیات ابوسعید پیش از این ارائه گردیده است، باید مورد تردید و تجدید نظر قرار گیرد.

ث) این مقاله تنها بخشی از راه را طی کرده است و آن ترسیم روشن تری از موضوع پژوهش بر مبنای نسخه منحصر به فرد معرفی شده به عنوان رساله فال ابوسعید می باشد. و تحقیقات بعدی در باره جایگاه واقعی فال در رباعیات ابوسعید می بایست مبتنی بر اسناد جدید ادامه یابد.



- آدمیت، منوچهر ۱۳۸۷. ش. رباعیات ابوسعید ابی الخیر. تهران: کارآفرینان.
- برقعی، علی اکبر ۱۳۸۴. ش. راهنمای دانشوران در ضبط نام‌ها، نسب‌ها و نسبت‌ها. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- جوانبخت اول، جعفر؛ پرهیز جوان، مقصود ۱۳۸۳. ش. رباعیات منسوب به ابوسعید ابوالخیر. تهران: عابد،
- حسینی اشکوری، سید احمد ۱۳۶۹. ش. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی جلد ۱۹. چاپ اول. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی درایتی، مصطفی ۱۳۸۹. ش. فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا). تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی،
- درایتی، مصطفی ۱۳۹۰. ش. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) جلد بیست و سوم. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
- دولت‌آبادی، عزیز ۱۳۷۷. ش. سخنوران آذربایجان از قطران تا شهریار. تبریز: ستوده سجاد، سید جعفر ۱۳۷۳. ش. فرهنگ معارف اسلامی. تهران: کوشش
- شیخ بهایی، محمد بن حسین ۱۳۸۸. ش. کشکول. قم: صبح پیروزی
- عزلی خلخالی، ادهم ۱۳۸۱. ش. رسایل فارسی ادهم خلخالی مشتمل بر چهارده رساله در عرفان، عقاید و اخلاق و عرفان به تصحیح مهدی محقق. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی،
- فالنامه. افشار، ایرج ۱۳۸۳. ش. تهران، تابستان ۱۳۸۳، فرهنگ مردم، ص ۸۱-۷۶، سال سوم، شماره ۱۰.
- فیضی، مصطفی ۱۳۶۳. ش. دیوان حکیم افضل‌الدین کاشانی. تهران: زوّار.
- کرمانی، صابر، حماسیان، حسین؛ اقبال، جواد ۱۳۶۸. ش. رباعیات ابوسعید ابی الخیر. تهران: اقبال.
- محمد بن منور ۱۳۸۶. ش. اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابوسعید به تصحیح محمدرضا شفیعی کدکی. تهران: آگاه.
- مروارید کرمانی و رباعیات سرگردان. میرافضلی، سید علی ۱۳۷۶. آذر-اسفند ۱۳۷۶، نشریه معارف، ۲۴-۳۶، شماره ۳ دور چهاردهم.

مروری بر سابقہ تفأول و تطیرو بازتاب آن در برخی تواریخ و متون ادب فارسی  
حاکمی، اسماعیل ۱۳۸۲. ش. تهران: تابستان ۱۳۸۲ ش، نشریہ دانشکدہ ادبیات و علوم  
انسانی دانشگاه تهران، ۱۶۵، ص ۲۶-۱۷.  
میرباقری فرد، علی اصغر ۱۳۷۹. ش. زندگی و شخصیت عزیزالدین نسفی. بیان التنزیل.  
تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص ۱-۸۰.  
نفیسی، سعید ۱۳۶۲. رباعیات بابا افضل الدین کاشانی. چاپ دوم. تهران: فارابی.



MIRAS-E  
**SHAHAB**

The Journal of  
the Grand Library of Ayatollah Al-ūzmā Mar'ashi Najafi  
- The world Treasure of Islamic Manuscripts -

**Managing Director:** Dr. Seyed Mahmoud Mar'ashi Najafi

**Chief editor:** Abulfadhl-E Hafeziyān-E Babuli

**Typesetting and Layout:** *AliAsghar Kazemi*

**Address:** Ayatollah Marashi Najafi st.

Qom - 3715799473. I.R.IRAN

**Tel:** + 025 - 37741970- 8 , 37738264

**Fax:** + 025 - 37743637

[http:// WWW.Shahab-news.com](http://WWW.Shahab-news.com)

- **Miras-e Shahab**, covers the news of the Grand Library of Ayatollah Al-ūzmā Marashi Najafi, as well as the following issues:
  - To introduce Manuscripts of the Library.
  - To introduce the incunabuals kept in the Library.
  - To introduce the publications of the Library.
  - Reports from tours by Library's researchers.
  - Articles on Criticism and Authorship.
  - Articles on Librarianship and Bibliography.
  - Articles on introducing various Libraries.

- The use of the articles from this journal is permitted only if reference is made.
- The views presented in this journal are those of the authors.
- The received articles will be edited technically by the editorial board.
- **Miras-e shahab** is published quarterly at the end of each season.